

نظام اقتصادی اسلامی: زمینه

فرهنگی در اقتصاد جهانی

نویسندگان: محمد اویسی، علی عثمان اوزتورک، عمر خالد بهاتی و نازمه الاهی

ترجمه و تألیف: صمد زارعی ماسوری، سیدرسول عنبرزاده

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی.....	۱
مقدمه.....	۱
اهمیت مطالعه نظام اقتصادی اسلامی.....	۱
وضعیت سیستم اقتصادی.....	۲
اهداف نظام اقتصادی اسلامی.....	۲
ماهیت احکام اسلامی و ارتباط آن با اقتصاد.....	۳
دستور اسلامی و چارچوب اقتصادی.....	۳
ویژگی عدم الحرج در احکام اسلامی و تأثیر آن بر اقتصاد.....	۴
اصل تسهیل تکالیف و بهینه‌سازی بار اقتصادی در اسلام.....	۴
بنیاد اخلاقی رفتار اقتصادی.....	۶
نقش فرهنگ در اقتصاد رفتاری.....	۷
فلسفه اقتصادی اسلام و نقش نظام خلقت در اقتصاد.....	۷
اقتصاد متعارف و پارادوکس‌ها و معایب آن.....	۸
ضرورت و گستره اقتصاد اسلامی.....	۹
نقش ارزش‌های اخلاقی در تخصیص بهینه منابع.....	۹
عامل اقتصادی عقلایی.....	۱۰
پوزیتیویسم و اقتصاد اسلامی.....	۱۰
عدالت اقتصادی و مکانیسم توزیع ثروت در اسلام.....	۱۱
نقش توسعه در نظام اقتصادی اسلام.....	۱۱
شریعت و چارچوب‌بندی نظام اقتصادی اسلامی.....	۱۲
حدیث شریف و ابعاد اقتصادی آن.....	۱۲
نظام اقتصادی اسلامی در قرآن.....	۱۳
مسئولیت اجرای عدالت اقتصادی و نقش حدیث در تبیین آن.....	۱۳

۱۴.....	اصول یک نظام اقتصادی اسلامی مطلوب
۱۵.....	مقایسه نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی
۱۶.....	مقایسه جامع‌تر در جدول
۱۶.....	بانکداری اسلامی
۱۷.....	زکات در نگاه اقتصاد اسلامی
۱۷.....	اهداف و جایگاه زکات در اسلام
۱۷.....	تفاوت زکات و صدقه
۱۸.....	مخاطبان زکات
۱۸.....	زکات و منابع ثروت
۱۸.....	وقف؛ نهادی ماندگار برای خیروبرکت
۱۹.....	وقف؛ پشتیبان جامعه از عصر پیامبر تاکنون
۲۰.....	بیمه اسلامی (تکافل)
۲۰.....	اصول تکافل
۲۱.....	مقایسه تکافل با بیمه‌های سنتی
۲۱.....	الحسبه (دیوان محاسبات)
۲۲.....	نقش‌های اصلی الحسبه
۲۳.....	تأمین ثبات قیمت‌ها
۲۴.....	تأمین کیفیت کالاها
۲۴.....	نظارت بر دقت اندازه‌گیری و جلوگیری از تقلب در معاملات
۲۵.....	رهنمودهای اسلامی برای رفتار اقتصادی
۲۵.....	برابری اجتماعی
۲۶.....	مسئولیت اجتماعی
۲۶.....	تأمین اجتماعی
۲۷.....	اصول رفتاری اقتصادی
۲۷.....	اصول اعتدال

اصل مالکیت چندوجهی	۲۷
اصل آزادی اقتصادی در محدوده تعریف شده	۲۸
ارث	۲۸
زکات	۲۸
حکمرانی الهی	۲۹
مفهوم اعتماد و پاسخگویی	۲۹
نتیجه گیری فصل اول	۳۰
فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی	۳۱
مقدمه	۳۱
تحول اقتصاد جهانی در سایه هوش مصنوعی و فناوری های نوین	۳۲
فین تک اسلامی: تلفیقی از فناوری های نوین و اصول شریعت	۳۲
پتانسیل رو به رشد بازار خدمات مالی اسلامی و نقش فناوری های نوین	۳۳
فین تک اسلامی: تلفیقی از فناوری های نوین و اصول شریعت	۳۳
فین تک اسلامی: طیف گسترده ای از خدمات مالی مبتنی بر شریعت	۳۴
فین تک اسلامی: پاسخگویی به نیازهای مالی نسل جوان و ارتقای شمول مالی در عصر دیجیتال	۳۴
فین تک اسلامی: نوآوری در ارائه خدمات مالی شریعت محور و ارتقای شمول مالی	۳۴
تحول دیجیتال در فین تک اسلامی: نوآوری در ارائه خدمات بانکی و پرداخت های موبایلی شریعت محور	۳۵
بانکداری موبایلی اسلامی: بستری نوین برای افزایش شمول مالی و بهبود تجربه مشتری	۳۵
پلتفرم های جمع سپاری اسلامی	۳۶
انواع جمع سپاری	۳۷
رمز ارز و بلاکچین (فناوری دفتر کل توزیع شده [DLT])	۳۷
هوش مصنوعی و یادگیری ماشین	۳۸
RegTech و هوش مصنوعی: ابزارهای نوین برای نظارت بر انطباق در مالی اسلامی	۴۱
چالش ها و مسائل ناشی از هوش مصنوعی و فین تک	۴۲
تنظیم گری و انطباق در صنعت مالی اسلامی	۴۲

مسئله شفافیت تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی در صنعت مالی اسلامی.....	۴۲
جنبه‌های اخلاقی و دینی به‌کارگیری هوش مصنوعی در صنعت مالی اسلامی.....	۴۳
تهدیدات امنیت سایبری و حریم خصوصی داده‌ها.....	۴۳
سوءگیری داده‌ای و کیفیت داده‌ها.....	۴۴
موارد تأمین مالی بدون سابقه در قانون شریعت.....	۴۴
ساختار فناوری و مهارت‌های تخصصی.....	۴۵
نتیجه‌گیری فصل.....	۴۵
فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی.....	۴۷
مقدمه.....	۴۷
حکمرانی سازمانی اسلامی.....	۴۷
اصول حکمرانی سازمانی اسلامی.....	۴۸
ولی فقیه.....	۴۸
شور.....	۴۸
توحید.....	۴۹
تقوا.....	۴۹
اصل توازن.....	۴۹
مسئولیت‌پذیری و شفافیت.....	۵۰
تأثیر پابندی به شریعت بر حکمرانی سازمانی اسلامی.....	۵۱
مدل پیشنهادی حکمرانی سازمانی اسلامی: نقش و مسئولیت‌های هیئت مدیره.....	۵۱
مسئولیت‌های هیئت مدیره در حکمرانی سازمانی اسلامی.....	۵۲
رعایت شریعت.....	۵۲
جهت‌گیری استراتژیک.....	۵۲
مدیریت ریسک.....	۵۲
پاسخگویی و شفافیت.....	۵۳
تعامل با ذینفعان.....	۵۳

نظارت بر عملکرد.....	۵۳
بهبود مستمر.....	۵۴
اقتصاد اسلامی.....	۵۴
اصول اقتصاد اسلامی.....	۵۵
ممنوعیت ربا (بهره).....	۵۵
ممنوعیت تصرف (احتکار).....	۵۶
ممنوعیت مایسر (قمار).....	۵۶
زکات و رفاه اجتماعی.....	۵۷
مالکیت چندبعدی.....	۵۹
پرهیز از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های ممنوع.....	۶۰
ممنوعیت غَرَر.....	۶۰
ماهیت مبادله بر اساس روش‌های مالی اسلامی.....	۶۱
مضاربه.....	۶۱
مشارکت.....	۶۳
مرابحه.....	۶۳
اجاره.....	۶۴
استصناع.....	۶۴
بیع سلم.....	۶۵
ممنوعیت ربا (بهره) و تأثیر آن بر معاملات اقتصادی.....	۶۵
رابطه بین اقتصاد اسلامی و حکمرانی سازمانی اسلامی.....	۶۷
مفهوم اقتصاد اخلاقی اسلامی.....	۶۷
تأثیر اقتصاد اسلامی بر حکمرانی سازمانی و بالعکس.....	۶۸
محدودیت‌های حکمرانی سازمانی اسلامی و اقتصاد اسلامی.....	۶۹
چالش‌های پیاده‌سازی سیستم حکمرانی مبتنی بر شریعت.....	۶۹
راه‌های غلبه بر این مسائل.....	۶۹

فصل چهارم: توزیع ثروت در اسلام	۷۲
مقدمه	۷۲
توزیع ثروت در اسلام	۷۳
تأسیس یک سیستم اقتصادی عملی برای تقویت رشد پایدار و تضمین توزیع عادلانه منابع	۷۳
توانمندسازی افراد برای دریافت حقوق قانونی خود در نظام اسلامی توزیع ثروت	۷۴
ممانعت از تمرکز ثروت در اسلام	۷۴
حقوق اولیه بر عوامل تولید	۷۵
مخاطبان ثانویه توزیع ثروت در اسلام	۷۶
زکات: ستون دین و ابزار رفع فقر	۷۷
عشری	۷۷
کفاره	۷۸
صدقات فطر	۷۸
نفقه	۷۹
وراثت	۷۹
خراج و جزیه	۷۹
اهمیت انفاق در اسلام	۷۹
مدیریت پدیده تکدی‌گری و ارتقای عدالت اجتماعی	۸۰
ممنوعیت ربا و تأثیر آن بر توزیع ثروت	۸۱
ممنوعیت ربا در اسلام و تأثیر آن	۸۱
نتیجه‌گیری	۸۲
فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی	۸۳
مقدمه	۸۳
حکمرانی سازمانی	۸۳
معاملات اسلامی	۸۳
انواع معاملات اسلامی: رویکردی جامع	۸۴

۸۴.....	مراجعة
۸۵.....	مضاربه
۸۵.....	ویژگی‌های کلیدی مضاربه
۸۵.....	مشارکت
۸۶.....	ویژگی‌های کلیدی مشارکت
۸۶.....	مزایای مشارکت
۸۶.....	محدودیت‌های مشارکت
۸۷.....	سلام
۸۷.....	استصناع (Istisnaa)
۸۷.....	صکوک (Sukuk)
۸۸.....	تکافل (Takaful)
۸۸.....	وقف (Waqf)
۸۸.....	قرض الحسنه
۸۹.....	اصول و مبانی معاملات اسلامی
۸۹.....	ممنوعیت ربا (بهره)
۸۹.....	ممنوعیت غرر (عدم اطمینان)
۸۹.....	ممنوعیت حرام (ممنوع)
۹۰.....	پایبندی به حلال (مجاز)
۹۰.....	اصول و مبانی معاملات اسلامی
۹۰.....	ممنوعیت ربا (بهره)
۹۰.....	ممنوعیت غرر (عدم اطمینان)
۹۱.....	ممنوعیت حرام (ممنوع)
۹۱.....	پایبندی به حلال (مجاز)
۹۱.....	ممنوعیت میسر (قمار)
۹۲.....	ممنوعیت ربا الفضل (غصب مال دیگران)

۹۲.....	پایبندی به قراردادهای
۹۲.....	تأکید بر انصاف و عدالت
۹۲.....	نحوه انجام معاملات اسلامی توسط کسب و کارها- اصول حکمرانی سازمانی
۹۲.....	شناسایی سهامداران
۹۳.....	منافع ذینفعان
۹۳.....	مسئولیت‌های هیئت مدیره باید به وضوح مشخص شود.
۹۳.....	رفتار اخلاقی
۹۴.....	شفافیت کسب و کار
۹۴.....	معاملات اسلامی مطابق با اصول حکمرانی سازمانی
۹۵.....	ممنوعیت ربا (بهره)
۹۵.....	ممنوعیت غرر (عدم قطعیت)
۹۵.....	ممنوعیت فعالیت‌های حرام
۹۶.....	ممنوعیت ربا الفضل
۹۶.....	پایبندی به قراردادهای
۹۶.....	سیستم مالی متعارف: ریشه‌های بهره‌وری و چالش‌های آن
۹۷.....	مزایای سیستم مالی متعارف
۹۷.....	چالش‌های سیستم مالی متعارف
۹۷.....	جایگزین‌های سیستم مالی متعارف
۹۸.....	عیوب سیستم متعارف
۹۸.....	بدهی مبتنی بر بهره: زنجیره‌ای که اقتصاد را می‌بندد.
۹۸.....	نابرابری و تمرکز ثروت
۹۹.....	عدم ثبات و ریسک‌های سیستماتیک
۹۹.....	تمرکز کوتاه‌مدت
۹۹.....	عدم توجه به اخلاق
۱۰۰.....	گمانه‌زنی و بی‌ثباتی مالی

- ۱۰۰ چگونه معاملات اسلامی عیوب سیستم‌های متعارف را کنترل می‌کنند؟
- ۱۰۱ تفاوت بین سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی
- ۱۰۱ نقش فناوری مالی (Fintech) در سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی
- ۱۰۲ تنوع بخش‌ها و صنایع در فناوری مالی
- ۱۰۲ ارز دیجیتال، توکن‌های دیجیتال و ارز رمزنگاری‌شده (مانند بیت‌کوین)
- ۱۰۳ Insurtech
- ۱۰۳ Regtech
- ۱۰۳ مشاوران رباتیک (Robo-advisors)
- ۱۰۴ خدمات تحت پوشش بانکی و بدون پوشش بانکی
- ۱۰۴ امنیت سایبری
- ۱۰۵ فناوری مالی اسلامی
- ۱۰۶ چگونه فین‌تک اسلامی با فین‌تک معمولی متفاوت است؟
- ۱۰۶ نتیجه‌گیری
- ۱۰۷ فصل ششم: حکمرانی سازمانی و فین‌تک
- ۱۰۷ مقدمه
- ۱۰۷ مالی اجتماعی چیست؟
- ۱۰۷ مالی اجتماعی اسلامی چیست؟
- ۱۰۸ ابزارهای مالی اجتماعی اسلامی
- ۱۰۸ زکات (صدقه واجب)
- ۱۰۹ صدقه
- ۱۰۹ قرض‌الحسنه (وام بدون بهره)
- ۱۱۰ بهره‌برداری از فین‌تک اسلامی برای تأثیر اجتماعی
- ۱۱۰ فین‌تک و فین‌تک اسلامی
- ۱۱۰ فین‌تک اسلامی و مالی اجتماعی اسلامی
- ۱۱۱ کاربرد فین‌تک اسلامی: مدیریت زکات

۱. خودکارسازی و محاسبه ۱۱۱
۲. جمع‌آوری و توزیع ۱۱۱
۳. شفافیت و پاسخگویی ۱۱۱
۴. شمول مالی ۱۱۲
- توسعه پلتفرم‌های وقف ۱۱۲
- جمع‌آوری و مدیریت صدقات ۱۱۳
- قرض الحسنه ۱۱۳
- حکمرانی سازمانی اسلامی ۱۱۴
- اصل تصمیم‌گیری در حکمرانی سازمانی اسلامی ۱۱۴
- دلایل تصمیم‌گیری مشورتی ۱۱۵
- برای چه کسی ۱۱۵
- با چه چیزی و برای چه کسی ۱۱۶
- حکمرانی سازمانی اسلامی در مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی ۱۱۷
- یکپارچگی حکمرانی سازمانی اسلامی در تأمین مالی اجتماعی اسلامی ۱۱۸
- شفافیت ۱۱۸
- مسئولیت‌پذیری ۱۱۸
- عدالت ۱۱۹
- تصمیم‌گیری اخلاقی ۱۱۹
- روش‌های حکمرانی سازمانی اسلامی در مؤسسات مالی اسلامی ۱۱۹
- ذینفعان متعدد ۱۱۹
- تنوع فقهی و مالی اسلامی ۱۲۰
- مکاتب فقهی مختلف و محصولات مالی اسلامی ۱۲۱
- روش‌های فعلی شرکت‌ها و کشورها برای حل چالش‌ها ۱۲۱
- نیاز به رعایت شریعت ۱۲۱
- تجمع در اطراف استانداردهای خاص ۱۲۱

تلاش برای همسو کردن استانداردهای بین‌المللی با اصول اسلامی.....	۱۲۲
توصیه‌هایی برای تقویت مداوم حکمرانی سازمانی.....	۱۲۲
مکان مناسب برای رسیدگی به اختلافات.....	۱۲۳
نتیجه‌گیری.....	۱۲۳
فصل هفتم: نظام اقتصادی تطبیقی.....	۱۲۵
سرمایه‌داری.....	۱۲۵
سرمایه داری.....	۱۲۵
سرمایه داری و دین.....	۱۲۵
اصول بنیادی سرمایه‌داری.....	۱۲۶
سوسیالیسم.....	۱۲۶
تفاوت‌های اصلی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری.....	۱۲۷
سوسیالیسم و کارایی اقتصادی.....	۱۲۷
سوسیالیسم و دین.....	۱۲۸
فرضیه‌های اساسی سوسیالیسم.....	۱۲۸
مقایسه چشم‌انداز اقتصادی: کشورهای در حال توسعه در مقابل کشورهای توسعه‌یافته.....	۱۲۹
پاکستان: یک کشور در حال توسعه.....	۱۳۱
پاکستان: امیدی برای پیشرفت.....	۱۳۲
چین: یک اقتصاد در حال توسعه با رشد سریع.....	۱۳۲
قطر.....	۱۳۳
ترکیه.....	۱۳۳
کویت: کشوری ثروتمند با اقتصاد اسلامی.....	۱۳۴
سیستم اسلامی.....	۱۳۴
مقایسه سرمایه‌داری، سوسیالیسم و نظام اسلامی.....	۱۳۴
فصل هشتم: رویکرد اسلامی به مسائل اقتصادی معاصر.....	۱۳۵
مقدمه: اقتصاد اسلامی.....	۱۳۵

- بیکاری و تورم: چالش‌های اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم ۱۳۶
- تحول تکنولوژیکی و تأثیرات آن بر انسان‌ها ۱۳۶
- پتانسیل اقتصادی ۱۳۷
- حکمرانی مصرف‌کننده ۱۳۷
- سیاست‌گذاری عمومی ۱۳۸
- اقتصاد اسلامی و چالش‌های بشری ۱۳۹
- نیاز فوری به ارائه اقتصاد اسلامی ۱۳۹
- اقتصاد اسلامی باید به‌گونه‌ای نوشته و ارائه شود که بتواند به چالش‌های بشری پاسخ دهد. داده‌های حاصل باید توسط بشریت و نه تنها توسط افرادی که دین را دنبال می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. اقتصاددان اسلامی می‌تواند راهکارهای خوبی برای مشکلات اقتصادی جهان ارائه دهد. ۱۳۹
- شراکت‌های غیرقانونی: پیامدها بر سیستم اقتصادی اسلامی ۱۳۹
- معاملات غیرقانونی در شراکت ۱۳۹
- در هر نوع شراکتی، هر طرف کنترل و نفوذ خاصی در تصمیم‌گیری دارد. همه شرکا باید مطلع باشند و معمولاً هنگام تصمیم‌گیری مهم نظر داشته باشند. بنابراین، اگر یکی از شرکا بدون رضایت شریک دیگر وارد معامله شود، این عمل نقض همکاری تلقی خواهد شد و بنابراین غیرقانونی تلقی خواهد شد. ۱۴۰
- مثال‌هایی از معاملات غیرقانونی در شراکت ۱۴۰
- انحلال یا توقف فعالیت ۱۴۰
- پیامدهای شراکت‌های غیرقانونی بر اقتصاد پاکستان ۱۴۰
- شراکت‌های غیرقانونی: محدودیت‌ها و پیامدها ۱۴۰
- اقدامات اصلاحی برای معاملات غیرقانونی در یک کسب‌وکار ۱۴۰
- تأثیرات شراکت‌های غیرقانونی بر اقتصاد پاکستان ۱۴۱
- قاچاق مواد مخدر و انسان در پاکستان ۱۴۱
- قاچاق مواد مخدر ۱۴۱
- قاچاق انسان و مهاجران ۱۴۲
- قاچاق اسلحه در پاکستان ۱۴۲
- چگونگی شکل‌گیری قاچاق اسلحه در پاکستان ۱۴۲

۱۴۳	 قاجاق چوب در پاکستان
۱۴۳	 مسیر پول: قاجاق و تأثیر بر اقتصاد جهانی
۱۴۳	 جریان پول غیرقانونی
۱۴۴	 اقدامات پاکستان برای مبارزه با پولشویی
۱۴۵	 فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری
۱۴۵	 تاریخچه اقتصاد اسلامی
۱۴۵	 اهمیت اقتصاد اسلامی
۱۴۶	 کاربردهای جهانی اقتصاد اسلامی
۱۴۶	 کشورهایی که اصول اقتصاد اسلامی را اتخاذ کرده‌اند
۱۴۶	 مالزی
۱۴۶	 عربستان سعودی
۱۴۶	 امارات متحده عربی
۱۴۷	 پاکستان
۱۴۷	 بانک جهانی و رشد بانکداری اسلامی
۱۴۷	 بانک جهانی
۱۴۷	 رشد صنعت بانکداری اسلامی
۱۴۸	 نسبت فعلی اقتصاد اسلامی
۱۴۸	 بررسی اندازه و دامنه اقتصاد اسلامی
۱۴۸	 مقایسه اقتصاد اسلامی با اقتصاد سنتی
۱۴۸	 اقتصاد اسلامی در برابر اقتصاد سنتی
۱۴۹	 اقتصاد اسلامی در بخش بانکداری
۱۴۹	 تاریخچه بانکداری اسلامی
۱۴۹	 بانکداری اسلامی: اصول و عملکرد
۱۵۰	 درک شیوه‌های بانکداری اسلامی
۱۵۱	 مقایسه بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی

بانک‌های اسلامی چگونه درآمد کسب می‌کنند؟	۱۵۱
خلاصه: بانکداری اسلامی	۱۵۲
نمونه‌هایی از مؤسسات بانکداری اسلامی و خدمات آن‌ها	۱۵۲
تأثیر قابل توجه اقتصاد اسلامی بر عموم مردم	۱۵۳
مقایسه اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری	۱۵۴
خلاصه و چشم‌انداز اقتصاد اسلامی در پاکستان	۱۵۵
وضعیت فعلی اقتصاد اسلامی در پاکستان	۱۵۵
وام صندوق بین‌المللی پول	۱۵۶
خلاصه: وام‌های صندوق بین‌المللی پول و اقتصاد اسلامی	۱۵۶
چالش‌ها و مسیرهای آینده اقتصاد اسلامی	۱۵۶
آموزش و آگاهی‌رسانی در مورد اقتصاد اسلامی	۱۵۷
همکاری و مشارکت در اقتصاد اسلامی	۱۵۷
نتیجه‌گیری	۱۵۷
جمع‌بندی: اقتصاد اسلامی، جایگزینی برای سیستم مالی متعارف	۱۵۸
فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی	۱۵۹
مقدمه	۱۵۹
محتوا تاریخی و مذهبی	۱۵۹
منبع مالی اسلامی	۱۶۰
اهداف سیستم اقتصادی اسلامی	۱۶۰
سیستم‌های اقتصادی	۱۶۱
سوسیالیسم	۱۶۱
کاپیتالیسم	۱۶۱
کاپیتالیسم	۱۶۲
اقتصاد مختلط	۱۶۲
سیستم اقتصادی اسلامی	۱۶۲

۱۶۲	 اصول سیستم اقتصادی اسلامی
۱۶۳	 کاربردهای سیستم اقتصادی اسلامی
۱۶۳	 صنعت حلال
۱۶۴	 میکرو مالی مبتنی بر وقف
۱۶۴	 روندهای آتی شکل دهنده سیستم اقتصادی اسلامی
۱۶۴	 مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی
۱۶۵	 عدم قطعیت اقتصادی جهانی
۱۶۵	 چشم انداز کلی
۱۶۵	 چالش ها / موانع در اجرای سیستم اقتصادی اسلامی
۱۶۵	 منافع اقتصادی
۱۶۶	 کمبود زیر ساخت
۱۶۶	 درک جهانی
۱۶۶	 چگونه موانع / چالش ها را در سیستم اقتصادی اسلامی برطرف کنیم؟
۱۶۶	 آموزش و آگاهی
۱۶۶	 اصلاحات سیاسی
۱۶۷	 توسعه اقتصادی
۱۶۷	 همکاری های بین المللی
۱۶۷	 مشارکت بخش خصوصی
۱۶۷	 چگونه با به کارگیری حکمرانی سازمانی اسلامی بر این موانع غلبه کنیم؟
۱۶۷	 افزایش شفافیت
۱۶۸	 ترویج مسئولیت پذیری
۱۶۸	 سیستم اقتصادی اسلامی
۱۶۸	 تشویق مشارکت ذینفعان
۱۶۸	 ترویج رفتار اخلاقی
۱۶۸	 تفاوت بین سیستم بانکداری اسلامی و متعارف

چرا بانک‌های سنتی رایج‌تر هستند؟.....	۱۶۹
نمونه‌ای از یک سیستم بانکداری سنتی: پاکستان.....	۱۶۹
نتیجه‌گیری: اهداف سیستم اقتصادی اسلامی.....	۱۶۹
توصیه‌ها و پیشنهادات.....	۱۷۰
فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی.....	۱۷۱
مقدمه در اقتصاد اسلامی.....	۱۷۱
بهترین مردم (آیه قرآنی).....	۱۷۱
اخلاق کسب و کار.....	۱۷۲
رقابت بازار.....	۱۷۲
رقابت کامل.....	۱۷۲
انحصار و نقصان‌های بازار.....	۱۷۳
مقررات بازار.....	۱۷۳
سیاست‌های ضد انحصار.....	۱۷۴
معاملات ممنوعه.....	۱۷۴
اصل قرارداد فروش.....	۱۷۵
ارکان قراردادهای فروش.....	۱۷۵
طرف‌های قرارداد.....	۱۷۵
موضوع قرارداد.....	۱۷۵
فرضیات اقتصادی اسلامی.....	۱۷۶
ماهیت انسان.....	۱۷۶
تحلیل اقتصادی غربی و اسلامی.....	۱۷۷
مادی‌گرایی.....	۱۷۷
مادی‌گرایی در قرآن.....	۱۷۷
مالکیت.....	۱۷۸
جهان‌شمولی (یونیورسالیسم) در اسلام.....	۱۷۹

نتیجه‌گیری.....	۱۸۰
نظریه مصرف و تقاضا در پرتو اسلام.....	۱۸۱
نظریه تقاضا.....	۱۸۱
رفتار مصرف‌کننده مدرن.....	۱۸۲
عوامل برون‌زا.....	۱۸۳
تأثیر ثروت و درآمد بر عرضه و تقاضا.....	۱۸۳
تأثیر فناوری.....	۱۸۳
کمبود مطلق در مقابل کمبود نسبی.....	۱۸۳
حکمرانی مصرف‌کننده و محدودیت‌ها.....	۱۸۴
تحلیل مفهوم عقلانیت.....	۱۸۴
حداکثر کردن سود در مقابل ترویج رفاه.....	۱۸۴
ترویج رفاه.....	۱۸۵
منابع.....	۱۸۶

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

مقدمه

اقتصاد اسلامی، شاخه‌ای از دانش اقتصاد است که با تلفیق اصول اسلامی و مبانی اقتصادی، به مطالعه و تحلیل مسائل مالی و پولی می‌پردازد. این رشته علمی، بر پایه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی اسلام و باهدف تحقق عدالت، رشد و توسعه پایدار اقتصادی در جامعه اسلامی شکل گرفته است. سیستم اقتصادی اسلام، با تأکید بر مالکیت خصوصی مشروط و انفاق، به دنبال ایجاد تعادل بین منافع فردی و اجتماعی است. در این سیستم، مبادلات اقتصادی باید عادلانه، شفاف و مبتنی بر قراردادهای اسلامی مانند بیع، اجاره و مشارکت باشد. همچنین، ربا، غرر (عدم قطعیت)، غبن (فریب) و احتکار از جمله معاملات حرام و ممنوع در اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند.

اقتصاد اسلامی با نگاهی فراتر از جنبه‌های مادی اقتصاد، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی است. این نظام اقتصادی، با تأکید بر اهمیت عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری‌ها را از اهداف اصلی خود می‌داند. نهادهای مالی اسلامی همچون بانکداری و بیمه نیز بر اساس اصول شرعی فعالیت کرده و نقش مهمی در تحقق این اهداف ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، بنگاه‌های اقتصادی در اقتصاد اسلامی مسئولیت اجتماعی دارند و موظف به کمک به جامعه هستند. در مجموع، اقتصاد اسلامی با ارائه راهکارهای نوین و انعطاف‌پذیر، به دنبال ایجاد توسعه‌ای پایدار و عدالت‌محور است و می‌تواند الگویی مناسب برای سایر نظام‌های اقتصادی باشد.

اهمیت مطالعه نظام اقتصادی اسلامی

درک عمیق از نظام اقتصادی، به‌ویژه در چارچوب اسلام، برای تحقق سعادت دنیوی و اخروی انسان ضروری است. ساختار اقتصادی حاکم بر یک جامعه، نه تنها بر رفاه مادی افراد بلکه بر ثبات اجتماعی، کاهش اختلافات و تقویت همبستگی اجتماعی نیز تأثیرگذار است. اسلام به‌عنوان یک دین جامع، به‌تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله اقتصاد توجه کرده است. شریعت اسلامی، مجموعه‌ای از قوانین و احکام الهی است که در تمامی جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان راهنمایی می‌کند. اقتصاد اسلامی نیز به‌عنوان بخشی از شریعت، به دنبال ایجاد نظامی اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر اصول اخلاقی است.

مطالعه نظام اقتصادی اسلامی، با تبیین اهدافی چون عدالت اجتماعی، رشد پایدار و توزیع عادلانه ثروت، به ما در درک ماهیت و جایگاه اقتصاد در زندگی انسان کمک شایانی می‌کند. این مطالعه با تبیین اصول و قواعد حاکم بر معاملات اقتصادی همچون ربا، غرر و غبن و معرفی نهادهای مالی اسلامی نظیر بانکداری و بیمه، چارچوب جامعی برای تحلیل و ارزیابی عملکرد اقتصادی ارائه می‌دهد. همچنین، اقتصاد اسلامی با ارائه راهکارهای مبتنی بر اصول شرعی برای چالش‌های اقتصادی معاصر، از جمله بحران‌های مالی و نابرابری، به‌عنوان یک الگوی جایگزین برای نظام‌های اقتصادی

موجود مطرح می‌شود. در نهایت، مطالعه این نظام به ما امکان می‌دهد تا با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، به بهبود وضعیت اقتصادی جوامع اسلامی و ارتقای سطح رفاه و عدالت اجتماعی کمک کنیم.

وضعیت سیستم اقتصادی

اسلام، برخلاف برداشت محدود برخی در جوامع غیراسلامی که آن را صرفاً به‌عنوان یک نظام اعتقادی شخصی در نظر می‌گیرند، دیدگاهی جامع و فراگیر نسبت به زندگی و جهان دارد. اقتصاد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی این نظام، بر پایه سه رکن اساسی استوار است: اولاً، پایه اعتقادی که با تأثیر بر روان و رفتار فردی، بنیان‌های اخلاقی اقتصاد اسلامی را شکل می‌دهد. ثانیاً، پایه اخلاقی که با اعمال محدودیت‌های معنوی و اخلاقی بر رفتار انسان، به ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی کمک می‌کند. ثالثاً، پایه قانونی که با وضع قوانین و مقررات اسلامی، رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان را در حوزه اقتصادی هدایت و کنترل می‌کند. در واقع، اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک نظام اقتصادی جامع، ابعاد مختلف زندگی اقتصادی از جمله تولید، توزیع، مصرف و سرمایه‌گذاری را با توجه به اصول و ارزش‌های اسلامی تنظیم می‌کند و به دنبال ایجاد تعادل بین منافع فردی و اجتماعی است.

شریعت اسلامی، با اتخاذ رویکردی جامع و فراگیر، به موضوع کسب درآمد و فعالیت‌های اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته و آن را در چارچوب ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی قرار می‌دهد. برخلاف نظام‌های اقتصادی رایج که غالباً فعالیت‌های اقتصادی را از ارزش‌های اخلاقی جدا می‌دانند یا به اقتصاد به‌عنوان هدفی غایی می‌نگرند، اسلام تعادلی بین ابعاد مادی و معنوی زندگی برقرار می‌کند. در نظام اقتصادی اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی نه تنها باید به رشد اقتصادی و بهبود رفاه مادی منجر شود، بلکه باید با اصول اخلاقی همچون عدالت، صداقت، امانت‌داری و کمک به نیازمندان نیز همسو باشد. این نظام با تعریف مفاهیمی همچون زکات، خمس، قرض‌الحسنه و محدودیت‌هایی بر فعالیت‌های اقتصادی ربوی، تلاش می‌کند تا توزیع ثروت را عادلانه کرده و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری کند. همچنین، با تأکید بر اهمیت خانواده و جامعه، شریعت اسلامی به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار است که در آن منافع فردی و اجتماعی در تعادل باشند. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی، اقتصاد را نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار برای کسب ثروت، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف متعالی انسانی و اجتماعی می‌نگرد.

اهداف نظام اقتصادی اسلامی

اهداف نظام اقتصادی اسلامی ریشه در فلسفه حقوقی اسلام داشته و فراتر از مقتضیات زمان و مکان خاص است. این اهداف که از طریق اجتهاد مستقل قابل‌شناسایی و تدوین هستند، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی هستند. از جمله مهم‌ترین اهداف این نظام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولاً، تأمین حداقل استاندارد زندگی برای تمامی افراد جامعه و رفع فقر و محرومیت؛ ثانیاً، دستیابی به استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به اقتصاد جهانی؛ ثالثاً، ایجاد مازاد تولید و ثروت ملی برای تأمین هزینه‌های عمومی و توسعه زیرساخت‌ها؛ و

چهارم، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت بین اعضای جامعه. در واقع، نظام اقتصادی اسلامی به دنبال ایجاد تعادلی بین رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی است و با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی اسلامی همچون زکات، خمس و قرض‌الحسنه، به دنبال کاهش شکاف طبقاتی و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار محروم جامعه است. این نظام باتوجه‌به شرایط زمانی و مکانی و با استفاده از روش‌های اجتهادی، به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای تحقق اهداف خود است.

ماهیت احکام اسلامی و ارتباط آن با اقتصاد

احکام اسلامی، در معنای گسترده خود، مجموعه قوانین و مقرراتی هستند که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را در بر می‌گیرد. این احکام که ریشه در وحی الهی دارند، نه تنها جنبه‌های عبادتی و اخلاقی را شامل می‌شوند، بلکه بر حوزه‌های اقتصادی نیز تأثیرگذار هستند. در واقع، اقتصاد اسلامی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از شریعت اسلامی، چارچوب کلی برای فعالیت‌های اقتصادی و مالی مسلمانان را فراهم می‌آورد.

احکام اسلامی در حوزه اقتصاد، باهدف ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تدوین شده‌اند. این احکام، با تعیین قوانین و مقررات مشخص در زمینه مالکیت، معاملات، تولید، توزیع و مصرف، به دنبال تنظیم روابط اقتصادی بین افراد جامعه و ایجاد تعادل بین منافع فردی و اجتماعی هستند. از سوی دیگر، احکام اسلامی با تأکید بر مفاهیمی همچون عدالت، برابری، همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به دنبال کاهش نابرابری‌ها و ایجاد یک جامعه مبتنی بر همبستگی و تعاون هستند. در این راستا، احکام اسلامی با تعیین حدود و ثغور فعالیت‌های اقتصادی، از جمله منع ربا، احتکار و غبن، به دنبال ایجاد یک بازار رقابتی سالم و عادلانه هستند. همچنین، با تأکید بر اهمیت زکات، خمس و وقف، به دنبال ایجاد یک نظام حمایتی برای نیازمندان و تقویت روحیه‌بخشش و ایثار در جامعه هستند. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی با ارائه یک چشم‌انداز جامع و فراگیر از اقتصاد، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی است که در آن، رفاه و سعادت همه افراد جامعه تأمین شود و درعین‌حال، ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز حفظ گردد.

دستور اسلامی و چارچوب اقتصادی

دستور اسلامی، به‌عنوان مجموعه قوانین و مقرراتی که از سوی خداوند وحی شده، تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را در بر می‌گیرد. این دستورالعمل‌ها که ریشه در قرآن و سنت پیامبر اسلام دارند، چارچوبی جامع برای تنظیم روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی فراهم می‌کنند. در حوزه اقتصاد، احکام اسلامی باهدف ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی تدوین شده‌اند. این احکام، با تعیین قوانین مشخص در زمینه مالکیت، معاملات، تولید، توزیع و مصرف، به دنبال تنظیم روابط اقتصادی بین افراد جامعه و ایجاد تعادل بین منافع فردی و اجتماعی هستند. از سوی دیگر، احکام اسلامی با تأکید بر مفاهیمی همچون عدالت، برابری، همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به دنبال کاهش نابرابری‌ها و ایجاد یک جامعه مبتنی بر همبستگی و تعاون هستند. در این

راستا، احکام اسلامی با تعیین حدود و ثغور فعالیت‌های اقتصادی، از جمله منع ربا، احتکار و غبن، به دنبال ایجاد یک بازار رقابتی سالم و عادلانه هستند. همچنین، با تأکید بر اهمیت زکات، خمس و وقف، به دنبال ایجاد یک نظام حمایتی برای نیازمندان و تقویت روحیه بخشش و ایثار در جامعه هستند. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی با ارائه یک چشم‌انداز جامع و فراگیر از اقتصاد، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی است که در آن، رفاه و سعادت همه افراد جامعه تأمین شود و در عین حال، ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز حفظ گردد.

ویژگی عدم الحرج در احکام اسلامی و تأثیر آن بر اقتصاد

یکی از ویژگی‌های بارز احکام اسلامی، اصل عدم الحرج یا عدم تحمیل سختی بر افراد است. این ویژگی، ریشه در رحمت و مهربانی خداوند دارد و به معنای آن است که تکالیف دینی و اجتماعی نباید به گونه‌ای باشند که انسان را از انجام وظایف خود باز دارند یا به او آسیب برسانند. این اصل در حوزه اقتصاد نیز نمود پیدا می‌کند و به معنای آن است که قوانین و مقررات اقتصادی نباید به گونه‌ای باشند که موجب تنگدستی، محرومیت یا ایجاد فشار اقتصادی بر افراد شوند. در واقع، اصل عدم الحرج در اقتصاد اسلامی، به عنوان یک اصل راهنما، به دنبال ایجاد تعادل بین اهداف اقتصادی و عدالت اجتماعی است. این اصل، با منع اعمال فشارهای اقتصادی بی‌جا بر افراد، به رشد و توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کند. همچنین، با توجه به شرایط مختلف افراد و جوامع، این اصل به فقها اجازه می‌دهد تا در فتواهای خود، به تفاوت‌های فردی و اجتماعی توجه کرده و احکام اسلامی را به گونه‌ای تفسیر کنند که بیشترین تناسب را با شرایط زمان و مکان داشته باشد. از سوی دیگر، اصل عدم الحرج در اقتصاد اسلامی، به معنای آن نیست که افراد از تلاش و کوشش در امر معاش معاف هستند. بلکه به معنای آن است که تکالیف اقتصادی باید به گونه‌ای تعریف شوند که با توانایی‌های افراد تناسب داشته باشد و از ایجاد فشارهای روانی و اجتماعی بر آن‌ها جلوگیری شود. در نتیجه، این اصل، به ایجاد یک جامعه پویا و فعال اقتصادی کمک می‌کند که در آن، افراد با انگیزه و تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی خود و جامعه تلاش می‌کنند.

اصل تسهیل تکالیف و بهینه‌سازی بار اقتصادی در اسلام

یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی، اصل تسهیل تکالیف یا عدم الحرج است که به معنای عدم تحمیل بار سنگین و غیرقابل تحمل بر مکلفین است. این اصل در حوزه اقتصاد اسلامی نیز کاربرد گسترده‌ای داشته و به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی است که ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، به رفاه و آسایش انسان‌ها نیز توجه داشته باشد. در واقع، اسلام به دنبال ایجاد تعادلی بین تکالیف دینی و نیازهای مادی انسان است و از تحمیل بارهای سنگین اقتصادی که منجر به تنگدستی و محرومیت شود، جلوگیری می‌نماید.

اصل عدم الحرج یا تسهیل تکالیف، یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی است که در حوزه اقتصاد نیز نمود بارزی دارد. این اصل به معنای آن است که تکالیف اقتصادی نباید به گونه‌ای باشند که توانایی مالی افراد را فراتر رفته و موجب

تنگدستی و محرومیت آن‌ها گردد. اسلام باتوجه‌به شرایط مختلف اقتصادی افراد و جوامع، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی پویا و منعطف است که در آن، احکام اقتصادی با درنظرگرفتن مصالح و مفاسد هر حکم و با تأکید بر ملاک‌ها و مقاصد شریعت، به گونه‌ای تفسیر و اجرا شوند که بیشترین تناسب را با شرایط زمان و مکان داشته باشد.

اصل عدم الحرج در اقتصاد اسلامی به این معناست که تکالیف مالی بر اساس توانایی مالی افراد تعیین می‌شود. به‌عنوان مثال، در تعیین میزان زکات، خمس و سایر تکالیف مالی، اسلام به توانایی مالی مکلفین توجه کرده و از تحمیل بارهای سنگین بر فقرا و مستمندان خودداری می‌کند. این رویکرد نشان از توجه اسلام به عدالت اقتصادی و جلوگیری از ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه دارد.

یکی از ویژگی‌های برجسته فقه اقتصادی اسلام، انعطاف‌پذیری احکام آن است. به این معنا که احکام اقتصادی اسلام باتوجه‌به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع، قابلیت تفسیر و تطبیق دارند. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که احکام اقتصادی اسلام، همواره با نیازهای روزافزون جوامع همسو بوده و کارآمدی خود را حفظ کنند. به عبارت دیگر، اسلام با درنظرگرفتن شرایط مختلف زمانی و مکانی، احکامی را وضع کرده است که بتواند در طول تاریخ و در جوامع مختلف، به‌عنوان یک نظام اقتصادی پویا و پاسخگو عمل کند.

در اسلام، احکام اقتصادی بر اساس اصل مصالح و مفاسد وضع شده‌اند. به این معنا که فقها و عالمان دینی در تعیین احکام اقتصادی، همواره به نتایج و پیامدهای هر حکم توجه می‌کنند و حکمی را برمی‌گزینند که بیشترین منفعت و کمترین ضرر را برای جامعه و افراد آن در پی داشته باشد. به عبارت ساده‌تر، هر حکمی که به بهبود وضعیت اقتصادی جامعه، افزایش رفاه مردم و ایجاد عدالت اقتصادی کمک کند، بر حکمی که موجب زیان، فساد و تضعیف اقتصاد شود، ترجیح داده می‌شود.

در اسلام، فهم و تفسیر احکام اقتصادی، همواره باتوجه‌به اهداف کلی و مقاصد شریعت صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، احکامی که به تحقق عدالت اجتماعی، برابری، رفاه عمومی و رشد پایدار اقتصادی کمک کنند، در اولویت قرار دارند. این رویکرد نشان می‌دهد که اقتصاد در اسلام تنها به ابعاد مادی زندگی محدود نمی‌شود، بلکه با سایر ابعاد زندگی انسان، از جمله عدالت و معنویت، در ارتباط تنگاتنگ است. در مجموع، اصل عدم الحرج و انعطاف‌پذیری احکام اقتصادی در اسلام، به این نظام اقتصادی اجازه می‌دهد تا با شرایط مختلف زمانی و مکانی سازگار شده و همواره پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. این ویژگی نه تنها به حفظ عدالت اقتصادی کمک می‌کند، بلکه به رشد و توسعه پایدار جوامع اسلامی نیز منجر می‌شود. به‌عنوان مثال، در مورد حکم سنگسار برای زنا، فقها باتوجه‌به اصل عدم الحرج، شرایط مختلفی را برای اجرای این حکم در نظر گرفته‌اند و در مواردی که اجرای این حکم به ضرر جامعه یا فرد باشد، از آن صرف‌نظر کرده‌اند. همچنین، در تعیین میزان زکات، فقها به شرایط اقتصادی جامعه و توانایی مالی افراد توجه کرده و در صورت نیاز، میزان زکات را کاهش داده‌اند. اصل تسهیل تکالیف در اقتصاد اسلامی، به‌عنوان یک اصل راهنما، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی پویا و کارآمد است که در آن، نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها به‌صورت متوازن تأمین شود. این اصل، با منع اعمال فشارهای اقتصادی بی‌جا بر افراد، به رشد و توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کند و از ایجاد شکاف طبقاتی و نابرابری‌های اقتصادی جلوگیری می‌نماید.

تعیین تدریجی قانون در اسلام به این معناست که اجرای کامل و بدون نقص قوانین الهی ممکن است در همه زمان‌ها و مکان‌ها امکان‌پذیر نباشد، چرا که شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی گوناگون، موانعی بر سر راه اجرای کامل شریعت ایجاد می‌کنند. با این وجود، به دلیل ماهیت الهی قوانین اسلامی، مسلمانان موظف‌اند برای اجرای آن‌ها تلاش کنند. این اصل، یعنی تلاش برای اجرای قوانین الهی در شرایط مختلف، پل ارتباطی بین آرمان‌های دینی و واقعیت‌های اجتماعی است.

بنیاد اخلاقی رفتار اقتصادی

بنیاد اخلاقی رفتار اقتصادی، در اندیشه اسلامی، بر مبنای اعتقادات دینی و اخلاقی استوار است که به عنوان محرکی قوی برای توسعه و عملکرد صحیح نظام اقتصادی عمل می‌نماید. در این نگاه، موفقیت اقتصادی جامعه‌ای بیش از هر عامل دیگری به باورهای اخلاقی حاکم بر آن جامعه بستگی دارد. اخلاق اسلامی با تأکید بر ارزش‌هایی همچون امانت‌داری، عدالت، صداقت و پرهیز از ربا و احتکار، فضایی از اعتماد و اطمینان را فراهم می‌آورد که به عنوان پیش‌نیاز توسعه اقتصادی پایدار قلمداد می‌شود. در این نظام، افراد نه تنها به دلیل ترس از مجازات‌های دنیوی و اخروی، بلکه به دلیل پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، به تعهدات خود عمل می‌کنند. این امر موجب تقویت روابط اجتماعی و کاهش هزینه‌های نظارتی در اقتصاد می‌شود. همچنین، اخلاق اسلامی با تأکید بر مسئولیت اجتماعی و کمک به نیازمندان، به کاهش نابرابری‌ها و ایجاد جامعه‌ای عادلانه کمک می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت که اخلاق اسلامی به عنوان یک نظام ارزشی جامع، نقش اساسی در ایجاد و حفظ یک اقتصاد پویا و پایدار ایفا می‌نماید.

فلسفه اخلاق به دو دیدگاه اصلی تقسیم می‌شود: نتیجه‌گرایی و غیر نتیجه‌گرایی. نتیجه‌گرایان معتقدند که خوب یا بد بودن یک عمل به نتایج آن بستگی دارد، به این معنا که عملی خوب است که نتایج خوبی در پی داشته باشد. در مقابل، غیر نتیجه‌گرایان بر این باورند که خوب یا بد بودن یک عمل به خود عمل و نیت انجام‌دهنده آن بستگی دارد، صرف‌نظر از نتایج آن. به عبارت دیگر، برخی اعمال به خودی خود خوب یا بد هستند، حتی اگر نتایج متفاوتی به همراه داشته باشند. این دو دیدگاه در طول تاریخ فلسفه اخلاق مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. وقتی بسیاری از افراد به این اصل اخلاقی پایبند باشند که اعتماد به دیگران، مگر در شرایط بسیار استثنایی، غیرمنطقی نیست، جامعه‌ای با اعتماد بالا شکل می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای، افراد با اطمینان بیشتری با یکدیگر معامله می‌کنند، حتی با کسانی که آن‌ها را نمی‌شناسند. نهادهای اجتماعی مانند سیستم قضایی و مؤسسات مالی به صورت کارآمدتری عمل می‌کنند و هزینه‌های مربوط به نظارت و کنترل کاهش می‌یابد. همچنین، شرکت‌ها می‌توانند با ریسک‌پذیری بیشتر و نوآوری‌های بیشتر رشد کنند. در واقع، اعتماد بالا به عنوان یک سرمایه اجتماعی، باعث افزایش کارایی اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی می‌شود.

نقش فرهنگ در اقتصاد رفتاری

برای ایجاد یک سیستم اقتصادی کارآمد و پایدار، علاوه بر مکانیسم‌های بازار و نهادهای قانونی، به یک چارچوب اخلاقی قدرتمند نیز نیاز است. در واقع، بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تحت تأثیر عواملی غیر از عقلانیت صرف و سود فردی است. اینجاست که نقش فرهنگ به عنوان یک عامل تعیین کننده در رفتار اقتصادی افراد برجسته می‌شود.

فرهنگ با تعریف هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مشترک، به عنوان یک مکانیسم خودتنظیمی عمل می‌کند و می‌تواند بر تصمیمات اقتصادی افراد تأثیر بگذارد. برای مثال، فرهنگ می‌تواند بر میزان اعتماد بین افراد، تمایل به همکاری و رقابت، نگرش نسبت به ریسک و آینده‌نگری تأثیرگذار باشد.

یکی از چالش‌های اصلی در اقتصاد رفتاری، مسئله "گيرافتادن در عقلانیت" است. این بدان معناست که افراد اغلب به جای اتخاذ تصمیمات بلندمدت و پایدار، تصمیماتی می‌گیرند که در کوتاه‌مدت منافع بیشتری برای آن‌ها داشته باشد، حتی اگر این تصمیمات به ضرر جامعه باشد. فرهنگ می‌تواند با ایجاد هنجارهای اجتماعی قوی، این مسئله را تا حدودی حل کند و افراد را به سمت تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و مسئولانه سوق دهد. در واقع، فرهنگ به عنوان یک سرمایه اجتماعی عمل می‌کند و می‌تواند بر بهره‌وری اقتصادی، نوآوری و رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. جوامعی که دارای فرهنگ قوی و مبتنی بر اعتماد هستند، معمولاً دارای نهادهای قوی‌تر، هزینه‌های معاملاتی کمتر و رشد اقتصادی پایدارتری هستند.

فلسفه اقتصادی اسلام و نقش نظام خلقت در اقتصاد

در اندیشه اسلامی، خداوند به عنوان خالق و مالک مطلق همه چیز، نظام هستی را بر اساس حکمت و عدل آفریده است. طبیعت، به عنوان اموال عمومی و امانتی الهی، در اختیار انسان قرار گرفته است تا با استفاده صحیح از آن، به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. این دیدگاه، زیربنای فلسفه اقتصادی اسلام را تشکیل می‌دهد و به انسان‌ها مسئولیت مدیریت منابع طبیعی و اقتصادی را محول می‌کند. بر اساس این دیدگاه، انسان به عنوان خلیفه الله در زمین، موظف است از منابع طبیعی به گونه‌ای استفاده کند که هم نیازهای خود و نسل‌های آینده را برآورده سازد و هم به حفظ تعادل محیط‌زیست کمک کند. این امر مستلزم رعایت اصول اخلاقی و شرعی در فعالیت‌های اقتصادی است.

فلسفه اقتصادی اسلام بر این مبنا استوار است که تمامی منابع و ثروت‌ها متعلق به خداوند بوده و انسان‌ها تنها امانت‌دار آن‌ها هستند. عدالت اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌ها، و محدودیت مالکیت خصوصی به نیازهای فرد و جامعه از جمله اصول کلیدی این فلسفه هستند. همچنین، مسئولیت اجتماعی، حلال و حرام بودن کسب، اهمیت کار و تلاش، و موااسات و پرهیز از اسراف از دیگر ارزش‌های اقتصادی در اسلام به شمار می‌آیند. در واقع، اقتصاد اسلامی به دنبال ایجاد تعادل بین نیازهای مادی و معنوی انسان، و همچنین تضمین عدالت و رفاه برای همه اعضای جامعه است.

در اندیشه اسلامی، ارزش‌ها و اهداف اقتصادی در یک سلسله‌مراتب مشخص قرار می‌گیرند. این سلسله‌مراتب نشان می‌دهد که ارزش‌های معنوی و اخلاقی، همچون رابطه انسان با خالق و جامعه، بر ارزش‌های مادی و اقتصادی، از جمله فعالیت‌های تجاری و پولی، تقدم دارند. به عبارت دیگر، در اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی باید در خدمت اهداف عالی‌تر معنوی و اجتماعی بوده و به گونه‌ای طراحی شوند که با ارزش‌های اخلاقی سازگار باشند. این بدان معناست که در این نظام، سودآوری صرف به عنوان تنها هدف اقتصادی تلقی نشده و عوامل دیگری همچون عدالت، برابری و رفاه اجتماعی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند.

اسلام با تأکید بر اصل توحید و خاستگاه واحد انسان، برابری ذاتی همه افراد را اعلام می‌دارد. این برابری صرف‌نظر از تفاوت‌های ظاهری همچون نژاد، رنگ پوست، زبان و ملیت، بر پایه ارزش‌های اخلاقی استوار است. از دیدگاه اسلام، تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی نباید مانع از تحقق عدالت و برابری شود. در واقع، نظام اقتصادی اسلامی بر اساس اصل تعاون و همکاری متقابل بنا شده است و هدف آن تأمین رفاه و آسایش همه افراد جامعه است. در این نظام، ثروت به عنوان یک نعمت الهی تلقی می‌شود که باید عادلانه توزیع شود و در خدمت رفع نیازهای جامعه قرار گیرد. همچنین، اسلام به اهمیت توسعه سرمایه انسانی و افزایش بهره‌وری تأکید دارد، چراکه اعتقاد دارد انسان مهم‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای است. در نتیجه، سیاست‌ها و قوانین اقتصادی در اسلام باید به گونه‌ای طراحی شوند که به رشد و توسعه همه‌جانبه انسان کمک کنند و زمینه را برای ایجاد یک جامعه عادلانه و برابر فراهم آورند.

اقتصاد متعارف و پارادوکس‌ها و معایب آن

اقتصاد متعارف، با تمرکز بر مدل‌های ریاضی و فرضیه‌های ساده‌سازی شده، در تبیین کامل پیچیدگی‌های اقتصاد و ارائه راهکارهای جامع برای مشکلات اقتصادی ناکام مانده است. رویکرد سکولار و مادی‌گرایانه این نظریه، با نادیده گرفتن عوامل غیرقابل اندازه‌گیری همچون اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، دیدگاهی ناقص از رفتار اقتصادی انسان ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، انسان صرفاً به عنوان یک عامل اقتصادی عمل‌گرا و سودجو در نظر گرفته می‌شود که تنها به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی است. این رویکرد، ضمن نادیده گرفتن نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در تصمیم‌گیری اقتصادی، به توزیع نابرابر ثروت و افزایش شکاف‌های اجتماعی دامن می‌زند. در نتیجه، اقتصاد متعارف در ارائه راهکارهایی برای مسائل پیچیده و چندوجهی همچون نابرابری، فقر، بیکاری و بحران‌های مالی ناتوان بوده و نیاز به رویکردهای جامع‌تر و فراگیرتر احساس می‌شود.

اقتصاد متعارف، با تمرکز بر فردگرایی، سوداگری و رشد اقتصادی نامحدود، نتوانسته است به طور کامل به نیازهای انسان و جامعه پاسخ دهد. این رویکرد، با نادیده گرفتن ابعاد معنوی، اخلاقی و اجتماعی انسان، به ایجاد نابرابری، بی‌عدالتی و بی‌ثباتی در نظام اقتصادی منجر شده است. اقتصاد متعارف، با تمرکز بر ابعاد مالی و فردگرایی، اغلب از نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی در رفتار اقتصادی غافل می‌شود. این رویکرد، با نادیده گرفتن نهادهایی همچون خانواده، جامعه و دولت، به طور کامل قادر به تبیین رفتار اقتصادی انسان نیست. در واقع، اقتصاد متعارف اغلب به دنبال ساده‌سازی بیش از حد پدیده‌های اقتصادی است و از این رو، نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های دنیای واقعی باشد.

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی، در مقابل، با تأکید بر عدالت، برابری، تعاون و رشد متوازن، رویکردی جامع و انسان‌محور به اقتصاد ارائه می‌دهد. در این دیدگاه، اقتصاد ابزاری برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی انسان است و باید در خدمت تحقق اهداف شریعت قرار گیرد. اقتصاد اسلامی، با رویکردی جامع و انسان‌محور، تفاوت‌های بنیادینی با اقتصاد متعارف دارد. درحالی‌که اقتصاد متعارف بر فردگرایی، سوداگری و رشد اقتصادی نامحدود تمرکز دارد، اقتصاد اسلامی بر عدالت، برابری، تعاون و رشد متوازن تأکید می‌کند. در این نظام اقتصادی، مالکیت فردی در چارچوب مسئولیت اجتماعی تعریف شده و مبادلات تجاری باید عادلانه، شفاف و مبتنی بر رضایت طرفین باشد. همچنین، بهره‌برداری از ربا حرام بوده و جایگزین‌هایی مانند مشارکت در سود و زیان پیشنهاد می‌شود. اقتصاد اسلامی، با تأکید بر توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر، به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن کرامت انسانی و ارزش کار مورد احترام باشد. به طور خلاصه، اقتصاد اسلامی با ارائه یک چارچوب اخلاقی و ارزش‌محور، می‌تواند راهکارهای پایدارتری برای چالش‌های اقتصادی و اجتماعی ارائه داده و به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها کمک کند.

ضرورت و گستره اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی، با رویکردی جامع و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در سال‌های اخیر شاهد رشد و توسعه چشمگیر بوده است. درحالی‌که اقتصاد متعارف به ریشه‌های پیشامدرن خود بازمی‌گردد، اقتصاد اسلامی همواره بر اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی تأکید داشته است. این نظام اقتصادی، با نفی سکولاریسم و بی‌طرفی ارزشی، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی است.

اقتصاد اسلامی، ضمن حفظ نهاد مالکیت خصوصی، بر مسئولیت اجتماعی مالکان تأکید می‌کند. این نظام اقتصادی، با تشخیص نقش بازار در تخصیص کارآمد منابع، به دنبال ایجاد تعادلی بین بازار و عدالت اجتماعی است. در اقتصاد اسلامی، رقابت صرفاً به‌عنوان یک مکانیزم اقتصادی تلقی نمی‌شود، بلکه باید در چارچوب ارزش‌های اسلامی و به نفع جامعه هدایت شود.

از دیدگاه اقتصاد اسلامی، هدف اصلی اقتصاد، تأمین رفاه و عدالت برای همه اعضای جامعه است. برای تحقق این هدف، اقتصاد اسلامی بر نقش یکپارچه ارزش‌ها، بازار، خانواده، جامعه و حکومت خوب تأکید می‌کند. این رویکرد جامع، با تأکید بر برادری انسانی و عدالت اقتصادی، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است.

نقش ارزش‌های اخلاقی در تخصیص بهینه منابع

اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف هر دو با مسئله تخصیص بهینه منابع در چارچوب یک سیستم اقتصادی مواجه هستند. هر دو سیستم به دنبال برآوردن نیازهای مادی جامعه هستند. با این حال، اقتصاد اسلامی به طور مشخص بر اهمیت ابعاد معنوی و اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌کند.

هر دو نظام اقتصادی، نقش مکانیزم بازار را در تخصیص کارآمد منابع به رسمیت می‌شناسند. اما اقتصاد اسلامی معتقد است که مکانیزم بازار به‌تنهایی نمی‌تواند به توزیع عادلانه منابع و رفاه اجتماعی منجر شود. این نگرانی به دلیل گرایش بازار به تقویت نابرابری و تمرکز ثروت در دست اقلیت است. در صورت غلبه فردگرایی و سودجویی، بازار ممکن است منجر به بهره‌برداری از منابع کمیاب توسط گروه‌های قدرتمند به زیان اکثریت جامعه شود.

اقتصاد اسلامی، با تأکید بر ارزش‌هایی همچون عدالت، برابری، تقوا و فداکاری، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی است که در آن رفاه جمعی بر منافع فردی اولویت داشته باشد. این نظام اقتصادی، ضمن پذیرش نقش بازار، به دنبال مکانیزم‌هایی برای تعدیل اثرات نامطلوب بازار و ایجاد تعادل بین کارایی اقتصادی و عدالت اجتماعی است. مفاهیمی مانند زکات، خمس و وقف، به‌عنوان ابزارهای توزیع مجدد ثروت و کاهش نابرابری، در این نظام اقتصادی نقش محوری ایفا می‌کنند.

عامل اقتصادی عقلایی

در نظریه اقتصادی، به‌ویژه در مکتب نئوکلاسیک، فردی که تصمیمات اقتصادی خود را بر اساس اصول عقلانیت می‌گیرد، عامل اقتصادی عقلایی نامیده می‌شود. اگرچه همه بر اهمیت عقلانیت در رفتار اقتصادی تأکید دارند، اما تعاریف متعددی از عقلانیت ارائه شده است. با این حال، در اکثر موارد، عقلانیت به معنای انتخاب بهترین گزینه موجود برای حداکثرسازی سودمندی فردی و اجتماعی است.

اقتصاد نئوکلاسیک که یکی از مهم‌ترین رویکردها در علم اقتصاد است، تعریف جامعی از عقلانیت ارائه نمی‌دهد. در این مکتب، عقلانیت به معنای حداکثرسازی سودمندی فردی است که معمولاً از طریق افزایش ثروت و رفع نیازها محقق می‌شود. به عبارتی دیگر، در اقتصاد نئوکلاسیک، افراد به‌عنوان انسان اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند که هدف اصلی آنها کسب حداکثر منفعت شخصی است.

یکی از مفروضات کلیدی در اقتصاد نئوکلاسیک، فردگرایی است. در این دیدگاه، جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد خودخواه در نظر گرفته می‌شود که هر فرد به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی خود است. این دیدگاه، مشابه نیروی گرانش در فیزیک، به‌عنوان یک نیروی محرکه ذاتی در رفتار اقتصادی انسان تلقی می‌شود.

پوزیتیویسم و اقتصاد اسلامی

در حوزه اقتصاد، رویکرد پوزیتیویستی به دنبال ارائه تحلیل‌های عینی و بی‌طرف از پدیده‌های اقتصادی است. پوزیتیویست‌ها بر این باورند که اقتصاددانان باید از ارزش‌گذاری‌های شخصی و اخلاقی پرهیز کنند و صرفاً به بررسی روابط علت و معلولی بین متغیرهای اقتصادی بپردازند. به عبارت دیگر، پوزیتیویست‌ها معتقدند که اقتصاد باید به‌عنوان یک علم تجربی و عینی مورد مطالعه قرار گیرد. با این حال، این رویکرد پوزیتیویستی در تمامی مکاتب اقتصادی پذیرفته نشده

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

است. در اقتصاد اسلامی که بر اساس آموزه‌های دینی اسلام شکل گرفته است، ارزش‌ها و اخلاقیات نقش بسیار مهمی در تحلیل مسائل اقتصادی ایفا می‌کنند.

در اقتصاد اسلامی، منابع اقتصادی به‌عنوان امانت تلقی می‌شوند که در اختیار انسان قرار گرفته است؛ بنابراین، استفاده از این منابع باید با رعایت اصول عدالت، انصاف و مسئولیت‌پذیری صورت گیرد. این دیدگاه با رویکرد پوزیتیویستی که به دنبال جداکردن اقتصاد از ارزش‌ها و اخلاقیات است، در تضاد قرار دارد.

در اقتصاد اسلامی، برابری و عدالت در توزیع ثروت از اهمیت بالایی برخوردار است. اسلام بر این باور است که ثروت باید به‌گونه‌ای توزیع شود که نیازهای اساسی همه افراد جامعه برطرف شود و شکاف طبقاتی کاهش یابد. این دیدگاه با مفهوم عدالت اجتماعی که در اقتصاد مدرن نیز مطرح می‌شود، همسو است.

عدالت اقتصادی و مکانیسم توزیع ثروت در اسلام

در اندیشه اقتصادی اسلام، تحقق عدالت اقتصادی و برابری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این هدف با مکانیسم‌های مختلفی از جمله پرداخت زکات محقق می‌شود. زکات یکی از فرایض اصلی اسلام است که بر ثروتمندان واجب شده است. پرداخت زکات به میزان ۲.۵٪ از دارایی‌های مازاد، علاوه بر جنبه عبادتی، نقش مهمی در توزیع ثروت و کاهش شکاف طبقاتی ایفا می‌کند. با پرداخت زکات، ثروت از ثروتمندان به فقرا و نیازمندان منتقل شده و به این ترتیب، توازن اقتصادی در جامعه برقرار می‌شود. در واقع، زکات نوعی مالیات است که در اسلام باهدف تأمین نیازهای فقرا و مستمندان و ایجاد عدالت اجتماعی وضع شده است. این در حالی است که در بسیاری از نظام‌های اقتصادی، مالیات‌ها عمدتاً برای تأمین هزینه‌های دولت و ارائه خدمات عمومی جمع‌آوری می‌شوند.

نقش توسعه در نظام اقتصادی اسلام

در اسلام، توسعه اقتصادی به‌عنوان یک هدف در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف متعالی مانند تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، تقویت جامعه اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی موردتوجه قرار می‌گیرد. کسب درآمد حلال در اسلام، نه‌تنها یک امر اقتصادی، بلکه یک واجب شرعی است که از طریق آن، فرد می‌تواند به نیازهای خود و خانواده‌اش رسیدگی کند و درعین‌حال، در جامعه مشارکت فعال داشته باشد. مهم‌ترین تفاوت بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی در این است که در اسلام، هدف از فعالیت اقتصادی صرفاً افزایش ثروت و رفاه مادی نیست، بلکه توسعه همه‌جانبه انسان و ساختن جامعه‌ای عادلانه و اسلامی است.

شریعت و چارچوب‌بندی نظام اقتصادی اسلامی

شریعت اسلامی، به‌عنوان مجموعه قوانین و احکام الهی، نقشی اساسی در شکل‌دهی و هدایت نظام اقتصادی اسلامی ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین اهداف شریعت، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر همکاری، عدالت و برابری است. در این راستا، شریعت اصول و ارزش‌هایی را برای تنظیم روابط اقتصادی افراد و جامعه ارائه می‌دهد.

اقتصاد اسلامی بر پایه احادیث و آیات قرآنی شکل گرفته است. این متون مقدس، علاوه بر جنبه‌های عبادی، حاوی دستورات و توصیه‌هایی در زمینه اقتصاد نیز هستند. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این متون موردتوجه قرار گرفته، مسئله مسئولیت اجتماعی افراد در قبال جامعه است.

پنج سؤال اصلی که در احادیث به‌عنوان معیارهای سنجش اعمال انسان در روز قیامت ذکر شده‌اند، نشان می‌دهند که اقتصاد در اسلام صرفاً یک فعالیت مادی نیست، بلکه ابعاد اخلاقی و اجتماعی نیز دارد. دو سؤال از این پنج سؤال به طور مستقیم به فعالیت‌های اقتصادی فرد مرتبط هستند:

- کسب درآمد: فرد از چه راهی و با چه روش‌هایی به کسب درآمد پرداخته است؟
- مصرف درآمد: فرد درآمد خود را در چه راه‌هایی هزینه کرده است؟

این دو سؤال نشان می‌دهند که در اسلام، نحوه کسب و مصرف ثروت از اهمیت بالایی برخوردار است و فرد باید در این زمینه‌ها به اصول اخلاقی و شرعی پایبند باشد.

حدیث شریف و ابعاد اقتصادی آن

حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «بَنِي آدَمَ لَا يَمُوتُونَ حَتَّى يُسْأَلُوا عَنْ خَمْسٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَمَالَهُ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ عِلْمِهِ مَا عَمِلَ بِهِ» حاوی نکات بسیار مهمی در خصوص مسئولیت‌های فردی و اجتماعی انسان، به‌ویژه در حوزه اقتصاد است.

این حدیث شریف به طور مشخص به دو سؤال درباره مال اشاره می‌کند:

- منشأ ثروت: فرد از چه راهی و با چه روش‌هایی به کسب درآمد پرداخته است؟
- مصرف ثروت: فرد درآمد خود را در چه راه‌هایی هزینه کرده است؟

این دو سؤال، ابعاد مختلف فعالیت‌های اقتصادی را موردتوجه قرار می‌دهند و بر اهمیت حلال بودن کسب و مصرف ثروت تأکید دارند.

از منظر اقتصاد اسلامی، حدیث شریف مذکور بر این نکته تأکید دارد که فعالیت‌های اقتصادی انسان صرفاً جنبه مادی نداشته و ابعاد اخلاقی و اجتماعی نیز دارند. این حدیث با تأکید بر حلال بودن کسب و مصرف ثروت، مسئولیت اجتماعی افراد و اهمیت عدالت اقتصادی، یک چارچوب جامع برای فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان ارائه می‌دهد. به این معنا که هر فرد مسلمان موظف است درآمد خود را از راه‌های مشروع و حلال کسب کرده و آن را در راه‌های خیر و برای رفع نیازهای جامعه هزینه کند. این رویکرد نه تنها به پایداری اقتصادی فرد و جامعه کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جامعه‌ای

عادلانه و مبتنی بر همبستگی اجتماعی نیز منجر می‌شود. در واقع، اقتصاد اسلامی بر این باور است که ثروت یک امانت الهی است و افراد باید از آن به‌گونه‌ای استفاده کنند که هم به نفع خود و هم به نفع جامعه باشد.

نظام اقتصادی اسلامی در قرآن

قرآن کریم به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، دربردارنده اصول و ارزش‌های کلی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان است. این کتاب آسمانی به‌جای ارائه یک فصل مستقل و مجزا در مورد اقتصاد، اصول و ارزش‌هایی را بیان می‌کند که می‌توانند به‌عنوان چارچوب کلی برای نظام اقتصادی اسلامی مورداستفاده قرار گیرند. این رویکرد جامع قرآن، به دلیل ماهیت دین اسلام است که به دنبال تنظیم همه ابعاد زندگی انسان، از جمله بعد اقتصادی، بر اساس اصول الهی است. اقتصاد اسلامی در قرآن، به‌عنوان بخشی از یک نظام کلی و فراگیر مطرح شده است و به طور مستقیم به مسائل اقتصادی پرداخته نشده است. بلکه اصول و ارزش‌هایی مانند عدالت، برابری، همکاری، مسئولیت اجتماعی و پرهیز از ظلم و ستم که در سراسر قرآن تکرار شده‌اند، به‌عنوان پایه‌های اصلی یک نظام اقتصادی اسلامی مطرح شده‌اند.

آیه ۶۲ سوره انفال «اگر قصد فریب تو را داشتند، خداوند برای تو کافی است. اوست که تو را با کمک خود به مؤمنان یاری کرد.»، اگرچه به طور مستقیم به مسائل اقتصادی اشاره ندارد، اما حاوی اصول مهمی است که در اقتصاد اسلامی کاربرد دارد. این آیه بر اهمیت توکل بر خدا، همکاری و یاری رساندن به مؤمنان تأکید می‌کند. این اصول در اقتصاد اسلامی به معنای اعتماد به نظام اقتصادی الهی، همکاری در تولید و توزیع ثروت و کمک به نیازمندان جامعه است.

قرآن کریم ضمن تأکید بر اصل عدالت اقتصادی و منع احتکار و انباشت ثروت، به وجود تفاوت‌هایی در سطح معیشت افراد نیز اشاره می‌کند. این تفاوت‌ها که در آیه ۱۶۵ سوره انعام «و کسی است که شما را وارث یکدیگر قرار داد و برخی از شما را بر برخی دیگر برتر کرد تا شما را در آنچه به شما داده است امتحان کند. پروردگارت سختگیر در حساب است و قطعاً او بخشنده و مهربان است.» به آن اشاره شده، به‌عنوان آزمایشی برای انسان‌ها تلقی شده و به منظور ایجاد انگیزه برای تلاش و کوشش در مسیر کسب روزی حلال مطرح گردیده است. بااین‌حال، این تفاوت‌ها به معنای تأیید نابرابری‌های شدید و ظالمانه نیست و اسلام بر ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر همبستگی اجتماعی تأکید دارد. در واقع، هدف از این تفاوت‌ها، ایجاد فرصت برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های فردی است، به شرط آنکه این تفاوت‌ها به زیان دیگران و به خصوص مستضعفان جامعه نباشد.

مسئولیت اجرای عدالت اقتصادی و نقش حدیث در تبیین آن

در ادامه بحث پیرامون نظام اقتصادی اسلامی، پرسشی اساسی مطرح می‌شود: چه کسی مسئول اجرای احکام و دستورات الهی در حوزه اقتصاد است و وظیفه تحقق عدالت اقتصادی بر عهده کیست؟ پاسخ این پرسش را می‌توان در روایات و احادیث معصومین علیهم‌السلام جستجو کرد.

حدیث شریف پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «کسی که سلاح و ابزار بیش از نیاز و توان خود دارد، باید آنها را به ضعیف بدهد، و کسی که غذا و تغذیه بیش از نیاز خود دارد، باید آنها را به فقیر و نیازمند بدهد»، به روشنی بر مسئولیت اجتماعی افراد در زمینه توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد. این حدیث، مفهوم زکات و صدقه را که از ارکان اصلی اقتصاد اسلامی هستند، به صورت عملیاتی بیان می‌کند.

اصول یک نظام اقتصادی اسلامی مطلوب

یک نظام اقتصادی اسلامی مطلوب، بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، می‌بایست بر اصول زیر استوار باشد: اصل کفایت و رفع نیازهای اولیه، یکی از اصول بنیادین اقتصاد اسلامی است که بر اساس آن، نظام اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی شود که نیازهای اساسی همه افراد جامعه، بدون توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنها، به طور کامل برطرف شود. این اصل، ریشه در آموزه‌های قرآن و سنت دارد که بر حق حیات، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کنند. تحقق این اصل، علاوه بر ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار، به تقویت ایمان و معنویت در جامعه نیز کمک می‌کند. ابزارهایی مانند زکات، وقف، تأمین اجتماعی و حمایت از تولید داخلی، از مهم‌ترین راهکارهای عملی برای تحقق این اصل محسوب می‌شوند. با این حال، چالش‌هایی همچون تعیین خط فقر، تأمین منابع مالی و مشارکت همه‌جانبه، در مسیر اجرای کامل این اصل وجود دارد که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق است.

اصل عدالت و برابری، یکی از اصول بنیادین و محوری اقتصاد اسلامی است که بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت شکل گرفته است. این اصل به معنای آن است که نظام اقتصادی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که ثروت به صورت عادلانه بین اعضای جامعه توزیع شود و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری کند. این اصل ریشه در مفاهیم اسلامی همچون عدل، قسط و برابری دارد و هدف آن ایجاد جامعه‌ای است که در آن همه افراد از فرصت‌های برابر برخوردار باشند و نیازهای اساسی آنها به طور کامل برطرف شود. تحقق این اصل، به کاهش شکاف طبقاتی، تقویت همبستگی اجتماعی، افزایش رضایت‌مندی مردم و در نهایت، پایداری و توسعه پایدار جامعه کمک شایانی می‌کند. ابزارهایی مانند زکات، وقف، مالیات‌های مترقی، ایجاد نظام‌های تأمین اجتماعی و حمایت از تولید داخلی و اشتغال‌زایی، از جمله راهکارهای عملی برای تحقق این اصل محسوب می‌شوند. با این حال، چالش‌هایی همچون تعیین معیارهای دقیق برای توزیع عادلانه ثروت، تأمین منابع مالی مورد نیاز، مقاومت برخی گروه‌های ذی‌نفع و تغییر نگرش‌های فردی و اجتماعی نسبت به عدالت و برابری، در مسیر اجرای کامل این اصل وجود دارد که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق و جامع است.

اصل مبارزه با فساد و ربا، یکی از اصول بنیادین و محوری اقتصاد اسلامی است که بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت شکل گرفته است. این اصل بر این باور استوار است که فساد اقتصادی، به ویژه ربا، یکی از بزرگ‌ترین موانع تحقق عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی پایدار است. ربا در اسلام به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گناهان محسوب می‌شود و آثار مخربی همچون توزیع ناعادلانه ثروت، کاهش تولید، تورم و تضعیف اخلاق اقتصادی دارد. از این رو، اسلام به شدت با ربا و سایر

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

انواع فساد اقتصادی مقابله می‌کند و راهکارهایی همچون تقویت نظارت بر نظام بانکی، ترویج فرهنگ اقتصادی اسلامی، ایجاد شفافیت مالی، جرم‌انگاری فساد اقتصادی و ترویج فرهنگ کار و تلاش را برای مبارزه با این پدیده شوم ارائه می‌دهد. بالین حال، مبارزه با فساد و ربا با چالش‌هایی همچون مقاومت گروه‌های ذی‌نفع، فساد سیستمی و تغییر نگرش‌های فردی و اجتماعی مواجه است. تحقق این اصل، نیازمند اراده‌ای قوی، برنامه‌ریزی دقیق و همکاری همه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و همچنین مشارکت فعال مردم است.

اصل تعادل بین سرمایه و کار، یکی از اصول بنیادین و محوری اقتصاد اسلامی است که بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت شکل گرفته است. این اصل به دنبال ایجاد سیستمی است که در آن، نه سرمایه بر کار مسلط شود و نه کار بر سرمایه. به عبارت دیگر، در اقتصاد اسلامی، باید بین نقش تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران تعادل برقرار شود تا از بروز نابرابری‌های شدید و بهره‌کشی از نیروی کار جلوگیری شود. این اصل، بر مبنای اهمیت کار و تلاش در اسلام و لزوم جلوگیری از بهره‌کشی از کارگران استوار است. تحقق این اصل، به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار کمک می‌کند و باعث افزایش بهره‌وری، رشد اقتصادی پایدار و رضایت‌مندی جامعه می‌شود. ابزارهایی مانند مشارکت کارگران در سود، تعیین حداقل دستمزد مناسب، تأمین اجتماعی مناسب، محدودیت ساعات کار و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش تولید، از جمله راهکارهای عملی برای تحقق این اصل محسوب می‌شوند. بالین حال، چالش‌هایی همچون تعیین حداقل دستمزد مناسب، مقاومت کارفرمایان و تغییر نگرش‌های فردی و اجتماعی نسبت به کار و سرمایه، در مسیر اجرای کامل این اصل وجود دارد که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق و جامع است.

اقتصاد اسلامی، به عنوان یک نظام جامع و فراگیر، نه تنها به دنبال تأمین نیازهای مادی انسان‌ها و ایجاد رفاه اقتصادی است، بلکه هدف نهایی آن، دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی برای همه افراد جامعه است. این نظام اقتصادی، بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت، به دنبال ایجاد تعادلی بین ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان بوده و تلاش می‌کند تا با ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی، زمینه را برای رشد و شکوفایی همه‌جانبه انسان فراهم آورد. در اقتصاد اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی نه تنها باید به تولید ثروت و افزایش رفاه منجر شود، بلکه باید با ارزش‌های اخلاقی و معنوی نیز همسو باشد. به عبارت دیگر، هدف اصلی اقتصاد اسلامی، ایجاد جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها بتوانند ضمن تأمین نیازهای مادی خود، به رشد معنوی و کمال انسانی نیز دست یابند و به سعادت ابدی در آخرت نیز امیدوار باشند.

مقایسه نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی

در مقایسه نظام سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی، تفاوت‌های بنیادینی مشاهده می‌شود. سرمایه‌داری که بر پایه سودآوری فردی، رقابت آزاد و بازار آزاد بنا شده، اغلب به نابرابری‌های شدید، تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص و بی‌توجهی به نیازهای اجتماعی منجر می‌شود. در مقابل، اقتصاد اسلامی با تأکید بر اصول عدالت، برابری، همکاری و سعادت جمعی، تلاش می‌کند تا جامعه‌ای را شکل دهد که در آن همه افراد از نعمت‌های زندگی برخوردار باشند و به کمال انسانی دست یابند. در حالی که سرمایه‌داری بر رشد اقتصادی سریع و نوآوری تمرکز دارد، اقتصاد اسلامی به دنبال رشد پایدار و متوازی است که در آن، نیازهای نسل‌های آینده نیز در نظر گرفته شود. همچنین، اقتصاد اسلامی با تعریف دقیق حلال و حرام،

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

به دنبال ایجاد اخلاقیات در فعالیتهای اقتصادی است و از بهره‌کشی و ربا جلوگیری می‌کند. با این حال، اجرای کامل اقتصاد اسلامی در دنیای امروز با چالش‌هایی از جمله مقاومت در برابر تغییر، نیاز به ساختارهای مدیریتی قوی و فرهنگ‌سازی مواجه است. در نهایت، می‌توان گفت که هر دو نظام مزایا و معایبی دارند و ممکن است ترکیبی از عناصر مثبت هر دو نظام، الگوی اقتصادی مطلوب‌تری را برای آینده رقم زند.

مقایسه جامع‌تر در جدول

جدول ۱-۱: مقایسه نظام سرمایه داری و اقتصاد اسلامی

ویژگی	سرمایه‌داری	اقتصاد اسلامی
هدف اصلی	افزایش سود و ثروت فردی	سعادت دنیوی و اخروی، عدالت اجتماعی
مبنای تصمیم‌گیری	بازار آزاد، رقابت	اصول اخلاقی، عدالت، برابری
توزیع ثروت	نابرابر	عادلانه
نقش دولت	محدود	فعال
مفهوم مالکیت	خصوصی مطلق	خصوصی با محدودیت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی
توجه به نیازهای اجتماعی	کم	زیاد
پایداری	کم	زیاد
اخلاق اقتصادی	کمتر	بسیار مهم

بانکداری اسلامی

در جهان چارچوب‌های بانکی مختلفی وجود دارد. با این حال، محبوب‌ترین آن‌ها بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی است. بانکداری متعارف را می‌توان به عنوان «بانک برای وام‌دهی، دریافت سپرده و دادن این وام‌ها برای کسب سود» خلاصه کرد. در مقابل، چارچوب بانکداری اسلامی بر قاعده مشارکت استوار است. سهامداران، سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان همگی در اصل تقسیم سود و زیان مشارکت خواهند کرد.

بانکداری اسلامی یک چارچوب مدیریت پول است که بر قوانین شریعت استوار است. ایده اصلی بانکداری اسلامی، ممنوعیت انواع مختلف بهره و استفاده از آن برای اهداف تجاری است. بانکداری در اسلام یک ساختار پس‌انداز پول است که بر اساس قانون شریعت استوار است. علاوه بر این، به عنوان قانون شریعت شناخته می‌شود و توسط قانون مالی اسلامی هدایت می‌شود. دو اصل اساسی پشت ایده‌های بانکداری اسلامی، تقسیم مزایا و ضررها است. جمع‌آوری بهره یا ربا در قانون اسلامی مجاز نیست.

بانکداری اسلامی علاوه بر فعالیت تحت قانون شریعت فقه المعاملات، دلایل کمی برای تفاوت با شیوه‌های معمولی ثبت حساب دارد. بانکداری در اسلام، به عنوان یک عمل ثبت حساب، باید کاملاً با شریعت و کاربرد عملی آن از طریق

ارتقای دیدگاه‌های مالی اسلامی همسو باشد. این قوانین معمولاً شامل اجاره، تکافل، سکوک، مباحه، مشارکت و مضاربه است. در مقابل، بانکداری اسلامی وابسته به شناخته‌شدن مداوم در سراسر جهان است.

زکات در نگاه اقتصاد اسلامی

زکات یکی از ارکان مهم اسلام و از فروع دین به شمار می‌آید که در اصطلاح اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک مالیات یا عوارض شرعی بر اموال مازاد تعریف می‌شود. این فریضه الهی، علاوه بر جنبه عبادی، نقش مهمی در ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع ثروت در جامعه اسلامی ایفا می‌کند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، زکات بر اموالی که به حدنصاب رسیده باشند و یک سال قمری از مالکیت آن‌ها گذشته باشد، واجب می‌شود. نصاب، حداقل مقدار مالی است که بر آن زکات واجب است و برای هر نوع مال، نصاب خاصی تعیین شده است.

اهداف و جایگاه زکات در اسلام

زکات، یکی از ارکان مهم اسلام و از فروع دین به شمار می‌آید که در اقتصاد اسلامی به‌عنوان مالیاتی بر اموال مازاد تعریف می‌شود. این فریضه الهی، علاوه بر جنبه عبادی، اهداف متعددی را دنبال می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تصفیه و پاکیزگی مال: زکات، اموال را از آلودگی‌های مادی پاک کرده و برکت در آن‌ها قرار می‌دهد.
- توزیع عادلانه ثروت: با پرداخت زکات، ثروت از ثروتمندان به فقرا منتقل شده و شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد.
- تقویت روحیه ایثار و نیکوکاری: این فریضه، روحیه ایثار و کمک به هموعان را در جامعه تقویت کرده و حس مسئولیت اجتماعی را در افراد افزایش می‌دهد.
- ایجاد همبستگی اجتماعی: زکات، پیوندهای اجتماعی را محکم‌تر کرده و احساس تعلق به جامعه را در افراد تقویت می‌کند.

تفاوت زکات و صدقه

اگرچه زکات و صدقه هر دو به معنای انفاق و کمک به نیازمندان هستند، اما تفاوت‌های مهمی بین آن‌ها وجود دارد. زکات یک فریضه واجب با میزان و شرایط مشخص است، درحالی‌که صدقه یک عمل مستحب و اختیاری است و مقدار آن نیز مشخص نیست. هدف اصلی زکات، علاوه بر کمک به نیازمندان، تصفیه مال و ایجاد عدالت اجتماعی است، درحالی‌که هدف صدقه به‌طور کلی کمک به دیگران است.

مخاطبان زکات

مخاطبان زکات، گروه‌های مختلفی از جامعه را شامل می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به فقرا، مساکین، مؤمنان، آزادکردن بردگان، بدهکاران، در راه ماندگان و مسافرانی که هزینه بازگشت به وطن ندارند اشاره کرد.

زکات و منابع ثروت

مقدار زکات قابل پرداخت به منبع ثروت بستگی دارد که آیا از کشاورزی، تجارت، دام، پول کاغذی، طلا و نقره می‌آید. مقدار زکات قابل پرداخت به درآمد سالانه فرد بستگی دارد، حداقل قابل پرداخت حدود ۲.۵٪ از پس‌انداز سالانه یک فرد مسلمان است. پرداخت زکات، صدقه دادن و خرج کردن در راه خدا توسط خداوند امر شده است. ثروتی که زکات آن داده نشود، در دسته انباشت و مجازات وعده داده شده قرار خواهد گرفت. سوره نوح، آیه ۷ قرآن می‌گوید: «خداوند امر کرده است که شما بر فقیران و نیازمندان و یتیمان و خویشاوندان خود انفاق کنید تا ثروت در میان ثروتمندان شما متمرکز نشود.»

وقف؛ نهادی ماندگار برای خیروبرکت

وقف در لغت به معنای توقف و حبس مال و در اصطلاح فقهی، عقدی است که طی آن مالک، مال خود را به صورت دائمی برای امور خیروبرکت وقف می‌کند. این عمل، باهدف بهره‌مندی مستمر آیندگان از منافع آن مال صورت می‌گیرد و از جمله مهم‌ترین سنت‌های حسنه در اسلام به شمار می‌آید. در قرآن کریم، آیات متعددی بر اهمیت وقف و انفاق در راه خدا تأکید دارند. در سوره آل عمران، آیه ۹۲، به صراحت بیان شده است که رسیدن به کمال و نیکوکاری منوط به انفاق از مال است. همچنین در سوره بقره، آیه ۲۷۴، به پاداش عظیم و بی‌نهایت برای کسانی که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، اشاره شده است.

وقف، نهادی دیرینه و ارزشمند است که از دیرباز نقش محوری در توسعه جوامع اسلامی ایفا کرده است. این نهاد فراتر از تأمین نیازهای مادی و معنوی، در حوزه‌های گوناگونی چون ایجاد اشتغال (مانند کاروان‌سراها)، توسعه زیرساخت‌ها (مانند قنات‌ها و پل‌ها)، حمایت از هنر و فرهنگ، و تقویت پایداری اقتصادی نقش داشته است. موقوفاتی همچون باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی نیز گواهی بر این مدعاست. از سوی دیگر، وقف در تقویت بنیان خانواده، ترویج عدالت اجتماعی، تقویت هویت اسلامی و توسعه علم و دانش نیز سهم بسزایی داشته است. حمایت از ایتام، تأسیس مدارس و دانشگاه‌ها تنها بخشی از این دستاوردهاست. باین‌حال، در عصر حاضر، وقف با چالش‌هایی نظیر نیاز به مدرنیزاسیون، شفافیت در امور مالی و پاسخگویی به جامعه، و ارتباط مؤثر با نسل جوان مواجه است. اما در کنار این چالش‌ها، فرصت‌های نوینی نیز پیش روی وقف قرار دارد. توسعه وقف‌های موضوعی و حل مسائل اجتماعی معاصر از جمله این فرصت‌هاست. باید توجه داشت که وقف نهادی پویا و متناسب با زمان است. با تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، نقش و کارکرد آن نیز

تغییر می‌کند. برای حفظ و توسعه این سنت حسنه، ضروری است با نگاهی جامع و آینده‌نگر به آن پرداخته شود و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوین، وقف را برای پاسخگویی به نیازهای امروز جامعه آماده سازیم.

یکی از ویژگی‌های بارز وقف، تنوع انواع آن است. وقف‌ها بر اساس معیارهای مختلفی به دسته‌های متنوعی تقسیم می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وقف عام: وقفی است که منافع آن به‌طور کلی در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد و برای امور عام‌المنفعه مانند ساخت مساجد، مدارس، بیمارستان‌ها و... هزینه می‌شود.
- وقف خاص: وقفی است که منافع آن برای گروه خاصی از افراد مانند خانواده، خویشاوندان، فقرا، دانشجویان و... در نظر گرفته می‌شود.
- وقف علمی: وقفی است که درآمد آن صرف امور علمی و تحقیقاتی مانند تأسیس دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی می‌شود.
- وقف خیریه: وقفی است که منافع آن برای کمک به نیازمندان، ایتام، بیماران و... هزینه می‌شود.
- وقف انتفاع: وقفی است که هدف از آن بهره‌برداری از منافع مال موقوفه است، مانند اجاره‌دادن یک ملک و استفاده از درآمد آن برای امور خیریه.
- وقف عین: وقفی است که خود مال موقوفه (مانند زمین، ساختمان، کتابخانه و...) برای هدف وقف در نظر گرفته می‌شود.
- وقف منفعت: وقفی است که تنها منافع مال موقوفه (مانند اجاره، محصول و...) برای هدف وقف در نظر گرفته می‌شود.

تنوع در انواع وقف، سبب شده است که این نهاد بتواند به نیازهای مختلف جوامع انسانی پاسخ دهد و در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی نقش‌آفرینی کند. این تنوع، وقف را به یک ابزار پویا و انعطاف‌پذیر تبدیل کرده است که با گذشت زمان و تغییر نیازهای جامعه، خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و سلم) فرمودند: «هنگامی که انسان می‌میرد، همه اعمال او پایان می‌یابد، جز سه چیز: صدقه جاریه، دانش مفید برای دیگران، یا فرزند صالحی که برای او دعا کند.» بنابراین، وقف در اسلام به معنای وقف کردن مال به یک هدف مذهبی، آموزشی یا خیریه است، مانند ساختن ساختمان، ملک، پول نقد و غیره. حدیث نقل شده به زیبایی نشان می‌دهد که اعمال انسان پس از مرگ نیز دارای پاداش و ثواب هستند. از جمله این اعمال، صدقه جاریه، انتقال دانش مفید و داشتن فرزند صالح است. این حدیث، انگیزه‌ای قوی برای مسلمانان است تا در طول زندگی خود به انجام اعمال صالحه بپردازند و از ثواب آن‌ها در آخرت بهره‌مند شوند.

وقف؛ پشتیبان جامعه از عصر پیامبر تا کنون

وقف از همان ابتدای ظهور اسلام، باهدف حمایت و یاری جامعه شکل گرفت. یکی از اولین نمونه‌های وقف، مسجد قبا (مدینه) است که با ورود پیامبر اکرم (ص) در سال ۶۶۲ هجری قمری ساخته شد. علاوه بر مساجد، بیمارستان‌ها،

مدارس، مراکز حمایت از حیوانات و مؤسسات تحقیقات علمی نیز جزئی از موقوفاتی بودند که به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وقف شدند.

در بخشی از روایت تاریخی آمده است که ابن عمر در مورد زمینی که در خیبر به دست آورده بود، از پیامبر (ص) مشورت خواست: «ای رسول خدا، زمینی در خیبر به دست آورده‌ام که هیچ‌گاه مال باارزش‌تری از آن به دست نیاورده‌ام. با آن چه کار کنم؟» پیامبر (ص) فرمودند: «اگر می‌خواهی، اصل مال را نگه‌دار و عواید آن را به‌عنوان صدقه جاریه ببخش.»

با گسترش اسلام در طول قرن‌ها، از مدینه تا ترکیه، وقف همچنان رواج داشت. در دوران امپراتوری عثمانی و شکوفایی اسلام، دادگاه‌ها در ابتدای قرن ۱۵ میلادی وقف نقدی را تأیید کردند. بر اساس گزارش‌ها، تا اواخر قرن ۱۶ میلادی وقف نقدی در سراسر آناتولی و مناطق اروپایی تحت سلطه امپراتوری عثمانی بسیار رایج شد.

بیمه اسلامی (تکافل)

بیمه قراردادی است که طی آن، یک شخص حقیقی یا حقوقی (بیمه‌گذار) در ازای پرداخت حق بیمه، از یک مؤسسه بیمه‌ای (بیمه‌گر) تضمین دریافت می‌کند که در صورت وقوع رویدادهای پیش‌بینی نشده و خسارت‌بار (خطرات)، خسارت وارده تا سقف مشخص شده جبران خواهد شد. بیمه‌گر با جمع‌آوری حق بیمه از تعداد زیادی بیمه‌گذار و ایجاد یک صندوق بیمه‌ای، ریسک‌های پراکنده را متمرکز کرده و با استفاده از روش‌های آماری و محاسبات، احتمال وقوع هر خطر و میزان خسارت احتمالی را تخمین می‌زند. به این ترتیب، امکان جبران خسارت تمام بیمه‌گذاران در صورت وقوع حادثه فراهم می‌شود.

تکافل نوعی بیمه اسلامی است که بر اساس اصول شریعت و باهدف مدیریت ریسک‌های مشترک طراحی شده است. در این سیستم، افراد با پرداخت حق بیمه به یک صندوق مشترک، در برابر حوادث و خسارات احتمالی از یکدیگر حمایت می‌کنند. برخلاف بیمه‌های تجاری، تکافل بر اساس اصول اسلامی مانند عدم دریافت ربا، قمار و عدم قطعیت (غرر) بنا شده است. پوشش‌های تکافل شامل عمر، سلامت، اموال و مسئولیت مدنی می‌شود و هدف اصلی آن، ایجاد یک سیستم بیمه‌ای عادلانه و مبتنی بر مشارکت است که با ارزش‌های اسلامی همسو باشد.

اصول تکافل

تکافل بر دو اصل استوار است:

- تبرع: به معنای هر نوع بخشش یا هدیه.
- تعاون: به معنای کمک و همکاری متقابل.

فصل اول: مقدمه‌ای بر مبانی اقتصاد اسلامی

در تکافل، افراد کمک‌های مالی می‌کنند تا صندوقی ایجاد کنند و به کمک یکدیگر، ریسک‌های ضرر ناشی از حوادث خاص را مدیریت کنند. در واقع، مفهوم تکافل ریشه در آداب و رسوم عرب‌ها دارد. این آداب توسط پیامبر اکرم (ص) مورد تأیید قرار گرفت و به همین دلیل، این عمل تاکنون ادامه دارد.

تبرع در اصل به معنای بخشش و هدیه است و در مفهوم عمیق‌تر، به معنای صرف‌نظر کردن از مال به نفع دیگران است. این عمل، علاوه بر جنبه مالی، دارای ارزش معنوی و اخلاقی نیز هست. در نظام مالی اسلامی همچون تکافل، تبرع به‌عنوان یک اصل اساسی مطرح می‌شود و تفاوت اساسی آن با بیمه‌های سنتی در این است که در تکافل، پرداخت سهم‌الشرکه با نیت کمک به دیگران و بر اساس اصل تعاون انجام می‌شود، درحالی‌که در بیمه‌های سنتی، پرداخت حق بیمه بیشتر به‌عنوان یک معامله تجاری تلقی می‌شود. تعاون نیز به‌عنوان اصل اساسی تکافل، بر همکاری متقابل اعضای جامعه تأکید دارد و باعث ایجاد پیوندهای اجتماعی قوی‌تر و احساس مسئولیت‌پذیری متقابل می‌شود. در مقابل، در بیمه‌های سنتی، رابطه بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر بیشتر یک رابطه تجاری است.

مقایسه تکافل با بیمه‌های سنتی

جدول ۱-۲: مقایسه تکافل با بیمه‌های سنتی

ویژگی	تکافل	بیمه‌های سنتی
اساس	تبرع و تعاون	قرارداد تجاری
هدف	کمک متقابل و مدیریت ریسک	کسب سود و پوشش ریسک
ماهیت پرداخت	سهم‌الشرکه (کمک)	حق بیمه (پرداخت برای دریافت خدمت)
رابطه بین اعضا	برادری و همکاری	مشتری و فروشنده
نظارت	شرعی	قانونی

الحسبه (دیوان محاسبات)

واژه "حسبه" ریشه در کلمه عربی "حساب" دارد که به معنای محاسبه و نظارت است. در اصطلاح فقه اسلامی، الحسبه به معنای نظارت بر امور عمومی و اجرای حدود شرعی است. به عبارت دیگر، الحسبه نهادی است که مسئول نظارت بر رعایت ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و قانونی در جامعه است. در گذشته، الحسبه به‌عنوان یک نهاد رسمی در حکومت‌های اسلامی وجود داشت و افرادی که مسئولیت آن را بر عهده داشتند، "حاسب" نامیده می‌شدند. حاسبان موظف بودند بر بازارها، معاملات، کیفیت کالاها، رعایت حقوق مردم و اجرای احکام اسلامی نظارت کنند.

نقش‌های اصلی الحسبه

الحسبه به‌عنوان یک نهاد نظارتی در اسلام، وظایف متنوعی از جمله نظارت بر کیفیت کالاها در بازار، مبارزه با فساد و جرایم، ترویج ارزش‌های اخلاقی مانند احسان و عدالت و اطمینان از اجرای حدود شرعی و قوانین اسلامی را بر عهده داشته است.

الحسبه، به‌عنوان یک نهاد نظارتی در اسلام، نقش محوری در حفظ نظم، عدالت و سلامت جامعه ایفا می‌کرده است. این نهاد با طیف وسیعی از مسئولیت‌ها، از جمله نظارت بر بازار و کنترل کیفیت کالاها، به حفظ سلامت و رضایت مصرف‌کنندگان کمک شایانی می‌نموده است. الحسبه با اطمینان از کیفیت مناسب کالاها و استفاده از مواد اولیه سالم و بهداشتی، نه تنها به سلامت جسمی مردم توجه می‌کرده، بلکه با جلوگیری از تقلب و احتکار، به ایجاد محیطی سالم و رقابتی در بازار کمک می‌نموده است. اما وظایف الحسبه فراتر از نظارت بر بازار بوده است. این نهاد همچنین بر اخلاق عمومی، رعایت عدالت و اجرای احکام اسلامی نیز نظارت می‌کرده و به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت اسلامی عمل می‌نموده است. الحسبه با جلوگیری از فساد، نزاع و ایجاد محیطی امن برای زندگی، به حفظ نظم اجتماعی نیز کمک شایانی می‌کرده است. اگرچه الحسبه با نهادهای نظارتی مدرن شباهت‌هایی دارد، اما جنبه‌های اخلاقی و دینی را نیز در نظر می‌گرفته و به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت اسلامی عمل می‌کرده است. باین‌حال، الحسبه نیز با چالش‌هایی همچون تفسیرهای مختلف، تعارض با آزادی‌های فردی و امکان سوءاستفاده مواجه بوده است. بررسی دقیق‌تر این نهاد و چالش‌های آن نیازمند مطالعات گسترده‌تر در حوزه تاریخ اسلام، فقه اسلامی و علوم اجتماعی است.

جلوگیری از تقلب در معاملات، یکی از اصول بنیادین در اسلام بوده است. نهاد نظارتی الحسبه با وظیفه خطیر خود، یعنی نظارت بر بازار و کنترل کیفیت کالاها، به طور جدی به مقابله با تقلب می‌پرداخت. این نهاد با انجام بازرسی‌های منظم، تعریف استانداردهای مشخص برای کالاها و تعیین مجازات برای متخلفان، محیطی امن و اعتمادآمیز را برای معاملات فراهم می‌کرد. ترویج فرهنگ صداقت و امانتداری و همچنین آموزش مردم در مورد حقوق خود، از دیگر اقدامات الحسبه برای جلوگیری از تقلب بوده است. اهمیت جلوگیری از تقلب در حفظ اعتماد مردم، توسعه اقتصاد و ایجاد عدالت اجتماعی بسیار زیاد است. در واقع، تقلب در معاملات نه تنها از نظر اقتصادی زیان‌آور است، بلکه از نظر اخلاقی نیز مذموم شمرده می‌شود.

الحسبه به‌عنوان یک نهاد نظارتی در اسلام، وظایف بسیار مهمی در حفظ نظم، عدالت و سلامت جامعه بر عهده داشته است. یکی از مهم‌ترین وظایف الحسبه، مقابله با گران‌فروشی و حفظ تعادل در بازار بوده است. الحسبه با نظارت بر قیمت‌ها، جلوگیری از افزایش بی‌رویه آن‌ها و مجازات گران‌فروشان، به حفظ قدرت خرید مردم و جلوگیری از ایجاد شکاف طبقاتی کمک می‌کرده است. علاوه بر مقابله با گران‌فروشی، الحسبه در حفظ نظم و امنیت اجتماعی نیز نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرده است. این نهاد با مبارزه با فساد اداری و اقتصادی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و شفاف کمک می‌کرده است. همچنین، الحسبه با پیشگیری از وقوع جرایم مانند زنا، شرابخواری، سرقت و قتل، به حفظ امنیت جامعه و آرامش خاطر مردم کمک می‌کرده است.

الحسبه به عنوان یک نهاد نظارتی در اسلام، وظایف متنوعی از جمله نظارت بر بازار، تعریف استانداردهای مشخص برای کالاها و رفتارها، مجازات متخلفان، ترویج فرهنگ عدالت و انصاف، و همکاری با سایر نهادهای حکومتی را بر عهده داشته است. این نهاد با این اقدامات، به مقابله با گران‌فروشی، فساد و جرایم پرداخته، و در نتیجه به حفظ عدالت اجتماعی، تأمین امنیت و تقویت بنیان‌های دین در جامعه اسلامی کمک شایانی کرده است.

الحسبه به عنوان یک نهاد نظارتی در اسلام، وظیفه خطیر ترویج فضایل اخلاقی و اجرای احکام اسلامی را بر عهده داشته است. این نهاد با تشویق مردم به انجام کارهای خیر و کمک به نیازمندان، و ترویج ارزش‌هایی چون احسان، عدالت، صداقت و امانتداری، به ارتقای سطح اخلاقی جامعه کمک می‌کرده است. همچنین، الحسبه با نظارت بر اجرای حدود شرعی و کلیه قوانین اسلامی، به حفظ نظم و امنیت جامعه و تضمین اجرای عدالت در جامعه اسلامی کمک می‌کرده است.

با تحولات اجتماعی و سیاسی، نهاد الحسبه به شکل سنتی خود در جوامع امروزی وجود ندارد. با این حال، وظایف متنوعی که زمانی بر عهده الحسبه بوده است، اکنون توسط نهادهای مختلفی مانند قوه قضائیه، نیروی انتظامی، سازمان‌های نظارتی و نهادهای مدنی انجام می‌شود. این نهادها به ترتیب مسئولیت رسیدگی به جرایم، حفظ امنیت، نظارت بر کیفیت کالاها و خدمات، و ترویج ارزش‌های اخلاقی را بر عهده دارند. اگرچه شکل سنتی الحسبه تغییر کرده است، اما روحیه نظارت، عدالت‌خواهی و حفظ ارزش‌های اسلامی که در این نهاد وجود داشت، همچنان در عملکرد این نهادهای جدید قابل مشاهده است.

تأمین ثبات قیمت‌ها

نهاد الحسبه باهدف حفظ ثبات قیمت‌ها در بازار، به‌ویژه کالاهای اساسی، فعالیت می‌کرده است. این نهاد از طریق بازرسی‌های دوره‌ای از بازار، از عدم افزایش خودسرانه قیمت‌ها اطمینان حاصل می‌نموده است. در اسلام، مفهوم تعیین قیمت بر اساس عرضه و تقاضا مطرح شده است. حدیثی از ابو داود نقل شده است که در آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تعیین قیمت دقیق کالاها را به بازار و مکانیزم عرضه و تقاضا واگذار کرده‌اند. این رویکرد با نظریه ارزش مبتنی بر عرضه و تقاضا در اقتصاد اسلامی همخوانی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم با بیان اینکه خدا قیمت‌ها را تعیین کرده است، به نقش عوامل عرضه و تقاضا در شکل‌گیری قیمت‌ها اشاره داشته‌اند. این دیدگاه نشان می‌دهد که قیمت‌ها در اقتصاد اسلامی، حاصل تعامل بین عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان کالاها و خدمات بوده و تعیین قیمت به‌صورت دستوری توسط حکومت، رویکردی مطلوب نیست.

تأمین کیفیت کالاها

نهاد الحسبة باهدف تضمین کیفیت کالاهای عرضه شده در بازار، اقدام به بازرسی مستقیم از محصولات می‌نموده است. این رویکرد باهدف کنترل کیفیت و اطمینان از رعایت استانداردهای مشخص در تولید و عرضه کالاها بوده است. در اسلام، تأکید بر رعایت انصاف در معاملات و ارائه کالاهای باکیفیت به مشتریان شده است. آیه ۲۹ سوره نساء به صراحت بر ضرورت پرهیز از ظلم در معاملات و رعایت حقوق طرفین معامله تأکید دارد. همان‌طور که در قرآن، الله می‌گوید (سوره نساء آیه ۲۹): «ای مؤمنان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر در صورتی که با رضایت یکدیگر معامله کنید. و خود را نکشید، زیرا خداوند به شما بسیار مهربان است.» این امر نشان‌دهنده اهمیت کیفیت کالاها و خدمات در دیدگاه اسلام است. مفهوم «رضایت مشتری» که در این آیه به آن اشاره شده است، با مفهوم مدرن «کیفیت» در اقتصاد ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، ارائه کالاهای باکیفیت و خدمات مطلوب، یکی از عوامل اصلی جلب رضایت مشتری و در نتیجه موفقیت کسب‌وکارها محسوب می‌شود.

نظارت بر دقت اندازه‌گیری و جلوگیری از تقلب در معاملات

نهادهای نظارتی باهدف تضمین عدالت در معاملات و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، وظیفه دارند تا بر دقت ترازوها و دستگاه‌های اندازه‌گیری کالاها نظارت مستمر داشته باشند. این نظارت باهدف جلوگیری از تقلب در اندازه‌گیری وزن و حجم کالاها و اطمینان از پرداخت صحیح مبلغ توسط مصرف‌کنندگان صورت می‌گیرد. در واقع، اطمینان از دقت اندازه‌گیری، یکی از اصول اساسی اقتصاد اسلامی است. آیه ۱۸۱ سوره شعرا به صراحت بر ضرورت اتمام اندازه و پرهیز از کم‌فروشی تأکید دارد. این امر نشان می‌دهد که اسلام بر اهمیت عدالت در معاملات و حفظ حقوق طرفین معامله تأکید ویژه‌ای دارد. به‌عنوان کلمات الله در قرآن (سوره شعرا آیه ۱۸۱): «اندازه را کامل کنید و از کسانی که آسیب می‌رسانند نباشید.»

نظارت دقیق بر اندازه‌گیری کالاها نه‌تنها به حفظ حقوق مصرف‌کنندگان از طریق دریافت کالای متناسب با مبلغ پرداختی کمک می‌کند، بلکه با افزایش اعتماد عمومی به بازار و کاهش اختلافات بین فروشندگان و خریداران، به تقویت رقابت سالم و جلوگیری از تورم نیز منجر می‌شود. در واقع، اطمینان از دقت اندازه‌گیری، عاملی کلیدی در ایجاد بازارهای عادلانه و کارآمد است. یا به‌عبارت‌دیگر؛ نظارت بر دقت اندازه‌گیری، با تضمین حقوق مصرف‌کنندگان، تقویت اعتماد عمومی، ایجاد رقابت سالم و کمک به کنترل تورم، نقش مهمی در سلامت و پایداری بازارها ایفا می‌کند.

نظارت مؤثر بر دقت اندازه‌گیری مستلزم اقدامات چندجانبه‌ای است که شامل کالیبراسیون دوره‌ای ترازوها و دستگاه‌های اندازه‌گیری، بازرسی‌های منظم از مراکز تجاری، آموزش فروشندگان در خصوص اهمیت دقت و عواقب قانونی تقلب، و اعمال جریمه‌های سنگین برای متخلفان می‌باشد. این رویکرد جامع، تضمینی است برای اطمینان از دقت اندازه‌گیری در تمامی مراحل زنجیره تأمین و حفظ حقوق مصرف‌کنندگان.

رهنمودهای اسلامی برای رفتار اقتصادی

رهنمودها و اصول اسلامی برای هر مسئله انسانی مرتبط با تمام فعالیت‌های اقتصادی بنیادی هستند و تحلیل تمام این رهنمودهای اقتصادی تحت رهنمودهای اسلامی از قرآن و حدیث از پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام می‌شود. در پرتو اسلام، یک سیستم اقتصادی پدیده رفتار انتخاب و تصمیم‌گیری در هر بخش اقتصادی با ورود به قوانین شریعت است که از الله می‌آید، از جمله تمام محدودیت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی خاص. این رهنمودها بر افراد و گروه‌ها به‌عنوان اخلاق جمعی تأسیس شده‌اند و مسئولیت نیز بخشی از انقلاب اجتماعی است که در آن همه باید بدانند که چگونه به طور اخلاقی در شرایط مختلف رفتار کنند، درحالی که اخلاق جمعی در قرآن با برابری، عدالت، انصاف، رحمت، همدلی و آزادی انتخاب اشاره می‌شود.

در اسلام، رفتار اقتصادی با ویژگی‌های متمایز و ارزشی شکل می‌گیرد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به الزامات دینی مانند زکات و صدقه اشاره کرد که علاوه بر کمک به نیازمندان، به ایجاد برابری و همبستگی اجتماعی کمک می‌کند. همچنین، عدالت اقتصادی به‌عنوان یک اصل بنیادین در اسلام مطرح شده و بر توزیع عادلانه ثروت و درآمد، فارغ از تفاوت‌های فردی، تأکید دارد. از سوی دیگر، اسلام محدودیت‌هایی را برای فعالیت‌های اقتصادی تعیین کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به حرام بودن ربا، منع مصرف بیش از حد و خرید کالاهای حرام اشاره کرد. این محدودیت‌ها باهدف حفظ ارزش‌های اخلاقی و معنوی در تعاملات اقتصادی وضع شده‌اند.

اسلام بر خلاف تأکید صرف بر تشریفات ظاهری، به روابط اجتماعی و نحوه تعاملات انسانی اهمیت فراوانی می‌دهد. این دین آسمانی، چارچوبی ارزشی و هنجاری برای زندگی اجتماعی فراهم آورده که بر پایه برابری، عدالت، احترام متقابل و حقوق برابر افراد استوار است. در جامعه اسلامی، هر فرد موظف است علاوه بر بهره‌مندی از حقوق، به تعهدات اجتماعی خود نیز عمل کند و به این ترتیب، به تعادل و پایداری جامعه کمک کند. این رویکرد جامع، اسلام را به دینی تبدیل کرده است که نه تنها به مسائل فردی، بلکه به ابعاد اجتماعی زندگی انسان نیز توجه ویژه‌ای دارد.

برابری اجتماعی

اسلام بر برابری و عدالت اجتماعی تأکید فراوان دارد. این دین آسمانی، با طرح مفاهیمی چون زکات و صدقه، مکانیزمی را برای کاهش نابرابری اقتصادی و تقویت همبستگی اجتماعی ایجاد کرده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، ثروت به امانت الهی است و مالکان ثروت موظف‌اند بخشی از آن را در راه کمک به نیازمندان هزینه کنند. این رویکرد نه تنها به رفع فقر و محرومیت کمک می‌کند، بلکه به تقویت روحیه برادری و همدلی در جامعه نیز منجر می‌شود. همچنین، اعتقاد به وحدت و برادری اسلامی، بر مسئولیت فردی در قبال جامعه تأکید دارد و هر فرد را موظف می‌کند تا در حد توان خود به رفع مشکلات اجتماعی کمک کند.

مسئولیت اجتماعی

مسئولیت فردی یک بنیاد اسلام است که در آن هر فرد در برابر خدا و دیگران مسئول است که ممکن است در برابر او مسئول باشد، زیرا این امر بر نیت و انگیزه انجام کارهای نیک و اجتناب از شر و آسیب به دیگران استوار است. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی نیز در رهنمودهای اسلامی مهم است زیرا به هر فرد این مسئولیت را برای رفاه اقتصاد از طریق ثروت یا مهارت‌های خود برای کمک به دیگران داده است. در اقتصاد خرد اسلامی، یک مصرف‌کننده معمولی درآمد خود را در دو دسته تخصیص می‌دهد، یکی برای خانواده خود و دیگری برای رفع نیازهای دیگران از طریق خیریه از جمله یک مصرف‌کننده نساب که به اندازه کافی ثروتمند است تا بتواند به پرداخت زکات به کسی که واقعاً سزاوار این پول برای نیازهای خود است، ملزم شود. مسئولیت‌های دیگر شامل محافظت از نیازمندان، صادق بودن، سخت‌کوشی، زندگی متوسط و احترام به حقوق دیگران است.

تأمین اجتماعی

اسلام، تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه را وظیفه‌ای همگانی، به‌ویژه بر عهده حکومت اسلامی می‌داند. زکات، به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد تأمین اجتماعی در اسلام، مکانیزمی است که برای تحقق عدالت اقتصادی و رفع نیازهای محرومان طراحی شده است. جمع‌آوری و توزیع زکات که بر اساس نص صریح قرآن و سنت استوار است، نه تنها وظیفه‌ای شرعی بلکه یک تکلیف اجتماعی نیز محسوب می‌شود. عدم پرداخت زکات، علاوه بر گناه کبیره، به‌عنوان مخالفت با نظام اسلامی تلقی می‌شود. تأمین اجتماعی در اسلام، فراتر از تأمین نیازهای اولیه، شامل تأمین رفاه اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای عادلانه و برابر است. این نظام، با تقسیم‌بندی نیازها به دو دسته اولیه و ثانویه، به ابعاد مختلف زندگی انسان توجه کرده و تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از منابع جامعه، نیازهای همه افراد را برآورده سازد.

اسلام بر تأمین نیازهای اولیه و ثانویه افراد جامعه تأکید فراوان دارد. نیازهای اولیه شامل ضروریات حیاتی همچون غذا، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی است که برای بقا و سلامت افراد جامعه ضروری هستند. در کنار این نیازها، اسلام به نیازهای ثانویه همچون تأمین امنیت اجتماعی، آموزش و پرورش، و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله سالمندان، کودکان و افراد دارای معلولیت نیز اهمیت می‌دهد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تأمین اجتماعی در اسلام، تأکید بر حقوق متقابل والدین و فرزندان است. قرآن کریم، مسلمانان را به مراقبت از خانواده، اقوام و افراد نیازمند، به‌ویژه یتیمان، فرامی‌خواند. این رویکرد جامع، تأمین اجتماعی را فراتر از تأمین مایحتاج اولیه تعریف کرده و به ایجاد جامعه‌ای با عدالت اجتماعی و رفاه عمومی می‌انجامد.

اصول رفتاری اقتصادی

اصول رفتاری اقتصادی در اسلام بر پایه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی استوار بوده و به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار است. این اصول، با تأکید بر رفتارهای مثبت و پرهیز از رفتارهای ناپسند، بر ابعاد مختلف فعالیت‌های اقتصادی از جمله توزیع ثروت، پس‌انداز و تولید تأثیر می‌گذارد. در این نظام، مؤسسات مالی اسلامی با پرهیز از ربا و اتخاذ عقود اسلامی، به دنبال ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر عدالت و انصاف هستند. همچنین، احترام به حقوق بشر، ایجاد فرصت‌های برابر، مبارزه با فساد و اتلاف منابع، از دیگر اصول حاکم بر رفتار اقتصادی در اسلام است. مکانیزم‌هایی همچون زکات، خمس، و قوانین ارث نیز به‌عنوان ابزارهایی برای توزیع عادلانه ثروت و کاهش نابرابری در نظر گرفته شده‌اند. در مجموع، اسلام با ارائه یک چارچوب اخلاقی و قانونی جامع، به دنبال تنظیم روابط اقتصادی و ایجاد جامعه‌ای است که در آن رفاه و عدالت به طور همزمان محقق شود.

اصول اعتدال

اعتدال (وسطیت) در اسلام به معنای انتخاب راه میانه و پرهیز از افراط و تفریط در تمامی شئون زندگی است. این اصل که در قرآن کریم و سنت نبوی به‌عنوان راهکار سعادت فردی و اجتماعی معرفی شده است، به دنبال ایجاد تعادل بین نیازهای مادی و معنوی انسان و نیز میان حقوق فرد و جامعه می‌باشد. مفهوم وسطیت در اقتصاد اسلامی، به معنای توزیع عادلانه ثروت، پرهیز از اسراف و تبذیر، و مصرف بهینه منابع می‌باشد. همچنین، اعتدال در روابط اجتماعی، به معنای رعایت حقوق دیگران، پرهیز از تبعیض و ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و برابری است. به‌طور کلی، اعتدال در اسلام، یک اصل فراگیر است که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را در بر می‌گیرد و به دنبال ایجاد یک زندگی متوازن و سعادتمند می‌باشد.

اصل مالکیت چندوجهی

اصل مالکیت چندگانه در اقتصاد اسلامی به این معناست که اشکال مختلف مالکیت همچون خصوصی، عمومی و دولتی به طور همزمان و در کنار هم وجود داشته و هر کدام نقش خاصی را در نظام اقتصادی ایفا می‌کنند. این اصل که با نظام‌های اقتصادی تک‌قطبی همچون سرمایه‌داری و سوسیالیسم تفاوت بنیادین دارد، به دنبال ایجاد تعادلی پویا میان انگیزه‌های فردی و مسئولیت‌های اجتماعی است. در اقتصاد اسلامی، مالکیت خصوصی به‌عنوان محرکی برای تولید و نوآوری مورد تأکید قرار گرفته است، اما در عین حال، محدودیت‌هایی برای جلوگیری از انحصار و تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود نیز در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، مالکیت عمومی و دولتی نیز برای تأمین نیازهای عمومی جامعه و مدیریت منابع طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظام مالکیتی منعطف، باتوجه به شرایط زمانی و مکانی و نیز

نیازهای جامعه، قابلیت تطبیق و تغییر دارد. در این راستا، آموزه‌های اسلامی، ضمن تأکید بر حقوق مالکیت فردی، بر مسئولیت‌های اجتماعی مالکان نیز تأکید کرده و آن‌ها را به استفاده بهینه از منابع و کمک به نیازمندان مکلف می‌سازد.

اصل آزادی اقتصادی در محدوده تعریف شده

اصل آزادی اقتصادی در چارچوب حدود شرعی، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین اقتصاد اسلامی، به افراد اجازه می‌دهد تا در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند. این اصل، ضمن تأکید بر اهمیت آزادی فردی در عرصه اقتصاد، محدودیت‌هایی را نیز بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی اسلام برای آن قائل است. در این نظام اقتصادی، آزادی اقتصادی به معنای آزادی مطلق نبوده و دولت موظف است تا با تدوین قوانین و مقررات مناسب، از انحراف این آزادی به سمت رفتارهای ضد اجتماعی و اقتصادی جلوگیری کند. به عبارت دیگر، آزادی اقتصادی در اسلام، آزادی مسئولانه‌ای است که در چارچوب ارزش‌های اسلامی و به منظور تأمین منافع عموم جامعه اعمال می‌شود. برخی از محدودیت‌های اعمال شده بر آزادی اقتصادی در اسلام عبارتند از: ممنوعیت ربا، احتکار، غبن، و سایر معاملات نامشروع که به ضرر جامعه و افراد است. همچنین، دولت اسلامی موظف است تا از طریق سیاست‌های اقتصادی مناسب، توزیع عادلانه ثروت را تضمین کرده و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری کند.

ارث

در اسلام، قوانین ارث باهدف توزیع عادلانه و منصفانه اموال متوفی بین ورثه قانونی تدوین شده است. این قوانین، ضمن حفظ حقوق فردی، به دنبال ایجاد تعادل و همبستگی اجتماعی نیز می‌باشند. بر اساس فقه اسلامی، سهم الارث هر یک از ورثه از پیش تعیین شده و در قرآن و سنت مشخص گردیده است. در این نظام حقوقی، وصیت تنها در صورتی معتبر است که از سهم الارث قانونی ورثه تجاوز نکند و به نفع کسانی باشد که حق ارث ندارند. همچنین، اصل برابری بین ورثه از یک طبقه (مانند فرزندان پسر) مورد تأکید قرار گرفته و تبعیض بین آن‌ها ممنوع است. این رویکرد، ضمن جلوگیری از اختلافات خانوادگی، به حفظ انسجام و وحدت خانواده کمک می‌کند. به طور خلاصه، قوانین ارث در اسلام، با ایجاد یک نظام حقوقی شفاف و عادلانه، به دنبال تأمین منافع همه‌جانبه جامعه و حفظ حقوق افراد است.

زکات

زکات، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اسلام و ابزار مهمی برای تحقق عدالت اجتماعی، مکانیزمی است که بر اساس آن، بخشی از اموال مومنین برای کمک به نیازمندان و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه تخصیص داده می‌شود. این فریضه دینی، ضمن تأکید بر مسئولیت اجتماعی ثروتمندان، به دنبال کاهش شکاف طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای برابر و عادلانه است. در نظام اقتصادی اسلام، زکات نه تنها یک عمل عبادی، بلکه یک ابزار اقتصادی برای توزیع ثروت و کاهش فقر محسوب می‌شود. پرداخت زکات، علاوه بر اینکه موجب پاکیزگی مال و روح می‌شود، به رشد اقتصادی جامعه نیز کمک

می‌کند. در واقع، زکات یک سیستم بیمه اجتماعی پیشرفته است که از طریق آن، نیازمندان جامعه از حمایت مالی برخوردار می‌شوند و چرخه تولید و مصرف در جامعه به صورت پایدار ادامه می‌یابد. باتوجه به تعاریف فقهی، زکات بر اموال مشخصی مانند طلا، نقره، احشام، غلات و تجارت اعمال می‌شود و میزان آن بر اساس نوع مال و مقدار آن تعیین می‌گردد.

حکمرانی الهی

حکمرانی الهی، به عنوان یکی از اصول بنیادین اندیشه اسلامی، بیانگر آن است که خداوند متعال، به عنوان خالق و مالک مطلق هستی، تنها حاکم و قانونگذار واقعی است. در این دیدگاه، قرآن کریم و سنت نبوی، به عنوان منابع اصلی قانونگذاری در جامعه اسلامی، جایگاهی والا داشته و هیچ قانونی نمی‌تواند با آن‌ها در تعارض باشد. نظام اقتصادی اسلام نیز بر پایه این اصل استوار است و تمام فعالیت‌های اقتصادی باید در چارچوب قوانین الهی صورت پذیرد. در این نظام، مسئولیت اقتصادی افراد صرفاً محدود به منافع فردی نبوده و آن‌ها موظف‌اند تا حقوق اقتصادی دیگران را نیز رعایت کنند. این اصل اخلاقی، مبتنی بر باور به آخرت و پاسخگویی در برابر خداوند، مانع از هرگونه ظلم و ستم اقتصادی می‌شود. در واقع، حکمرانی الهی در اقتصاد، به معنای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و مبتنی بر عدالت اجتماعی است که در آن، نیازهای همه افراد جامعه تأمین شده و از انباشت ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری شود. این اصل، با تأکید بر اهمیت بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و ثروت‌های موجود، به دنبال ایجاد یک جامعه پایدار و سعادتمند است.

مفهوم اعتماد و پاسخگویی

مفهوم اعتماد و پاسخگویی در اسلام، ریشه در باور به حسابرسی اعمال در پیشگاه خداوند دارد. کلمه "حساب" که بارها در قرآن کریم تکرار شده است، بر اهمیت پاسخگویی فردی در برابر اعمال نیک و بد تأکید می‌نماید. در این دین، هر فردی موظف است در تمامی امور زندگی، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، پاسخگوی اعمال خود باشد. صداقت و امانتداری، به عنوان اصول بنیادین اخلاق اسلامی، در حوزه تجارت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در اسلام، تعاملات تجاری باید بر پایه عدالت و انصاف استوار باشد و طرفین معامله موظف به رعایت حقوق یکدیگر هستند. همچنین، اسلام بر مصرف بهینه و پرهیز از اسراف و تبذیر تأکید دارد و مصرف‌گرایی افراطی را مذموم می‌شمارد. در حوزه تغذیه نیز، اسلام بر مصرف حلال و پاک تأکید کرده و مسلمانان را به تقسیم روزی با نیازمندان تشویق می‌کند. اسلام هرگونه کسب درآمد نامشروع و مخلوط کردن آن با درآمد حلال را حرام دانسته و بر اهمیت تطهیر مال از طریق زکات و دیگر عبادات تأکید می‌نماید. به طور کلی، مفهوم اعتماد و پاسخگویی در اسلام، به عنوان یک نظام جامع اخلاقی، به دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم و پایدار است که در آن، روابط اجتماعی بر پایه صداقت، عدالت و تعاون استوار باشد.

نتیجه گیری فصل اول

نظام اقتصادی اسلامی، با رویکردی متمایز از نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی، بر پایه اصول بنیادین اسلام همچون عدالت، برابری و اخلاق بنا شده است. این نظام که فراتر از یک سیستم صرفاً اقتصادی است، به دنبال ایجاد جامعه‌ای ایده‌آل است که در آن، نیازهای همه افراد جامعه به‌ویژه محرومان تأمین شود و شکاف طبقاتی به حداقل برسد. در این نظام، فعالیت‌های اقتصادی نه تنها به دنبال کسب سود فردی هستند، بلکه به دنبال ایجاد تعادل بین منافع فردی و جمعی بوده و بر حفظ کرامت انسانی و عدالت اجتماعی تأکید دارد. از طریق نهادهایی همچون زکات و صدقه، این نظام به دنبال توزیع عادلانه ثروت و کاهش فقر است. همچنین، ممنوعیت ربا، کسب درآمدهای نامشروع و احتکار، از دیگر اصول این نظام هستند که به دنبال ایجاد اقتصادی سالم و پایدار می‌باشند. اقتصاد اسلامی، با تلفیق اصول اخلاقی و اقتصادی، به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن، همه افراد به‌عنوان اعضای یک خانواده بزرگ، از نعمت‌های زندگی بهره‌مند شوند.

نظام اقتصادی اسلامی، نظامی است که در آن، اخلاق و معنویت بر اقتصاد حاکم است. این نظام، با تأکید بر ارزش‌های اسلامی همچون عدالت، برابری و صداقت، به دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا است. ممنوعیت بهره (ربا) و کسب درآمدهای نامشروع، از جمله اصول بنیادین این نظام هستند که از طریق آن‌ها، تلاش می‌شود تا روابط اقتصادی بر پایه انصاف و عدالت شکل بگیرد. همچنین، نهادهایی همچون زکات و صدقه، نقش مهمی در توزیع عادلانه ثروت و کاهش شکاف طبقاتی ایفا می‌کنند. با این رویکرد، اقتصاد اسلامی به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن، همه افراد به طور برابر از نعمت‌های زندگی بهره‌مند شوند و رفاه و سعادت همگانی تأمین گردد.

اقتصاد اسلامی، با ریشه در اصول عدالت و کرامت انسانی، سیستم اقتصادی‌ای را ترویج می‌کند که توجه ویژه‌ای به نیازهای فقرا و مستمندان دارد، احتکار را حرام می‌داند و دسترسی همگانی به کالاهای اساسی را تضمین می‌کند. در این نظام، دولت نقش فعال و مداخله‌گرانه‌ای در تنظیم بازار ایفا می‌کند تا با ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا، ثبات اقتصادی را حفظ کند، از فقر و نابرابری جلوگیری نماید و رفاه عمومی را ارتقا بخشد.

در مقایسه با نظام‌های سرمایه‌داری که بر اساس سود فردی و بازار آزاد عمل می‌کنند و نظام‌های سوسیالیستی که مالکیت تمام منابع را در دست دولت می‌بینند، نظام اقتصادی اسلامی تلاش می‌کند تا تعادلی بین آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی برقرار کند.

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

مقدمه

در چند دهه اخیر، نوآوری‌های تکنولوژیک به عنوان محرک اصلی پیشرفت و تکامل بشر عمل کرده‌اند. اتوماسیون فرآیندها که زمانی ساعت‌ها کار دقیق می‌طلبید، اکنون با چندین کلیک یا لمس صفحه نمایش امکان‌پذیر شده است. توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های جهانی و یکپارچگی زنجیره‌های تأمین، مفهوم «دهکده جهانی» را به واقعیت تبدیل کرده است. این تحولات عمیق، پارادایم‌های کاری و سازمانی را متحول کرده و سازمان‌ها را ملزم به تطبیق با محیطی پویا و رقابتی نموده است. همه‌گیری کووید-۱۹ به عنوان یک شوک خارجی، ضرورت دیجیتالی شدن کسب‌وکارها را بیش از پیش آشکار ساخت. در پاسخ به این چالش بی‌سابقه، سازمان‌ها مجبور شدند به سرعت به سمت اتخاذ راهکارهای دیجیتال و هوشمند حرکت کنند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند و نیازهای مشتریان را برآورده سازند. این روند شتابان دیجیتالی شدن که در پژوهش‌های مرسر (۲۰۲۱) نیز به آن اشاره شده است، نشانگر اهمیت حیاتی فناوری در شکل‌دهی آینده کسب‌وکارها و جوامع است.

انقلاب دیجیتال به عنوان محرک اصلی تحولات در عرصه کسب‌وکار و اقتصاد جهانی شناخته می‌شود و صنعت خدمات مالی نیز از این تحولات به شدت متأثر شده است. اصطلاح "فین تک" (Fintech) که مخفف "فناوری مالی" است، از زمان ظهور اینترنت و گسترش روزافزون نوآوری‌های تکنولوژیک در حوزه مالی، به عنوان یک مفهوم کلیدی در ادبیات تخصصی این حوزه مطرح شده است. این اصطلاح به مجموعه‌ای از فناوری‌ها، روش‌ها و مدل‌های کسب‌وکاری اشاره دارد که باهدف دیجیتالی‌سازی و نوآوری در خدمات مالی سنتی به کار گرفته می‌شوند. باتوجه به پژوهش‌های کیلیچ و تورکان (۲۰۲۳)، فین تک به سرعت در حال رشد و توسعه است و به عنوان یک نیروی محرک در شکل‌دهی آینده صنعت مالی شناخته می‌شود.

فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، تحولات شگرفی را در حوزه فین تک رقم زده‌اند. بر اساس پژوهش‌های انجمن کامپیوتر IEEE، فین تک طیف گسترده‌ای از فناوری‌ها را شامل می‌شود که باهدف دیجیتالی‌سازی و خودکارسازی خدمات مالی سنتی همچون بانکداری و پرداخت‌ها به کار گرفته می‌شوند. این فناوری‌ها که شامل نرم‌افزارها، اپلیکیشن‌ها، الگوریتم‌ها و حتی سخت‌افزارهایی مانند دستگاه‌های خودپرداز و کیف پول‌های دیجیتال هستند، به طور فزاینده‌ای در زندگی روزمره ما نفوذ کرده‌اند. ریشه‌های تاریخی فین تک به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد، زمانی که نخستین دستگاه خودپرداز در ایالات متحده راه‌اندازی شد و مفهوم بانکداری الکترونیک شکل گرفت. با گذشت زمان و پیشرفت فناوری، شاهد تحولات شگرفی در این حوزه بوده‌ایم که از جمله می‌توان به معرفی بازار بورس NASDAQ و گسترش بانکداری آنلاین اشاره کرد. امروزه، فین تک به عنوان یک صنعت پویا و رو به رشد شناخته می‌شود که نوآوری‌های مستمری را در حوزه خدمات مالی به ارمغان می‌آورد. به عنوان مثال، در آغاز قرن بیست و یکم، میلیون‌ها نفر در ایالات متحده از خدمات بانکداری آنلاین استفاده می‌کردند (پوتولا، ۲۰۲۲).

تحول اقتصاد جهانی در سایه هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین

جهان امروز شاهد تحولات شگرفی در حوزه اقتصاد و تجارت است که به طور مستقیم متأثر از پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین می‌باشد. بر اساس گزارش مؤسسه معتبر مکینزی، تا سال ۲۰۳۰، هوش مصنوعی پتانسیل آن را دارد که بیش از ۱۳ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی بیفزاید و به عبارت دیگر، رشد اقتصادی را تا ۱۶ درصد افزایش دهد (بوگین و همکاران، ۲۰۱۸؛ رایل و همکاران، ۲۰۲۰).

در این میان، مفهوم "فین تک" به عنوان یک رویکرد نوآورانه در صنعت خدمات مالی مطرح شده است. فین تک به مجموعه گسترده‌ای از شرکت‌ها، محصولات، خدمات و فناوری‌هایی اشاره دارد که باهدف به کارگیری فناوری‌های نوین برای ارائه خدمات مالی کارآمدتر، سریع‌تر و شخصی‌سازی شده‌تر ایجاد شده‌اند. هدف اصلی فین تک، متحول کردن صنعت مالی سنتی و ایجاد یک اکوسیستم مالی دیجیتال با بهره‌وری بالا و دسترسی آسان برای همه است (آدام، ۲۰۲۱).

تحول دیجیتال در صنعت خدمات مالی، به عنوان یک نیروی محرک اصلی در تغییر پارادایم‌های کسب و کار و ارائه خدمات مالی شناخته می‌شود. با گسترش فناوری‌های نوظهور همچون داده‌های بزرگ، محاسبات ابری، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، مؤسسات مالی به دنبال ایجاد مدل‌های کسب و کار نوآورانه‌ای هستند که بتوانند نیازهای روزافزون مشتریان را در یک محیط رقابتی و پویا برآورده سازند. این تحول دیجیتال نه تنها منجر به بهبود کارایی عملیاتی و افزایش بهره‌وری در فرآیندهای داخلی می‌شود، بلکه امکان ارائه خدمات مالی شخصی‌سازی شده و با کیفیت بالاتر را نیز فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، هدف از تحول دیجیتال در صنعت مالی، ایجاد یک اکوسیستم مالی هوشمند و پویا است که در آن مشتریان بتوانند به صورت مؤثر و کارآمد به خدمات مالی دسترسی داشته باشند. این رویکرد، با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند خودکارسازی فرآیندهای رباتیک، به مؤسسات مالی اجازه می‌دهد تا ضمن کاهش هزینه‌ها، به انعطاف‌پذیری بیشتری دست یابند و خود را با تغییرات سریع بازار تطبیق دهند. به طور خلاصه، تحول دیجیتال در صنعت مالی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که به منظور حفظ رقابت‌پذیری و رشد پایدار، مورد توجه جدی مؤسسات مالی قرار گرفته است (عالم، گوپتا، و زمی، ۲۰۱۹؛ مرسر، ۲۰۲۱).

فین تک اسلامی: تلفیقی از فناوری‌های نوین و اصول شریعت

صنعت فین تک اسلامی به عنوان نقطه تلاقی فناوری‌های مالی نوین و اصول شریعت، در سال‌های اخیر شاهد رشد چشمگیری بوده است. در حالی که فین تک سنتی بر نوآوری‌های فناوری مالی متمرکز است، فین تک اسلامی باهدف تطبیق این نوآوری‌ها با اصول و ارزش‌های اسلامی، به دنبال ارائه خدمات مالی شفاف، عادلانه و اخلاقی می‌باشد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، فعالیت‌های مالی باید با اصول اخلاقی همچون عدالت، شفافیت، و پرهیز از ربا و معاملات نامشروع همسو باشد. با ظهور فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، بلاکچین و داده‌های بزرگ، فین تک اسلامی فرصت‌های بی‌نظیری برای توسعه محصولات و خدمات مالی مبتنی بر شریعت فراهم آورده است. از جمله این محصولات می‌توان به قراردادهای هوشمند اسلامی، اوراق بهادار مبتنی بر توکن‌های اسلامی و بانکداری دیجیتال شرعی اشاره کرد.

با این حال، تطبیق فناوری‌های نوین با اصول شریعت نیازمند تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی شفاف و همچنین همکاری نزدیک بین نهادهای مالی اسلامی، فقه‌های اسلامی و متخصصان فناوری است (کیلیچ و تورکان، ۲۰۲۳؛ رودریگز، ۲۰۱۹).

پتانسیل رو به رشد بازار خدمات مالی اسلامی و نقش فناوری‌های نوین

باتوجه به اینکه حدود یک چهارم جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و این جمعیت با نرخ قابل توجهی در حال رشد است، بازار خدمات مالی اسلامی از پتانسیل بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. جوان بودن جمعیت مسلمانان، به طور متوسط ۲۴ سال، نشان از آمادگی بالای این گروه برای پذیرش خدمات مالی دیجیتال و مبتنی بر فناوری‌های نوین دارد. نسل جوان مسلمان به عنوان "بومیان دیجیتال" شناخته می‌شوند و به دنبال راهکارهای مالی هستند که هم با باورهای دینی آنها همخوانی داشته باشد و هم از نظر فناوری روزآمد باشند. به گفته آریس پارویز، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری اسلامی دیجیتال واحد اینوست^۱، برای دستیابی به این نسل جوان، ارائه خدمات مالی اسلامی به صورت دیجیتال و قابل دسترسی از طریق دستگاه‌های هوشمند امری ضروری است (نورون‌ها، ۲۰۲۰). این امر نشان می‌دهد که صنعت فین تک اسلامی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌تواند نیازهای رو به رشد جمعیت مسلمان را در زمینه خدمات مالی برآورده سازد و بازار بزرگی را به خود اختصاص دهد.

فین تک اسلامی: تلفیقی از فناوری‌های نوین و اصول شریعت

فین تک اسلامی به عنوان نقطه تلاقی فناوری‌های مالی نوین و اصول شریعت، یک حوزه نوظهور در صنعت خدمات مالی است. برای درک دقیق فین تک اسلامی، ضروری است که به تفاوت‌های اساسی آن با فین تک سنتی توجه شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده فین تک اسلامی، پایبندی به اصول شریعت است که بر ممنوعیت ربا، غرر و میسر تأکید دارد. به عبارت دیگر، در فین تک اسلامی، هرگونه معامله مالی باید عادلانه، شفاف و مبتنی بر دارایی واقعی باشد و از هرگونه رباخواری، قمار و معاملات مبهم پرهیز شود. علاوه بر این، فین تک اسلامی بر تقسیم ریسک بین طرفین معامله و پرهیز از سرمایه‌گذاری در صنایع حرام مانند تولید و توزیع مشروبات الکلی، گوشت خوک و قمار تأکید می‌نماید. با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین، هوش مصنوعی و اینترنت اشیاء، فین تک اسلامی قادر است محصولات و خدمات مالی متنوعی را ارائه دهد که هم با اصول شریعت مطابقت داشته باشند و هم نیازهای مشتریان را برآورده سازند. از جمله این محصولات می‌توان به قراردادهای هوشمند اسلامی، اوراق بهادار مبتنی بر توکن‌های اسلامی و بانکداری دیجیتال شرعی اشاره کرد. به طور خلاصه، فین تک اسلامی با تلفیق اصول اخلاقی اسلامی و نوآوری‌های فناوری، چشم‌انداز جدیدی را در صنعت خدمات مالی ترسیم می‌کند (کیلیچ و تورکان، ۲۰۲۳).

^۱ Wahed Invest

فین تک اسلامی: طیف گسترده‌ای از خدمات مالی مبتنی بر شریعت

فین تک اسلامی، با تلفیق اصول شریعت و فناوری‌های نوین، طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات مالی را ارائه می‌دهد که به طور خاص برای پاسخگویی به نیازهای مشتریان مسلمان طراحی شده‌اند. این خدمات مالی مبتنی بر شریعت، جایگزین اخلاقی و شفاف برای خدمات مالی سنتی به شمار می‌روند. برخی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت فین تک اسلامی شامل بانکداری دیجیتال مبتنی بر شریعت، پلتفرم‌های هم‌تا به هم‌تا برای اعطای وام، پلتفرم‌های جمع‌سپاری اسلامی، خدمات پرداخت و انتقال پول سازگار با اصول شریعت و مدیریت ثروت اسلامی می‌باشد. این خدمات با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند بلاکچین، هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ، امکان ارائه محصولات و خدمات مالی متنوع و سفارشی‌سازی شده را برای مشتریان فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر، فین تک اسلامی با ایجاد یک اکوسیستم مالی شفاف و مبتنی بر اعتماد، به رشد و توسعه اقتصاد اسلامی کمک شایانی می‌کند (حسن، حسن و علیو، ۲۰۲۰).

فین تک اسلامی: پاسخگویی به نیازهای مالی نسل جوان و ارتقای شمول مالی در عصر

دیجیتال

فین تک اسلامی به عنوان یک نوآوری مالی، با تلفیق اصول شریعت و فناوری‌های نوین، در حال تحول بخشیدن به صنعت خدمات مالی است. این حوزه رو به رشد، باهدف جذب میلیون‌ها مسلمان جوان و ارائه خدمات مالی شفاف و مطابق با اصول اسلامی به اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه آن دسته که به خدمات بانکی دسترسی محدود دارند، به سرعت در حال گسترش است. باتوجه به اهمیت فزاینده فناوری‌های دیجیتال و شیوع بیماری کووید-۱۹، فین تک اسلامی به عنوان یک ابزار کارآمد برای افزایش شمول مالی و ارائه خدمات مالی دیجیتال به صورت ایمن و مطمئن، مورد توجه قرار گرفته است. محصولات و خدمات فین تک اسلامی، از جمله بانکداری دیجیتال اسلامی، سرمایه‌گذاری‌های شریعت‌محور، بیمه‌های اسلامی و برنامه‌های پس‌انداز، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که با نیازها و ارزش‌های مذهبی مسلمانان همسو باشد. در واقع، فین تک اسلامی با بهره‌گیری از کانال‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین مانند بلاکچین و هوش مصنوعی، امکان دسترسی آسان و سریع به خدمات مالی را برای همه افراد، صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی و شرایط اقتصادی آن‌ها فراهم می‌کند. در نتیجه، فین تک اسلامی نه تنها به رشد و توسعه اقتصاد اسلامی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک جامعه مالی پایدار و فراگیر نیز کمک می‌نماید (نورون‌ها، ۲۰۲۰).

فین تک اسلامی: نوآوری در ارائه خدمات مالی شریعت‌محور و ارتقای شمول مالی

فین تک اسلامی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، اکوسیستمی پویا از محصولات و خدمات مالی را ایجاد کرده است که به طور کامل با اصول شریعت اسلامی همسو هستند. این نوآوری‌ها نه تنها به نیازهای مالی مسلمانان پاسخ می‌دهند، بلکه با تسریع فرآیندهای مالی و کاهش موانع دسترسی به خدمات بانکی، به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد جامعه، کمک

شایانی می‌کنند. به لطف کاربرد گسترده هوش مصنوعی در فین تک اسلامی، امکان ارائه خدمات مالی سفارشی‌سازی شده و بهبود تجربه کاربری برای مشتریان فراهم شده است. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای فین تک اسلامی می‌توان به افزایش شمول مالی، تسهیل دسترسی به خدمات مالی برای جامعه مسلمان غیربانکی و توسعه محصولات مالی نوآورانه‌ای مانند بانکداری دیجیتال اسلامی، پرداخت‌های موبایلی شریعت‌محور، سرمایه‌گذاری‌های جمعی اسلامی و بیمه‌های اسلامی اشاره کرد. این دستاوردها نشان می‌دهند که فین تک اسلامی نه تنها به عنوان یک ابزار مالی، بلکه به عنوان یک عامل مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی عمل می‌کند (ساره، السید و بن‌نشوان، ۲۰۲۱).

تحول دیجیتال در فین تک اسلامی: نوآوری در ارائه خدمات بانکی و پرداخت‌های موبایلی

شریعت‌محور

با پیشرفت روزافزون فناوری‌های دیجیتال، فین تک اسلامی نیز به عنوان یکی از حوزه‌های نوظهور مالی، دستخوش تحولات شگرفی شده است. امروزه، مؤسسات مالی اسلامی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، طیف گسترده‌ای از خدمات بانکی و پرداخت‌های موبایلی را ارائه می‌دهند که به طور کامل با اصول شریعت اسلامی مطابقت دارند. این خدمات نوین، ضمن حفظ ارزش‌های اخلاقی و شفافیت در معاملات مالی، امکان انجام تراکنش‌های سریع، ایمن و کاربرپسند را برای مشتریان فراهم می‌آورند. پلتفرم‌های بانکداری موبایلی اسلامی، با ارائه خدماتی مانند پرداخت قبض، انتقال وجه، دسترسی به صورتحساب و سرمایه‌گذاری‌های شریعت‌محور، پاسخگوی نیازهای روزافزون مشتریان در زمینه خدمات مالی دیجیتال هستند. همچنین، گسترش استفاده از روش‌های پرداخت بدون تماس مانند کیف پول‌های دیجیتال، پرداخت‌های QR و کارت‌های پرداخت، تجربه کاربری مشتریان را بهبود بخشیده و به افزایش سرعت و امنیت تراکنش‌ها کمک کرده است. با ادغام فناوری‌های نوین در حوزه فین تک اسلامی، امکان ارائه خدمات مالی جامع و سفارشی‌سازی شده برای مشتریان فراهم شده است که ضمن برآورده‌سازی نیازهای مذهبی آن‌ها، به افزایش شمول مالی نیز کمک شایانی می‌کند. به عبارت دیگر، فین تک اسلامی با ایجاد یک اکوسیستم مالی دیجیتال مبتنی بر شریعت، به تحول در صنعت خدمات مالی اسلامی و ارتقای جایگاه آن در بازارهای جهانی کمک می‌کند (رودریگز، ۲۰۱۹؛ کیلیچ و تورکان، ۲۰۲۳).

بانکداری موبایلی اسلامی: بستری نوین برای افزایش شمول مالی و بهبود تجربه مشتری

بانکداری موبایلی به عنوان یک راهکار نوین و کارآمد در حوزه خدمات مالی، به ویژه برای جامعه مسلمان که بخش قابل توجهی از آن به خدمات بانکی دسترسی محدود یا ندارند، فرصت‌های بی‌نظیری ایجاد کرده است. بیش از ۳۵۰ میلیون مسلمان می‌توانند از طریق بانکداری موبایلی به طیف گسترده‌ای از خدمات مالی، از جمله پرداخت‌های الکترونیکی، انتقال وجه، سرمایه‌گذاری و مدیریت حساب، دسترسی آسان و ایمن داشته باشند. مطالعات نشان داده است که بانکداری موبایلی اسلامی نه تنها به افزایش شمول مالی و کاهش شکاف دیجیتالی کمک می‌کند، بلکه به بهبود تجربه مشتری و افزایش رضایت‌مندی آنان نیز منجر می‌شود (شبکه پرداخت‌های حلال، ۲۰۲۳؛ عالم و همکاران، ۲۰۲۲). دیجیتالی شدن

فرآیندهای بانکی، امکان تعامل مؤثرتر مؤسسات مالی با مشتریان را فراهم کرده و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا خدمات مالی را به صورت شخصی‌سازی شده و در هر زمان و مکان به مشتریان خود ارائه دهند. با استفاده از اپلیکیشن‌های موبایلی، مؤسسات مالی می‌توانند به سرعت و دقت به درخواست‌های مشتریان پاسخ داده و بهره‌وری خود را افزایش دهند. در نتیجه، دیجیتالی شدن در حال تحول بنیادین در نحوه ارائه خدمات مالی در سطح جهانی است و بانکداری موبایلی اسلامی به عنوان یکی از پیشروترین حوزه‌های این تحول، نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد اسلامی ایفا می‌کند (عالم و همکاران، ۲۰۱۹).

پلتفرم‌های جمع‌سپاری اسلامی

پلتفرم‌های جمع‌سپاری اسلامی به عنوان ابزاری نوین در فین تک اسلامی، امکان مشارکت گسترده در سرمایه‌گذاری‌های منطبق با شریعت را فراهم می‌آورند. این پلتفرم‌ها، الهام گرفته از مدل‌های هم‌تا به هم‌تا و وام‌دهی، با جمع‌آوری سرمایه از گروهی از افراد، فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترکی را ایجاد می‌کنند. در این بستر، تمامی مراحل سرمایه‌گذاری از جمله جمع‌آوری سرمایه، تخصیص منابع و بازپرداخت سود، بر اساس اصول اسلامی و با رعایت دقیق فقه اسلامی انجام می‌پذیرد. بدین ترتیب، سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان خاطر، سرمایه خود را در پروژه‌های مختلفی که با ارزش‌های اسلامی همسو هستند، مشارکت دهند. این رویکرد نوآورانه، علاوه بر افزایش دسترسی به فرصت‌های سرمایه‌گذاری، به رشد و توسعه اقتصاد اسلامی نیز کمک شایانی می‌کند (پرزهانوفسکی، ۲۰۲۳).

پلتفرم‌های جمع‌سپاری مالی، با حذف محدودیت‌های جغرافیایی، امکان اتصال مستقیم وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران در سطح جهانی را فراهم می‌آورند. این پلتفرم‌ها، به عنوان پل ارتباطی میان کارآفرینان و استارت‌آپ‌ها از یک سو و سرمایه‌گذاران از سوی دیگر، بستر مناسبی را برای جذب سرمایه از سراسر جهان فراهم می‌آورند. به این ترتیب، کسب‌وکارهای نوپا می‌توانند بدون نیاز به حضور فیزیکی در بازارهای هدف، به منابع مالی موردنیاز خود دسترسی پیدا کنند و رشد و توسعه خود را تسریع بخشند. این امر، ضمن تسهیل جریان سرمایه در اقتصاد جهانی، به افزایش نوآوری و رقابت در بازارهای مختلف نیز کمک شایانی می‌کند (عبدالجواد، هاشم و رشید، ۲۰۲۲).

پلتفرم‌های جمع‌سپاری هم‌تا به هم‌تا اسلامی با تلفیق موفق ارزش‌های اصیل اسلامی و نوآوری‌های مالی دیجیتال، اکوسیستم مالی اسلامی را متحول ساخته‌اند. این پلتفرم‌ها ضمن ترویج اصول اخلاقی اسلامی همچون عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، امکان مشارکت گسترده در سرمایه‌گذاری‌های حلال را برای عموم فراهم می‌آورند. به این ترتیب، فرصت‌های سرمایه‌گذاری متنوعی برای افراد با هر سطح درآمدی ایجاد شده و دسترسی به خدمات مالی اسلامی تسهیل می‌گردد. این رویکرد نوآورانه، ضمن ارتقای شمول مالی اسلامی، به رشد و توسعه پایدار اقتصادهای اسلامی نیز کمک شایانی می‌کند. همانطور که کیلیچ و تورکان (۲۰۲۳) اشاره کرده‌اند، جمع‌سپاری به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود که جزئیات آن در ادامه آورده شده است.

انواع جمع سپاری

جمع سپاری، به عنوان یک روش نوین تأمین مالی، به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا از طریق جمع‌آوری کمک‌های مالی کوچک از تعداد زیادی نفر، به اهداف خود برسند. این روش در حوزه‌های مختلفی از جمله فناوری، هنر، خیریه و کسب‌وکار مورد استفاده قرار می‌گیرد. کیلیچ و تورکان (۲۰۲۳) انواع جمع سپاری را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کنند:

الف - پلتفرم‌های مبتنی بر اهدا: این نوع پلتفرم‌ها، فضایی را فراهم می‌کنند تا افراد بتوانند بدون انتظار بازگشت پول، به کمپین‌های مختلف کمک مالی کنند. این مدل با مفهوم اسلامی صدقه همخوانی دارد و انگیزه اصلی اهداکنندگان، کمک به دیگران و انجام کار خیر است. در این نوع جمع سپاری، اهداکنندگان معمولاً به دلیل باور به ارزش اجتماعی یا خیرخواهانه یک پروژه، اقدام به کمک مالی می‌کنند.

ب - پلتفرم‌های مبتنی بر پاداش: در این نوع پلتفرم‌ها، اهداکنندگان در ازای کمک مالی خود، پاداشی دریافت می‌کنند. این پاداش می‌تواند یک محصول، خدمت، یا تجربه خاصی باشد. پاداش‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که جذابیت لازم برای جذب اهداکنندگان را داشته باشند و درعین حال، با اصول اسلامی نیز مطابقت داشته باشند. به عنوان مثال، یک شرکت نوپا ممکن است در ازای کمک‌های مالی، محصولات اولیه خود را به عنوان پاداش به اهداکنندگان ارائه دهد.

ج - پلتفرم‌های مبتنی بر سهام: این نوع پلتفرم‌ها، به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهند تا با سرمایه‌گذاری در یک شرکت یا پروژه، سهام آن را دریافت کنند. این مدل، مشارکت مستقیم سرمایه‌گذاران در رشد و موفقیت یک کسب‌وکار را تسهیل می‌کند. پلتفرم‌های مبتنی بر سهام، معمولاً برای شرکت‌های نوپا و پروژه‌های بزرگ‌تری که نیاز به سرمایه قابل توجهی دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این نوع جمع سپاری، با قوانین شریعت اسلامی نیز سازگاری دارد و به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد تا درعین حال که به یک کسب‌وکار کمک می‌کنند، از سود آن نیز بهره‌مند شوند.

رمز ارز و بلاکچین (فناوری دفتر کل توزیع شده [DLT])

بلاکچین، به عنوان فناوری زیربنایی ارزهای دیجیتال نظیر بیت کوین، یک سیستم بانکی غیرمتمرکز مبتنی بر دفتر کل توزیع شده (DLT) است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. این فناوری، با قابلیت ثبت و تأیید تراکنش‌ها به صورت غیرمتمرکز و تغییرناپذیر، پتانسیل تحول‌آفرینی در صنایع مختلف، از جمله خدمات مالی، را داراست. بلاکچین با ایجاد کدهای منحصر به فرد برای هر تراکنش، امنیت و شفافیت را در معاملات تضمین می‌کند. همچنین، امکان ثبت و انتقال انواع داده‌ها، از جمله دارایی‌های دیجیتال و قراردادهای هوشمند، بر روی این پلتفرم فراهم شده است. پیشرفت‌های اخیر در حوزه فناوری بلاکچین، با ورود مفاهیمی مانند توکن‌های غیرقابل تعویض (NFT)، اقتصاد دیجیتال را وارد مرحله جدیدی کرده است.

فناوری بلاکچین با ایجاد یک محیط شفاف، امن و غیرمتمرکز، پتانسیل بالایی برای تحول در حوزه مالی اسلامی دارد. این فناوری می‌تواند با استانداردسازی محصولات و خدمات مالی اسلامی، تسهیل تراکنش‌ها و افزایش دسترسی به

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

خدمات مالی، به ایجاد یک بازار دیجیتال واحد برای این حوزه کمک کند. همچنین، بلاکچین با ویژگی‌های منحصر به فرد خود مانند قراردادهای هوشمند و قابلیت ثبت دارایی‌های دیجیتال، امکان توسعه محصولات و خدمات مالی اسلامی نوآورانه را فراهم می‌کند. (پوتولا، ۲۰۲۲) (داه‌دال، تروبی و اسماعیلوف، ۲۰۲۲). بلاکچین، با تأکید بر شفافیت، امنیت و غیرمتمرکزی که دارد، به عنوان یک فناوری مکمل، پتانسیل تحول‌آفرینی در صنعت فین تک اسلامی را داراست. ثبت غیرقابل تغییر تراکنش‌ها در بلاکچین، اعتماد اهداکنندگان را جلب کرده و فرآیندهای جمع‌آوری و توزیع زکات را تسریع می‌بخشد. علاوه بر این، اتوماسیون قراردادهای هوشمند مبتنی بر شریعت، تسهیل انتقالات مالی بین‌المللی و توکن‌سازی دارایی‌های فیزیکی، کاربردهای گسترده‌ای در حوزه‌هایی مانند صکوک و سرمایه‌گذاری‌های املاک اسلامی یافته است (کیلچ و تورکان، ۲۰۲۳). همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که احکام مقاصد نیز با استفاده از فناوری بلاکچین در عملیات مؤسسات مالی اسلامی قابل اجرا است (اونا و آيسان، ۲۰۲۲).

هوش مصنوعی و یادگیری ماشین

هوش مصنوعی و یادگیری ماشین با تحلیل دقیق داده‌ها و کشف الگوهای پیچیده، به عنوان ابزارهای قدرتمندی برای ارتقای سطح انطباق با شریعت در بانکداری اسلامی عمل می‌کنند. این فناوری‌ها با شناسایی دقیق نواقص و ارائه راهکارهای بهبود، ریسک‌های ناشی از عدم تطابق با اصول اسلامی را کاهش داده و ضمن ارتقای کیفیت خدمات بانکی، تجربه مشتریان را نیز بهبود می‌بخشند. به علاوه، هوش مصنوعی با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی عمیق، قادر به حل مسائل پیچیده مالی و حتی پیش‌بینی رویدادهای آینده است. با این حال، به کارگیری هوش مصنوعی در حوزه مالی اسلامی با چالش‌هایی نیز همراه است، به ویژه در مواردی که تصمیم‌گیری در خصوص معاملات جدید مستلزم استنباط از فقه اسلامی باشد (قریشی، ۲۰۱۸؛ حزبون، ۲۰۲۳).

در حوزه مالی اسلامی، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری قدرتمند برای مدیریت طیف گسترده‌ای از ریسک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فناوری نوین، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده و تحلیل داده‌های حجیم، به ارزیابی و کاهش ریسک‌های اعتباری، بازار، عملیاتی و نقدینگی کمک شایانی می‌نماید. علاوه بر این، هوش مصنوعی نقش مهمی در بهینه‌سازی مدیریت دارایی و بدهی و همچنین اطمینان از رعایت مقررات نظارتی و الزامات شرعی در فعالیت‌های مالی ایفا می‌کند. همانطور که ساره، السید و بن‌نشوان (۲۰۲۱) نیز بر آن تأکید دارند، هوش مصنوعی به عنوان یک عامل کلیدی در ارتقاء سطح مدیریت ریسک در مؤسسات مالی اسلامی شناخته شده است.

مطابق پژوهش‌های کاتربوئر و موشه تا (۲۰۲۲)، هوش مصنوعی در تحلیل‌های کمی بازار سهام کاربرد گسترده‌ای یافته است. این فناوری با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده، قادر به تحلیل دقیق سطوح مختلف قیمت، پایداری لحظه‌ای هر سهم و همچنین پیش‌بینی روندهای آتی قیمت‌ها بر اساس داده‌های تاریخی است. به عبارت دیگر، هوش مصنوعی با مدل‌سازی الگوهای پیچیده در داده‌های مالی، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

هوش مصنوعی با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده و تحلیل داده‌های حجیم، به‌عنوان ابزاری قدرتمند در بهینه‌سازی فرآیند تخصیص منابع مالی در چارچوب استانداردهای اسلامی عمل می‌کند. این فناوری نوین با ارزیابی دقیق متغیرهای ریسک، نرخ بازده و شرایط دینامیک بازار، امکان شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری حلال و رقابتی را فراهم می‌آورد. هوش مصنوعی با تحلیل پایگاه‌های داده گسترده و سوابق مالی، الگوهای پنهان را کشف کرده و دارایی‌های نامشروع را حذف می‌کند تا پرتفولیوهای سرمایه‌گذاری کاملاً مطابق با اصول شریعت تشکیل شوند. همانطور که قادر (۲۰۲۳) نیز بر آن تأکید دارد، هوش مصنوعی به‌عنوان کاتالیزوری برای ارتقاء تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در مؤسسات مالی اسلامی عمل می‌نماید.

با ظهور فناوری مالی اسلامی (فین تک)، صنعت مالی مبتنی بر اصول اسلامی شاهد تحولات شگرفی بوده است. ادغام فین تک با فناوری‌های نوظهوری همچون هوش مصنوعی (AI)، یادگیری ماشین (ML) و یادگیری عمیق (DL) می‌تواند این صنعت را به اوج پتانسیل خود برساند. هوش مصنوعی با اتوماسیون فرایندهای پیچیده نظیر ردیابی سرمایه‌گذاری‌ها و تراکنش‌های مطابق با شریعت و ارائه تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده مبتنی بر داده‌های عظیم، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را بهینه‌سازی می‌کند. از سوی دیگر، یادگیری ماشین با توانایی خودآموزی و کشف الگوهای پیچیده در داده‌های مالی، امکان شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید و تطبیق‌پذیر با اصول اسلامی را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، این فناوری‌ها به‌عنوان ابزارهای قدرتمندی برای توسعه محصولات و خدمات مالی نوآورانه و مطابق با شریعت عمل کرده و به رشد پایدار صنعت مالی اسلامی کمک شایانی خواهند نمود. همان‌طور که کیلیچ و تورکان (۲۰۲۳) نیز بر آن تأکید دارند، این ادغام می‌تواند تحولی بنیادین در این صنعت ایجاد کند.

هوش مصنوعی عمیق (DL) با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده و توانایی یادگیری عمیق، به‌عنوان ابزاری قدرتمند در ارتقاء امنیت و شفافیت در صنعت مالی اسلامی عمل می‌نماید. این فناوری با تحلیل دقیق و لحظه‌ای حجم عظیمی از داده‌های تراکنش‌ها، قادر به تشخیص الگوهای غیرعادی و شناسایی فعالیت‌های مشکوک است. به این ترتیب، DL به طور مؤثری از وقوع کلاهبرداری و نقض استانداردهای شریعت جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، با اتوماسیون فرایندهای نظارتی و تفسیر پیچیدگی‌های قوانین و مقررات اسلامی، DL به ایجاد یک اکوسیستم مالی شفاف و مطمئن کمک شایانی می‌نماید. ادغام هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و یادگیری عمیق در حوزه فین تک اسلامی، نه تنها عصر جدیدی از نوآوری و کارایی را در عملیات مالی رقم می‌زند، بلکه به تقویت پایبندی به اصول اخلاقی و شرعی نیز کمک می‌کند. همان‌طور که کیلیچ و تورکان (۲۰۲۳) و ساره، السید و بن‌نشوان (۲۰۲۱) نیز بر آن تأکید دارند، تحلیل داده‌های بزرگ با استفاده از این فناوری‌ها، امکان ارائه خدمات مالی شخصی‌سازی شده و بهبود تجربه مشتری را فراهم آورده و به نهادهای مالی اسلامی کمک می‌کند تا در رقابت جهانی موفق‌تر عمل کنند.

تکافل، به‌عنوان الگوی اسلامی بیمه، بر پایه همکاری متقابل و تقسیم ریسک بین اعضای یک جامعه بنا شده است. ورود فناوری‌های نوین به این صنعت که به‌عنوان اینشورتک شناخته می‌شود، تحولات شگرفی را در حوزه تکافل رقم زده است. ادغام اینشورتک و تکافل، با بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند و داده‌محور، امکان ارائه خدمات نوآورانه و کارآمدتری را فراهم آورده است. از جمله کاربردهای اینشورتک در تکافل می‌توان به استفاده از چت‌بات‌ها برای تعامل با

مشتریان، خودکارسازی فرآیندهای صدور بیمه، سیستم‌های هوشمند مدیریت خسارت و همچنین بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای ارزیابی دقیق ریسک‌ها اشاره کرد. علاوه بر این، با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال و فناوری بلاکچین، امکان ارائه خدمات به صورت آنلاین، شفاف و امن فراهم شده است. به این ترتیب، مشتریان می‌توانند به راحتی از طریق تلفن همراه خود به محصولات و خدمات تکافل دسترسی داشته باشند، آن‌ها را مقایسه کرده و به صورت آنلاین خریداری نمایند. این نوآوری‌ها نه تنها به بهبود تجربه مشتری کمک می‌کنند بلکه به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های عملیاتی در صنعت تکافل نیز منجر می‌شوند. با تحلیل داده‌های مشتریان به کمک هوش مصنوعی، شرکت‌های تکافل قادر خواهند بود محصولات و خدمات جدیدی را طراحی کنند که به طور دقیق با نیازها و ریسک‌های هر مشتری مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، اینشورتک به صنعت تکافل کمک می‌کند تا با سرعت بیشتری به سمت دیجیتالی شدن و شخصی‌سازی خدمات حرکت کند و در نتیجه، پاسخگوی نیازهای روزافزون مشتریان در دنیای مدرن باشد (کیلیج و تورکان، ۲۰۲۳). این تطبیق شخصی‌سازی شده را می‌توان با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده هوش مصنوعی محقق ساخت که به طور قابل توجهی تجربه مشتری را ارتقا می‌بخشد (ربانی، حسن و رشید، ۲۰۲۲).

روبو-مشاوران، به عنوان ابزارهای هوشمند و خودکار در حوزه مالی، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های پیچیده و فناوری هوش مصنوعی، خدمات مشاوره و مدیریت سرمایه‌گذاری را ارائه می‌دهند. این سیستم‌های هوشمند با تحلیل دقیق داده‌های بازار و مشخصات فردی سرمایه‌گذار، پرتفولیوهای سرمایه‌گذاری متنوع و متناسب با تحمل ریسک و اهداف مالی هر فرد را طراحی و مدیریت می‌کنند. کاهش ریسک و افزایش بازدهی، دو هدف اصلی هستند که روبو-مشاوران با اتکا بر اصول علمی سرمایه‌گذاری و فناوری‌های نوین به دنبال دستیابی به آن‌ها هستند. همان‌طور که پوتولا (۲۰۲۲) نیز بر آن تأکید دارد، این ابزارها با حذف عوامل احساسی و خطای انسانی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا به اهداف مالی خود نزدیک‌تر شوند.

مدیریت ثروت اسلامی، با تأکید بر اصول شریعت، به ارائه خدمات جامع مشاوره‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری، مدیریت پرتفولیو و برنامه‌ریزی مالی می‌پردازد. در این راستا، ظهور فناوری‌های نوین و به‌ویژه هوش مصنوعی، امکان ارائه خدمات مشاوره‌ای به صورت خودکار و شخصی‌سازی شده را فراهم کرده است. روبو-مشاوران اسلامی، به عنوان پلتفرم‌های دیجیتالی مبتنی بر الگوریتم‌های پیچیده، با تحلیل دقیق داده‌های بازار و مشخصات فردی سرمایه‌گذار، قادرند پرتفولیوهای سرمایه‌گذاری متنوع و مطابق با اصول شریعت را طراحی و مدیریت کنند. این سیستم‌ها با ارائه راهکارهای هوشمندانه در زمینه برنامه‌ریزی مالی، از جمله بازنشستگی، پس‌انداز، برنامه‌ریزی مالیاتی و سرمایه‌گذاری‌های ثابت، به سرمایه‌گذاران اسلامی کمک می‌کنند تا به اهداف مالی خود دست یابند. محصولات سرمایه‌گذاری ارائه شده توسط روبو-مشاوران اسلامی معمولاً شامل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، صندوق‌های املاک اسلامی، محصولات تکافل و سهام شرکت‌های اسلامی است که همگی با استانداردهای شریعت تطابق دارند (عالم، گپتا و زامنی، ۲۰۱۹).

با پیشرفت روزافزون فناوری، صنعت مدیریت ثروت اسلامی شاهد تحولات شگرفی بوده است. ادغام اصول اسلامی با فناوری‌های نوین در قالب روبو-مشاوران، امکان ارائه خدمات مالی شخصی‌سازی شده و مبتنی بر شریعت را برای طیف گسترده‌ای از افراد فراهم آورده است. این رویکرد نوآورانه نه تنها به افزایش شمول مالی و گسترش دسترسی به

خدمات مالی اسلامی کمک می‌کند، بلکه با ارائه ابزارهای هوشمند و کارآمد، تجربه سرمایه‌گذاری را برای نسل جوان و تکنولوژی محور جذاب‌تر می‌سازد. روبو-مشاوران اسلامی با تحلیل داده‌های بازار و مشخصات فردی سرمایه‌گذاران، پرتفولیوهای سرمایه‌گذاری متنوع و مطابق با اصول شریعت را طراحی و مدیریت می‌کنند. این پلتفرم‌ها با تسهیل مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های حلال، فرصت‌های جدیدی را برای رشد بازارهای مالی اسلامی ایجاد نموده‌اند. شایان ذکر است که برخی از نهادهای مالی اسلامی، علاوه بر خدمات روبو-مشاوره، طیف گسترده‌ای از خدمات مالی شامل مشاوره سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی مالی و مدیریت دارایی را نیز ارائه می‌دهند (کیلچ و تورکان، ۲۰۲۳).

RegTech و هوش مصنوعی: ابزارهای نوین برای نظارت بر انطباق در مالی اسلامی

فناوری نظارتی یا رگ تک (RegTech) به مجموعه‌ای از ابزارها، تکنیک‌ها و نرم‌افزارهایی اطلاق می‌شود که باهدف تسهیل تطابق کسب و کارهای مالی با قوانین و مقررات پیچیده و روزافزون صنعت مالی به کار می‌رود. رگ تک با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و تحلیل داده‌های بزرگ، به طور خودکار و دقیق فرآیندهای نظارتی را انجام داده و ریسک‌های مرتبط با عدم انطباق را به حداقل می‌رساند. این فناوری در حوزه‌های مختلفی همچون شناخت مشتری (KYC)، مبارزه با پولشویی (AML) و مدیریت ریسک به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و به نهادهای مالی کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتری به فعالیت‌های خود ادامه دهند. همان‌طور که پوتولا (۲۰۲۲) نیز بر آن تأکید دارد، رگ تک نقش بسیار مهمی در تضمین رعایت حقوق مشتریان و جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه در صنعت مالی ایفا می‌کند.

یکی از ابعاد کلیدی فین تک اسلامی، بکارگیری فناوری‌های نوین نظارتی (RegTech) برای تضمین انطباق مستمر فعالیت‌های مالی با اصول شریعت در حال تحول است. با پیچیده‌تر شدن اکوسیستم مالی اسلامی به واسطه نوآوری‌های فین تکی، ضرورت نظارت بر راه‌حل‌های مالی و اطمینان از پایبندی آن‌ها به مبانی اسلامی بیش از پیش احساس می‌شود. فناوری‌های نوظهوری همچون بلاکچین و هوش مصنوعی، امکانات جدیدی را برای نظارت و حسابرسی لحظه‌ای انطباق فراهم آورده و خودکارسازی فرایندهای پیچیده حسابرسی شرعی را تسهیل می‌کنند. در آینده، باتوجه به تکامل صنعت فین تک و افزایش پیچیدگی الزامات عملیاتی، RegTech نقش محوری در تضمین هم‌راستایی نوآوری و انطباق در حوزه مالی اسلامی ایفا خواهد نمود. (فاچسندی و همکاران، ۲۰۲۳)

صنعت مالی اسلامی، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه فین تک و هوش مصنوعی، تحولات شگرفی را تجربه می‌کند. اصول بنیادین بانکداری اسلامی و فناوری‌های مالی، هم‌خوانی قابل توجهی با یکدیگر دارند و این امر موجب شده است تا مؤسسات مالی اسلامی به‌عنوان پیشروانی در حوزه نوآوری‌های مالی شناخته شوند. نبود زیرساخت‌های قدیمی در این صنعت، بستر مناسبی را برای پیاده‌سازی فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی فراهم آورده است. باین‌حال، ادغام هوش مصنوعی در نظام مالی اسلامی با چالش‌ها و ملاحظات خاص خود همراه است که نیازمند بررسی و تحلیل دقیق می‌باشند. همان‌گونه که قریشی (۲۰۱۸) نیز بر آن تأکید دارد، درحالی‌که هوش مصنوعی فرصت‌های

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

بی نظیری را برای توسعه و بهبود خدمات مالی اسلامی فراهم می کند، اما چالش های نظارتی، اخلاقی و فنی متعددی نیز در این مسیر وجود دارد که باید به دقت مورد توجه قرار گیرند.

چالش ها و مسائل ناشی از هوش مصنوعی و فین تک

ادغام فناوری های نوین همچون هوش مصنوعی و فین تک در صنعت مالی اسلامی، تحولات شگرفی را به همراه داشته است. این فناوری ها با ارائه ابزارهای قدرتمند برای مدیریت ریسک، گسترش شمول مالی و شخصی سازی خدمات، فرصت های بی نظیری را پیش روی مؤسسات مالی اسلامی قرار داده اند. با این حال، به موازات این فرصت ها، چالش های متعددی نیز وجود دارد که نیازمند توجه جدی می باشند. مقررات حاکم بر مدیریت داده ها، حفظ شفافیت در فرآیندهای تصمیم گیری مبتنی بر هوش مصنوعی و فقدان نیروی کار متخصص در حوزه فناوری های مالی، از جمله مهم ترین چالش های پیش روی این صنعت محسوب می شوند. همانطور که ساره، السید و بن نشوان (۲۰۲۱) نیز بر آن تأکید دارند، شناسایی و رفع این موانع، پیش نیاز توسعه پایدار و موفقیت آمیز صنعت مالی اسلامی در عصر دیجیتال است.

تنظیم گری و انطباق در صنعت مالی اسلامی

تنظیم گری و انطباق در صنعت مالی اسلامی، نقش محوری در ایجاد محیطی امن، شفاف و پایدار ایفا می کند. وجود یک چارچوب قانونی و نظارتی جامع و هماهنگ، اعتماد سرمایه گذاران را جلب کرده و به توسعه پایدار این صنعت کمک شایانی می نماید. با این حال، تنوع قوانین و مقررات حاکم بر مالی اسلامی در کشورهای مختلف، به دلیل تفاوت در منابع فقهی، مراحل توسعه اقتصادی و اجتماعی و همچنین تعامل با سیستم های مالی بین المللی، چالش های قابل توجهی را ایجاد کرده است. همان گونه که احمد (۲۰۲۰) نیز بر آن تأکید دارد، عدم وجود یک چارچوب واحد و هماهنگ جهانی، می تواند مانع از رشد و توسعه یکپارچه صنعت مالی اسلامی شود. از این رو، تدوین استانداردهای بین المللی و هماهنگی بیشتر میان نهادهای نظارتی مختلف، از جمله مهم ترین اولویتهای این صنعت به شمار می آید.

مسئله شفافیت تصمیم گیری های الگوریتمی در صنعت مالی اسلامی

یکی از مهم ترین چالش های ناشی از به کارگیری هوش مصنوعی در صنعت مالی اسلامی، مسئله شفافیت تصمیم گیری های الگوریتمی است. در حالی که الگوریتم های یادگیری ماشین قادرند با تحلیل حجم عظیمی از داده ها، تصمیمات سرمایه گذاری کارآمدتری اتخاذ کنند، اما ماهیت جعبه سیاه این الگوریتم ها، درک علل و عوامل مؤثر بر تصمیمات نهایی را دشوار می سازد. از آنجا که حفظ اعتماد سرمایه گذاران در صنعت مالی اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است، مدیران صندوق ها موظف اند تا دلایل پشت تصمیمات اتخاذ شده توسط سیستم های هوش مصنوعی را به طور شفاف و قابل فهم برای ذینفعان تبیین نمایند. همان گونه که بوخروعا، العجمی، دئودورو، فاریاس و راویکومار

(۲۰۲۱) و همچنین قادر (۲۰۲۳) بر آن تأکید دارند، عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی می‌تواند به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و در نتیجه، تضعیف جایگاه صنعت مالی اسلامی منجر شود.

جنبه‌های اخلاقی و دینی به کارگیری هوش مصنوعی در صنعت مالی اسلامی

به کارگیری هوش مصنوعی در صنعت مالی اسلامی، ضمن ارائه فرصت‌های نوین، چالش‌های اخلاقی و شرعی قابل توجهی را نیز به همراه دارد. الگوریتم‌های هوش مصنوعی به کار رفته در این حوزه باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر کارایی و دقت، با اصول و ارزش‌های اسلامی نیز هم‌راستا باشند. تضمین انطباق تصمیمات سرمایه‌گذاری با مقررات شریعت، یکی از مهم‌ترین الزامات در این زمینه است. از سوی دیگر، پذیرش نوآوری‌های مالی مبتنی بر فناوری‌های نوین همچون ارزهای دیجیتال، با چالش‌های فقهی و اعتقادی مواجه است. برخی از فقها، نوآوری‌هایی نظیر بیت کوین را مغایر با اصول شریعت می‌دانند. لذا، تدوین چارچوب‌ها و استانداردهای شفاف و جامع، به منظور ارزیابی انطباق محصولات و خدمات مالی مبتنی بر فناوری با اصول اسلامی، امری ضروری است. همان‌گونه که قادر (۲۰۲۳)، حسن، حسن و علیو (۲۰۲۰) نیز بر آن تأکید دارند، ایجاد تعادل میان نوآوری و پایبندی به اصول شریعت، کلید موفقیت در ادغام فناوری‌های نوین در صنعت مالی اسلامی است.

تهدیدات امنیت سایبری و حریم خصوصی داده‌ها

رشد سریع فناوری‌های مالی و دیجیتالی شدن خدمات مالی، ضمن ارائه فرصت‌های بی‌نظیر، چالش‌های امنیتی و حفاظت از داده‌ها را نیز به همراه داشته است. جرایم سایبری به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه مؤسسات مالی، باهدف سرقت اطلاعات محرمانه مشتریان، اخلال در عملیات و کسب سودهای نامشروع، به طور فزاینده‌ای پیچیده و سازمان‌یافته شده است. مؤسسات مالی به عنوان متولیان اموال و اطلاعات مشتریان، در معرض ریسک‌های متعددی از جمله سرقت هویت، کلاهبرداری‌های مالی، باج‌خواهی و نفوذ به سیستم‌های اطلاعاتی قرار دارند. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، وقوع حوادث سایبری می‌تواند علاوه بر خسارات مالی مستقیم، به اعتبار و شهرت مؤسسات مالی نیز آسیب جدی وارد کرده و حتی به ثبات نظام مالی کلان نیز لطمه بزند. عدم توانایی مؤسسات مالی در مدیریت مؤثر رویدادهای سایبری، می‌تواند منجر به اختلال در ارائه خدمات، از دست رفتن اعتماد مشتریان و در نهایت، بروز بحران‌های مالی شود.

در چشم‌انداز رقابتی و پویای صنعت مالی، مؤسسات مالی برای حفظ امنیت اطلاعات حساس مشتریان و اطمینان از تداوم فعالیت‌های خود، نیازمند اتخاذ رویکردهای امنیتی پیشرفته و چندلایه هستند. پیاده‌سازی مدل امنیتی صفر اعتماد، به عنوان یک استراتژی دفاعی قدرتمند، به مؤسسات مالی اجازه می‌دهد تا سطح امنیت را به طور قابل توجهی افزایش دهند. در این مدل، هر دستگاه، صرف‌نظر از اینکه داخل یا خارج از شبکه سازمان باشد، پیش از اعطای دسترسی، موظف به احراز هویت چندمرحله‌ای است. علاوه بر این، استفاده از فایروال‌های نسل جدید و راهکارهای دفاع در برابر باج‌افزار،

برای حفاظت از زیرساخت‌های ابری و درون‌محلی، امری ضروری است. رمزنگاری قوی نیز به‌عنوان یک لایه دفاعی دیگر، از داده‌های حساس در برابر دسترسی‌های غیرمجاز محافظت می‌کند. همان‌گونه که مورر و نلسون (۲۰۲۱) و اینسایت ادیتور (۲۰۲۳) نیز بر آن تأکید دارند، با اجرای این راهکارهای امنیتی، مؤسسات مالی می‌توانند ریسک‌های ناشی از حملات سایبری را به حداقل رسانده و به طور مؤثر از داده‌ها و سیستم‌های خود محافظت کنند.

سوگیری داده‌ای و کیفیت داده‌ها

سوئی‌گیری یا تعصب داده‌ای و کیفیت داده‌ها به‌عنوان دو چالش اساسی در حوزه هوش مصنوعی مالی مطرح می‌شوند. داده‌های آموزشی ناقص، مغرضانه یا غیرنماینده می‌توانند به مدل‌های یادگیری ماشین تعصب منتقل کرده و منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و تقویت بی‌اعتمادی کاربران به فناوری‌های مالی شود. این مساله به‌ویژه در حوزه‌هایی که با مسائل حساس مانند اعتبارسنجی و تخصیص منابع مالی سروکار دارند، اهمیت بیشتری می‌یابد. از سوی دیگر، کیفیت داده‌ها به طور مستقیم بر دقت و قابلیت اعتماد نتایج حاصل از مدل‌های هوش مصنوعی تأثیرگذار است. لذا، حفظ یکپارچگی و دقت داده‌ها برای اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و مالی آگاهانه امری حیاتی است. (بوخروعا و همکاران، ۲۰۲۱؛ قادر، ۲۰۲۳)

دقت و کیفیت داده‌های ورودی به‌عنوان ستون فقرات سیستم‌های هوش مصنوعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار و قابلیت اطمینان نتایج حاصل از این سیستم‌ها ایفا می‌کنند. در حوزه مالی، جایی که تصمیمات مبتنی بر داده‌ها می‌توانند به طور مستقیم بر عملکرد سرمایه‌گذاری و ثبات مالی تأثیرگذار باشند، حفظ یکپارچگی و دقت داده‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است. همان‌گونه که قادر (۲۰۲۳) نیز بر آن تأکید دارد، کیفیت پایین داده‌ها می‌تواند به تولید نتایج گمراه‌کننده و در نتیجه، اتخاذ تصمیمات نادرست منجر شود. لذا، برای اطمینان از قابلیت اعتماد مدل‌های هوش مصنوعی در حوزه مالی، ضروری است تا فرآیندهای جمع‌آوری، پاکسازی و اعتبارسنجی داده‌ها با دقت و حساسیت بالایی انجام شود.

موارد تأمین مالی بدون سابقه در قانون شریعت

وابستگی فزاینده بانکداری اسلامی به فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، ضمن ایجاد فرصت‌های نوین، چالش‌های شرعی و فنی قابل توجهی را نیز به همراه دارد. در مواردی که الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تصمیم‌گیری در خصوص معاملات مالی اسلامی به کار گرفته می‌شوند، عدم وجود قوانین و مقررات شفاف و جامع می‌تواند به تفسیرهای متفاوت و ایجاد ابهام در خصوص انطباق این معاملات با اصول شریعت منجر شود. پیچیدگی معاملات مالی اسلامی و همچنین حجم بالای داده‌های موردنیاز برای آموزش الگوریتم‌های هوش مصنوعی، فرآیند تطبیق این فناوری‌ها با مقررات شریعت را به یک چالش جدی تبدیل کرده است. از سوی دیگر، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های فناوری موردنیاز برای پیاده‌سازی این فناوری‌ها، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه و نیروی انسانی

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

متخصص است. نبود زیرساخت‌های فناوری مناسب و کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه فناوری‌های مالی اسلامی، می‌تواند به‌عنوان یک مانع جدی بر سر راه گسترش و توسعه این صنعت تلقی شود.

ساختار فناوری و مهارت‌های تخصصی

صنعت مالی اسلامی در مواجهه با تحولات سریع فناوری، نیازمند تطبیق با زیرساخت‌های نوین و کسب مهارت‌های تخصصی است. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشرفته، امری ضروری برای حفظ رقابت‌پذیری این صنعت به شمار می‌رود. با این حال، کمبود نیروی کار ماهر در حوزه هوش مصنوعی، به‌عنوان یکی از موانع اصلی در مسیر دیجیتالی شدن بانک‌های اسلامی مطرح است. یافتن و جذب متخصصینی با دانش و مهارت‌های لازم برای مدیریت و توسعه سیستم‌های هوشمند، به‌ویژه در حوزه مالی که با پیچیدگی‌های خاص خود همراه است، چالش بزرگی است. پویایی و تحولات مستمر در حوزه هوش مصنوعی، بر پیچیدگی این مساله می‌افزاید و نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی متخصص را بیش از پیش ضروری می‌سازد. (قریشی، ۲۰۱۸)

فناوری‌های نوظهور همچون فین تک، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، فرصت‌های بی‌نظیری را برای تحول و نوآوری در صنعت مالی اسلامی فراهم آورده‌اند. با این حال، ادغام این فناوری‌ها با اصول و مبانی شریعت، مستلزم توجه دقیق به چالش‌های متعددی است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تضمین انطباق الگوریتم‌ها و مدل‌های یادگیری ماشین با فقه اسلامی و حفظ ماهیت غیرربا بودن معاملات است. از سوی دیگر، حفظ امنیت داده‌های حساس مشتریان، شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری الگوریتمی و حفظ اعتماد مشتریان، از دیگر الزامات کلیدی محسوب می‌شوند. برای پاسخگویی به این چالش‌ها، مؤسسات مالی اسلامی می‌بایست در توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، به‌روزرسانی سیستم‌های امنیتی و آموزش نیروی انسانی متخصص در حوزه فناوری‌های مالی اسلامی سرمایه‌گذاری نمایند. علاوه بر این، تدوین چارچوب‌های نظارتی جامع و منعطف که همزمان با نوآوری‌های فناوری، اصول شریعت را نیز لحاظ کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نتیجه‌گیری فصل

تحولات شگرف فناوری‌های نوظهور نظیر هوش مصنوعی و فین تک، صنعت مالی اسلامی را نیز تحت‌تأثیر قرار داده و منجر به تحول بنیادین در ارائه خدمات مالی مبتنی بر اصول شریعت شده است. فین تک اسلامی با بهره‌گیری از قابلیت‌های تحلیلی پیشرفته هوش مصنوعی در پردازش حجم عظیمی از داده‌ها، امکان اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر و سریع‌تر در حوزه‌های مختلف مالی، از جمله مدیریت ریسک و تطبیق معاملات با فقه اسلامی را فراهم آورده است. این فناوری نوین، ضمن حفظ اصول شریعت، به بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی اجازه می‌دهد تا محصولات و خدمات مالی متنوع‌تری را با کارایی بالاتر و هزینه کمتر به مشتریان خود ارائه دهند و در نتیجه، رقابت‌پذیری خود را در بازار مالی جهانی افزایش دهند.

فصل دوم: تکامل فین تک اسلامی و هوش مصنوعی (AI) در اقتصاد اسلامی

گسترش کاربرد هوش مصنوعی در حوزه مالی اسلامی، ضمن ایجاد فرصت‌های نوین، چالش‌های پیچیده‌ای را نیز به همراه دارد. حفظ شفافیت در الگوریتم‌های تصمیم‌گیری، تضمین امنیت داده‌های حساس، رعایت اصول اخلاقی و تطبیق با مقررات شرعی از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این حوزه است. برای بهره‌مندی حداکثری از مزایای هوش مصنوعی و مدیریت مؤثر این چالش‌ها، مؤسسات مالی اسلامی می‌بایست به‌صورت مستمر در توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، ارتقای سیستم‌های امنیتی و آموزش نیروی انسانی متخصص سرمایه‌گذاری نمایند. علاوه بر این، تدوین چارچوب‌های نظارتی جامع و منعطف که ضمن حمایت از نوآوری‌های فناوری، اصول شریعت را نیز لحاظ کنند، ضروری است. با اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر شریعت، می‌توان از ادغام هوش مصنوعی در اقتصاد اسلامی به‌عنوان فرصتی برای رشد پایدار و شفاف این صنعت بهره برد. این امر مستلزم برنامه‌ریزی دقیق، همکاری بین‌المللی و توجه همزمان به ابعاد شرعی، فنی و قانونی است.

باتوجه به اهمیت روزافزون حفاظت از داده‌های شخصی، یکی از چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی هوش مصنوعی در حوزه مالی اسلامی، تضمین امنیت و محرمانگی اطلاعات مشتریان است. توسعه زیرساخت‌های امنیتی قوی و به‌کارگیری فناوری‌های رمزنگاری پیشرفته، گامی ضروری در این مسیر است. علاوه بر این، آموزش نیروی انسانی در زمینه امنیت سایبری و آشنایی با آخرین تهدیدات، از دیگر الزامات این حوزه به شمار می‌رود. باتوجه به ماهیت بین‌المللی بازارهای مالی، همکاری بین‌المللی در زمینه تدوین استانداردهای امنیتی برای فین تک اسلامی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

باتوجه به اهمیت شفافیت و قابل فهم بودن تصمیمات اتخاذ شده توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی، توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی قابل تفسیر (Explainable AI) در حوزه مالی اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر به کاربران و ناظران اجازه می‌دهد تا درک عمیق‌تری از فرایند تصمیم‌گیری داشته باشند و اطمینان حاصل کنند که این تصمیمات با اصول شریعت مطابقت دارند. علاوه بر این، ایجاد مکانیزم‌های نظارتی مستمر بر عملکرد الگوریتم‌ها و شناسایی و رفع سوگیری‌های احتمالی، از دیگر الزامات این حوزه است.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در این زمینه، کمبود نیروی انسانی متخصص در حوزه هوش مصنوعی و فقه اسلامی است. تربیت نیروی انسانی تخصصی که بتواند به طور همزمان بر جنبه‌های فنی و شرعی مسلط باشد، نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش‌های تخصصی و ایجاد مراکز تحقیقاتی مشترک بین دانشگاه‌ها و مؤسسات مالی اسلامی است. همچنین، همکاری با نهادهای بین‌المللی و تبادل دانش با سایر کشورهایی که در حوزه فین تک اسلامی فعال هستند، می‌تواند به تسریع این فرایند کمک کند.

یکی از چالش‌های اصلی در پیاده‌سازی هوش مصنوعی در فین تک اسلامی، کیفیت و کمیت داده‌های مورد استفاده است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای آموزش و بهبود عملکرد خود نیازمند حجم عظیمی از داده‌های باکیفیت و برچسب‌گذاری شده هستند. در حوزه مالی اسلامی، به دلیل ماهیت خاص معاملات و وجود قوانین شرعی، جمع‌آوری و آماده‌سازی این حجم از داده‌ها با چالش‌هایی همراه است. همچنین، اطمینان از عدم وجود سوگیری در داده‌ها و الگوریتم‌ها نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

مقدمه

حکمرانی سازمانی اسلامی، نظامی است مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی که به منظور تنظیم روابط بین سهامداران، مدیران و سایر ذینفعان در بنگاه‌های اقتصادی طراحی شده است. این نظام با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی، عدالت و اخلاق، چارچوبی را برای اداره و کنترل شرکت‌ها فراهم می‌آورد که در آن تمامی تصمیمات و اقدامات با موازین شرعی همسو باشد. ریشه‌های حکمرانی سازمانی اسلامی را می‌توان در آموزه‌های قرآن و سنت جستجو کرد. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به عنوان الگوهای کامل اخلاقی و مدیریتی، مبانی ارزشمندی را برای تدوین اصول حکمرانی سازمانی اسلامی فراهم آورده است. با اجرای دقیق اصول حکمرانی سازمانی اسلامی، شرکت‌ها می‌توانند ضمن ارتقای عملکرد مالی خود، به مسئولیت‌های اجتماعی خود نیز عمل کرده و به توسعه پایدار کمک نمایند. این نظام با ایجاد محیطی امن و شفاف، اعتماد سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان را جلب نموده و از بروز فساد و تخلفات مالی جلوگیری می‌کند. در واقع، حکمرانی سازمانی اسلامی، ابزاری قدرتمند برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی در چارچوب ارزش‌های اسلامی است.

حکمرانی سازمانی اسلامی

حکمرانی سازمانی اسلامی ساختاری است که بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی، به منظور نظارت بر عملکرد شرکت‌ها و تضمین انطباق آن‌ها با قوانین و مقررات شرعی طراحی شده است. هیئت مدیره به عنوان یکی از ارکان اصلی این ساختار، مسئولیت نظارت بر کلیه فعالیت‌های شرکت و اطمینان از رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی و عدالت را بر عهده دارد. هیئت مدیره موظف است بر عملکرد هیئت مدیره اجرایی نظارت کرده و از انحراف آن‌ها از مسیر تعیین شده جلوگیری نماید. همچنین، هیئت مدیره باید از صحت و دقت اطلاعات مالی شرکت اطمینان حاصل کرده و تضمین کند که گزارش‌های مالی ارائه شده، تصویر واقع‌بینانه‌ای از وضعیت مالی شرکت ارائه می‌دهند. علاوه بر این، هیئت مدیره مسئولیت طراحی و اجرای نظام‌های پاداش و تنبیه برای مدیران اجرایی را بر عهده داشته و باید اطمینان حاصل کند که این نظام‌ها بر اساس معیارهای شفاف و عادلانه طراحی شده‌اند و به گونه‌ای اجرا می‌شوند که منافع شرکت و سهامداران را تأمین نمایند. در مجموع، حکمرانی سازمانی اسلامی به عنوان یک مکانیزم کنترل داخلی، نقش مهمی در ارتقای عملکرد شرکت‌ها، کاهش ریسک و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران ایفا می‌نماید.

حکمرانی سازمانی اسلامی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که به منظور تنظیم روابط بین سهامداران، مدیران و سایر ذینفعان در بنگاه‌های اقتصادی طراحی شده است. این نظام با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی، عدالت و اخلاق، چارچوبی را برای اداره و کنترل شرکت‌ها فراهم می‌آورد که در آن تمامی تصمیمات و اقدامات با موازین شرعی همسو

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

باشد. از جمله مهم‌ترین ابعاد حکمرانی سازمانی اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تضمین وفاداری مدیران به منافع سهامداران و اجتناب از تعارض منافع شخصی، ایجاد روابط سالم و پایدار با ذینفعان، توجه به مسئولیت‌های اجتماعی شرکت و رعایت حقوق کارکنان و سایر ذینفعان. این موارد تنها بخشی از جنبه‌های گسترده حکمرانی سازمانی اسلامی هستند که در ادامه به بررسی دقیق‌تر هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی، بنیانی مستحکم برای اداره و مدیریت سازمان‌ها بر اساس ارزش‌های اسلامی فراهم می‌آورد. این اصول جامع، به‌عنوان چارچوبی راهبردی، کلیه فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سازمانی را در بر می‌گیرد و بر اساس مفاهیم اخلاقی، عدالت و شفافیت بنا شده است. محورهای اصلی حکمرانی سازمانی اسلامی شامل تعهد به اصول شرعی، مسئولیت‌پذیری در قبال تمامی ذینفعان، شفافیت در عملکرد، عدالت در توزیع منافع، و پایداری در فعالیت‌ها است. این اصول، با تأکید بر اهمیت تعادل بین منافع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، الگویی جامع برای مدیریت سازمان‌ها ارائه می‌دهند که در عین حفظ ارزش‌های اسلامی، به بهبود عملکرد و پایداری سازمان کمک شایانی می‌نماید.

ولی فقیه

مفهوم "خلافه" یکی از اصول بنیادین حکمرانی سازمانی اسلامی است که بر اساس آن، انسان‌ها به‌عنوان خلیفه الله در زمین، مسئولیت اداره امور جهان و استفاده بهینه از منابع آن را بر عهده دارند. در چارچوب حکمرانی سازمانی اسلامی، این اصل به معنای آن است که شرکت‌ها صرفاً به دنبال کسب سود و حداکثر کردن منافع سهامداران نبوده، بلکه موظف‌اند در تمامی فعالیت‌های خود، منافع کلیه ذینفعان، از جمله جامعه، محیط‌زیست و نسل‌های آینده را مدنظر قرار دهند. به‌عبارت دیگر، شرکت‌ها باید به‌عنوان امانت‌داران منابع الهی، از این منابع به‌صورت مسئولانه و پایدار استفاده کرده و از ایجاد هرگونه آسیب به محیط‌زیست و جامعه خودداری نمایند. در واقع، اصل خلافه، ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی را مورد تأکید قرار داده و شرکت‌ها را ملزم می‌سازد تا علاوه بر مسئولیت اقتصادی خود، مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی نیز داشته باشند.

شور

اصل شرعی «شور» در حکمرانی سازمانی اسلامی، به‌عنوان یکی از ارکان اساسی، بر لزوم مشورت جمعی و مشارکت همه ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید می‌نماید. این اصل، فراتر از یک توصیه ساده، به‌عنوان یک الزام شرعی مطرح شده و به دنبال ایجاد تعادل بین منافع فردی و جمعی است. در ساختار حکمرانی سازمانی اسلامی، شورای شور با بهره‌گیری از مکانیزم‌های مختلف مشورتی، نظیر جلسات منظم، نظرسنجی و دریافت بازخورد، زمینه را برای مشارکت فعال همه ذینفعان فراهم می‌آورد. تصمیمات اتخاذ شده در این شورا، با تأکید بر اصل مشورت و جمع‌بندی آراء، به نحوی

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

است که منافع بلندمدت سازمان و کلیه ذینفعان را تأمین نماید. به این ترتیب، اصل شور، ضمن تقویت روحیه مشارکت و تعاون در سازمان، به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش مشروعیت آن‌ها کمک شایانی می‌نماید.

توحید

اصل توحید، ستون فقرات دین اسلام و در نتیجه، حکمرانی سازمانی اسلامی نیز محسوب می‌شود. بر اساس این اصل بنیادین، تمام قدرت و اختیار به خداوند یکتا تعلق داشته و انسان‌ها به‌عنوان خلیفه الله در زمین، موظف به انجام وظایف خود باتوجه به اراده و قوانین الهی هستند. در حوزه حکمرانی سازمانی اسلامی، اصل توحید به معنای آن است که شرکت‌ها باید در تمامی فعالیت‌های خود، خداوند را ناظر و شاهد دانسته و از انجام هرگونه عمل خلاف شرع و اخلاق اسلامی پرهیز نمایند. این اصل، شرکت‌ها را ملزم می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود، منافع بلندمدت و پایدار را بر منافع کوتاه‌مدت ترجیح داده و به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل نمایند. به عبارت دیگر، اصل توحید، چارچوبی اخلاقی و معنوی را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورده و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در مسیر توسعه پایدار و متوازن گام بردارند.

تقوا

تقوا مفهومی بنیادین در اسلام است که بر پرهیزکاری و ترس از خدا تأکید دارد. این مفهوم نه تنها به ابعاد فردی زندگی انسان مربوط می‌شود، بلکه در حوزه‌های اجتماعی و سازمانی نیز نفوذ کرده است. در بنگاه‌های اقتصادی اسلامی، تقوا به‌عنوان اصل حکمرانی شرعی عمل می‌کند و به کسب و کارها جهت می‌دهد تا در تمامی فعالیت‌های خود، عدالت، شفافیت و انصاف را سرلوحه قرار دهند. به عبارت دیگر، تقوا در سازمان‌های اسلامی به معنای آن است که کلیه عملیات و تصمیم‌گیری‌ها بر اساس موازین شرعی و باهدف رضای الهی صورت پذیرد. این رویکرد نه تنها موجب ارتقای اخلاق کسب و کار می‌شود، بلکه به ایجاد اعتماد و پابندی مشتریان و ذینفعان نیز کمک شایانی می‌کند. در واقع، تقوا در بنگاه‌های اقتصادی اسلامی، نوعی تضمین برای رعایت حقوق همه طرف‌های معامله و ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پایدار است.

اصل توازن

اصل توازن به‌عنوان یک اصل کلیدی در مدیریت سازمانی، به معنای ایجاد تعادل بین منافع مختلفی است که سازمان با آن‌ها در ارتباط است. این اصل نه تنها به پایداری بلندمدت سازمان کمک می‌کند، بلکه به افزایش اعتماد ذینفعان، بهبود وجهه سازمانی و کاهش ریسک‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نیز می‌انجامد. با رعایت اصل توازن، سازمان‌ها قادر خواهند بود ضمن تحقق اهداف اقتصادی خود، به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود نیز عمل کرده و به این ترتیب، روابط پایدار و سودمندی با تمامی ذینفعان برقرار نمایند. این تعادل نه تنها به بهبود عملکرد سازمان و افزایش بهره‌وری

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

منجر می‌شود، بلکه به ایجاد یک محیط کسب‌وکار مسئولانه و پایدار نیز کمک شایانی خواهد کرد. اصل توازن، یکی از ارکان اساسی حکمرانی سازمانی اسلامی است که بر لزوم ایجاد تعادل بین منافع مختلف ذینفعان تأکید می‌نماید. این اصل، ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد که بر اهمیت عدالت، انصاف و مسئولیت‌پذیری تأکید می‌نماید. توازن در حکمرانی سازمانی اسلامی، به معنای ایجاد هماهنگی بین اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی سازمان است. این اصل، با تأکید بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، به دنبال آن است تا سازمان‌ها در کنار کسب سود، به توسعه پایدار جامعه نیز کمک کنند و به‌عنوان عضوی مسئول در جامعه ایفای نقش نمایند.

توازن بین منافع سهامداران و سایر ذینفعان: اصل توازن به دنبال حداکثرسازی سود بلندمدت سهامداران است، اما این امر نباید به قیمت نادیده گرفتن حقوق سایر ذینفعان از جمله کارکنان (ایجاد محیط کار عادلانه، پرداخت حقوق و مزایای مناسب، فراهم کردن فرصت‌های رشد و توسعه)، مشتریان (ارائه محصولات و خدمات با کیفیت، رعایت حقوق مصرف‌کننده، و ایجاد روابط پایدار با مشتریان)، جامعه (ایجاد ارزش افزوده برای جامعه، بهبود کیفیت زندگی مردم و کاهش نابرابری‌ها) و محیط‌زیست (حفاظت از محیط‌زیست و کاهش اثرات منفی فعالیت‌های سازمان بر محیط‌زیست) باشد.

توازن بین اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی: کسب سود و افزایش ارزش برای سهامداران، یک هدف مهم برای هر سازمان است. اما در کنار آن، اهداف اجتماعی (ایجاد ارزش افزوده برای جامعه، بهبود کیفیت زندگی مردم و کاهش نابرابری‌ها) و زیست‌محیطی (کاهش اثرات منفی بر محیط‌زیست، استفاده بهینه از منابع طبیعی و حرکت به سمت تولید پایدار) نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

مسئولیت‌پذیری و شفافیت

مسئولیت‌پذیری و شفافیت دو رکن اساسی حکمرانی سازمانی اسلامی هستند که به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. مسئولیت‌پذیری به معنای پذیرش پاسخگویی در قبال تصمیمات و اقدامات اتخاذ شده توسط هیئت مدیره و مدیران شرکت است. این پاسخگویی نه تنها در برابر سهامداران، بلکه در برابر کلیه ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، جامعه و محیط‌زیست صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر، شفافیت به معنای افشای کامل، دقیق و به موقع اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط با فعالیت‌های شرکت است. زمانی که مدیران و هیئت مدیره نسبت به تصمیمات خود مسئول شناخته شوند، انگیزه بیشتری برای شفاف‌سازی عملکرد شرکت خواهند داشت. شفافیت، به نوبه خود، به ایجاد اعتماد بین شرکت و ذینفعان کمک کرده و منجر به بهبود تصمیم‌گیری و کاهش ریسک‌های کسب‌وکار می‌شود. در واقع، مسئولیت‌پذیری و شفافیت، دو روی یک سکه هستند و هر دو برای تحقق اهداف حکمرانی سازمانی اسلامی، از جمله عدالت، انصاف و پایداری، ضروری می‌باشند.

تأثیر پابندی به شریعت بر حکمرانی سازمانی اسلامی

شریعت به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات الهی، بنیان اصلی حکمرانی سازمانی اسلامی را تشکیل می‌دهد. پابندی به اصول شریعت در بنگاه‌های اقتصادی اسلامی، نه تنها وجه تمایز آن‌ها را از سایر شرکت‌ها مشخص می‌سازد، بلکه به ایجاد یک چارچوب اخلاقی و پایدار برای فعالیت‌های تجاری منجر می‌شود. رعایت دقیق مفاد شریعت در ساختار حکمرانی سازمانی، منافع تمامی ذینفعان را به طور همزمان تأمین می‌نماید. از یک سو، سهامداران با اطمینان از پابندی شرکت به اصول اسلامی، به سرمایه‌گذاری بلندمدت ترغیب شده و از سوی دیگر، سایر ذینفعان همچون مشتریان، کارکنان و جامعه نیز از اثرات مثبت این پابندی بهره‌مند می‌شوند. پابندی به شریعت، علاوه بر ایجاد ثبات مالی، به تقویت بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی شرکت نیز کمک شایانی می‌نماید. رعایت عدالت، انصاف و مسئولیت‌پذیری در تمامی ابعاد فعالیت‌های شرکت، منجر به افزایش اعتماد ذینفعان و بهبود وجهه شرکت در جامعه می‌گردد. بنابراین؛ شریعت به عنوان یک نظام جامع و فراگیر، نقش محوری در شکل‌دهی به ساختار حکمرانی سازمانی اسلامی ایفا می‌نماید. پابندی به اصول شریعت، علاوه بر ایجاد یک چارچوب اخلاقی و قانونی برای فعالیت‌های تجاری، به بهبود عملکرد مالی و اجتماعی شرکت‌ها نیز کمک می‌نماید.

مدل پیشنهادی حکمرانی سازمانی اسلامی: نقش و مسئولیت‌های هیئت مدیره

در مدل حکمرانی سازمانی اسلامی، هیئت مدیره به عنوان مغز متفکر سازمان، نقش محوری و کلیدی را ایفا می‌کند. این هیئت که از سوی سهامداران انتخاب می‌شود، مسئولیت هدایت، نظارت و اداره امور شرکت را بر عهده دارد. اما آنچه مدل اسلامی را از مدل‌های سنتی متمایز می‌سازد، تأکید آن بر اصول اخلاقی و اجتماعی اسلام است. در حالی که در مدل‌های سنتی، سودآوری صرف به عنوان هدف اصلی شرکت مطرح می‌شود، در مدل اسلامی، علاوه بر سودآوری، رعایت اصول اخلاقی، عدالت، انصاف و مسئولیت اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. هیئت مدیره در مدل حکمرانی سازمانی اسلامی، نقش محوری و کلیدی را ایفا می‌کند. این هیئت موظف است اطمینان حاصل کند که کلیه فعالیت‌های شرکت، از جمله قراردادهای سرمایه‌گذاری‌ها، عملیات تجاری و سایر جنبه‌های فعالیت، مطابق با احکام و اصول شریعت اسلامی باشد. همچنین، هیئت مدیره باید در قبال تمام ذینفعان شرکت، از جمله سهامداران، کارکنان، مشتریان و جامعه، به طور عادلانه و منصفانه رفتار کند. ترویج و نظارت بر پیروی از کد اخلاق حرفه‌ای در تمام سطوح شرکت نیز از جمله وظایف مهم هیئت مدیره است. علاوه بر این، هیئت مدیره باید مأموریت استراتژیک شرکت را بر اساس اصول اسلامی تعریف کرده و هدایت کند. این مأموریت باید شامل اهداف بلندمدت، ارزش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت باشد. همچنین، هیئت مدیره موظف است سیاست‌های مالی شفاف و پایدار را اتخاذ کند و به سهامداران و سایر ذینفعان گزارش‌های مالی منظم و شفاف ارائه دهد. توجه ویژه به مسئولیت‌های اجتماعی شرکت و تلاش در جهت ارتقای رفاه جامعه و حفاظت از محیط‌زیست نیز از دیگر وظایف مهم هیئت مدیره در این مدل محسوب می‌شود.

مسئولیت‌های هیئت مدیره در حکمرانی سازمانی اسلامی

در حکمرانی سازمانی اسلامی، هیئت مدیره نقش حیاتی در اطمینان از رعایت اصول و مقررات اسلامی دارد. این مسئولیت‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که سازمان در مسیر صحیحی حرکت کند و از قوانین اسلامی پیروی نماید.

رعایت شریعت

یکی از کلیدی‌ترین مسئولیت‌های هیئت مدیره در حکمرانی سازمانی اسلامی، نظارت بر رعایت شریعت است که به معنای اطمینان از انطباق تمامی فعالیت‌های تجاری با اصول و قوانین اسلامی است. این نظارت شامل ارزیابی دقیق فرآیندها، محصولات و خدمات سازمان است تا از عدم تضاد با شریعت جلوگیری شود. برای تحقق این هدف، هیئت مدیره باید به طور مستمر با هیئت مشاوره شریعت همکاری کند، به طوری که دستورالعمل‌ها و فتوای شرعی به درستی تفسیر و در تمام سطوح سازمان به اجرا درآید. این همکاری همچنین شامل برگزاری جلسات منظم برای بررسی مسائل مربوط به شریعت و آموزش کارکنان در زمینه اصول اسلامی است تا اطمینان حاصل شود که تصمیمات مدیریتی و عملیاتی کاملاً با ارزش‌های اسلامی همخوانی دارد.

جهت‌گیری استراتژیک

هیئت مدیره باید با تعیین یک چشم‌انداز و مأموریت واضح و متناسب با ارزش‌های اسلامی، مسیر حرکت سازمان را مشخص کند. این چشم‌انداز نه تنها باید به اهداف کلان سازمان اشاره کند، بلکه باید اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی را در تمامی جنبه‌های فعالیت‌ها و تصمیمات سازمان منعکس نماید. به علاوه، مأموریت تعیین شده باید به گونه‌ای طراحی شود که به توسعه استراتژی‌هایی منجر شود که بر رفتارهای اخلاقی و پایداری تأکید داشته باشد. این استراتژی‌ها باید شامل اقدامات عملی برای ترویج مسئولیت اجتماعی، حفظ محیط‌زیست و ایجاد ارزش برای ذینفعان باشد. بدین ترتیب، هیئت مدیره می‌تواند اطمینان حاصل کند که سازمان نه تنها به موفقیت‌های مالی دست می‌یابد، بلکه به عنوان یک نهاد اخلاقی و پایدار در جامعه شناخته می‌شود.

مدیریت ریسک

مدیریت ریسک یکی از مسئولیت‌های اساسی هیئت مدیره در حکمرانی سازمانی اسلامی است که به شناسایی و ارزیابی ریسک‌های مرتبط با عدم رعایت شریعت و شیوه‌های اخلاقی می‌پردازد. هیئت مدیره باید به طور مستمر ریسک‌های احتمالی را تحلیل کند و برای هر یک تدابیری مؤثر طراحی نماید تا از وقوع مشکلات جلوگیری کند. این تدابیر می‌تواند شامل ایجاد سیاست‌های داخلی، آموزش کارکنان در زمینه اخلاق و شریعت، و نظارت دقیق بر فرآیندها باشد. با کاهش این ریسک‌ها، هیئت مدیره می‌تواند به حفظ اعتبار و اعتبار سازمان کمک کند و اطمینان دهد که

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

فعالیت‌های تجاری در چارچوب‌های اسلامی و اخلاقی اجرا می‌شود که در نهایت منجر به افزایش اعتماد ذینفعان و جامعه به سازمان خواهد شد.

پاسخگویی و شفافیت

هیئت مدیره باید اطمینان حاصل کند که سازمان در تمامی عملیات و گزارش‌دهی مالی خود شفافیت کامل دارد. این شفافیت نه تنها به معنای در دسترس بودن اطلاعات مالی برای ذینفعان است، بلکه باید با استانداردهای اخلاقی اسلامی نیز همخوانی داشته باشد. به عبارتی، گزارش‌های مالی باید صادقانه و بدون هرگونه فریب یا مخفی‌کاری ارائه شوند. علاوه بر این، هیئت مدیره باید مدیریت را به‌خاطر تصمیمات و اقداماتش پاسخگو نگه‌دارد؛ به این معنا که مدیریت باید بتواند توضیحاتی منطقی و مستند در مورد عملکرد خود ارائه دهد و در برابر نتایج اقداماتش مسئولیت‌پذیر باشد. این رویکرد نه تنها به تقویت اعتبار سازمان کمک می‌کند، بلکه اعتماد ذینفعان را نیز افزایش می‌دهد و به ترویج فرهنگ پاسخگویی و شفافیت در سازمان منجر می‌شود.

تعامل با ذینفعان

تعامل با سهامداران و دیگر ذینفعان یکی از وظایف کلیدی هیئت مدیره است که به تقویت روابط و اعتماد متقابل کمک می‌کند. هیئت مدیره باید به‌طور فعال در برقراری روابط مثبت با سهامداران بکوشد و اطمینان حاصل کند که نظرات و منافع آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری لحاظ می‌شود. این شامل برگزاری جلسات منظم، ارائه گزارش‌های شفاف و پاسخگویی به نگرانی‌های سهامداران است. علاوه بر این، هیئت مدیره باید ترویج مسئولیت اجتماعی و رفاه جامعه را در اولویت قرار دهد. این به معنای اتخاذ تصمیماتی است که نه تنها به نفع سهامداران، بلکه به نفع جامعه و محیط‌زیست نیز باشد. با این رویکرد، سازمان می‌تواند به‌عنوان یک نهاد مسئول و پایدار شناخته شود و از حمایت بیشتری از سوی جامعه و ذینفعان برخوردار گردد.

نظارت بر عملکرد

هیئت مدیره باید به‌طور منظم و سیستماتیک عملکرد مدیریت را ارزیابی کند تا اطمینان حاصل شود که اهداف سازمان به‌طور مؤثر تحقق می‌یابند. این ارزیابی باید بر اساس معیارهای مالی و اخلاقی انجام شود، به‌طوری‌که نه تنها به نتایج مالی توجه شود، بلکه رفتارهای مدیریتی و انطباق با اصول اخلاقی نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، بازنگری در شیوه‌های مالی و فرآیندهای حسابداری ضروری است تا اطمینان حاصل شود که تمامی فعالیت‌ها با شریعت و اصول اخلاقی همخوانی دارد. این اقدامات به هیئت مدیره کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف مدیریت را شناسایی کند و در صورت نیاز اصلاحات لازم را اعمال نماید. در نتیجه، این رویکرد به بهبود کلی عملکرد سازمان و حفظ اعتبار آن در جامعه کمک خواهد کرد.

بهبود مستمر

ترویج آموزش و آگاهی در زمینه اصول اسلامی یکی از وظایف حیاتی هیئت مدیره است. هیئت مدیره باید به طور مداوم در تلاش باشد تا برنامه‌های آموزشی لازم را برای تمامی سطوح سازمان فراهم کند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل کارگاه‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی باشد که به کارکنان کمک می‌کند تا با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی آشنا شوند و آن‌ها را در فعالیت‌های روزمره خود به کار ببرند. با افزایش آگاهی و درک اصول اسلامی، کارکنان قادر خواهند بود تصمیمات بهتری اتخاذ کنند و رفتارهای اخلاقی‌تری از خود نشان دهند. این فرآیند نه تنها به بهبود عملکرد فردی و سازمانی کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت فرهنگ سازمانی و افزایش اعتبار سازمان در جامعه نیز خواهد شد.

هیئت مدیره در چارچوب حکمرانی سازمانی اسلامی دارای نقشی چندوجهی است که شامل نظارت اخلاقی، رهبری استراتژیک و تعهد به مسئولیت اجتماعی می‌شود. این نقش‌ها اطمینان می‌دهند که سازمان در چارچوب‌های تعیین شده توسط قوانین اسلامی عمل کند و به اهداف تجاری خود برسد. با برعهده گرفتن این مسئولیت‌ها، هیئت مدیره می‌تواند به ایجاد یک شرکت موفق، پایدار و مطابق با اصول اسلامی کمک کند. شرکتی که در آن، سودآوری با اخلاق، عدالت و مسئولیت اجتماعی در هم آمیخته باشد و بتواند به عنوان الگویی برای سایر شرکت‌ها عمل کند.

مدل پیشنهادی حکمرانی سازمانی اسلامی به دنبال ایجاد یک ساختار شرکتی است که در آن، سودآوری و ارزش‌آفرینی برای سهامداران با رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی هماهنگ باشد. این مدل تأکید دارد بر اینکه سازمان‌ها نه تنها باید به دنبال حداکثر کردن سود مالی باشند، بلکه باید مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود را نیز در نظر بگیرند. در این راستا، هیئت مدیره باید از طریق تدوین سیاست‌ها و استراتژی‌های شفاف، به ترویج رفتارهای اخلاقی و پایدار در تمامی سطوح سازمان بپردازد. همچنین، تعامل مستمر با ذینفعان و شفافیت در گزارش‌دهی مالی از ویژگی‌های کلیدی این مدل است که به ایجاد اعتماد و اعتبار کمک می‌کند. این رویکرد نه تنها به تقویت موقعیت مالی سازمان کمک می‌کند، بلکه موجب بهبود روابط با جامعه و محیط‌زیست نیز می‌گردد، و در نهایت، به تحقق اهداف بلندمدت سازمان در چارچوب ارزش‌های اسلامی منجر می‌شود.

اقتصاد اسلامی

اقتصاد، مطالعه رفتار انسان‌ها در مواجهه با محدودیت منابع و نیازهای نامحدود است. این علم، نحوه تخصیص و بهره‌برداری از منابع کمیاب برای تولید کالاها و خدمات موردنیاز جامعه را بررسی می‌کند. اقتصاد اسلامی، به عنوان زیرشاخه‌ای از علم اقتصاد، بر پایه آموزه‌های اسلامی و شریعت بنا شده است. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی، چارچوبی است که در آن فعالیت‌های اقتصادی بر اساس قوانین و ارزش‌های دینی اسلام ساماندهی می‌شوند. مهم‌ترین انگیزه در اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه انسانی است. محوری‌ترین هدف اقتصاد اسلامی، ایجاد سیستمی اقتصادی است که اصول اخلاقی و انسانی را نمایانگر باشد و هدف اصلی آن حداکثر کردن رفاه بشر به گونه‌ای باشد که به نفع کل جامعه عمل کند. این رویکرد به دنبال ایجاد نظام اقتصادی عادلانه، اخلاقی و پایدار برای تمام اعضای جامعه است و در عین حال بر

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

رشد اقتصادی تمرکز دارد، درحالی که به دستورات الهی که به بهترین شکل ممکن اقتصاد را هدایت می کنند، پایبند است. این مدل از هرگونه بی عدالتی در استفاده یا تصرف منابع جلوگیری کرده و منابع را به گونه ای به کار می گیرد که حداکثر منفعت حاصل شود.

منابع قوانین و اصول اقتصاد اسلامی شامل قرآن کریم، سنت، حدیث، اجتهاد و قیاس است. بر اساس شاخص جهانی اقتصاد اسلامی (GIEI)، مالزی به عنوان یکی از بهترین نمونه ها از اقتصاد اسلامی شناخته می شود. این کشور به دلیل نظام تأمین مالی اسلامی و اقتصاد حلال، در حال حاضر در صدر رتبه بندی اقتصاد اسلامی قرار دارد. اقتصاد مالزی تمامی بخش ها، شامل تولید و توزیع، را بر اساس قوانین و اصول شریعت اداره می کند. بنابراین، می توان به صراحت گفت که اقتصاد مالزی بر پایه اصول اقتصاد اسلامی شکل گرفته است. در ادامه، به بررسی اصول اقتصاد اسلامی و تأثیر آن ها بر ماهیت معاملات در این اقتصاد خواهیم پرداخت.

اصول اقتصاد اسلامی

برخی از اصول بنیادی اقتصاد اسلامی به عنوان راهنما برای کشورهای مسلمان که به دنبال مدیریت موفق و کارآمد اقتصادهای خود در چارچوب قوانین شریعت هستند، عمل می کنند. این اصول شامل عدالت اجتماعی برای توزیع عادلانه منابع و ثروت، مسئولیت اجتماعی برای حمایت از نیازمندان، حرمت ربا و تأکید بر تأمین مالی مبتنی بر مشارکت، شفافیت و صداقت در معاملات به منظور ایجاد اعتماد، و پایداری در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست برای نسل های آینده است. این اصول به کشورهای مسلمان کمک می کند تا اقتصادی را شکل دهند که همزمان با رشد و پیشرفت، اصول اخلاقی و اجتماعی را نیز رعایت کند.

ممنوعیت ربا (بهره)

بر اساس شریعت اسلامی و قوانین مربوطه، ربا واژه ای عربی است که به عنوان سود غیرعادلانه ای که در فعالیت های تجاری یا اقتصادی به دست می آید، تعریف می شود و به طور رایج به "بهره" نیز معروف است. در چارچوب اقتصاد اسلامی، ربا به شدت ممنوع است، زیرا به ترویج بی عدالتی، فعالیت های استثماری و عدم توازن در معاملات اقتصادی منجر می شود. ممنوعیت ربا که به عنوان بهره شناخته می شود، عدالت و برابری را در تبادلات تجاری ایجاد می کند که به تعادل کلی در اقتصاد کمک کرده و به رشد و توسعه جمعی منتهی می شود. در اقتصاد اسلامی، ربا به عنوان یک عمل استثماری در نظر گرفته می شود، زیرا به طور نامتوازن منافع را به یک طرف اختصاص می دهد و به هزینه طرف دیگر. به همین دلیل، اصول اقتصاد اسلامی بر مشارکت های مداخله گری و مشارکت (مشارکت در سود و ریسک) تأکید می کند که در این مدل، هر دو طرف به عنوان شرکای برابر تلقی می شوند و به طور متوازن سود و زیان را تقسیم می کنند. بنابراین، ممنوعیت ربا موجب ایجاد عدالت در معاملات تجاری و اقتصادی می شود.

ممنوعیت تصرف (احتکار)

هنگامی که اعضای یک اقتصاد که دارای دارایی یا ثروت مشخصی هستند، تصمیم می‌گیرند که آن ثروت را انباشته یا ذخیره کنند به جای اینکه آن را از طریق فعالیت‌های سرمایه‌گذاری یا استفاده‌های تولیدی در گردش قرار دهند، این عمل به عنوان احتکار شناخته می‌شود. بر اساس اصول اقتصاد اسلامی، احتکار به شدت تقبیح می‌شود زیرا باعث ترویج طمع و خودخواهی در میان مسلمانان می‌گردد. ممنوعیت احتکار منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و گردش پول به گونه‌ای می‌شود که نه تنها به نفع مالک ثروت باشد، بلکه به تمامی اعضای اقتصاد نیز سود برساند. این ممنوعیت همچنین به ترویج مفهوم زکات کمک می‌کند که نوعی انتقال منابع مالی به نیازمندان است. علاوه بر این، ممنوعیت احتکار به افزایش فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود که در نهایت رقابت سالم‌تری را در بازار ایجاد می‌کند و احتمال وقوع انحصار در بازار را کاهش می‌دهد. به طور کلی، این اصل به عنوان اساس هر اقتصاد اسلامی تأسیس شده و توسعه یافته شناخته می‌شود.

ممنوعیت احتکار در اقتصاد اسلامی اثرات مثبت متعددی دارد که به بهبود عملکرد اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند. این ممنوعیت باعث افزایش گردش پول در اقتصاد می‌شود، زیرا ثروت به جای انباشت، در جریان فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرد که نتیجه آن افزایش نقدینگی و رونق اقتصادی است. همچنین، افراد را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و فعالیت‌های مولد تشویق می‌کند که این امر به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی منجر می‌شود. از سوی دیگر، ممنوعیت احتکار به کاهش نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی کمک می‌کند، زیرا منابع به طور عادلانه‌تری در میان اعضای جامعه توزیع می‌شوند و این به کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی افراد منجر می‌شود. این ممنوعیت همچنین به ترویج مفهوم زکات و صدقه کمک می‌کند، به طوری که افراد به جای انباشت ثروت، به رفع نیازهای نیازمندان پرداخته و در نتیجه انسجام اجتماعی و همبستگی در جامعه تقویت می‌شود. علاوه بر این، ممنوعیت احتکار موجب ایجاد رقابت سالم در بازار می‌شود، زیرا توزیع عادلانه کالاها و خدمات کیفیت را بهبود می‌بخشد و قیمت‌ها را در سطح معقولی حفظ می‌کند. همچنین، این ممنوعیت به پایداری اقتصادی کمک می‌کند؛ به طوری که منابع به طور مؤثرتری استفاده می‌شوند و این امر به حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست کمک می‌کند.

ممنوعیت احتکار به تقویت اعتماد عمومی در نظام اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود، زیرا احساس عدالت در توزیع ثروت موجب افزایش اعتماد به نظام اقتصادی می‌گردد. به طور کلی، این ممنوعیت نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی کمک می‌کند، بلکه به تقویت ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی نیز منجر می‌شود و به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر کمک می‌نماید.

ممنوعیت مایسر (قمار)

واژه مایسر به قمار اشاره دارد که نوعی بازی است که در آن فرد شرط‌بندی می‌کند تا شانس برنده شدن پول را داشته باشد. به عبارت دیگر، در این بازی فرد ریسک می‌کند که پول یا دارایی با ارزشی را به منظور کسب پولی با ارزش بالاتر از

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

دست بدهد. این نوع درآمدزایی به عنوان کسب درآمد از طریق شانس شناخته می‌شود. مایسر به طور قاطع و واضحی در اسلام ممنوع است و هر پولی که از طریق قمار به دست آید، حرام و غیرمجاز تلقی می‌شود. بر اساس اصول اقتصاد اسلامی، ممنوعیت مایسر برای ترویج مفاهیم کلیدی شریعت از جمله مشارکت در ریسک، ممنوعیت ربا و تجارت مشتقات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مسلمانان مجاز به کسب درآمد تنها بر اساس اصول اصلی اقتصاد اسلامی هستند که بر کسب درآمد از طریق کار سخت و منابع مشروع (پول حلال) تأکید دارد. این رویکرد به حفاظت از جامعه در برابر عواقب مضر فعالیت‌هایی مانند قمار (پول حرام) کمک کرده و آن را به سوی رشد پایدار هدایت می‌کند.

قمار در جوامع اسلامی تأثیرات اجتماعی منفی متعددی دارد که می‌تواند به مشکلات گسترده‌تری منجر شود. این فعالیت می‌تواند به افزایش فقر و نابرابری اقتصادی منجر شود؛ چرا که افراد قمارباز ممکن است سرمایه‌های مالی خود را از دست بدهند و خانواده‌ها را در وضعیت بحرانی قرار دهند. همچنین، اعتیاد به قمار می‌تواند روابط خانوادگی را تضعیف کرده و موجب درگیری‌های خانوادگی و طلاق شود. از سوی دیگر، در جوامع قمارخیز، احتمال وقوع جرائم اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد، زیرا قماربازان ممکن است برای تأمین مالی عادات قمار خود به سرقت یا کلاهبرداری روی آورند. تأثیرات روانی قمار نیز شامل افزایش اضطراب، افسردگی و استرس است که ناشی از فشار مالی و اجتماعی قماربازان می‌باشد. علاوه بر این، قمار می‌تواند به تضعیف ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه منجر شود که این امر موجب کاهش اعتماد عمومی و تقویت فرهنگ خودخواهی و طمع می‌گردد. قمار منابع مالی و انسانی را از فعالیت‌های مفید و سازنده منحرف کرده و ممکن است مانع از توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه شود. به این ترتیب، ممنوعیت قمار در اسلام به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای حفاظت از سلامت اجتماعی و اقتصادی جوامع مسلمان اهمیت شایانی دارد. کشورهای متعددی وجود دارند که قمار را به طور کامل یا جزئی ممنوع کرده‌اند. به عنوان نمونه، عربستان سعودی قمار را به طور کامل ممنوع کرده و قوانین شرعی به طور جدی در این کشور اجرا می‌شود. در امارات متحده عربی، اگرچه برخی مناطق آزاد قمار را مجاز می‌دانند، اما به طور کلی این فعالیت ممنوع است و قوانینی سخت‌گیرانه علیه آن وجود دارد. همچنین، کویت و قطر قمار را به صورت کامل ممنوع کرده و هرگونه فعالیت قمار به عنوان تخلف قانونی شناخته می‌شود. در بنگلادش نیز قمار غیرقانونی است و قوانین سختی برای مقابله با آن وضع شده است. در مالزی، با وجود برخی کازینوها، قمار در میان مسلمانان به دلیل قوانین شریعت ممنوع است و فعالیت‌های قمار به شدت کنترل می‌شود. این کشورها به دلیل اصول مذهبی و فرهنگی خود، قمار را فعالیتی غیرمجاز در نظر گرفته و قوانینی برای جلوگیری از آن وضع کرده‌اند.

زکات و رفاه اجتماعی

اصول اقتصاد اسلامی به طور متقابل با یکدیگر ارتباط دارند و زکات و رفاه اجتماعی به عنوان دو اصل کلیدی، به طور همزمان بر اقتصاد تأثیر می‌گذارند. زکات به عنوان یکی از واجبات مسلمانان، آنها را ملزم می‌کند که بخشی از ثروت خود را به عنوان صدقه به نیازمندان اهدا کنند. این عمل نه تنها به ترویج رفاه اجتماعی کمک می‌کند، بلکه بر کمک به نیازمندان از طریق نهادهای خیریه و کمک‌های مالی نیز تأکید دارد. زکات به عنوان وسیله‌ای برای پاکسازی ثروت عمل می‌کند و

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

مقدار واجب زکات بستگی به میزان دارایی فرد دارد. به طور کلی، مسلمانان موظف هستند ۲.۵٪ از ثروت خود را به عنوان زکات اهدا کنند و این مبلغ باید به صورت سالانه به نیازمندان پرداخت شود. پیروی از این اصول اقتصادی اسلامی موجب بروز احساسات همدردی، مهربانی و همدلی در جامعه می گردد.

زکات می تواند به کاهش فقر در جامعه به طرق متعددی کمک کند که شامل تأمین نیازهای اولیه افراد نیازمند، افزایش قدرت خرید و تقویت فعالیت های اقتصادی است. با توزیع زکات، نیازمندان قادر به تأمین ضروریات اولیه مانند غذا، مسکن و بهداشت می شوند که این امر بهبود کیفیت زندگی آنها را به همراه دارد. همچنین، زکات به عنوان منبعی برای سرمایه گذاری در کسب و کارهای کوچک عمل می کند و به افراد فقیر کمک می کند تا به استقلال اقتصادی دست یابند. این فرآیند همچنین موجب ترویج همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری اقتصادی می شود، زیرا توزیع عادلانه تر ثروت در جامعه را تسهیل می کند. علاوه بر این، زکات فرهنگ کمک خواهی را تقویت کرده و به کاهش موانع اجتماعی برای دریافت کمک کمک می کند. همچنین، سرمایه گذاری زکات در آموزش و پرورش به ارتقاء مهارت ها و توانمندی های اقتصادی افراد فقیر می انجامد. در مجموع، زکات با ایجاد منابع مالی و تقویت ساختار اجتماعی، نقشی حیاتی در کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی در جامعه ایفا می کند.

نمونه های متعددی از موفقیت زکات در کاهش فقر در کشورهای مختلف وجود دارد که نشان دهنده تأثیر مثبت این فرایضه در بهبود وضعیت معیشتی افراد نیازمند است. به عنوان مثال، در مالزی، سیستم زکات به طور مؤثر در کاهش فقر و بهبود وضعیت اقتصادی نیازمندان عمل کرده است. دولت با ایجاد نهادهای جمع آوری زکات و توزیع آن به نیازمندان، موفق به تأمین نیازهای اولیه و حمایت از کسب و کارهای کوچک شده است. همچنین، در اندونزی، زکات به عنوان ابزاری برای کاهش فقر مورد استفاده قرار گرفته و برنامه های زکات این کشور شامل تأمین مالی برای آموزش و پرورش و ایجاد مشاغل کوچک برای نیازمندان بوده که تأثیر مثبتی در این زمینه داشته است. در پاکستان نیز، سازمان های غیر دولتی و خیریه ها به جمع آوری و توزیع زکات پرداخته و پروژه های مختلفی را برای ارتقاء سطح زندگی نیازمندان اجرا کرده اند که شامل تأمین غذا، بهداشت و آموزش می شود. همین طور، در بنگلادش، زکات به عنوان منبعی برای تأمین مالی پروژه های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته و به تأمین نیازهای اولیه، آموزش و تقویت مشاغل کوچک کمک کرده و در نتیجه به کاهش فقر منجر شده است. در ترکیه، نهادهای زکات موفق به تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی نیازمندان شده اند و با توزیع زکات در زمینه های بهداشت، آموزش و مسکن، به بهبود کیفیت زندگی افراد فقیر کمک کرده اند. این نمونه ها نشان دهنده تأثیر مثبت زکات در کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی در جوامع مختلف هستند و با پیاده سازی مؤثر سیستم های زکات، می توان به تغییرات مثبتی در وضعیت معیشتی افراد نیازمند دست یافت.

اجرای سیستم زکات با چالش های متعددی مواجه است که می تواند تأثیر آن بر کاهش فقر و ارتقاء رفاه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از چالش های اصلی، عدم آگاهی و آموزش است؛ بسیاری از افراد جامعه ممکن است از اهمیت زکات و نحوه محاسبه و پرداخت آن آگاهی نداشته باشند که این عدم آگاهی می تواند منجر به کاهش پرداخت زکات و عدم تحقق اهداف آن شود. همچنین، وجود نهادهای مؤثر و معتبر برای جمع آوری زکات از اهمیت بالایی برخوردار است

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

و در برخی کشورها، نقص در این نهادها و نبود شفافیت در فرآیند جمع‌آوری و توزیع زکات می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش دهد.

توزیع ناعادلانه زکات نیز از دیگر چالش‌هاست که می‌تواند به بروز نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود؛ اگر زکات به‌طور مؤثر و عادلانه بین نیازمندان توزیع نشود، ممکن است تأثیرات منفی بر جامعه داشته باشد. مدیریت ناکارآمد نهادهای زکات نیز می‌تواند به ائتلاف منابع و عدم تحقق اهداف زکات منجر شود، و نیاز به برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه برای استفاده مؤثر از زکات احساس می‌شود. علاوه بر این، در برخی جوامع ممکن است به‌خاطر باورهای فرهنگی یا اجتماعی، افراد در پرداخت زکات بی‌میل باشند که این مقاومت می‌تواند مانع از جمع‌آوری و توزیع مؤثر زکات شود. شرایط اقتصادی نامساعد، مانند رکود اقتصادی یا بحران‌های مالی، نیز می‌تواند توان پرداخت زکات را کاهش دهد و در نتیجه تأثیر منفی بر جمع‌آوری زکات داشته باشد. همچنین، عدم هماهنگی بین نهادهای دولتی و غیردولتی در زمینه جمع‌آوری و توزیع زکات می‌تواند به تداخل و ائتلاف منابع منجر شود. به‌طور کلی، برای موفقیت سیستم زکات و افزایش تأثیر آن در کاهش فقر و ارتقاء رفاه اجتماعی، ضروری است که این چالش‌ها شناسایی و راهکارهای مؤثری برای حل آن‌ها ارائه شود.

مالکیت چندبعدی

در مفهوم اسلامی، تمامی دارایی‌ها و منابعی که مسلمانان دارند، در حقیقت متعلق به خداوند هستند. این منابع به مسلمانان سپرده شده‌اند تا با نهایت مسئولیت و به‌صورت اخلاقی از آن‌ها استفاده کنند. اهمیت دارد که از این منابع به بهترین نحو بهره‌برداری شود، بدون آنکه به محیط‌زیست آسیب برسد یا اعضای جامعه‌ای که به این منابع دسترسی مستقیم ندارند، مورد استثمار قرار گیرند. این مفهوم یا اصل در اقتصاد اسلامی نه تنها زکات و ممنوعیت ربا را ترویج می‌کند، بلکه یکی از اصول کلیدی مالی را نیز معرفی می‌نماید: "تمام تخم مرغ‌های خود را در یک سبد نگذارید." این اصل مسلمانان را تشویق می‌کند تا دارایی‌ها را به‌طور معناداری در اقتصاد به گردش درآورند. علاوه بر این، این اصل با ترویج مفهوم مشارکت (مشارکه) به توزیع مناسب مالکیت کمک می‌کند، به‌طوری‌که مالکیت بین چندین شریک که اعضای همان اقتصاد هستند، تقسیم می‌شود. این رویکرد به ایجاد تعادل و توزیع عادلانه ثروت منجر می‌شود و به تحقق عدالت اجتماعی کمک می‌کند.

پیاده‌سازی اصول مالکیت چندبعدی و زکات در زندگی روزمره نیازمند اقدامات عملی و آگاهی است. ابتدا، آموزش و آگاهی از این مفاهیم از طریق مطالعه و شرکت در دوره‌های آموزشی می‌تواند به درک بهتر کمک کند. محاسبه و پرداخت منظم زکات به نیازمندان، استفاده مسئولانه از منابع طبیعی و مالی، و تشویق به مشارکت در گروه‌های اقتصادی از جمله راهکارهای مؤثر است. همچنین، حمایت از کسب‌وکارهای محلی و ترویج فرهنگ کمک به دیگران نقش مهمی در تقویت همبستگی اجتماعی دارد. مدیریت مالی هوشمندانه و برنامه‌ریزی مالی نیز می‌تواند به استفاده مؤثر از منابع کمک کند. در مجموع، با پیاده‌سازی این اصول، می‌توان به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر کمک کرد که در آن ثروت به‌طور منصفانه توزیع شود و نیازمندان حمایت شوند.

پرهیز از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های ممنوع

بر اساس سیستم اقتصادی اسلامی، اعضای اقتصاد باید از شرکت در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری که در اسلام ممنوع است، پرهیز کنند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل فروش الکل یا گوشت خوک باشند. در اسلام، علاوه بر پرهیز از سرمایه‌گذاری در الکل و گوشت خوک، فعالیت‌های دیگری نیز وجود دارند که باید از آنها پرهیز کرد. این فعالیت‌ها شامل ربا (سود)، قمار، فحشا و فساد، تجارت با کالاهای حرام، غیبت و افتراء، تجارت با اجناس غیراخلاقی، استثمار و تجارت در امور غیرمفید هستند. این موارد به حفظ اخلاق و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کنند و بر اهمیت عدالت و انصاف در معاملات تأکید دارند.

ترویج اخلاق در تجارت نیازمند اقدامات مؤثری است که شامل برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌ها برای افزایش آگاهی درباره اصول اخلاقی، ایجاد و اجرای کدهای رفتاری مشخص، و تشویق به شفافیت در فرآیندهای تجاری و مالی می‌شود. همچنین، توسعه فرهنگ سازمانی مثبت که به ارزش‌های اخلاقی اهمیت می‌دهد، ایجاد سیستم‌های پاداش برای رفتارهای اخلاقی، و تشویق شرکت‌ها به مشارکت در مسئولیت‌های اجتماعی از دیگر راهکارها هستند. علاوه بر این، ایجاد سیستم‌های نظارتی و ارزیابی برای بررسی رفتارهای تجاری و رعایت اصول اخلاقی، و ترویج تنوع و شمول در محیط کار می‌تواند به بهبود اخلاق در تجارت کمک کند. اجرای این راهکارها می‌تواند به ایجاد یک محیط کسب‌وکار سالم و پایدار منجر شود.

مسئولیت‌های اجتماعی در بهبود اخلاق در تجارت نقش حیاتی دارند و به تقویت اعتبار برند، ایجاد فرهنگ اخلاقی درون سازمان، جذب و حفظ استعدادها، و کاهش ریسک‌های قانونی کمک می‌کنند. شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی توجه دارند، معمولاً در جذب مشتریان وفادار موفق‌ترند و روابط بهتری با جامعه برقرار می‌کنند. همچنین، این مسئولیت‌ها به توسعه پایدار و حفظ منابع طبیعی توجه می‌کنند و موجب تقویت اعتماد و اعتبار در میان ذینفعان می‌شوند. به‌طور کلی، مسئولیت‌های اجتماعی به ایجاد محیطی پایدار و عادلانه‌تر در تجارت کمک می‌کنند.

ممنوعیت غَرَر

بر اساس این اصل از اقتصاد اسلامی، غَرَر در امور مالی ممنوع است و این امر اطمینان حاصل می‌کند که تمامی طرفین از شرایط و ضوابط مرتبط با معاملات آگاه هستند. اگر قرارداد حاوی عدم قطعیت بیش از حد باشد، ممکن است غیرقابل اعتبار تلقی شود. بله، در معاملات مختلف می‌توان مثال‌هایی از غَرَر (عدم قطعیت) مشاهده کرد. به‌عنوان مثال، قراردادهای آتی با شرایط مبهم، خرید و فروش کالاهایی که مشخصات دقیق آنها بیان نشده، قمار و شرط‌بندی بر روی نتایج نامشخص، قراردادهای بیمه‌ای با شرایط ابهام‌آمیز و توافق بر سر قیمت کالاهایی که ممکن است در آینده تغییر کنند، همگی نمونه‌هایی از غَرَر هستند. این موارد نشان‌دهنده تأثیر منفی غَرَر بر معاملات بوده و ضرورت تعیین شرایط واضح و شفاف در قراردادها را برای جلوگیری از بروز مشکلات تأکید می‌کند.

غَرَر (عدم قطعیت) می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر بازارهای مالی داشته باشد، از جمله کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به دلیل عدم شفافیت در قراردادها و معاملات که این امر منجر به کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری می‌شود. همچنین، وجود غَرَر می‌تواند به نوسانات شدید قیمت‌ها و کاهش نقدشوندگی بازارها منجر گردد، زیرا سرمایه‌گذاران در شرایط عدم اطمینان تمایل کمتری به خرید و فروش سریع دارایی‌ها دارند. این عدم قطعیت همچنین می‌تواند هزینه‌های معاملاتی را افزایش دهد، زیرا سرمایه‌گذاران نیاز به انجام تحقیقات بیشتر دارند و تأثیر منفی بر تصمیم‌گیری‌های مالی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خواهد داشت. به‌طور کلی، غَرَر می‌تواند به‌شدت بر کارایی و پایداری بازارهای مالی تأثیر بگذارد و ضرورت شفافیت و وضوح در معاملات را افزایش دهد تا از بروز مشکلات و ناپایداری‌های اقتصادی جلوگیری شود.

برای افزایش شفافیت در معاملات، راهکارهای متعددی وجود دارد که شامل تدوین و اجرای قوانین و مقررات شفاف، افزایش دسترسی به اطلاعات مربوط به معاملات و قیمت‌ها، و استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین می‌شود. همچنین، برگزاری دوره‌های آموزشی برای افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و کارکنان، ایجاد سیستم‌های گزارش‌دهی منظم در مورد وضعیت مالی، و تشویق به نظارت مستقل می‌تواند به این هدف کمک کند. تدوین و اجرای کدهای اخلاقی مشخص برای سازمان‌ها نیز می‌تواند رفتارها را هدایت کرده و شفافیت را افزایش دهد. با اجرای این راهکارها، می‌توان بهبود اعتماد و کارایی در بازارها و ایجاد محیطی پایدارتر و عادلانه‌تر در تجارت را فراهم کرد.

ماهیت مبادله بر اساس روش‌های مالی اسلامی

ماهیت مبادله به اصول بنیادی یا مبنایی اشاره دارد که چارچوب نحوه تبادل دارایی‌ها میان دو طرف را تعیین می‌کند. در اینجا، به تأثیر اقتصاد اسلامی بر این مبادلات و انواع روش‌های تأمین مالی اسلامی پرداخته می‌شود. شش روش عمده در مالی اسلامی وجود دارد که شامل مضاربه، مشارکت، مرابحه، اجاره، استصناع و بیع سلم است. در ادامه، به بررسی دقیق هر یک از این روش‌ها به‌طور مستقل خواهیم پرداخت.

مضاربه

مضاربه نوعی مشارکت در مالی اسلامی است که در آن یک طرف سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر مهارت‌ها، تخصص یا دانش خود را در کسب‌وکار سرمایه‌گذاری می‌کند. بر اساس این مشارکت، سود به‌طور توافقی بین طرفین تقسیم می‌شود، اما زیان تنها بر عهده سرمایه‌گذار است. سرمایه‌گذار به‌عنوان "راب المال" شناخته می‌شود و طرفی که کسب‌وکار را مدیریت می‌کند به‌عنوان "مضارب" شناخته می‌شود.

مضاربه به‌عنوان یک مدل مالی اسلامی، مزایای قابل توجهی برای سرمایه‌گذاران و مدیران کسب‌وکار دارد. برای سرمایه‌گذاران (راب المال)، یکی از مزیت‌های اصلی عدم ریسک زیان است، زیرا آن‌ها تنها در صورت سودآوری کسب‌وکار از سود بهره‌مند می‌شوند و در صورت زیان، مسئولیت مالی ندارند. همچنین، سرمایه‌گذاران می‌توانند با مشارکت در چندین مضاربه، ریسک‌های خود را کاهش دهند و از مهارت‌ها و تخصص‌های مدیران (مضارب) بهره‌مند شوند. از سوی دیگر،

مدیران کسب‌وکار با استفاده از منابع مالی مضاربه می‌توانند بدون نیاز به تأمین کامل سرمایه خود، کسب‌وکار را راه‌اندازی یا توسعه دهند و این موضوع فشار مالی ناشی از تأمین کل سرمایه را از دوش آن‌ها برمی‌دارد. همچنین، تقسیم سود به نسبت موجب تقویت انگیزه مدیران برای بهبود عملکرد و افزایش سودآوری می‌شود. به‌طور کلی، مضاربه به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد که با ریسک کمتر و بهره‌مندی از مهارت‌های مدیریتی، در پروژه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کنند، درحالی‌که مدیران نیز با دسترسی به منابع مالی و تحمل ریسک کمتر، می‌توانند به توسعه کسب‌وکار بپردازند.

مضاربه می‌تواند به‌طور مؤثری در کسب‌وکارهای نوپا کاربرد داشته باشد و به این کسب‌وکارها کمک کند تا با کمترین ریسک مالی و بیشترین بهره‌وری، رشد کنند. این مدل به کسب‌وکارهای نوپا این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به پرداخت بهره، از سرمایه‌گذاری‌های دیگران بهره‌مند شوند که به‌ویژه برای کسب‌وکارهایی که به دنبال تأمین مالی اسلامی هستند، جذاب است. همچنین، در مدل مضاربه، مسئولیت زیان‌ها تنها بر عهده سرمایه‌گذار (راب المال) است؛ این امر به مدیران کسب‌وکار این اطمینان را می‌دهد که در صورت عدم موفقیت، فشار مالی کمتری خواهند داشت و می‌توانند با تمرکز بیشتری بر روی توسعه کسب‌وکار خود متمرکز شوند.

مدیران کسب‌وکارهای نوپا می‌توانند از تخصص و تجربیات سرمایه‌گذاران بهره‌مند شوند که این همکاری به بهبود تصمیم‌گیری‌ها و افزایش شانس موفقیت کسب‌وکار کمک می‌کند. همچنین، با تقسیم سود به نسبت، مدیران کسب‌وکار انگیزه بیشتری برای افزایش عملکرد و سودآوری دارند که این انگیزه می‌تواند به رشد سریع‌تر کسب‌وکار کمک کند. کسب‌وکارهای نوپا می‌توانند از طریق مدل مضاربه سرمایه‌گذاران بیشتری را جذب کنند، به‌ویژه آن دسته از سرمایه‌گذارانی که به دنبال مشارکت در پروژه‌های جدید و نوآورانه هستند. این مدل همچنین می‌تواند به کسب‌وکارهای نوپا کمک کند تا بدون نیاز به تأمین کل سرمایه خود، به راحتی کسب‌وکار را راه‌اندازی کنند و به سرعت وارد بازار شوند. به‌طور کلی، مضاربه به کسب‌وکارهای نوپا این امکان را می‌دهد که با دسترسی به منابع مالی و تخصص‌های مدیریتی، با ریسک کمتر و انگیزه بیشتر به توسعه و رشد بپردازند و به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای تحقق اهداف کسب‌وکاری در مراحل اولیه معرفی شود.

مضاربه به‌عنوان یک مدل مالی اسلامی در کشورهای مختلف ممکن است با تفاوت‌هایی در اجرا و شرایط مواجه شود که این تفاوت‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، قوانین محلی و ساختارهای اقتصادی قرار دارند. هر کشور اسلامی ممکن است قوانین و مقررات خاصی برای اجرای مضاربه داشته باشد که شامل نحوه ثبت قراردادها، تقسیم سود و زیان و شرایط عمومی سرمایه‌گذاری هستند. همچنین، در برخی کشورها، مضاربه به‌عنوان یک ابزار اصلی در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، درحالی‌که در دیگر کشورها ممکن است کمتر شناخته شده یا به‌طور محدودتری اجرا شود. بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ممکن است برنامه‌ها و خدمات متفاوتی در این زمینه ارائه دهند.

چگونگی اجرای مضاربه همچنین می‌تواند تحت تأثیر فرهنگ محلی و آداب و رسوم تجاری باشد؛ مثلاً در برخی کشورها ممکن است تأکید بیشتری بر شفافیت و اخلاق در تجارت وجود داشته باشد. نوع کسب‌وکارها و صنایع فعال در هر کشور نیز می‌تواند بر چگونگی اجرای مضاربه تأثیر بگذارد، به‌طوری‌که در برخی کشورها، مضاربه ممکن است بیشتر در بخش‌های خاصی مانند کشاورزی یا ساخت‌وساز مورد استفاده قرار گیرد. سطح آگاهی و آموزش در مورد مضاربه و سایر

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

روش‌های مالی اسلامی در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشورهایی که آموزش‌های مالی اسلامی بیشتری ارائه می‌شود، ممکن است مضاربه به‌طور مؤثرتری اجرا شود. به‌طور کلی، اگرچه مضاربه به‌عنوان یک مفهوم اصلی در مالی اسلامی شناخته می‌شود، نحوه اجرا و شرایط آن در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد و این تفاوت‌ها به عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد و می‌تواند تأثیر زیادی بر موفقیت و پذیرش این مدل مالی داشته باشد.

مشارکت

مشارکت به نوعی همکاری بین دو یا چند طرف اشاره دارد. در این نوع مشارکت، طرفین توافق می‌کنند که سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری مشترک را تقسیم کنند. در این حالت، سود بین هر یک از طرفین بر اساس نسبت‌های تعیین‌شده قبلی توزیع می‌شود، اما زیان‌ها بر اساس سهم هر سرمایه‌گذار در سرمایه‌گذاری تحمل می‌شود. بهبود مشارکت در کسب‌وکارها نیازمند اتخاذ راهکارهایی است که به افزایش کارایی و اعتماد میان طرفین کمک کند. برای این منظور، تعیین اهداف مشترک و توافق بر روی چشم‌اندازها می‌تواند هم‌راستایی را افزایش دهد. همچنین، ایجاد ارتباطات شفاف و استفاده از کانال‌های باز، موجب آگاهی تمامی طرفین از وضعیت پروژه‌ها می‌شود و از بروز سوءتفاهم‌ها جلوگیری می‌کند. تعیین نسبت‌های دقیق تقسیم سود و زیان در ابتدای همکاری، توسعه مهارت‌های مدیریتی از طریق آموزش، و به‌کارگیری فناوری‌های مدیریت پروژه نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. تشویق به نوآوری و برگزاری جلسات بررسی دوره‌ای برای ارزیابی عملکرد می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و قوت کمک کند. در نهایت، تقویت روابط انسانی و ایجاد فضایی مثبت میان طرفین، به افزایش اعتماد و همکاری منجر می‌شود. با اجرای این راهکارها، می‌توان به بهبود مشارکت و بهره‌مندی از مزایای ناشی از همکاری مؤثر دست یافت.

مراجعه

مراجعه در مالی اسلامی به نوعی معامله اشاره دارد که در آن فروشنده و خریدار برای خرید یک دارایی به توافق می‌رسند. در این فرآیند، فروشنده (که معمولاً بانک است) یک دارایی خاص را به نمایندگی از خریدار خریداری می‌کند و سپس آن را با قیمتی بالاتر به خریدار می‌فروشد. خریدار پس از دریافت دارایی، مبلغ را در اقساط و طی یک بازه زمانی مشخص به فروشنده پرداخت می‌کند.

مراجعه به‌عنوان یکی از روش‌های مالی اسلامی دارای مزایای خاصی است که آن را نسبت به سایر روش‌ها متمایز می‌کند. این روش شامل شفافیت قیمت است، زیرا قیمت خرید و سود به‌طور واضح اعلام می‌شود که از بروز سوءتفاهم‌ها جلوگیری می‌کند و با اصول اسلامی سازگار است، زیرا خبری از بهره (ربا) نیست. مراجعه به خریداران این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به تأمین کل مبلغ خرید، دارایی مورد نظر خود را به‌دست آورند و پرداخت‌ها را به‌صورت اقساطی انجام دهند. همچنین، شرایط پرداخت معمولاً انعطاف‌پذیر است و ریسک ناشی از نوسانات قیمت بازار به فروشنده منتقل

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

می‌شود. این ویژگی‌ها مراتب را به گزینه‌ای جذاب برای تأمین مالی کسب‌وکارها و دستیابی به اهداف مالی تبدیل کرده است.

مراتبه می‌تواند به کسب‌وکارهای کوچک به طرق مختلفی کمک کند، از جمله تأمین مالی آسان برای خرید دارایی‌های موردنیاز بدون نیاز به تأمین کل مبلغ که به آن‌ها اجازه می‌دهد هزینه‌ها را از طریق پرداخت‌های اقساطی مدیریت کنند. این روش به دلیل عدم وجود بهره (ربا) با اصول مالی اسلامی سازگار است و به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که بدون نگرانی از پرداخت سود، تأمین مالی کنند. همچنین، شفافیت در هزینه‌ها و مشخص بودن قیمت خرید و سود کمک می‌کند تا کسب‌وکارها برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند و از بروز سوء تفاهم‌ها جلوگیری کنند. با انتقال ریسک نوسانات قیمت دارایی به فروشنده، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند با اطمینان بیشتری به توسعه فعالیت‌های خود بپردازند. شرایط پرداخت معمولاً انعطاف‌پذیر است و می‌تواند متناسب با توان مالی آن‌ها تنظیم شود. در نهایت، با تأمین دارایی‌های لازم، کسب‌وکارهای کوچک قادر خواهند بود به رشد و توسعه بپردازند و فرصت‌های جدیدی را برای گسترش فعالیت‌های خود ایجاد کنند.

اجاره

بر اساس مفهوم اجاره، یک طرف (موجر) که مالک یک دارایی خاص است، آن دارایی را به طرف دیگری (مستأجر) به صورت اجاره می‌دهد. مستأجر به طور دوره‌ای اجاره‌بها را به موجر پرداخت می‌کند تا از دارایی استفاده کند. دوره اجاره زمانی به پایان می‌رسد که دارایی به موجر بازگردانده شود. اجاره به عنوان یک روش مالی اسلامی دارای مزایای متعددی است که می‌تواند برای هر دو طرف (موجر و مستأجر) مفید باشد. مستأجر می‌تواند بدون نیاز به خرید کامل دارایی، از آن استفاده کند و هزینه‌ها را در قالب اجاره‌بها پرداخت کند، درحالی‌که موجر از درآمد اجاره بهره‌مند می‌شود. این روش به کاهش ریسک مالی کمک می‌کند، زیرا مستأجر در صورت عدم نیاز به دارایی می‌تواند به راحتی قرارداد را خاتمه دهد. همچنین، اجاره با اصول اسلامی سازگار است و به افرادی که به دنبال تأمین مالی بر اساس شریعت هستند، جذابیت دارد. مستأجر می‌تواند از تجهیزات و فناوری‌های جدید بهره‌برداری کند و این موضوع به بهبود عملکرد کسب‌وکار کمک می‌کند. به طور کلی، اجاره به هر دو طرف این امکان را می‌دهد که به طور مؤثری به رشد و توسعه خود ادامه دهند.

استصناع

استصناع نوعی قرارداد است که بین خریدار و فروشنده منعقد می‌شود زمانی که یک دارایی خاص سفارش تولید می‌شود و فروشنده آن را با قیمت و تاریخ مشخصی در آینده به خریدار می‌فروشد. معمولاً صنایع تولید و ساخت‌وساز از این نوع قرارداد استفاده می‌کنند. استصناع به عنوان یک قرارداد مالی اسلامی دارای مزایای متعددی برای خریدار و فروشنده است. خریدار می‌تواند دارایی موردنیاز خود را با مشخصات دقیق سفارش دهد و از قیمت ثابت و زمان‌بندی تحویل بهره‌مند شود که این امر به برنامه‌ریزی مالی و مدیریت زمان کمک می‌کند. همچنین، در برخی موارد، خریدار

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

می‌تواند بدون نیاز به پرداخت تمام مبلغ در ابتدا، محصول را دریافت کرده و هزینه را مرحله‌ای پرداخت کند. از سوی دیگر، فروشنده با عقد قرارداد استصناع می‌تواند درآمد خود را پیش‌بینی کرده و پروژه‌های بزرگ‌تر را به‌عهده بگیرد، همچنین با تعهد به کیفیت محصول و کاهش ریسک‌های ناشی از نوسانات بازار، اعتماد و اعتبار خود را در بازار افزایش دهد. به‌طور کلی، استصناع با ارائه این مزایا به هر دو طرف قرارداد، به تأمین نیازهای مالی و تولیدی کمک کرده و می‌تواند به توسعه و رشد آن‌ها منجر شود.

بیع سلم

بیع سلم یک روش مالی اسلامی است که در آن فروشنده متعهد می‌شود کالاهایی را که خریدار خریداری کرده، در زمانی مشخص در آینده تأمین کند. در این حالت، خریدار مبلغ را به‌صورت پیش‌پرداخت پرداخت می‌کند و کالاها در تاریخ توافق‌شده ارائه می‌شوند. همچنین، سایر شرایط و الزامات مربوط به فروش در زمان پرداخت مورد مذاکره قرار می‌گیرد. بیع سلم دارای مزایا و معایب خاصی است که باید در نظر گرفته شود. از مزایای آن می‌توان به تأمین مالی پیش‌پرداخت برای فروشنده، کاهش ریسک قیمتی برای خریدار، و امکان برنامه‌ریزی بهتر برای تأمین کالا اشاره کرد. این روش همچنین می‌تواند به تقویت روابط تجاری بین طرفین کمک کند. با این حال، خطر عدم تحویل کالا، کمبود اطلاعات درباره فروشنده، محدودیت در نوع کالا و تأثیر منفی بر جریان نقدی خریدار از معایب آن محسوب می‌شود. به‌طور کلی، استفاده از بیع سلم نیازمند ارزیابی دقیق مزایا و معایب آن است تا طرفین بتوانند تصمیم مناسبی اتخاذ کنند.

ممنوعیت ربا (بهره) و تأثیر آن بر معاملات اقتصادی

ممنوعیت ربا یکی از اصول کلیدی اقتصاد اسلامی است که تأثیر قابل‌توجهی بر معاملات اقتصادی دارد و موجب تمایز سیستم‌های اقتصادی اسلامی از سیستم‌های سنتی می‌شود. این ممنوعیت نه‌تنها ماهیت معاملات را در سطح فردی تغییر می‌دهد، بلکه بر روی کل اقتصاد نیز تأثیر می‌گذارد.

اقتصاددانان کلاسیک ابتدا مفهوم بهره را از طریق پس‌انداز بررسی کردند و آن را به‌عنوان پاداشی برای پس‌انداز معرفی کردند که با افزایش مقدار پس‌انداز، این پاداش نیز افزایش می‌یابد. هدف این پاداش، تشویق به عادت پس‌انداز و ارتباط آن با عادات سرمایه‌گذاری است. با وجود پس‌اندازهای بیشتر، امکان سرمایه‌گذاری‌های بیشتری وجود دارد. اما آن‌ها تأثیر منفی نرخ‌های بهره بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری را نادیده گرفتند. به همین دلیل، اقتصاد اسلامی به مشارکت نرخ‌های بهره در معاملات اقتصادی به‌عنوان عاملی استثمار و مخرب برای اقتصاد می‌نگرد. بر اساس این دیدگاه، اقتصادی که از ربا آزاد باشد، می‌تواند پیشرفته‌تر و همزمان برای وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان مفید باشد. در مقابل، اقتصادی که تحت تأثیر نرخ‌های بهره قرار دارد، ممکن است معایب متعددی داشته باشد.

سیستم اقتصادی مبتنی بر ربا می‌تواند به‌طرز شدیدی وام‌گیرندگان را تحت فشار قرار دهد، زیرا اعمال نرخ بهره بر مبلغ اصلی وام، ارزش آن را دو برابر می‌کند و این عمل از نظر مذهبی استثمار محسوب می‌شود. فردی با درآمد زیر

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

متوسط ممکن است فقیرتر شود و تمام عمر خود را صرف پرداخت وام کند که ارزش واقعی آن را کاهش می‌دهد. در چنین اقتصادی، وام‌گیرندگان معمولاً بدون توجه به اینکه پول قرضی در کجا سرمایه‌گذاری می‌شود، تنها به بازگشت سرمایه خود اهمیت می‌دهند که این مسئله منجر به تخصیص نادرست سرمایه می‌شود. همچنین، اقتصاد مبتنی بر ربا سرمایه‌گذاری‌های بی‌هدف را تشویق می‌کند که هیچ چشم‌انداز و نگرانی معناداری نسبت به توسعه اقتصادی ندارند. بهبود تخصیص سرمایه در یک اقتصاد مبتنی بر ربا نیازمند اتخاذ رویکردهایی است که به بهینه‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها و افزایش کارایی کمک کند. ترویج ابزارهای مالی اسلامی مانند مرابحه و اجاره می‌تواند به تأمین مالی بدون ربا کمک کند. همچنین، آموزش سرمایه‌گذاران در مورد اصول صحیح سرمایه‌گذاری و تأثیرات نرخ‌های بهره، توسعه و تقویت بازارهای سرمایه، و ایجاد نهادهای مالی مستقل می‌تواند به تخصیص بهینه سرمایه منجر شود. علاوه بر این، تشویق به تحقیق و توسعه و پیشبرد سیاست‌های اقتصادی پایدار به بهبود تخصیص سرمایه و شرایط اقتصادی کمک خواهد کرد. به‌طور کلی، این تلاش‌ها باید به‌صورت مشترک انجام شوند تا به تخصیص کارآمدتر سرمایه در اقتصاد کمک کند.

دلایل متعددی وجود دارد که چرا سیستم اقتصادی اسلامی معاملات اقتصادی با عنصر ربا را رد می‌کند و روش‌های جایگزینی را انتخاب می‌نماید که در آن‌ها معاملات به‌طور عادلانه انجام می‌شود و از استثمار و بی‌عدالتی جلوگیری می‌شود. این روش‌های جایگزین، سیستم را از بنیاد تغییر داده و رابطه بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده را دگرگون کرده است. برخلاف اقتصاد مبتنی بر ربا، در این سیستم، با وجود اینکه بازدهی از پول قرض داده‌شده وجود دارد، مفهوم مشارکت در سود نیز مطرح است. به زبان ساده، زمانی که وام‌دهنده مبلغ وام را به وام‌گیرنده می‌دهد، این عمل بر اساس مشارکت در سود است، به این معنا که وام‌دهنده بازدهی را به‌صورت سود حاصل از سرمایه‌گذاری که وام‌گیرنده با پول قرضی انجام می‌دهد، دریافت می‌کند. این ترتیب مشارکت در سود، وام‌دهنده را تشویق می‌کند که به وامی که به وام‌گیرنده می‌دهد توجه کند و ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری را ارزیابی نماید. این پدیده اطمینان می‌دهد که پول وام به دست افراد مناسب می‌رسد تا در سرمایه‌گذاری‌های سودآور به‌کار گرفته شود که نه تنها به نفع وام‌گیرنده و وام‌دهنده است، بلکه به اقتصاد به‌طور کلی نیز کمک می‌کند.

ممنوعیت ربا همچنین بر سایر عناصر سیستم اقتصادی، از جمله حساب‌های پس‌انداز و بیمه تأثیر گذاشته است. برای اجرای روش‌های صحیح پس‌انداز پول به شیوه‌های مختلف، مالی اسلامی برخی محصولات و پیشنهادات جایگزین را معرفی کرده است. در یک اقتصاد اسلامی، حساب پس‌انداز می‌تواند بر اساس مشارکت در سود با بانک افتتاح شود. به عبارت دیگر، به جای دریافت بازده به‌صورت بهره، صاحب حساب پس‌انداز حق دریافت سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌های بانک را خواهد داشت. ممنوعیت ربا اقتصاد را از بحران‌های مالی و گرفتار شدن در دام‌های بدهی محافظت می‌کند، زیرا تمامی معاملات بر اساس نوعی مشارکت مشخص است و همه طرف‌ها از هرگونه بار ناعادلانه محفوظ و ایمن می‌مانند. بنابراین، اقتصاد بدون ربا سیستم مبادله را از اساس تغییر می‌دهد و ماهیت معاملات را به سمت دیگری هدایت می‌کند. واضح است که اقتصاد بدون بهره مزایای زیادی دارد، زیرا به قرض‌گیری و وام‌دهی مسئولانه کمک می‌کند. در غیاب بهره، مبلغ پس‌انداز می‌تواند برای سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد و این سرمایه‌گذاری بدون هزینه خواهد بود که در نهایت باعث افزایش عادات سرمایه‌گذاری در اقتصاد می‌شود. این اقتصاد بر مبنای روش‌های معاملاتی اسلامی مانند

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

مشارکت (مشارکه) و مضاربه شکل خواهد گرفت. با وجود این که سیستم‌های اقتصادی و مالی اسلامی مزایای بسیاری دارند، برخی منتقدان نیز به محدودیت‌های این سیستم‌ها اشاره کرده‌اند.

رابطه بین اقتصاد اسلامی و حکمرانی سازمانی اسلامی

حکمرانی سازمانی اسلامی و اقتصاد اسلامی از مفاهیم کلیدی در دنیای کسب‌وکار و تجارت به شمار می‌آیند و ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. حکمرانی سازمانی اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین اقتصاد اسلامی مطرح است؛ زیرا پیاده‌سازی سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی در سازمان‌ها، یکی از راه‌های مؤثر برای تحقق نظام جامع اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی در جامعه محسوب می‌شود. این دو مفهوم به دلیل اشتراک در ارزش‌ها و اصول بنیادی که در فرآیندهای عملیاتی خود دارند، به یکدیگر پیوسته‌اند و رابطه‌ای معنادار برقرار کرده‌اند. هر دو مفهوم، حکمرانی سازمانی اسلامی و اقتصاد اسلامی، بر مبنای اصول اسلام و شریعت استوارند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، حکمرانی سازمانی اسلامی شامل مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که به عدالت، شفافیت و پاسخگویی در نظام مدیریت شرکت‌ها می‌پردازد و در عین حال، از حقوق ذینفعان و سهام‌داران محافظت می‌کند. از سوی دیگر، اقتصاد اسلامی به سیستمی اشاره دارد که بر رفاه کلی اعضای جامعه متمرکز است و از استثمار مشارکت‌کنندگان خود جلوگیری می‌کند. بنیان مشترک این دو سیستم شامل رفتارهای اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، ترتیبات تقسیم سود و زیان، رعایت شریعت و معاملات غیر استثماری است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این سیستم‌ها از طریق رعایت اصول صحیح و تطابق با قوانین شریعت به یکدیگر یاری می‌رسانند.

مفهوم اقتصاد اخلاقی اسلامی

مفهوم اقتصاد اخلاقی اسلامی در دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان پاسخی به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی زمان خود معرفی شد. در این دوران که هویت سیاسی اسلامی در حال پیشرفت بود، سیستم‌های اقتصادی متعارف به تدریج به مشکلاتی منجر شدند که نه تنها به رشد اقتصادی کمک نکردند، بلکه به نابرابری و ناتوانی‌های اجتماعی نیز دامن زدند. این شرایط به بروز نیاز به یک رویکرد جدید اقتصادی منجر شد که بر اساس اصول اسلامی شکل گرفته باشد. اقتصاد اخلاقی اسلامی بر اساس قوانین شریعت بنا شده و به‌طور مستقیم از اقوال قرآن و سنت derived می‌شود. این رویکرد به دنبال ایجاد یک سیستم اقتصادی است که نه تنها بر پایه سودآوری، بلکه بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی عمل کند. هسته اصلی این اقتصاد بر مفاهیم «عدالت» (عداله) و «حق» (حق) استوار است. عدالت به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها و حق به معنای احترام به حقوق افراد و گروه‌ها در فرآیندهای اقتصادی است. علاوه بر این، حکمرانی سازمانی اسلامی نیز اصول مشابهی با اقتصاد اسلامی دارد، به این معنا که هدف آن ایجاد شفافیت، پاسخگویی و عدالت در مدیریت شرکت‌ها است.

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

مدل‌های حکمرانی سازمانی اسلامی شامل سه مورد اصلی است: نخست، مدل مبتنی بر مقاصد شریعت که بر تحقق اهداف کلی شریعت مانند عدالت اجتماعی و رفاه عمومی تأکید دارد و به دنبال ارتقاء منافع جمعی است. دوم، مدل مبتنی بر توحید که بر وحدت و یکپارچگی در تمام جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند و تمامی فعالیت‌ها باید با اصول اسلامی هماهنگ باشند. سوم، مدل مبتنی بر ذینفعان که به منافع همه ذینفعان از جمله سهام‌داران، کارکنان، مشتریان و جامعه توجه دارد و تلاش می‌کند تعادل بین منافع این گروه‌ها برقرار کند. به‌طور کلی، اقتصاد اخلاقی اسلامی و حکمرانی سازمانی اسلامی به ایجاد یک سیستم اقتصادی پایدار و عادلانه می‌پردازند که نه تنها به نفع افراد، بلکه به نفع جامعه و اقتصاد به‌طور کلی عمل کند و با رعایت اصول اخلاقی و اجتماعی، به توسعه پایدار و رفاه عمومی دست یابد.

این مدل‌ها اگر به‌طور انتقادی بررسی شوند، شباهت‌هایی با مدل‌های سیستم‌های متعارف دارند. این مدل‌ها از منظر اسلامی شکل گرفته‌اند، اما به‌طور کلی ارزش آن‌ها به این دلیل است که بر حل مشکل نمایندگی و حفاظت از حقوق ذینفعان تمرکز دارند. با این حال، از نظر واقعی، دیدگاه حکمرانی سازمانی اسلامی بسیار فراتر از این است. این جهت‌گیری حکمرانی سازمانی اسلامی به سمت سیستم‌های متعارف، آن را از هدف اقتصاد اسلامی که به رفاه فردی و اجتماعی می‌پردازد، جدا می‌کند. بنابراین، چارچوب حکمرانی سازمانی اسلامی باید بر اساس ارزش‌ها و اصول اقتصاد اسلامی طراحی شود، زیرا حکمرانی سازمانی اسلامی یکی از اجزای چارچوب اقتصاد اخلاقی اسلامی است. بنابراین، اهمیت دارد که سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی را به‌گونه‌ای شکل دهیم که نمایانگر ارزش‌های واقعی آن باشد و با ارزش‌های اقتصاد اسلامی هم‌راستا شود تا این دو بتوانند به‌طور جمعی سیستمی را ایجاد کنند که در تضاد با سیستم‌های متعارف باشد.

تأثیر اقتصاد اسلامی بر حکمرانی سازمانی و بالعکس

اقتصاد اسلامی بر حکمرانی سازمانی تأثیر دارد و در عین حال، حکمرانی سازمانی اسلامی نیز بر اقتصاد تأثیرگذار است. وقتی درباره تأثیر اقتصاد اسلامی بر تصمیم‌گیری‌های حکمرانی سازمانی صحبت می‌کنیم، به چگونگی تناسب سیستم با اقتصاد اسلامی و تمرکز آن بر روی شیوه‌های اخلاقی، مسئولیت اجتماعی، تأکید بر تقسیم ریسک و مشارکت ذینفعان اشاره می‌کنیم. از سوی دیگر، شیوه‌های حکمرانی سازمانی اسلامی حس مسئولیت، پاسخگویی و شفافیت را به اقتصاد وارد می‌کند که منجر به گزارش‌های مالی غیر اغراق‌آمیز و غیر خلاقانه، اجرای مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) برای بهبود و رفاه جامعه، و رشد اقتصادی بالاتر به دلیل افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) می‌شود، همان‌طور که گزارش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد. بنابراین، هر دو سیستم تأثیر زیادی بر یکدیگر دارند و باید به‌طور همزمان پیاده‌سازی شوند. این فصل به تفصیل به تعاریف، اصول و روابط بین حکمرانی سازمانی اسلامی و مالی اسلامی پرداخته است. همچنین اشکال مختلف مالی اسلامی را که به عنوان پایه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک و خرید و فروش دارایی‌ها تحت شرایط خاص عمل می‌کند، بررسی کرده است (یعنی موضوعات مرتبط با مبادله). علاوه بر این، فصل به چگونگی تأثیر ممنوعیت ربا بر معاملات اقتصادی اشاره کرده و چندین روش جایگزین برای انجام این معاملات بدون ایجاد زیان برای هیچ‌یک از طرف‌های درگیر ارائه کرده است. پس از بررسی تمامی ویژگی‌های اعتقادات اسلامی، قوانین

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

شریعت و اصول مرتبط، اکنون به محدودیت‌های چنین سیستمی می‌پردازیم. در جامعه معاصر، شیوه‌های مالی اسلامی و اقتصادی گاهی می‌توانند مشکلات اقتصادی ایجاد کنند.

محدودیت‌های حکمرانی سازمانی اسلامی و اقتصاد اسلامی

با اینکه حکمرانی سازمانی اسلامی و اقتصاد اسلامی بر پایه اصول اخلاق، عدالت، پاسخگویی و شفافیت بنا شده‌اند، اما ممکن است محدودیت‌هایی در این چارچوب وجود داشته باشد که مانع برخی عملیات شوند. این مسائل در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت.

چالش‌های پیاده‌سازی سیستم حکمرانی مبتنی بر شریعت

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و محدودیت‌های سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی، عدم استانداردسازی است. نظرات و تفسیرهای متفاوتی از سوی علمای اسلامی در مورد نحوه عملکرد یک سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی وجود دارد. این معضل منجر به سردرگمی قابل توجهی در مورد عناصر یک ساختار استاندارد حکمرانی سازمانی اسلامی می‌شود. این مشکل به عنوان مانعی برای نهادهای نظارتی عمل می‌کند که باید مقررات را بر اساس سیستم مذکور پیاده‌سازی کنند. با این حال، تلاش‌های متعددی برای ایجاد یک استاندارد ایده‌آل جهت هدایت ساختار حکمرانی سازمانی اسلامی صورت گرفته است. برای شرکت‌های مبتنی بر شریعت، کد حکمرانی سازمانی مالزی معرفی شده و برای نظارت شرعی، استانداردهای حکمرانی سازمان حسابرسی و حسابداری مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) ارائه گردیده است. چالش دیگری که در پیاده‌سازی ساختار حکمرانی سازمانی اسلامی وجود دارد، پیچیدگی آن است. برای نهاد حاکم، گاهی اوقات درک و تفسیر قوانین و مقرراتی که باید در عملیات شرکت لحاظ شوند، دشوار می‌باشد. این امر منجر به عدم انطباق سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی می‌شود. دلیل اصلی این مسئله، کمبود تخصص در زمینه دانش خاص مربوط به قوانین شریعت است. بنابراین، این چالش‌ها برای هیئت مدیره در پیاده‌سازی ساختار حکمرانی سازمانی اسلامی، با وجود مزایای فراوان آن، موانع قابل توجهی ایجاد می‌کند.

راه‌های غلبه بر این مسائل

این مسائل می‌توانند با ایجاد یک استاندارد مشخص که باید به‌طور جهانی توسط تمامی شرکت‌هایی که تحت قوانین اسلامی فعالیت می‌کنند، پذیرفته شود، حل شوند. به این ترتیب، نه تنها چارچوب کمتر پیچیده خواهد شد، بلکه تفسیر و درک قوانین و مقررات آن نیز آسان‌تر خواهد شد. در نهایت، نهاد حاکم باید از سوی سهام‌داران انتخاب شود تا امور شرکت را مدیریت کند و به این ترتیب بتواند عملیات را بهتر تحت قوانین شریعت اداره نماید. همچنین، برگزاری برنامه‌های آموزشی برای مدیریت و کارکنان ضروری است تا درک و آگاهی بهتری از اصول و قوانین اسلامی که باید در سازمان گنجانده شوند، ایجاد شود.

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

محدودیت‌های یک سیستم اقتصادی اسلامی در دنیایی که سیستم متعارف به‌طور غالب پذیرفته شده است، به وضوح نمایان می‌شود. اداره یک سیستم اقتصادی اسلامی دشوار است، زیرا این سیستم نه تنها معاملات را پیچیده می‌کند، بلکه تعامل با کشورهای غیرمسلمان را نیز سخت می‌سازد و در سطح بین‌المللی، معاملات به دلیل تضاد بین سیستم اقتصادی اسلامی و سیستم جهانی، دشوار می‌گردند. مانند سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی، سیستم اقتصادی اسلامی نیز با چالش‌های مشابهی در پیاده‌سازی مواجه است. این چالش‌ها شامل قوانین و مقررات پیچیده، کمبود متخصصان در این حوزه، و عدم وجود یک سیستم نظارتی است که بتواند از سیستم اسلامی حمایت کند؛ چرا که اکثریت جامعه به سیستم اقتصادی اسلامی پایبند نیستند. همچنین، پیاده‌سازی این سیستم می‌تواند منجر به رشد اقتصادی محدود شود، به‌ویژه به دلیل ممنوعیت سرمایه‌گذاری در برخی صنایع که به‌عنوان حرام شناخته می‌شوند. عدم استانداردسازی نیز می‌تواند مشکلات زیادی ایجاد کند و منجر به افزایش هزینه‌های معاملاتی شود. علاوه بر این، ابزارهای هجینگ مانند گزینه‌ها یا قراردادهای آتی که شامل نتایج نامشخص هستند، ممنوع شده‌اند و از زمان بحران مالی، تجارت صکوک نیز با محدودیت‌هایی مواجه شده است.

با اینکه محدودیت‌های زیادی برای سیستم اقتصادی اسلامی وجود دارد، مهم‌ترین مسئله‌ای که باقی می‌ماند، ممنوعیت نرخ بهره است. یکی از محدودیت‌های ناشی از ممنوعیت نرخ بهره، دشواری در جذب سرمایه است. طبق قوانین مالی اسلامی، سرمایه می‌تواند از طریق تقسیم سود و زیان تأمین شود که همیشه برای کسب‌وکارها مناسب نیست. ممنوعیت بهره می‌تواند به مشکل قیمت‌گذاری محصولات مالی منجر شود. این محصولات مالی شامل اوراق مالی مانند صکوک هستند. برای سرمایه‌گذار دشوار است که تحلیل کند آیا این محصولات به‌طور عادلانه قیمت‌گذاری شده‌اند یا خیر، زیرا هیچ معیاری برای مقایسه وجود ندارد (چراکه محصولات مالی اسلامی نمی‌توانند با محصولات مالی "متعارف" مقایسه شوند).

در سیستم اقتصادی اسلامی، چندین راه‌حل برای جذب سرمایه وجود دارد که می‌تواند جایگزینی برای نرخ بهره باشد. از جمله این راه‌حل‌ها می‌توان به مشارکت در سود و زیان (Mudarabah) که در آن سرمایه‌گذار و مدیر پروژه همکاری می‌کنند، اشاره کرد. همچنین، سرمایه‌گذاری مشترک (Musharakah) وجود دارد که در آن تمامی طرف‌ها در سرمایه‌گذاری و مدیریت پروژه مشارکت دارند و سود و زیان بر اساس نسبت سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شود. صکوک (Sukuk) به‌عنوان اوراق بهادار نمایانگر مالکیت در دارایی‌های واقعی عمل می‌کنند و بر اساس درآمد حاصل از این دارایی‌ها تأمین مالی می‌شوند. دیگر روش‌ها شامل قراردادهای اجاره (Ijarah) و قرض‌های بدون بهره (Qard al-Hasan) است که به‌منظور کمک به نیازمندان ارائه می‌شوند. این روش‌ها نه تنها به جذب سرمایه کمک می‌کنند، بلکه با رعایت اصول اسلامی، منافع اجتماعی و اقتصادی را نیز ترویج می‌دهند.

با اینکه سیستم اقتصادی اسلامی یکی از سیستم‌های ایده‌آل است و مزایای زیادی دارد، اما در عین حال دارای چند نقص نیز می‌باشد. مشکل اصلی به قوانین و نحوه عملکرد آن در مقایسه با سیستم متعارف برمی‌گردد. در جهانی که سیستم متعارف غالب‌تر است، بهبود کارایی این سیستم دشوار است. تنها راه‌حل برای این مشکل، پایبندی به پیاده‌سازی این سیستم، به‌ویژه در کشورهای مسلمان، است تا با گذشت زمان این سیستم توسعه یابد و محدودیت‌هایش را برطرف

فصل سوم: حکمرانی سازمانی اسلامی و تأثیر آن بر مسائل اقتصادی

کند. همچنین باید سرمایه‌گذاری بیشتری در تحقیقات مربوط به حل این مسائل در سیستم اقتصادی اسلامی انجام شود تا سیستمی روان‌تر با هزینه‌های کمتر شکل گیرد و پیاده‌سازی شود.

فصل چهارم: توزیع ثروت در اسلام

مقدمه

توزیع ثروت یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در زندگی اقتصادی انسان است که در دنیای امروز به انقلاب‌های جهانی دامن زده و بر تمامی زمینه‌های فعالیت انسانی، از سیاست بین‌الملل تا زندگی خصوصی فرد، تأثیر می‌گذارد. تقریباً یک قرن است که این موضوع نه تنها در مرکز بحث‌های داغ شفاهی و کتبی قرار دارد، بلکه به درگیری‌های نظامی نیز منجر شده است. با این حال، هر آنچه در این مورد گفته شده، بدون مراجعه به وحی الهی و صرفاً با تکیه بر عقل انسانی، تنها منجر به سردرگمی بیشتر اوضاع شده است.

این فصل هدف دارد تا دیدگاه اسلامی در مورد توزیع ثروت را، همانطور که از قرآن، سنت و آثار «متفکران» (با استفاده از یک استعاره مدرن) در سنت اسلامی استخراج شده، تا حد ممکن روشن کند. به دلیل محدودیت‌های زمانی و مکانی، بررسی عمیق موضوع و پوشش همه جنبه‌ها غیرممکن است، اما تلاش شده است تا مهم‌ترین موضوعات را به‌طور مختصر و جامع خلاصه کنیم.

قبل از توضیح موضع اسلام در مورد توزیع ثروت، همانطور که از قرآن، سنت و فقه آموخته شده، لازم است برخی مفاهیم بنیادین روشن شود که برای تقریباً همه جنبه‌های اقتصاد اسلامی ضروری و بنیادی هستند. این مفاهیم را می‌توان به هر نامی که می‌خواهید، از جمله «اصول نظریه توزیع ثروت»، «فلسفه آن» یا «هدف نهایی» این نظریه، نامید. در هر صورت، برخی مفاهیم اساسی می‌توانند از قرآن استخراج شوند که دیدگاه اقتصادی اسلامی را از سیستم‌های اقتصادی غیراسلامی متمایز می‌کنند.

آیه قرآن:

«وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (سوره نور، آیه ۳۳)

و به آنان از مال خدا که به شما داده، بدهید.

قرآن کریم صراحتاً بیان می‌دارد که تمام ثروت و دارایی در اصل متعلق به خداوند است. این اصل بنیادین، نقش محوری در توزیع عادلانه ثروت و مسئولیت انسان در قبال آن ایفا می‌کند. اگرچه خداوند به انسان حق مالکیت بر آنچه به دست می‌آورد عطا کرده است، اما این حق مشروط به رعایت عدالت و انفاق در راه خداست. قرآن با طرح سؤالاتی عمیق، به نقش انسان در فرآیند تولید و رشد می‌پردازد و بیان می‌دارد که انسان تنها عامل ایجادکننده نیست؛ بلکه خداوند است که به تلاش انسان برکت می‌دهد و آن را به نتیجه می‌رساند. این حقیقت در مثال کشاورزی به زیبایی نمایان است که انسان بذر می‌پاشد، اما رشد گیاه و تبدیل آن به درخت به اراده و قدرت خداوند بستگی دارد. بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان تنها خلیفه خدا در زمین است و موظف است از نعمت‌های الهی به بهترین نحو استفاده کند. ثروت و مال، امانتی است که خداوند به انسان سپرده است و او باید در راه رضای خدا از آن بهره‌برداری کند.

قرآن کریم در آیه ۷۷ سوره قصص، ضمن بیان اینکه تمام نعمت‌ها از جانب خداوند است، انسان را به تعادل بین زندگی دنیا و آخرت فرامی‌خواند. این آیه به صراحت بیان می‌کند که مال و دارایی، امانتی الهی است و انسان باید آن را در راه کسب رضای الهی و آبادانی آخرت به کار گیرد. همچنین، آیه بر اهمیت نیکی به دیگران و پرهیز از فساد در زمین تأکید می‌کند و انسان را به پیروی از دستورات الهی در استفاده از نعمت‌های دنیوی دعوت می‌نماید.

توزیع ثروت در اسلام

اسلام با تأکید بر برقراری یک نظام اقتصادی عادلانه و کارآمد، به توزیع ثروت اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. این دین چارچوبی را فراهم می‌آورد که در آن هر فرد می‌تواند بر اساس توانایی‌ها و تلاش‌های خود به فعالیت بپردازد و ثروت تولید کند. در این نظام اقتصادی، روابط بین کارفرما و کارمند بر پایه عدالت و همکاری استوار است، و مکانیزم عرضه و تقاضا به‌عنوان نیروی تنظیم‌کننده عمل می‌کند. هدف نهایی این نظام، ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا است که در آن افراد بتوانند به رشد و شکوفایی برسند و از امکانات اقتصادی به‌خوبی بهره‌مند شوند. این رویکرد نه تنها به بهبود کیفیت زندگی افراد کمک می‌کند، بلکه به ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز می‌انجامد.

آیه ۳۲ سوره الزخرف به تقسیم معیشت افراد در زندگی دنیوی اشاره دارد و بیان می‌کند که خداوند روزی و امکانات را بین انسان‌ها تقسیم کرده است. این تقسیم به‌طور طبیعی منجر به ایجاد تفاوت‌هایی در توانایی‌ها و وضعیت اجتماعی افراد می‌شود. برخی افراد در امور اجتماعی و اقتصادی برتری دارند که این برتری می‌تواند ناشی از استعداد، تحصیلات یا تجربه باشد. هدف از این برتری‌ها تسهیل همکاری و تعامل بین افراد است؛ به این معنا که هر فرد می‌تواند از خدمات و توانایی‌های دیگران بهره‌مند شود. این آیه بر اهمیت وابستگی متقابل در جامعه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که افراد باید به‌طور متقابل از یکدیگر حمایت کنند. این مفهوم به ایجاد یک نظام اجتماعی متعادل و هم‌افزا منجر می‌شود که در آن هر فرد نقش خود را ایفا می‌کند. به‌طور کلی، آیه به ما می‌آموزد که تفاوت‌ها در توانایی‌ها و منابع نه تنها طبیعی است، بلکه می‌تواند به نفع جامعه باشد و به ترویج همکاری و هم‌افزایی بین افراد کمک کند.

تأسیس یک سیستم اقتصادی عملی برای تقویت رشد پایدار و تضمین توزیع عادلانه منابع

تأسیس یک سیستم اقتصادی عملی برای تقویت رشد پایدار و تضمین توزیع عادلانه منابع ضروری است. این سیستم باید اصول اقتصادی مختلف را یکپارچه کرده، به شرایط در حال تغییر سازگار شود و نیازهای تمامی ذینفعان را برآورده کند. برای رسیدن به این هدف، نخستین نکته، شمولیت و انصاف است؛ سیستم باید بر شمولیت تأکید کند و اطمینان حاصل کند که تمامی اقشار جامعه به فرصت‌های اقتصادی دسترسی دارند. این شامل ایجاد برنامه‌هایی برای حمایت از جوامع حاشیه‌نشین و ترویج دستمزدهای عادلانه است. دوم، توسعه پایدار باید در اولویت قرار گیرد به‌طوری‌که شیوه‌های اقتصادی با اهداف پایداری همسو شوند، این به معنای پذیرش روش‌های دوستدار محیط‌زیست و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر است. سوم، وجود یک چارچوب نظارتی قوی برای حفظ رقابت عادلانه و حفاظت از مصرف‌کنندگان

ضروری است. این مقررات باید شفاف و سازگار با تغییرات در چشم‌انداز اقتصادی باشند. چهارم، نوآوری و فناوری می‌توانند محرک‌های رشد اقتصادی باشند و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان برای ایجاد یک اقتصاد پویا حیاتی است. پنجم، آموزش و توسعه مهارت‌ها باید مورد تأکید قرار گیرد تا نیروی کار به‌روز و توانمند برای پاسخگویی به نیازهای یک اقتصاد در حال تغییر باشد. ششم، مشارکت اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند به سیاست‌های اقتصادی مؤثرتر و مرتبط‌تر منجر شود. بنابراین؛ همکاری جهانی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی در دنیای متصل امروز ضروری است. با اجرای این مؤلفه‌ها، می‌توان یک سیستم اقتصادی عملی تأسیس کرد که نه تنها رشد را تحریک کند، بلکه انصاف، پایداری و تاب‌آوری را نیز در مواجهه با چالش‌های آینده تضمین نماید.

توانمندسازی افراد برای دریافت حقوق قانونی خود در نظام اسلامی توزیع ثروت

هدف دوم نظام اسلامی در توزیع ثروت، توانمندسازی همه افراد برای دریافت آنچه به‌حق به آنها تعلق دارد، می‌باشد. در این راستا، مفهوم و میزان این حق در اسلام به‌طور قابل توجهی با آنچه در سایر نظام‌های اقتصادی تعریف شده، متفاوت است. در نظام‌های اقتصادی مادی، تنها راه به‌دست آوردن حق ثروت، مشارکت مستقیم در فرآیند تولید است. به عبارتی، تنها کسانی که به‌طور مستقیم در توزیع ثروت سهم دارند، واجد شرایط دریافت سهمی از آن هستند و هیچ فرد دیگری این حق را ندارد. در این نظام، حقی شناخته‌شده برای نیازمندان و کسانی که درخواست کمک می‌کنند، وجود دارد. به‌عنوان مثال، در آیات قرآن آمده است: «در ثروت آنها حقی برای سائلان و نیازمندان وجود دارد.» (آیه ۲۴-۲۵ سوره معارج) در برخی آیات، این حق به‌عنوان حق الهی تبیین شده است. به‌عنوان نمونه، در ارتباط با برداشت محصولات کشاورزی آمده است: «و آنچه را که به حق به او تعلق دارد، در روز برداشت بپردازید.» (آیه ۱۴۲ سوره انعام) این آیات تأکید می‌کنند که مشارکت در فرآیند تولید تنها منبع حق ثروت نیست و فقرا و نیازمندان نیز به اندازه مالکان اصلی ثروت حق دارند. بنابراین، اسلام پیشنهاد می‌کند که ثروت به‌گونه‌ای توزیع شود که تمامی افرادی که در تولید مشارکت داشته‌اند، پاداشی متناسب با سهم خود در تولید ثروت دریافت کنند و همچنین هر فردی که خداوند به او حق ثروت داده، سهم خود را دریافت نماید.

ممانعت از تمرکز ثروت در اسلام

یکی از اهداف اصلی توزیع ثروت در اسلام، جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود و توزیع عادلانه آن در جامعه است. اسلام بر این باور است که منابع اصلی ثروت باید به‌طور گسترده در دسترس همه افراد جامعه قرار گیرد تا شکاف طبقاتی کاهش یابد و عدالت اقتصادی برقرار شود. در این راستا، اسلام مالکیت فردی بر منابع اصلی ثروت مانند معادن، جنگل‌ها، زمین‌های بایر، آب‌های مشترک، و... را محدود کرده و بر استفاده عادلانه همه افراد از این منابع تأکید می‌کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تا این ثروت تنها به ثروتمندان شما محدود نشود.» (سوره حشر، آیه ۷)

از سوی دیگر، اسلام به مالکیت فردی بر ثروتی که از طریق تلاش و کوشش شخصی به دست می‌آید نیز احترام می‌گذارد. به عبارت دیگر، هر فرد حق دارد از ثمره تلاش خود بهره‌مند شود. اما این اصل به معنای اجازه تمرکز بی‌حد و حصر ثروت در دست عده‌ای خاص نیست. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ما معیشت آنها را در زندگی دنیوی بین آنها تقسیم کردیم و در زمینه‌های اجتماعی برخی را بر برخی دیگر برتری دادیم، تا برخی از آنها بتوانند از خدمات دیگران در کار خود بهره‌برداری کنند.» (سوره الزخرف، آیه ۳۲)

حقوق اولیه بر عوامل تولید

در اقتصاد اسلامی، مفهوم مالکیت و توزیع ثروت بر پایه عوامل تولید استوار است. باین‌حال، تعریف این عوامل و سهم هر یک از آنها در تولید ثروت، با نظام‌های اقتصادی مانند سرمایه‌داری تفاوت‌های اساسی دارد. اسلام سه عامل اصلی تولید را برمی‌شمارد:

سرمایه: به ابزار و وسایل تولید اطلاق می‌شود که در فرآیند تولید استفاده می‌شوند و به مصرف می‌رسند یا تغییر شکل می‌دهند. این نوع سرمایه شامل مواردی مانند پول نقد، ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد اولیه است. یکی از ویژگی‌های مهم سرمایه در نظام اقتصادی اسلامی این است که قابلیت اجاره یا کرایه دادن ندارد؛ به عبارت دیگر، این منابع پس از استفاده نمی‌توانند به شکل اولیه خود بازگردند.

در نظام اقتصادی اسلامی، سهم سرمایه در تولید به عنوان سود در نظر گرفته می‌شود، نه به عنوان بهره. این بدان معناست که سرمایه‌گذاران از طریق مشارکت در سود حاصل از تولید، پاداش می‌گیرند و نه از طریق دریافت بهره ثابت بر اساس مبلغ سرمایه‌گذاری‌شان. این رویکرد به ترویج عدالت اقتصادی و جلوگیری از استثمار کمک می‌کند. توزیع عادلانه ثروت نیز از اصول اساسی این نظام است. سرمایه‌گذاران باید از سود واقعی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی بهره‌مند شوند که این امر به ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و اقتصادی سالم منجر می‌شود.

سرمایه به عنوان یکی از عوامل مهم تولید نقش کلیدی در افزایش ظرفیت تولید و بهبود کیفیت کالاها و خدمات دارد. استفاده مؤثر از سرمایه می‌تواند به افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی کمک کند. همچنین، با تمرکز بر سود به جای بهره، نظام اقتصادی اسلامی به ایجاد یک محیط پایدارتر و کمتر آسیب‌پذیر نسبت به نوسانات اقتصادی کمک می‌کند. سرمایه در نظام اقتصادی اسلامی نه تنها به عنوان یک منبع مالی، بلکه به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود که به تلاش برای کاهش فاصله‌های اقتصادی و ارتقای سطح زندگی افراد کمک می‌کند.

زمین: شامل زمین‌های کشاورزی، ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و سایر دارایی‌های فیزیکی است که در تولید استفاده می‌شوند و شکل اصلی خود را حفظ می‌کنند. سهم زمین در تولید به صورت اجاره تعیین می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز زمین این است که در حین استفاده، شکل اصلی خود را حفظ می‌کند و به همین دلیل می‌توان آن را اجاره یا کرایه داد. در نظام اقتصادی اسلامی، سهم زمین در تولید به صورت اجاره تعیین می‌شود. به این معنا که مالکان زمین می‌توانند از طریق اجاره دادن زمین و دارایی‌های خود، درآمدی کسب کنند. این رویکرد نه تنها به مالکان اجازه می‌دهد از دارایی‌های خود بهره‌برداری کنند، بلکه امکان دسترسی دیگران به این منابع را نیز فراهم می‌آورد. استفاده بهینه از زمین و منابع

فصل چهارم: توزیع ثروت در اسلام

فیزیکی می‌تواند به افزایش تولید و بهبود کارایی اقتصادی منجر شود. همچنین، اجازه‌دادن زمین به کشاورزان و تولیدکنندگان، به ترویج فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی کمک می‌کند. زمین به‌عنوان یک عامل کلیدی در نظام اقتصادی اسلامی، نقش مهمی در تأمین معیشت افراد و ایجاد فرصت‌های اقتصادی ایفا می‌کند و به توزیع عادلانه ثروت در جامعه کمک می‌کند.

کار: به تمام تلاش‌های انسانی اطلاق می‌شود که چه به‌صورت فیزیکی، ذهنی یا اجتماعی در فرآیند تولید نقش دارند. این شامل فعالیت‌هایی است که افراد برای ایجاد کالاها و خدمات انجام می‌دهند و به‌طور مستقیم بر کیفیت و مقدار تولید تأثیر می‌گذارد. در نظام اقتصادی اسلامی، سهم کار در تولید به‌صورت دستمزد پرداخت می‌شود. این به این معناست که کارگران و کارکنان بر اساس زحمات و مهارت‌های خود پاداش می‌گیرند. پرداخت عادلانه دستمزد نه‌تنها به تأمین معیشت افراد کمک می‌کند، بلکه انگیزه و رضایت شغلی آنها را نیز افزایش می‌دهد. توجه به کار به‌عنوان یک عامل کلیدی در تولید، به ترویج فرهنگ همکاری و همیاری در جامعه کمک می‌کند. با ارتقاء مهارت‌ها و آموزش‌های مستمر، نیروی کار می‌تواند به بهبود کیفیت تولید و افزایش بهره‌وری کمک کند. کار به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی اسلامی، نقش حیاتی در ایجاد فرصت‌های شغلی و توزیع عادلانه ثروت ایفا می‌کند و به تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه کمک می‌نماید.

ثروت تولید شده حاصل تعامل این سه عامل است و به‌طور کلی به‌صورت سود، اجاره و دستمزد بین آن‌ها تقسیم می‌شود. برای به کارگیری سه عامل تولید (سرمایه، زمین و کار) در یک نظام اقتصادی اسلامی، می‌توان از راهکارهای مختلفی بهره برد. ابتدا، توسعه سرمایه‌گذاری اسلامی از طریق تشویق سرمایه‌گذاران و استفاده از ابزارهای مالی مانند مضاربه و مشارکت، می‌تواند به تأمین مالی پروژه‌ها کمک کند. همچنین، تخصیص عادلانه زمین و تشویق به اجاره و استفاده پایدار از منابع، به مدیریت مؤثر زمین کمک می‌کند. در زمینه نیروی کار، سرمایه‌گذاری در آموزش و مهارت‌آموزی و تضمین حقوق عادلانه برای کارگران از اهمیت بالایی برخوردار است. ترویج فرهنگ همکاری و حمایت از پروژه‌های جمعی نیز می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. در نهایت، استفاده از فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه می‌تواند کارایی و بهره‌وری را افزایش دهد. با اجرای این راهکارها، سه عامل تولید به‌طور مؤثر در یک نظام اقتصادی اسلامی به کار گرفته می‌شوند و به سمت توسعه پایدار و عادلانه حرکت می‌شود.

مخاطبان ثانویه توزیع ثروت در اسلام

اگرچه انسان به‌عنوان تلاشگر حق بهره‌مندی از ثروت تولیدشده را دارد، این حق مطلق نیست و به اراده الهی و حدود شرعی محدود می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلامی، علاوه بر مالک اولیه ثروت، گروهی از افراد واجد شرایط هستند که از نظر شرعی حق دریافت سهمی از ثروت را دارند. این گروه را می‌توان به‌عنوان مخاطبان ثانویه توزیع ثروت نامید. مخاطبان ثانویه توزیع ثروت شامل فقرا و نیازمندان است، افرادی که به دلیل فقر، بیماری، ناتوانی یا سایر عوامل توانایی تأمین نیازهای اولیه خود را ندارند. همچنین، محسنین نیز در این دسته قرار می‌گیرند؛ افرادی که به دلایل مختلف

نیازمند کمک مالی هستند، مانند مسافران و طلاب. از دیگر مخاطبان ثانویه می‌توان به بیت‌المال اشاره کرد که مجموعه‌ای از اموال عمومی است و برای تأمین هزینه‌های جامعه اسلامی و کمک به نیازمندان اختصاص می‌یابد. خویشاوندان نیز جزو مخاطبان ثانویه هستند، به‌ویژه اقوام نزدیک که در شرایط سخت اقتصادی قرار دارند و نیاز به حمایت مالی دارند. در گذشته، آزاد کردن بردگان یکی از راه‌های مهم انفاق و توزیع ثروت به شمار می‌آمد. همچنین، ساخت و تعمیر مساجد و اماکن مذهبی از جمله مصارف مهم ثروت به حساب می‌آید. به این ترتیب، توزیع ثروت در اسلام به‌گونه‌ای طراحی شده است که علاوه بر صاحبان اصلی ثروت، به نیازمندان و گروه‌های مختلف جامعه نیز توجه شده و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

زکات: ستون دین و ابزار رفع فقر

زکات یکی از مهم‌ترین فرائض دینی در اسلام و از ارکان اصلی نظام اقتصادی اسلامی است. قرآن کریم در آیات متعدد به اهمیت پرداخت زکات و ارتباط تنگاتنگ آن با نماز تأکید کرده است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر فرد مسلمان که مال او به حد نصاب شرعی برسد، مکلف است سهم مشخصی از آن را به‌عنوان زکات پرداخت کند. پرداخت زکات علاوه بر جنبه عبادی، آثار اقتصادی و اجتماعی مهمی نیز دارد. اولاً، زکات با انتقال بخشی از ثروت از ثروتمندان به فقرا و نیازمندان، به کاهش شکاف طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت کمک می‌کند. همچنین، پرداخت زکات باعث طهارت روح و مال انسان شده و برکات فراوانی را برای فرد زکات‌دهنده به همراه دارد. از سوی دیگر، با مصرف زکات در جامعه، چرخه اقتصادی پویاتر شده و به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌شود. همچنین، پرداخت زکات احساس همبستگی و تعاون اجتماعی را تقویت کرده و به ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا کمک می‌کند.

آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه به وضوح بیان می‌کند که انباشت ثروت بدون پرداخت زکات عواقب وخیمی در پی خواهد داشت. به‌عنوان مثال، اگر فرض کنیم که در سال ۱۹۶۵، درآمد ملی پاکستان ۱۵,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ روپیه بوده و حداقل نرخ زکات ۲.۵ درصد در نظر گرفته شود، حداقل ۳۰۲,۵۰۰,۰۰۰ روپیه می‌توانست سالانه به نیازمندان تخصیص یابد. این رقم نشان می‌دهد که با اجرای صحیح نظام زکات، چه حجم عظیمی از ثروت می‌تواند به دست نیازمندان رسیده و به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها کمک کند. در نتیجه، زکات تنها یک فریضه دینی نیست، بلکه یک ابزار اقتصادی و اجتماعی قدرتمند است که می‌تواند به کاهش فقر، توزیع عادلانه ثروت و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا کمک کند. با پرداخت زکات، مسلمانان نه‌تنها به وظیفه دینی خود عمل می‌کنند، بلکه به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز کمک شایانی می‌کنند.

عشری

عشری در واقع نوعی زکات است که بر تولیدات کشاورزی واجب می‌شود. با این حال، از آنجایی که کار انسانی به‌طور نسبی در این نوع تولید کمتر دخیل است، نرخ این مالیات ۱۰٪ یا گاهی ۲۰٪ است، در مقایسه با ۲.۵٪ زکات. این وظیفه

فصل چهارم: توزیع ثروت در اسلام

به طور خاص بر تولیدات زمین‌هایی که طبق اصول فقهی در دسته خاصی از زمین‌های عشری قرار می‌گیرند، اعمال می‌شود. عشری به همان مصارفی صرف می‌شود که زکات هزینه می‌شود.

تفاوت‌های اصلی بین عشری و زکات به چندین جنبه مهم بستگی دارد. زکات بر روی دارایی‌های مالی مانند پول، طلا و کالاهای تجاری اعمال می‌شود و نرخ آن معمولاً ۲.۵٪ است، در حالی که عشری مختص تولیدات کشاورزی است و نرخ آن معمولاً ۱۰٪ یا ۲۰٪ از محصولات زراعی و دامی می‌باشد. زکات بر تمام مسلمانان واجب است که دارایی‌هایشان به حد نصاب برسد، اما عشری تنها بر تولیدات زمین‌های خاصی اعمال می‌شود که به عنوان زمین‌های عشری شناخته می‌شوند. هر دو نوع زکات و عشری به نیازمندان کمک می‌کنند، اما عشری معمولاً برای کمک به کشاورزان و توسعه کشاورزی استفاده می‌شود. همچنین، زکات به طور سالانه محاسبه می‌شود، در حالی که عشری بر اساس محصولات زراعی هر فصل یا سال تعیین می‌گردد. این تفاوت‌ها نقش‌های خاص هر یک را در نظام اقتصادی اسلامی و تأثیرگذاری آنها بر جامعه نشان می‌دهد.

کفاره

اسلام یک روش معمول دیگر برای کمک به افراد نیازمند در جامعه پیشنهاد کرده است که به آن «کفاره» (پول جبران) می‌گویند. اگر کسی در ماه رمضان بدون دلیل موجه روزه‌اش را بشکند، به طور ناگهانی مسلمانی را به قتل برساند، با همسرش به گونه‌ای رفتار کند که در روابط ممنوعه قرار گیرد (که به معنای نذر برای عدم برقراری رابطه زناشویی با اوست) یا پس از دادن یک وعده، آن را بشکند، به او توصیه شده که بخشی از ثروتش را به فقرا و نیازمندان اختصاص دهد (این کار گاهی اوقات الزامی و در مواردی دیگر اختیاری است). این کمک می‌تواند به صورت پول، غذا یا لباس ارائه شود. البته کفاره در شرایط خاص دیگری نیز واجب می‌شود، از جمله غیبت عمدی در نماز جماعت، شکستن قسم و ارتکاب به گناهان بزرگ که تأثیر زیادی بر جامعه دارند. این موارد ممکن است بسته به فقه و مراجع مختلف متفاوت باشد، بنابراین همیشه بهتر است به منابع معتبر مراجعه شود.

صدقات فطر

صدقه فطر، واجبی است که بر هر مسلمانی بالغ و مختار که دارای مازاد بر نیاز خود و خانواده‌اش باشد، در آستانه عید فطر فرض شده است. مقدار آن معادل قیمت یک صاع از غلات رایج در محل است و باید به فقرا، مساکین، مومنین، آزاد کردن بردگان، بدهکاران و در راه خدا پرداخت شود. هدف از صدقه فطر، پاکسازی روح و جسم روزه‌دار از آلودگی‌های احتمالی در ماه رمضان و ایجاد شادی و نشاط در میان نیازمندان است.

نفقه

نفقه، به معنای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی برای فرد یا افرادی است که به دلیل قرابت نسبی یا سببی یا عهد و پیمان، حق دریافت آن را دارند. نفقه بر عهده افراد مکلفی است که توانایی تأمین آن را داشته باشند. افراد واجب النفقه عبارتند از: همسر، فرزندان، پدر و مادر، جد و جده و سایر افرادی که شرعاً نفقه آنها بر عهده دیگری باشد. نفقه شامل هزینه‌های خورد و خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و سایر نیازهای ضروری زندگی است.

وراثت

وراثت در اسلام، انتقال مالکیت اموال متوفی به ورثه او بر اساس ضوابط شرعی است. قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) احکام و قوانین دقیقی را در خصوص ارث بیان کرده‌اند. از جمله ویژگی‌های بارز نظام وراثت اسلامی، توجه به حقوق زنان و همچنین توزیع عادلانه اموال بین ورثه است. در این نظام، سهم هر وارث بر اساس نسب و درجه قرابت با متوفی تعیین می‌شود. وراثت در اسلام، انتقال مالکیت اموال متوفی به ورثه او بر اساس ضوابط شرعی است. قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) احکام و قوانین دقیقی را در خصوص ارث بیان کرده‌اند. از جمله ویژگی‌های بارز نظام وراثت اسلامی، توجه به حقوق زنان و همچنین توزیع عادلانه اموال بین ورثه است. در این نظام، سهم هر وارث بر اساس نسب و درجه قرابت با متوفی تعیین می‌شود.

خراج و جزیه

علاوه بر تعاریف مالیاتی که پیش‌تر ذکر شد، دو نوع مالیات دیگر در نظام مالی اسلامی وجود دارد: خراج و جزیه. خراج: خراج مالیاتی است که بر اراضی فتح شده و تحت تملک دولت اسلامی درمی‌آید، وضع می‌شود. این مالیات بر اساس میزان محصول و حاصلخیزی زمین تعیین می‌شود و در واقع نوعی مالیات بر درآمد کشاورزی محسوب می‌شود. درآمد حاصل از خراج صرف هزینه‌های عمومی دولت، عمران و آبادانی، و حمایت از نیازمندان جامعه می‌شود. جزیه: جزیه مالیاتی است که از غیرمسلمانان اهل ذمه (یعنی کسانی که تحت حمایت دولت اسلامی زندگی می‌کنند و به دین خود پایبند هستند) دریافت می‌شود. پرداخت جزیه در مقابل تضمین امنیت جان، مال و آزادی دین اهل ذمه از سوی دولت اسلامی است. جزیه به طور معمول به صورت سرانه و بر اساس توان مالی افراد تعیین می‌شد و صرف هزینه‌های عمومی دولت و حمایت از جامعه اسلامی می‌گردید.

اهمیت انفاق در اسلام

آیه قرآنی «وَسَلُّوْكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ قُلِ الْعَافِيَةُ قُلِ اللّٰهُ يَنْفِقُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ» (بقره/۲۱۹) به وضوح اهمیت انفاق و بخشش را در اسلام بیان می‌کند. این آیه به مسلمانان می‌آموزد که هر آنچه را که خداوند به آنان عطا کرده است، باید در راه خدا

انفاق کنند و خود را به حداقل واجبات محدود نکنند. انفاق در راه خدا علاوه بر پاداش اخروی، آثار مثبت بسیاری در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و به تقویت روحیه ایثار و همدلی در جامعه کمک می‌کند.

برای تقویت فرهنگ انفاق در جامعه، می‌توان اقدامات زیر را به‌صورت جامع و هدفمند پیگیری نمود: ارتقای آگاهی عمومی از طریق آموزش‌های تخصصی و استفاده از رسانه‌های نوین، ترویج فرهنگ مشارکت و هم‌افزایی با ایجاد شبکه‌های همیاری و تقدیر از خیرین، نهادینه‌سازی انفاق در ساختارهای اجتماعی از طریق گنجاندن آن در برنامه‌های درسی و حمایت از نهادهای خیریه، و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت رسانه‌ها برای تولید محتوای جذاب و تبلیغات هدفمند. با اجرای این راهکارها و با تکیه بر ظرفیت‌های موجود در جامعه، می‌توان فرهنگ انفاق را نهادینه کرد و به ایجاد جامعه‌ای همدل و با همیاری دست یافت.

مدیریت پدیده تکدی‌گری و ارتقای عدالت اجتماعی

اقدامات حمایتی از افشار آسیب‌پذیر جامعه اگرچه امری ضروری است، اما در صورت عدم مدیریت صحیح ممکن است به پدید آمدن پدیده تکدی‌گری به‌عنوان یک شغل و بار دائمی بر دوش جامعه منجر شود. برای جلوگیری از این امر، اسلام ضمن تأکید بر لزوم حمایت از نیازمندان، قوانین و ضوابطی را برای جلوگیری از سوءاستفاده از این نظام حمایتی وضع کرده است:

- محدودیت تکدی‌گری برای افراد توانا: بر اساس آموزه‌های اسلامی، تکدی‌گری تنها برای افرادی که به دلیل بیماری، ناتوانی، یا شرایط خاص اجتماعی قادر به کار نیستند، مجاز است. آیه شریفه «وَلَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلَّا قَلِيلًا» (بقره/۲۷۳) به این نکته مهم اشاره دارد که افراد نیازمند باید از درخواست مکرر از مردم پرهیز کنند.
- منع تکدی‌گری برای افراد توانمند به کار: فردی که قادر به انجام کار و کسب درآمد است، نمی‌تواند به‌عنوان شغل اصلی خود به تکدی‌گری روی آورد.
- نگرش اسلامی به تکدی‌گری: در روایات اسلامی، تکدی‌گری به‌عنوان یک عمل ناپسند و شرم‌آور محکوم شده است و بر اهمیت کار و تلاش برای تأمین معاش تأکید شده است.

برای مقابله مؤثر با پدیده تکدی‌گری و ارتقای کیفیت زندگی افراد نیازمند، ضروری است رویکردی جامع و چندجانبه اتخاذ شود. این رویکرد شامل شناسایی دقیق متکدیان بر اساس دلایل روی آوردن به تکدی‌گری و ارائه خدمات حمایتی هدفمند متناسب با نیازهای هر گروه، تقویت نهادهای خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد برای ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی، آگاه‌سازی عمومی در خصوص علل و پیامدهای تکدی‌گری و تشویق مردم به حمایت از نهادهای خیریه، و در نهایت، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و غیردولتی برای ارائه خدمات یکپارچه به نیازمندان است. با اجرای این راهکارها می‌توان به کاهش پدیده تکدی‌گری، بهبود وضعیت معیشتی افراد نیازمند و ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر کمک کرد.

ممنوعیت ربا و تأثیر آن بر توزیع ثروت

همان‌طور که در بحث بالا نشان داده شد، یکی از تفاوت‌های بنیادی بین سیستم‌های اسلامی و سرمایه‌داری در نحوه توزیع ثروت این است که سیستم سرمایه‌داری اجازه ربا را می‌دهد درحالی‌که سیستم اسلامی آن را ممنوع می‌کند. حال که این موضوع روشن شد، مناسب است که به عنصر دیگری از این مسئله نگاهی بیندازیم: ممنوعیت ربا چه تأثیری دارد؟

در واقع، ممنوعیت ربا تأثیرات مثبت و قابل توجهی بر خود سیستم تولید ثروت دارد. اما بحث در این مورد ما را فراتر از موضوع این نوشته خواهد برد. بنابراین، به طور خلاصه به پیامدهای احکام اسلامی بر سیستم توزیع ثروت اشاره خواهیم کرد. توزیع ثروت به دلیل ممنوعیت ربا متعادل و یکسان است. سود یک طرف (سرمایه) باید تحت همه شرایط به شکل مشخصی تضمین شود تا اقتصاد مبتنی بر ربا عمل کند، اما سود طرف دیگر نباید چنین باشد. به‌عنوان مثال، کار همچنان در ابهام است. با وجود افزایش سودآوری‌شان، سازمان‌های بزرگ تجاری همیشه در معرض خطر هستند. در واقع، درحالی‌که "خطرات" شرکت‌های بزرگ به دلیل در دسترس بودن ابزارهای تولید لازم کاهش یافته، به طور همزمان به دلیل برخی عوامل خارجی افزایش یافته است. این خطرات با بزرگ‌تر شدن شرکت افزایش می‌یابند. در نتیجه، توزیع ثروت در سیستم سرمایه‌داری به شدت نامتعادل می‌شود. درحالی‌که طلبکار همچنان ثروت انباشت می‌کند، بدهکار گاهی اوقات مجبور به تحمل خسارات عظیم است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذار ممکن است تنها بخش ناچیزی از سود کلان کارآفرین را دریافت کند.

ممنوعیت ربا در اسلام و تأثیر آن

در روزهای اولیه اسلام، اعتراضی که افراد تربیت‌شده در سنت‌های پیش از اسلام به ممنوعیت ربا مطرح می‌کردند، این بود که "تجارت دقیقاً مانند ربا است." در پاسخ به این استدلال، قرآن کریم به وضوح می‌فرماید: "و خدا تجارت را مجاز داشته و ربا را ممنوع کرده است." ممنوعیت ربا در اسلام بهترین راه حل برای این مسئله به شمار می‌آید، زیرا این ممنوعیت به طور کامل بسیاری از مشکلات مرتبط با اقتصاد سرمایه‌داری را از بین می‌برد و نیاز به سیستم اقتصادی دیکتاتوری و غیرطبیعی سوسیالیستی را برطرف می‌کند. تنها با اتخاذ این مسیر میانه، جهان مدرن می‌تواند از دو افراط‌رهایی یابد و به سوی یک ساختار اقتصادی عادلانه و متوازن هدایت شود.

لوئیس ماسینیون، شرق‌شناس فرانسوی، در این زمینه نکته‌ای بسیار مهم بیان کرده است: "در درگیری بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، تنها فرهنگی می‌تواند آینده‌ای امن و روشن داشته باشد که نه تنها ربا را ممنوع کند، بلکه مردم را نیز به رعایت این ممنوعیت وادار سازد." این نکته نشان می‌دهد که پایبندی به اصول اسلامی نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار منجر شود.

پیاده‌سازی اصول اسلامی در نظام‌های اقتصادی مدرن نیازمند رویکردی چندجانبه است. این کار می‌تواند از طریق توسعه نظام مالی اسلامی، شامل بانکداری و محصولات مالی مبتنی بر شریعت، و ترویج اخلاق اقتصادی با آموزش اصول اسلامی و تشویق به پرداخت زکات و صدقه صورت گیرد. همچنین، ایجاد سیستم‌های تنظیمی با نظارت دولت و وضع قوانین مربوط به فعالیت‌های اقتصادی ضروری است. توسعه اقتصاد اجتماعی از طریق تشکیل تعاونی‌ها و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک، به همراه استفاده از فناوری‌های نوین مانند فین‌تک اسلامی و پلتفرم‌های آنلاین، می‌تواند به تسهیل مبادلات اقتصادی کمک کند. در نهایت، توجه به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت، به‌ویژه از طریق برنامه‌های حمایتی برای اقشار ضعیف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این رویکرد، می‌توان به سمت اقتصادی عادلانه‌تر و پایدارتر حرکت کرد که منافع اجتماعی و اخلاقی را در نظر بگیرد.

نتیجه‌گیری

اسلام با وضع قوانین و مقرراتی جامع، به دنبال ایجاد نظم پایدار و عادلانه در حوزه اقتصاد و توزیع ثروت است. ممنوعیت ربا یکی از مهم‌ترین این قوانین است که باهدف جلوگیری از تمرکز ثروت در دست عده‌ای محدود و ایجاد نابرابری‌های اقتصادی وضع شده است. ربا به‌عنوان یک ابزار مالی، نه‌تنها منجر به افزایش فاصله طبقاتی می‌شود، بلکه به دلیل ایجاد انگیزه کمتر برای کار و تولید، رشد اقتصادی را نیز کند می‌کند.

با ممنوعیت ربا، نظام اقتصادی به سمت تولید ثروت واقعی و پایدار سوق داده می‌شود. در چنین سیستمی، سرمایه به‌جای آنکه به‌صورت راکد در بانک‌ها انباشته شود، به سمت فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری‌های سودآور هدایت می‌شود. همچنین، با حذف ربا، هزینه‌های تولید کاهش یافته و کالاها و خدمات با قیمت مناسب‌تری در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. البته، اجرای کامل ممنوعیت ربا نیازمند ایجاد زیرساخت‌های مالی مناسب و توسعه ابزارهای مالی جایگزین است. همچنین، فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی در مورد مضرات ربا و فواید اقتصاد اسلامی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی

مقدمه

حکمرانی اسلامی، نظامی است که بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) شکل گرفته و در آن تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این نظام، اصول حاکم بر معاملات و دادوستدها است. در این نظام، معاملات صرفاً یک عمل اقتصادی نیست، بلکه ابعاد اخلاقی، اجتماعی و حتی عبادی نیز دارد.

حکمرانی اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی، عدالت و پایداری، به دنبال ایجاد اقتصادی است که در آن ثروت به طور عادلانه توزیع شود، تولید داخلی تقویت شود، و از انحصار و رباخواری جلوگیری گردد. دولت در این نظام نقش محوری ایفا کرده و با تنظیم بازار، حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، و ایجاد قوانین شفاف، زمینه را برای انجام معاملات سالم و پایدار فراهم می‌کند. هدف نهایی این نظام، ایجاد جامعه‌ای است که در آن همه افراد بتوانند از نعمت‌های زندگی برخوردار شوند و اقتصاد به گونه‌ای مدیریت شود که هم به نیازهای نسل حاضر و هم به نیازهای نسل‌های آینده پاسخگو باشد. در این راستا، اصول اخلاقی همچون عدالت، صداقت و امانتداری در تمامی معاملات و تعاملات اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد و با ممنوعیت‌هایی همچون ربا، غرر و خیانت، از بروز هرگونه بی‌عدالتی و فساد اقتصادی جلوگیری می‌شود. در واقع، حکمرانی اسلامی و اصول معاملات اسلامی دو روی یک سکه هستند و هر دو به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه، پویا و سعادتمند هستند.

حکمرانی سازمانی

حکمرانی سازمانی، مجموعه‌ای از ساختارها، فرایندها و روابط است که بر اساس آن یک سازمان هدایت و کنترل می‌شود. این سیستم، تعیین‌کننده چگونگی توزیع قدرت، مسئولیت و تصمیم‌گیری در بین سهامداران، هیئت مدیره و مدیران اجرایی است. حکمرانی سازمانی، با تأکید بر شفافیت، پاسخگویی و عدالت، به دنبال ایجاد تعادل بین منافع مختلف ذینفعان شرکت و تضمین عملکرد پایدار و مسئولانه سازمان است. این سیستم، با تعریف قوانین، رویه‌ها و مکانیزم‌های نظارتی، به بهبود عملکرد شرکت، کاهش ریسک‌ها و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران کمک می‌کند.

معاملات اسلامی

معاملات اسلامی، مجموعه‌ای از قراردادها و توافقات مالی است که بر اساس اصول و ارزش‌های شریعت اسلامی تنظیم شده‌اند. این معاملات باهدف ایجاد اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر اخلاق انجام می‌شوند و از هرگونه ربا، قمار، غرر (عدم قطعیت) و سایر معاملات نامشروع منع شده‌اند. در معاملات اسلامی، مفاهیمی همچون عدالت، شفافیت،

امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و تمامی طرفین معامله باید به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. انواع مختلفی از معاملات اسلامی مانند مرابحه، مضاربه، مشارکت و اجاره به شرط تملیک وجود دارد که هر یک ویژگی‌ها و کاربردهای خاص خود را دارند. این معاملات در حوزه‌های مختلفی از جمله بانکداری، بیمه، سرمایه‌گذاری و تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

انواع معاملات اسلامی: رویکردی جامع

معاملات اسلامی، بر پایه اصول و ارزش‌های شریعت اسلامی، چارچوبی اخلاقی و قانونی برای دادوستدهای مالی فراهم می‌آورد. این معاملات باهدف ایجاد اقتصادی عادلانه، پایدار و مبتنی بر شفافیت طراحی شده‌اند و از هرگونه ربا، قمار و عدم قطعیت که در تعارض با آموزه‌های اسلامی است، پرهیز می‌کنند. مهم‌ترین انواع معاملات اسلامی عبارتند از:

مرابحه

این نوع معامله، یکی از رایج‌ترین و ساده‌ترین انواع معاملات اسلامی است. در مرابحه، فروشنده کالایی را با ذکر قیمت تمام‌شده (هزینه خرید کالا به علاوه سود فروشنده) به خریدار عرضه می‌کند. خریدار نیز با اطلاع از قیمت واقعی کالا، تصمیم به خرید می‌گیرد. این نوع معامله به دلیل شفافیت و سادگی آن، در بسیاری از معاملات روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرابحه در مقایسه با سایر انواع معاملات اسلامی، به دلیل شفافیت و سادگی‌اش، مزایای خاصی دارد؛ زیرا قیمت تمام‌شده و سود مشخص است و ریسک کمتری برای خریدار ایجاد می‌کند. این نوع معامله به اصول اسلامی پایبند است و ربا را نادیده می‌گیرد، درحالی‌که در معاملات دیگری مانند مضاربه و شرکت، سهم سود نامشخص و ریسک بالاتر وجود دارد. مرابحه عمده‌تاً برای کالاهای مشخص و خدمات مالی کاربرد دارد و فرایند آن نسبت به معاملات پیچیده‌تری مانند سند ساده‌تر است که این ویژگی‌ها موجب محبوبیت آن در معاملات روزمره می‌شود.

برای کاهش ریسک‌های مرابحه، می‌توان به تحقیق و بررسی دقیق درباره کالا و بازار، تنظیم قرارداد شفاف شامل جزئیات قیمت و شرایط پرداخت، مشاوره با کارشناسان مالی، تنوع در خرید کالاها، بررسی اعتبار فروشنده، استفاده از شرایط پرداخت انعطاف‌پذیر و بررسی امکان فروش مجدد کالا در بازار ثانویه توجه کرد. این راهکارها به خریداران کمک می‌کند تا ریسک‌های مرتبط با مرابحه را به طور قابل توجهی کاهش دهند.

در تنظیم قرارداد مرابحه، باید به نکات مهمی توجه کرد؛ از جمله تعیین قیمت تمام‌شده شامل هزینه خرید و سود فروشنده، شرح دقیق کالا از نظر نوع و کیفیت، شرایط پرداخت شامل روش‌ها و زمان‌بندی، تاریخ تحویل کالا، حقوق و مسئولیت‌های هر دو طرف، شرایط فسخ قرارداد، مسئولیت‌های نگهداری کالا تا زمان تحویل، روش‌های حل اختلاف در صورت بروز مشکل، و همچنین امضای هر دو طرف و تاریخ قرارداد برای اعتبار قانونی. رعایت این نکات به افزایش شفافیت و امنیت قرارداد کمک می‌کند.

مضاربه

در این نوع معامله، یک نفر (مالک سرمایه) سرمایه خود را در اختیار دیگری (عامل) قرار می‌دهد تا با آن تجارت کند. سود حاصل از این تجارت، بین مالک سرمایه و عامل بر اساس توافق قبلی تقسیم می‌شود. مضاربه، نوعی مشارکت در سود و زیان است که در آن عامل ریسک معامله را نیز بر عهده می‌گیرد. مضاربه یک نوع شراکت بین دو طرف است که در آن یک طرف به نام "رب المال" شناخته می‌شود و سرمایه را تأمین می‌کند، درحالی‌که طرف دیگر به نام "مضارب" شناخته می‌شود و تخصص و بهترین برنامه‌ها را برای مدیریت سرمایه یا سرمایه‌گذاری که می‌تواند سود بلندمدت برای هر دو طرف به ارمغان آورد، ارائه می‌دهد. به طور مثال، فردی دارای ۱۰۰,۰۰۰ دلار سرمایه‌گذاری است اما تخصص لازم برای مدیریت کسب‌وکار خود را ندارد. بنابراین، او با فردی که دارای تخصص است، قرارداد می‌بندد و هر دو بر سر تقسیم سود به نسبت ۷۰ به ۳۰ توافق می‌کنند. به این ترتیب، اگر کسب‌وکار ۱۰,۰۰۰ دلار سود کند، رب المال ۷,۰۰۰ دلار و مضارب ۳,۰۰۰ دلار سود خواهد داشت.

ویژگی‌های کلیدی مضاربه

- تقسیم سود: سود حاصل از فعالیت اقتصادی بر اساس نسبت‌های توافق‌شده بین طرفین تقسیم می‌شود. این نسبت معمولاً در قرارداد مشخص شده و می‌تواند بر اساس سهم هر یک از طرفین در سرمایه یا میزان مشارکت در فعالیت تعیین شود.
- تقسیم ریسک: ریسک‌های مرتبط با فعالیت اقتصادی بین طرفین تقسیم می‌شود. رب‌المال ریسک از دست دادن سرمایه و مضارب ریسک ناشی از مدیریت کسب‌وکار را بر عهده می‌گیرد.
- تخصص‌گرایی: مضارب با استفاده از تخصص و دانش خود در زمینه مدیریت کسب‌وکار، به افزایش بهره‌وری و سودآوری فعالیت کمک می‌کند.
- انعطاف‌پذیری: مضاربه یک قرارداد منعطف است که می‌تواند برای انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.
- توجه به شرع: در برخی سیستم‌های حقوقی، مضاربه دارای مبانی شرعی است و شرایط خاصی برای انعقاد و اجرای آن تعیین شده است.

مشارکت

مشارکه نوعی قرارداد مشارکت مالی است که در آن تمامی شرکا سرمایه خود را به صورت مشترک در یک کسب‌وکار یا پروژه سرمایه‌گذاری می‌کنند. ویژگی اصلی این نوع مشارکت، تقسیم سود و زیان به نسبت مستقیم سهم هر شریک در سرمایه اولیه است.

ویژگی‌های کلیدی مشارکت

- سرمایه مشترک: همه شرکا موظف هستند سهمی از سرمایه اولیه را تأمین کنند.
- تقسیم سود و زیان متناسب: سود و زیانی که از فعالیت کسب‌وکار حاصل می‌شود، به نسبت دقیق سهم هر شریک در سرمایه اولیه تقسیم می‌شود.
- مسئولیت مشترک: همه شرکا در قبال موفقیت و شکست کسب‌وکار مسئول هستند.
- مدیریت مشترک: معمولاً تصمیم‌گیری‌ها در مورد کسب‌وکار به صورت مشترک بین همه شرکا اتخاذ می‌شود.

مثال:

فرض کنید دو نفر به نام‌های علی و حسن تصمیم به ایجاد یک کسب‌وکار مشترک با استفاده از قرارداد مشارکت می‌گیرند. علی مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ دلار و حسن مبلغ ۵۰,۰۰۰ دلار به عنوان سرمایه اولیه به کسب‌وکار وارد می‌کنند. بنابراین، نسبت سهم علی به حسن در سرمایه ۲ به ۱ خواهد بود. اگر کسب‌وکار در سال اول ۵۰,۰۰۰ دلار سود کسب کند، سود به نسبت ۲ به ۱ بین علی و حسن تقسیم می‌شود. به این ترتیب، علی ۳۳,۳۳۳ دلار و حسن ۱۶,۶۶۷ دلار از سود را دریافت خواهند کرد. اگر کسب‌وکار در سال اول ۵۰,۰۰۰ دلار زیان متحمل شود، زیان نیز به نسبت ۲ به ۱ بین علی و حسن تقسیم می‌شود. در این صورت، علی باید ۳۳,۳۳۳ دلار و حسن باید ۱۶,۶۶۷ دلار از زیان را تقبل کنند.

مزایای مشارکت

- تقسیم ریسک: ریسک سرمایه‌گذاری بین همه شرکا تقسیم می‌شود.
- افزایش سرمایه: با مشارکت چندین نفر، سرمایه بیشتری برای راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار جمع‌آوری می‌شود.
- تبادل دانش و تجربه: شرکا می‌توانند دانش، مهارت و تجربه خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند.
- افزایش انگیزه: سهم هر شریک در سود، انگیزه‌ای قوی برای تلاش بیشتر برای موفقیت کسب‌وکار ایجاد می‌کند.

محدودیت‌های مشارکت

- تصمیم‌گیری‌های پیچیده: در تصمیم‌گیری‌های مهم ممکن است اختلاف نظر بین شرکا ایجاد شود.
- مسئولیت نامحدود: در برخی از انواع مشارکت، شرکا مسئولیت نامحدودی در قبال بدهی‌های کسب‌وکار دارند.
- انحلال مشارکت: در صورت بروز اختلافات جدی بین شرکا، ممکن است مشارکت منحل شود.

سلام

نوعی قرارداد خرید و فروش پیش‌پرداخت است که در آن خریدار، قبل از تحویل کالا، تمام یا بخشی از قیمت آن را به فروشنده پرداخت می‌کند. به‌عنوان مثال، یک کشاورز برای تأمین هزینه‌های کاشت و برداشت محصول خود نیاز به پول دارد. از سوی دیگر، یک عمده‌فروش تمایل دارد تا محصول موردنیاز خود را از قبل خریداری کند. در چنین شرایطی، کشاورز و عمده‌فروش با عقد قرارداد سلام، شرایط فروش را مشخص می‌کنند. این شرایط شامل مواردی مانند زمان تحویل، مکان تحویل، مقدار محصول، کیفیت محصول و نوع محصول است. عمده‌فروش مبلغ توافق شده را به‌عنوان پیش‌پرداخت به کشاورز پرداخت می‌کند و کشاورز نیز موظف است در زمان مقرر، محصول را با کیفیت و مقدار مشخص به عمده‌فروش تحویل دهد.

استصناع (Istisnaa)

استصناع نوعی قرارداد است که بین یک خریدار و یک تولیدکننده منعقد می‌شود. در این قرارداد، خریدار از تولیدکننده می‌خواهد تا محصول خاصی را با قیمت تعیین شده و در زمان مشخصی تولید و تحویل دهد. به‌عنوان مثال، یک شرکت ساختمانی ممکن است قراردادی برای ساخت یک ملک مسکونی دریافت کند، اما بودجه کافی برای اجرای پروژه را نداشته باشد. در این صورت، می‌تواند با استفاده از قرارداد استصناع، از یک مؤسسه مالی برای تأمین بودجه موردنیاز استفاده کند. قرارداد استصناع باید شامل تمام جزئیات ضروری مانند اندازه ملک و مصالح مورد استفاده باشد. بانک هزینه‌های پروژه را تأمین می‌کند و پس از تکمیل پروژه، شرکت ساختمانی باید مبلغ وام را به همراه سود آن به بانک بازپرداخت کند. بازپرداخت می‌تواند به صورت اقساط ماهانه انجام شود. برای مثال یک شرکت خودروسازی کوچک قراردادی با یک مشتری منعقد می‌کند تا یک خودرو سفارشی را تولید کند. مشتری پیش‌پرداخت می‌دهد و شرکت خودروسازی متعهد می‌شود که خودرو را در تاریخ مشخصی تحویل دهد.

صکوک (Sukuk)

صکوک نوعی اوراق بهادار اسلامی است که نشان‌دهنده مالکیت در یک دارایی خاص یا پروژه مشخص است. به‌عنوان مثال، یک دولت ممکن است برای توسعه زیرساخت‌هایی مانند فرودگاه نیاز به جمع‌آوری بودجه داشته باشد. در این صورت، می‌تواند صکوک منتشر کند تا سرمایه‌گذاران را جذب کند. سرمایه‌گذاران با خرید صکوک، مالک درآمد حاصل از اجاره دارایی زیرساختی می‌شوند. دولت از طریق فروش صکوک، بودجه موردنیاز خود را تأمین می‌کند و سرمایه‌گذاران نیز درآمد دوره‌های مشخصی را دریافت می‌کنند. برای مثال یک شرکت توسعه املاک تصمیم می‌گیرد تا یک مجتمع مسکونی بزرگ بسازد. برای تأمین مالی این پروژه، صکوک منتشر می‌کند. سرمایه‌گذاران با خرید صکوک، مالک بخشی از درآمد حاصل از اجاره آپارتمان‌های این مجتمع می‌شوند.

تکافل (Takaful)

تکافل مفهومی اسلامی در زمینه بیمه است که بر اساس همکاری متقابل، همبستگی و مسئولیت مشترک بین شرکت کنندگان آن بنا شده است. تکافل ربا، قمار و عدم اطمینان را ممنوع می‌داند. به عنوان مثال، یک گروه از افراد ممکن است به منظور تأمین پوشش بیمه مشترک برای خسارات تصادفی خودروهای خود، یک طرح تکافل تشکیل دهند. هر یک از شرکت کنندگان، مبلغ مشخصی را به یک صندوق مشترک پرداخت می‌کنند. سپس، از این صندوق برای پرداخت هرگونه خسارت تصادفی که ممکن است در گروه رخ دهد، استفاده می‌شود. برای مثال یک گروه از کارمندان یک شرکت تصمیم می‌گیرند یک طرح تکافل برای بیمه عمر خود تشکیل دهند. هر ماه مبلغ مشخصی را به صندوق مشترک پرداخت می‌کنند. در صورتی که یکی از اعضای گروه فوت کند، مبلغ مشخصی به خانواده وی پرداخت می‌شود.

وقف (Waqf)

وقف مفهومی خیریه است که به عمل وقف کردن یک دارایی خاص مانند ملک، پول یا سایر منابع ارزشمند برای نفع جامعه اشاره دارد. به عنوان مثال، فردی ممکن است تصمیم بگیرد یک بنیاد خیریه برای اهداف آموزشی تأسیس کند. او می‌تواند برای تأمین بودجه پایدار این بنیاد، یک وقف ایجاد کند. وقف شامل تعیین یک دارایی خاص به عنوان ملک وقفی است که اکنون یک نهاد مستقل محسوب می‌شود. درآمد حاصل از این ملک باید صرف برنامه‌های آموزشی شود. برای مثال فردی مبلغ قابل توجهی را وقف می‌کند تا یک بیمارستان در منطقه محروم ساخته شود. درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری این مبلغ صرف هزینه‌های جاری و توسعه بیمارستان می‌شود.

قرض الحسنه

قرض الحسنه یا وام بدون بهره، مفهومی است که فقط در امور مالی اسلامی وجود دارد و به افراد یا مؤسسات اجازه می‌دهد بدون دریافت هیچ نوع بهره‌ای، وام‌هایی را به دیگران ارائه دهند. این کار به عنوان یک عمل مهربانی، سخاوت یا کمک به افراد نیازمند در زمان‌های سخت انجام می‌شود. به عنوان مثال، فردی قصد شروع یک کسب و کار جدید را دارد اما بودجه کافی برای این کار را ندارد. دوست او می‌خواهد از نظر مالی به او کمک کند و وامی به او ارائه دهد. بنابراین، هر دو تصمیم می‌گیرند یک قرارداد قرض الحسنه منعقد کنند. آن‌ها در مورد شرایط و ضوابط وام، از جمله مبلغ یا برنامه بازپرداخت، توافق می‌کنند. اکنون به عنوان دوست، او هیچ نوع بهره‌ای برای وام دریافت نخواهد کرد. هنگامی که زمان بازپرداخت فرا می‌رسد، فرد وام را بدون هیچ بهره‌ای بازپرداخت خواهد کرد.

اصول و مبانی معاملات اسلامی

معاملات اسلامی بر اساس اصول قانون اسلامی که به عنوان شریعت شناخته می‌شود، استوار است. این اصول مسلمانان را در فعالیت‌ها و معاملات اقتصادی خود راهنمایی می‌کنند و بر رعایت اصول اخلاقی و منصفانه تأکید دارند. برخی از اصول اصلی معاملات اسلامی عبارتند از:

ممنوعیت ربا (بهره)

در معاملات اسلامی، دریافت یا پرداخت هر نوع بهره‌ای ممنوع است. ربا به معنای افزایش دادن مال بدون دلیل مشروع و عادلانه است. این کار ناعادلانه تلقی می‌شود، زیرا باعث توزیع نابرابر ثروت، کاهش انگیزه کار و تولید و تضعیف روابط اجتماعی می‌شود. به جای ربا، امور مالی اسلامی روش‌های تقسیم سود و تقسیم ریسک را ترویج می‌دهد. روش‌هایی مانند مضاربه، مشارکت، مساقاة و مزارعه نمونه‌هایی از این روش‌ها هستند. این روش‌ها باعث توزیع عادلانه‌تر ثروت، افزایش انگیزه کار و تولید و تقویت روابط اجتماعی می‌شوند.

ممنوعیت غرر (عدم اطمینان)

غرر در معاملات اسلامی به معنای عدم قطعیت، ابهام و ریسک در نتیجه یک معامله است. به عبارت دیگر، هر معامله‌ای که نتیجه آن برای یکی از طرفین یا هر دو طرف نامعلوم باشد و همراه با احتمال زیان باشد، غرری محسوب می‌شود. اسلام به دلایل مختلفی از جمله ایجاد عدالت، جلوگیری از اختلاف و نزاع و جلوگیری از تشویق به قمار، معاملات غرری را حرام دانسته است. برای مثال، فروش کالایی که هنوز تولید نشده یا کالایی با کیفیت نامشخص، نمونه‌هایی از معاملات غرری هستند. برای جلوگیری از غرر، معاملات باید دارای شرایط واضح و شفاف باشند و هر دو طرف باید از تمام جوانب معامله آگاه باشند. قراردادهای شفاف باعث ایجاد اعتماد بین طرفین، جلوگیری از اختلاف و تسهیل حل و فصل مشکلات می‌شوند. به طور کلی، هدف از ممنوعیت غرر در اسلام، ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پایدار است که در آن حقوق همه طرفین معامله به طور کامل رعایت شود.

ممنوعیت حرام (ممنوع)

معاملاتی که شامل فعالیت‌های حرام مانند الکل، گوشت خوک، قمار و سایر فعالیت‌های گناه‌آلود یا مضر هستند، به عنوان معاملات حرام شناخته می‌شوند و استفاده از آن‌ها در امور مالی اسلامی ممنوع است. علاوه بر این، معاملات ربوی (بهره گرفتن از پول)، معاملات غرری (معاملات با نتیجه نامعلوم)، معاملات مبنی بر شرط‌های نامشروع و معاملات با قصد حرام نیز در زمره معاملات حرام قرار می‌گیرند. دلایل حرمت این معاملات، حفظ سلامت جامعه، ایجاد عدالت،

فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی

حفظ کرامت انسانی و حفظ نظام اقتصادی است. اسلام با ممنوعیت این گونه معاملات، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی سالم، عادلانه و مبتنی بر اخلاق است.

پایبندی به حلال (مجاز)

معاملات باید بر اساس اصول حلال یا فعالیت‌های مجاز انجام شوند. تنها در صورتی که معاملات قانونی و اخلاقی باشند، به عنوان معاملات اسلامی تلقی خواهند شد.

اصول و مبانی معاملات اسلامی

معاملات اسلامی بر اساس اصول قانون اسلامی که به عنوان شریعت شناخته می‌شود، استوار است. این اصول مسلمانان را در فعالیت‌ها و معاملات اقتصادی خود راهنمایی می‌کنند و بر رعایت اصول اخلاقی و منصفانه تأکید دارند. برخی از اصول اصلی معاملات اسلامی عبارتند از:

ممنوعیت ربا (بهره)

در معاملات اسلامی، دریافت یا پرداخت هر نوع بهره‌ای ممنوع است. ربا به معنای افزایش دادن مال بدون دلیل مشروع و عادلانه است. این کار ناعادلانه تلقی می‌شود، زیرا باعث توزیع نابرابر ثروت، کاهش انگیزه کار و تولید و تضعیف روابط اجتماعی می‌شود. به جای ربا، امور مالی اسلامی روش‌های تقسیم سود و تقسیم ریسک را ترویج می‌دهد. روش‌هایی مانند مضاربه، مشارکت، مساقاه و مزارعه نمونه‌هایی از این روش‌ها هستند. این روش‌ها باعث توزیع عادلانه‌تر ثروت، افزایش انگیزه کار و تولید و تقویت روابط اجتماعی می‌شوند.

ممنوعیت غرر (عدم اطمینان)

غرر در معاملات اسلامی به معنای عدم قطعیت، ابهام و ریسک در نتیجه یک معامله است. به عبارت دیگر، هر معامله‌ای که نتیجه آن برای یکی از طرفین یا هر دو طرف نامعلوم باشد و همراه با احتمال زیان باشد، غرری محسوب می‌شود. اسلام به دلایل مختلفی از جمله ایجاد عدالت، جلوگیری از اختلاف و نزاع و جلوگیری از تشویق به قمار، معاملات غرری را حرام دانسته است. برای مثال، فروش کالایی که هنوز تولید نشده یا کالایی با کیفیت نامشخص، نمونه‌هایی از معاملات غرری هستند. برای جلوگیری از غرر، معاملات باید دارای شرایط واضح و شفاف باشند و هر دو طرف باید از تمام جوانب معامله آگاه باشند. قراردادهای شفاف باعث ایجاد اعتماد بین طرفین، جلوگیری از اختلاف و تسهیل حل و فصل مشکلات می‌شوند. به طور کلی، هدف از ممنوعیت غرر در اسلام، ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و پایدار است که در آن حقوق همه طرفین معامله به طور کامل رعایت شود.

ممنوعیت حرام (ممنوع)

معاملاتی که شامل فعالیت‌های حرام مانند الکل، گوشت خوک، قمار و سایر فعالیت‌های گناه‌آلود یا مضر هستند، به‌عنوان معاملات حرام شناخته می‌شوند و استفاده از آن‌ها در امور مالی اسلامی ممنوع است. علاوه بر این، معاملات ربوی (بهره گرفتن از پول)، معاملات غرری (معاملات با نتیجه نامعلوم)، معاملات مبنی بر شرط‌های نامشروع و معاملات با قصد حرام نیز در زمره معاملات حرام قرار می‌گیرند. دلایل حرمت این معاملات، حفظ سلامت جامعه، ایجاد عدالت، حفظ کرامت انسانی و حفظ نظام اقتصادی است. اسلام با ممنوعیت این گونه معاملات، به دنبال ایجاد یک نظام اقتصادی سالم، عادلانه و مبتنی بر اخلاق است.

پایبندی به حلال (مجاز)

در اسلام، معاملات صرفاً به جنبه‌های قانونی و مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه ابعاد اخلاقی و شرعی نیز در آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. برای آنکه یک معامله، اسلامی محسوب شود، علاوه بر رعایت قوانین مدنی و تجاری، باید با اصول و ارزش‌های اسلامی نیز مطابقت داشته باشد. به عبارت دیگر، معاملات باید بر اساس اصول حلال یا فعالیت‌های مجاز انجام شوند و تنها در صورتی که معاملات قانونی و اخلاقی باشند، به‌عنوان معاملات اسلامی تلقی خواهند شد. از جمله مهم‌ترین اصول حاکم بر معاملات اسلامی می‌توان به حلال بودن کالا و خدمات، عدم وجود ربا و غرر، عدالت و انصاف، شفافیت و صداقت و نیت خیر اشاره کرد. در واقع، یک معامله اسلامی، معامله‌ای است که علاوه بر قانونی بودن، از نظر شرعی نیز صحیح باشد و به نفع همه طرفین باشد. این معامله باید بر اساس اصول عدالت، انصاف و اخلاق اسلامی انجام شود و به هیچ وجه به حقوق دیگران و جامعه آسیب نرساند.

ممنوعیت میسر (قمار)

معاملاتی که شامل قمار یا ریسک بیش از حد هستند، در قانون اسلامی ممنوع بوده و به همین دلیل به‌عنوان معاملات اسلامی محسوب نمی‌شوند. معاملات اسلامی باید بر اساس فعالیت‌ها و دارایی‌های اقتصادی واقعی انجام شوند. معاملات اسلامی بر پایه عدالت، انصاف و ایجاد ارزش افزوده واقعی استوار شده‌اند و از هرگونه فعالیت مبتنی بر شانس، ریسک بیش از حد و کسب سودهای نامشروع به‌شدت منع می‌کنند. قمار و ریسک‌های بی‌دلیل، به دلیل ایجاد عدم قطعیت، توزیع ناعادلانه ثروت و تشویق به حرص و آز، در اسلام حرام شمرده می‌شوند. معاملات اسلامی بر اساس فعالیت‌های اقتصادی واقعی و مبادله کالاها و خدمات صورت می‌گیرد و از هرگونه فعالیت کاذب و سودجویانه که ارزش افزوده‌ای ایجاد نکند، پرهیز می‌کنند. به عبارت دیگر، هدف از معاملات اسلامی، ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار، عادلانه و مبتنی بر اخلاق است.

ممنوعیت ربا الفضل (غصب مال دیگران)

در معاملات اسلامی، عدالت و برابری از اهمیت بالایی برخوردار است. هرگونه معامله‌ای که منجر به زیان یک طرف و سود بیش از حد طرف دیگر شود، مردود شمرده می‌شود. این اصل به منظور حفظ تعادل در جامعه، تقویت اعتماد بین طرفین معامله، جلوگیری از ظلم و ستم و تأمین نیازهای اساسی همه افراد است. برای تحقق این هدف، اسلام راهکارهایی مانند شفافیت در معاملات، تعیین قیمت عادلانه، رعایت حقوق همه طرفین و نظارت بر بازار را ارائه کرده است. با رعایت این اصول، می‌توان به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار کمک کرد.

پایبندی به قراردادها

در معاملات اسلامی، پایبندی به قراردادها و تعهدات از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این اصل نشان‌دهنده‌ی اهمیت صداقت، امانتداری و اخلاق نیک در روابط تجاری است. پایبندی به قراردادها، اعتماد بین طرفین را تقویت می‌کند، به رشد اقتصاد کمک می‌کند، کرامت انسانی را حفظ می‌کند و اجرای عدالت را تضمین می‌نماید. نقض قرارداد عواقب جدی مانند از بین رفتن اعتماد، اختلال در نظم اقتصادی و مسئولیت شرعی را در پی دارد. برای تقویت پایبندی به قراردادها، باید فرهنگ قراردادمحوری را ترویج کرد، نظارت بر اجرای قراردادها را افزایش داد، ابزارهای تضمین اجرای قراردادها را توسعه داد و فرهنگ امانتداری و صداقت را تقویت کرد.

تأکید بر انصاف و عدالت

هدف اصلی معاملات اسلامی برقراری عدالت و انصاف در تمام جوانب معامله است. این بدان معناست که همه طرفین معامله باید به طور برابر از مزایا و منافع آن بهره‌مند شوند و هیچ‌کدام نباید متحمل زیان بیش از حد شوند. همچنین، توزیع ریسک‌ها و پاداش‌ها باید به صورت عادلانه بین طرفین صورت گیرد. علاوه بر این، معاملات اسلامی به دنبال تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها، تقویت روابط اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار است که در آن به محیط‌زیست و نسل‌های آینده نیز توجه شود.

نحوه انجام معاملات اسلامی توسط کسب و کارها - اصول حکمرانی سازمانی

شناسایی سهامداران

شناسایی سهامداران کلید حفظ ارزش سهام یک شرکت است. ارزش یک شرکت نه تنها به سود سهامی که پرداخت می‌کند و حسن‌نیت ایجاد شده‌اش وابسته است، بلکه به تعداد سهامداران آن نیز مرتبط است. با شناسایی سهامداران،

شرکت می‌تواند نیازها و انتظارات آن‌ها را بهتر درک کرده و با برقراری ارتباط مؤثر، وفاداری آن‌ها را جلب کند. این امر به افزایش ارزش سهام، جذب سرمایه‌گذاران جدید و در نهایت موفقیت پایدار شرکت کمک شایانی می‌کند.

منافع ذینفعان

حکمرانی سازمانی همچنین باید ذینفعان را نیز شناسایی کند. ذینفعان زنجیره‌ای از سهامداران هستند که باعث افزایش حسن‌نیت، بهبود تصویر برند و توسعه روابط مثبت با جامعه و رسانه می‌شوند. ذینفعان، همه افرادی هستند که به نحوی با سازمان در ارتباط‌اند و از تصمیمات و فعالیت‌های آن متأثر می‌شوند. این گروه گسترده شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، تامین‌کنندگان، دولت، جامعه محلی و حتی محیط‌زیست است. سهامداران به‌عنوان مالکان اصلی شرکت، هسته مرکزی ذینفعان را تشکیل می‌دهند، اما سایر ذینفعان نیز نقش بسیار مهمی در موفقیت سازمان ایفا می‌کنند. اهمیت شناسایی و مدیریت ذینفعان در موفقیت یک سازمان غیرقابل انکار است. با شناسایی ذینفعان، سازمان می‌تواند نیازها و انتظارات آن‌ها را بهتر درک کرده و تصمیماتی اتخاذ کند که به نفع همه ذینفعان باشد. همچنین، با برقراری ارتباط مؤثر با ذینفعان، سازمان می‌تواند اعتماد و همکاری آن‌ها را جلب کرده و به بهبود وجهه و شهرت خود کمک کند. در نتیجه، مدیریت مناسب ذینفعان به کاهش ریسک‌ها، افزایش بهره‌وری و پایداری سازمان کمک می‌کند.

مسئولیت‌های هیئت مدیره باید به وضوح مشخص شود.

مسئولیت‌های هیئت مدیره باید به وضوح برای اکثریت سهامداران و همه اعضای هیئت مدیره مشخص شود. همه اعضای هیئت مدیره باید دیدگاه مشابهی برای آینده شرکت داشته باشند. هیئت مدیره نقش بسیار مهمی در موفقیت هر سازمان دارد. برای اطمینان از عملکرد مؤثر هیئت مدیره، دو نکته کلیدی وجود دارد: اول، شفافیت در مسئولیت‌ها است. تمام سهامداران و اعضای هیئت مدیره باید به طور دقیق بدانند که هر عضو مسئول چه وظایفی است. این امر از طریق اسناد رسمی مانند اساسنامه شرکت و شرح وظایف مشخص می‌شود. شفافیت باعث افزایش اعتماد، کاهش اختلاف و بهبود تصمیم‌گیری می‌شود. دومین نکته مهم، وجود یک دیدگاه مشترک در مورد آینده شرکت است. همه اعضای هیئت مدیره باید در جهت تحقق اهداف بلندمدت شرکت تلاش کنند. برای ایجاد این دیدگاه مشترک، تدوین چشم‌انداز و مأموریت روشن، برگزاری جلسات استراتژیک منظم و ارزیابی عملکرد مداوم اعضای هیئت مدیره بسیار مهم است. داشتن یک چشم‌انداز واحد باعث هماهنگی در تصمیم‌گیری، افزایش سرعت عمل و ایجاد انگیزه در اعضای هیئت مدیره می‌شود.

رفتار اخلاقی

تخلفات به نفع سود بالاتر می‌تواند در آینده نزدیک مشکلات حقوقی عظیمی را به همراه داشته باشد. برای همه اعضای هیئت مدیره، باید یک کد رفتاری در رابطه با تصمیمات اخلاقی تدوین شود. در دنیای کسب‌وکار امروز، سودجویی بی‌رویه و نادیده گرفتن اصول اخلاقی می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای شرکت‌ها داشته باشد. تخلفات مالی و اخلاقی

فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی

نه تنها به اعتبار سازمان لطمه می‌زند بلکه می‌تواند منجر به مشکلات حقوقی جدی و حتی ورشکستگی شود. برای جلوگیری از این اتفاق، همه اعضای هیئت مدیره باید به یک چارچوب اخلاقی مشترک پایبند باشند. تدوین یک کد رفتاری جامع برای همه تصمیم‌گیرندگان ارشد سازمان، گامی مهم در جهت ایجاد یک فرهنگ سازمانی اخلاقی مدار است. این کد باید به عنوان یک راهنمای عملی برای تصمیم‌گیری‌های روزانه در نظر گرفته شود و به طور واضح اصول و ارزش‌های اخلاقی سازمان را مشخص کند. با داشتن یک کد رفتاری روشن، می‌توان از بروز تخلفات جلوگیری کرد، اعتماد سهامداران و مشتریان را جلب کرد و در نهایت به موفقیت پایدار سازمان کمک کرد.

شفافیت کسب و کار

این کلید جلب اعتماد سهامداران است. اعتماد سهامدار باید به دست آورده و تقویت شود. همچنین، سوابق و گزارش‌های مالی باید بدون هیچ اغراقی به طور واضح بیان شوند، زیرا سوابق مالی جعلی ممکن است برای شرکت شما در کوتاه مدت سود داشته باشد اما در آینده باعث ضرر جدی شود. اعتماد سهامداران، ستون اصلی موفقیت هر کسب و کاری است. این اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که شرکت‌ها به طور شفاف و صادقانه اطلاعات مالی خود را با سهامداران به اشتراک بگذارند. شفافیت مالی، به سهامداران اطمینان می‌دهد که سرمایه‌گذاری آن‌ها در مسیر درست قرار دارد و منافع آن‌ها به خوبی محافظت می‌شود. سوابق و گزارش‌های مالی دقیق و قابل اعتماد، کلید جلب اعتماد سهامداران است. پنهان کاری یا دستکاری در اطلاعات مالی، نه تنها به اعتبار شرکت لطمه می‌زند بلکه می‌تواند منجر به بروز بحران‌های مالی و از دست رفتن سرمایه‌گذاران شود. به عبارت دیگر، شفافیت مالی، یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است که به تقویت جایگاه شرکت در بازار کمک می‌کند.

معاملات اسلامی مطابق با اصول حکمرانی سازمانی

معاملات اسلامی طبق قوانین اسلامی انجام می‌شود و از طرف دیگر، بهترین نمونه از حکمرانی، پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) است که اصول حکمرانی را از طریق احادیث به ما آموخت و همچنین پیام خداوند (SWT) را منتقل کرد. باتوجه به این ایده، معاملات اسلامی و حکمرانی سازمانی به هم مرتبط هستند زیرا معاملات اسلامی بر اساس اصول حکمرانی سازمانی بنا شده‌اند. همانطور که قبلاً در مورد اصول معاملات اسلامی صحبت کردیم، این اصول را با کمک برخی از مثال‌ها در پرتو اصول حکمرانی سازمانی خواهیم دید.

معاملات اسلامی و حکمرانی شرکتی، هر دو ریشه در آموزه‌های دینی و اخلاقی دارند. اصول عدالت، شفافیت، پاسخگویی و منافع ذینفعان که در حکمرانی شرکتی مورد تأکید قرار می‌گیرند، در معاملات اسلامی نیز از اهمیت بالایی برخوردارند. پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگوی کامل حکمرانی، بر اهمیت عدالت در تمامی معاملات و روابط اجتماعی تأکید فراوان داشته‌اند. در دنیای امروز، بسیاری از شرکت‌ها به دنبال پیاده‌سازی اصول حکمرانی شرکتی در سازمان خود هستند. اصول حکمرانی شرکتی در اسلام می‌تواند الگوی مناسبی برای این شرکت‌ها باشد. به عنوان مثال، اصل شراکت

در سود و زیان در معاملات اسلامی، می‌تواند به ایجاد انگیزه در کارکنان و بهبود عملکرد شرکت کمک کند. همچنین، ممنوعیت ربا در معاملات اسلامی، می‌تواند به ایجاد ثبات در بازارهای مالی کمک کند.

ممنوعیت ربا (بهره)

ربا یک کلمه عربی است که به معنای بهره است که در زبان اردو به آن «سود» نیز می‌گویند. دریافت یا پرداخت بهره در اسلام به شدت ممنوع است. به عنوان مثال، اگر شخصی قصد راه اندازی کسب و کاری را دارد و برای انجام این کار وجوه لازم را ندارد، آن شخص برای دریافت وام به بانک مراجعه می‌کند. اگر بانک بدون دریافت هیچ گونه بهره‌ای روی وام، وام را اعطا کند، این معامله اسلامی در نظر گرفته می‌شود، اما اگر بانک روی وام بهره‌ای دریافت کند، در امور مالی اسلامی غیرقانونی تلقی می‌شود. چند روز پیش، بانک میزبان اعلام کرد که دوچرخه‌های بدون بهره را به صورت اقساطی ارائه می‌دهد، به این معنی که اگر فردی مایل به خرید دوچرخه باشد، بانک هیچ هزینه اضافی بابت اقساط دوچرخه دریافت نمی‌کند.

ممنوعیت غرر (عدم قطعیت)

غرر به معامله‌ای اطلاق می‌شود که موضوع آن احتمالی بوده و وجودش قطعی نیست. برخی از نمونه‌های غرر در معاملات روزانه، قراردادهای بیمه‌ای مانند بیمه عمر یا بیمه خودرو، فروش استقراضی یا معاملات فارکس، فروش دارایی توسط شخصی که مالک آن نیست یا فروش ماهی‌ای که هنوز صید نشده یا فروش حیوانی که هنوز به دنیا نیامده است. همه این نوع معاملات قطعی نیستند و ریسک غیرضروری ایجاد می‌کنند و تحت عنوان کلاهبرداری قرار می‌گیرند که ممکن است در آینده نزدیک به ضرر یا نابودی منجر شود. به همین دلیل، پیامبر (ص) این نوع معاملات را که دارای سطح بالایی از ریسک یا عدم قطعیت هستند، ممنوع کرده‌اند.

ممنوعیت فعالیت‌های حرام

معاملاتی که شامل فعالیت‌های حرام مانند الکل، مواد مخدر یا گوشت خوک هستند، فعالیت‌های حرام محسوب می‌شوند و همه این نوع فعالیت‌ها و معاملات در قانون اسلامی و امور مالی اسلامی جایز نیستند. به عنوان مثال، فعالیت‌ها یا معاملاتی مانند خرید و فروش مواد مخدر و الکل، فروش گوشت خوک در رستوران‌ها، تبلیغ قمار یا افتتاح مکان‌های قمار به عنوان یک تجارت و غیره. این نوع معاملات به عنوان معاملات حرام محسوب می‌شوند و ممنوع هستند. معاملات باید تنها با رعایت فعالیت‌های حلال و ترویج قوانین و اخلاق اسلامی انجام شوند. تمام معاملات باید با در نظر گرفتن قوانین اسلامی انجام شود.

ممنوعیت ربا الفضل

معاملاتی که شامل مبادلات ناعادلانه هستند، از شمول امور مالی اسلامی ممنوع هستند. به عنوان مثال، فروش طلا در برابر طلای هموزن با ارزش متفاوت، فروش نقره در برابر نقره هموزن با کیفیت متفاوت، فروش گندم در برابر گندم هموزن با استاندارد متفاوت، فروش جو در برابر جو هموزن با کیفیت متفاوت و غیره. اما اگر شخصی به این اصول عمل نکند و در معاملات زیاده روی کند، این کار ربا محسوب خواهد شد و بنابراین در امور مالی اسلامی حرام یا ممنوع تلقی خواهد شد.

پایبندی به قراردادها

قراردادهای منعقد شده بین دو طرف باید اجرا شوند. تمام وعده‌هایی که داده می‌شود باید اجرا شود و نباید به هیچ کس اجازه داده شود که قرارداد را نقض کند وگرنه عواقب جدی در پی خواهد داشت. هر دو طرف باید به توافق احترام بگذارند تا معاملات خود را طبق قوانین و اصول اسلامی انجام دهند. به عنوان مثال، اگر شخصی در یک خوابگاه اقامت دارد، مسئول خوابگاه به فرد می‌گوید که حداکثر زمان برای بیرون ماندن ساعت ۱۰ شب است، اما این زمان برای شما مناسب نیست، بنابراین او زمان را برای شما به ساعت ۱۱ شب تنظیم می‌کند و شما قرارداد را امضا می‌کنید. اکنون شما ملزم به رعایت قرارداد و بازگشت به خوابگاه قبل از ساعت ۱۱ شب هستید و اگر این کار را نکنید، مسئول اعمال خود خواهید بود. امروزه بسیاری از سازمان‌ها معاملات خود را طبق قوانین و اخلاق اسلامی انجام نمی‌دهند. پاکستان دارای یک بخش بانکی اسلامی کاملاً مستقر و تعداد رو به رشدی از سازمان‌هایی است که معاملات اسلامی (طبق گفته خودشان) انجام می‌دهند. برخی از بانک‌های اسلامی فعال در پاکستان عبارتند از:

- بانک میزان
- بانک اسلامی پاکستان
- بانک فیصل اسلامی
- بانک اسلامی MCB
- بانک اسلامی الرستگاری

اما، هیچ بانکی در کل بخش بانکی کشور از بانکداری اسلامی به طور کامل حمایت نمی‌کند، زیرا هر چقدر هم تلاش کنند، باز هم تا حدودی بهره دریافت یا پرداخت خواهد شد.

سیستم مالی متعارف: ریشه‌های بهروری و چالش‌های آن

سیستم مالی کنونی که بر پایه بهره بنا شده، ریشه در تاریخ طولانی دارد و امروزه به عنوان ستون فقرات اقتصاد جهانی شناخته می‌شود. در این سیستم، بانک‌ها با دریافت سپرده از مشتریان و پرداخت بهره به آن‌ها، این منابع را به صورت وام

به افراد و کسب و کارها اختصاص می‌دهند و در ازای آن بهره دریافت می‌کنند. این چرخه مداوم ایجاد پول و بازپرداخت آن با بهره، به رشد اقتصادی و توسعه کمک کرده است.

یکی از اصول اساسی در سیستم مالی متعارف، مفهوم ارزش زمانی پول است. این اصل بیان می‌کند که یک واحد پول در زمان حال، به دلیل پتانسیل سرمایه‌گذاری و کسب بازده، ارزشمندتر از همان واحد پول در آینده است. به عبارت دیگر، پول امروز به دلیل قابلیت خرید کالا و خدمات بیشتر، قدرت خرید بالاتری دارد.

مزایای سیستم مالی متعارف

- تسهیل سرمایه‌گذاری: سیستم بانکی متعارف با فراهم کردن منابع مالی موردنیاز، سرمایه‌گذاری‌ها را تسهیل کرده و به رشد اقتصادی کمک می‌کند.
- نوآوری مالی: رقابت بین مؤسسات مالی باعث ایجاد محصولات و خدمات مالی متنوع و نوآورانه شده است.
- ثبات نسبی: سیستم بانکی متعارف به دلیل مقررات و نظارت‌های موجود، نسبتاً پایدار بوده است.

چالش‌های سیستم مالی متعارف

- برابری اقتصادی: سیستم مبتنی بر بهره می‌تواند شکاف‌های اقتصادی را عمیق‌تر کند، زیرا افرادی که منابع مالی بیشتری دارند، می‌توانند با سرمایه‌گذاری، ثروت خود را افزایش دهند، درحالی‌که افراد کم‌درآمدتر ممکن است به دلیل هزینه بالای وام، در تنگنا قرار گیرند.
- بحران‌های مالی: سیستم بانکی متعارف در معرض بحران‌های مالی قرار دارد که می‌تواند به اقتصاد جهانی آسیب جدی وارد کند.
- عدم پایبندی به اصول اخلاقی: برخی از منتقدان معتقدند که سیستم بانکی متعارف، با تمرکز بر سودآوری، از اصول اخلاقی غافل شده و به تقویت نابرابری‌ها کمک کرده است.

جایگزین‌های سیستم مالی متعارف

در سال‌های اخیر، باتوجه به چالش‌های سیستم مالی متعارف، سیستم‌های مالی جایگزینی مانند بانکداری اسلامی و ارزهای دیجیتال مطرح شده‌اند که هر کدام مزایا و چالش‌های خاص خود را دارند. سیستم مالی متعارف به عنوان یک سیستم پیچیده و پویا، نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. با این حال، این سیستم بدون نقص بوده و چالش‌های متعددی را به همراه دارد. درک عمیق از این سیستم و بررسی جایگزین‌های آن، برای تصمیم‌گیری بهتر در حوزه مالی و اقتصادی ضروری است.

عیوب سیستم متعارف

سیستم متعارف مالی به طور گسترده پذیرفته شده و از بسیاری جهات موفق بوده است، اما همچنان دارای عیوب زیادی است. برخی از عیوب و انتقادات اصلی از سیستم متعارف عبارتند از:

بدهی مبتنی بر بهره: زنجیره‌ای که اقتصاد را می‌بندد.

بدهی مبتنی بر بهره یکی از پایه‌های اصلی سیستم مالی کنونی است. به عبارت ساده‌تر، زمانی که شما وامی دریافت می‌کنید، علاوه بر مبلغ اصلی، باید مبلغی اضافی به عنوان بهره پرداخت کنید. این بهره در واقع هزینه استفاده از پول دیگران است. سیستم بهره، چرخه‌ای ایجاد می‌کند که در آن هرچه بدهی بیشتر شود، بهره بیشتری باید پرداخت شود و این امر بازپرداخت بدهی را دشوارتر می‌کند. به این ترتیب افراد در یک چرخه بدهی گیر می‌افتند. بدهی مبتنی بر بهره، یکی از عوامل اصلی ایجاد نابرابری اقتصادی است. افرادی که دارایی بیشتری دارند، می‌توانند با سرمایه‌گذاری، بهره دریافت کنند و ثروت خود را افزایش دهند، درحالی‌که افرادی که بدهکار هستند، باید بخشی از درآمد خود را صرف پرداخت بهره کنند. همچنین، بدهی‌های هنگفت می‌توانند به بی‌ثباتی اقتصادی و حتی بحران‌های مالی منجر شوند. زمانی که سطح بدهی در یک جامعه یا اقتصاد بسیار بالا رود، حتی یک شوک کوچک می‌تواند به یک بحران مالی بزرگ منجر شود. برای کاهش مشکلات ناشی از بدهی مبتنی بر بهره، برخی از راهکارهای جایگزین پیشنهاد شده است. بانکداری اسلامی، ارزش‌های دیجیتال و سیاست‌های پولی انبساطی، از جمله این راهکارها هستند. هر یک از این راهکارها، مزایا و معایب خاص خود را دارند و نیاز به بررسی و مطالعه بیشتر دارند. درک عمیق از چالش‌های سیستم مالی مبتنی بر بهره و بررسی راهکارهای جایگزین، برای ایجاد یک سیستم مالی پایدارتر و عادلانه‌تر ضروری است.

نابرابری و تمرکز ثروت

سیستم متعارف همچنین به دلیل حداکثر کردن سود، افزایش نامتعادل درآمد و نابرابری ثروت مورد انتقاد قرار گرفته است. سیستم‌های متعارف گاهی منجر به تمرکز ثروت در میان سهامداران و مالکان می‌شوند و بسیاری از معایب را برای دیگران به همراه دارند.

سیستم‌های مالی متعارف به دلیل مکانیزم‌هایی که ثروت را در دست تعداد محدودی از افراد متمرکز می‌کنند، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که ثروتمندان را ثروتمندتر کرده و شکاف بین فقیر و غنی را عمیق‌تر کنند. عوامل متعددی از جمله ساختار مالکیت شرکت‌ها، سیاست‌های مالی و مالیاتی دولت‌ها، و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در این تمرکز ثروت نقش دارند. در این سیستم‌ها، سهامداران عمده اغلب تصمیماتی می‌گیرند که منافع آن‌ها را تأمین کرده و به افزایش نابرابری کمک می‌کند. این تمرکز ثروت پیامدهای منفی بسیاری از جمله کاهش رشد اقتصادی، بی‌ثباتی اجتماعی و کاهش فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه را به دنبال دارد. برای مقابله

با این چالش، اصلاح سیستم مالی، توزیع عادلانه‌تر درآمد، تغییر ساختار مالکیت شرکت‌ها و طراحی سیاست‌های مالی مترقی ضروری است.

عدم ثبات و ریسک‌های سیستماتیک

سیستم مالی امروزی به‌شدت به هم پیوسته است و تشکیل یک شبکه پیچیده از نهادها و ابزارهای مالی داده است. این پیچیدگی، سیستم را آسیب‌پذیر کرده و ریسک‌های سیستماتیک را به وجود آورده که در صورت بروز مشکل در یک بخش، کل سیستم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. همبستگی دارایی‌ها، اثر لهدگی و عدم شفافیت از جمله عواملی هستند که این ریسک‌ها را تشدید می‌کنند. بحران‌های مالی، کاهش اعتماد عمومی و افزایش هزینه‌های دولت از جمله پیامدهای این ریسک‌ها هستند. برای مقابله با این چالش، تقویت نظارت بر سیستم مالی، افزایش شفافیت، تقویت سرمایه بانک‌ها و توسعه ابزارهای مدیریت ریسک ضروری است.

تمرکز کوتاه‌مدت

سیستم‌های متعارف اقتصادی اغلب بر نتایج کوتاه‌مدت متمرکز هستند و این رویکرد می‌تواند باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، کاهش نوآوری و افزایش نابرابری شود. فشار سهامداران برای کسب سود فوری، چرخه‌های انتخاباتی کوتاه‌مدت و عدم اطمینان در مورد آینده از جمله دلایلی هستند که سازمان‌ها و دولت‌ها را به سمت تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت سوق می‌دهد. برای مقابله با این چالش، تغییر ساختار پاداش‌ها، سرمایه‌گذاری در آموزش، تقویت نهادهای نظارتی و ایجاد سیاست‌های حمایتی از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت ضروری است.

عدم توجه به اخلاق

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به سیستم‌های اقتصادی متعارف وارد می‌شود، بی‌توجهی آن‌ها به مسائل اخلاقی است. این سیستم‌ها با اولویت قرار دادن سود و رشد اقتصادی کوتاه‌مدت، اغلب منجر به رفتارهایی می‌شوند که پیامدهای منفی برای جامعه و محیط‌زیست دارد. تمرکز بیش از حد بر سود، فشار برای کسب نتایج سریع و نبود مکانیزم‌های نظارتی کافی، از جمله دلایلی هستند که شرکت‌ها را به سمت تصمیماتی سوق می‌دهد که ممکن است به بهره‌کشی از محیط‌زیست، افزایش نابرابری و کاهش اعتماد عمومی منجر شود.

برای بهبود وضعیت اخلاقی در سیستم‌های اقتصادی، نیازمند تغییرات اساسی هستیم. شرکت‌ها باید به مسئولیت اجتماعی خود آگاه باشند و به دنبال ایجاد ارزش برای تمامی ذینفعان خود باشند. تقویت قوانین و مقررات، افزایش شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی و ترویج فرهنگ اخلاقی در جامعه، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت اخلاقی در کسب‌وکار کمک کنند. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در آموزش و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه در مورد اهمیت اخلاق در کسب‌وکار، نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

گمانه‌زنی و بی‌ثباتی مالی

همانطور که پیش‌تر به آن اشاره شد، سیستم‌های اقتصادی متعارف بسیار پیچیده هستند و یکی از انتقاداتی که به آن‌ها وارد می‌شود، پیچیدگی بیش از حد ابزارهای مالی آن‌هاست. این ابزارهای پیچیده، با ایجاد فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری، می‌توانند به افزایش ریسک‌پذیری و بی‌ثباتی در بازارهای مالی منجر شوند. عدم مدیریت صحیح این ریسک‌ها، می‌تواند پیامدهای جدی و گسترده‌ای داشته باشد و حتی منجر به بحران‌های مالی شود.

علت اصلی پیچیدگی ابزارهای مالی، نوآوری‌های مستمر در حوزه مالی و تلاش مؤسسات برای مدیریت ریسک‌های مختلف است. با این حال، این پیچیدگی، شفافیت را کاهش داده و درک عملکرد دقیق این ابزارها را برای بسیاری از افراد دشوار می‌کند. در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری بر اساس اطلاعات ناکافی گرفته می‌شود و این امر می‌تواند به زیان سرمایه‌گذاران و بی‌ثباتی بازار منجر شود. برای مقابله با این چالش، نیاز به تنظیم‌گری مؤثر، افزایش شفافیت و آموزش مالی است.

چگونه معاملات اسلامی عیوب سیستم‌های متعارف را کنترل می‌کنند؟

همانطور که قبلاً گفته شد، بهترین نمونه حکمرانی پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم است. بنابراین، بهترین راه برای کنترل عیوب سیستم متعارف، از طریق اصول قوانین اسلامی و اخلاقی است. در اینجا چند توصیه برای کنترل عیوب سیستم‌های متعارف ارائه می‌شود:

اصول اسلامی در امور مالی ما را راهنمایی می‌کنند که هیچ گونه بهره‌ای نباید در هیچ نوع معامله‌ای دریافت یا پرداخت شود. این بدان معناست که هیچ بهره‌ای از هر نوع وام یا بدهی دریافت نخواهد شد. بهره می‌تواند منجر به بار بدهی برای افراد یا مؤسسات شود، اما اسلام نمی‌خواهد کسی را بار کند زیرا می‌تواند باعث مشکلات و شاید بی‌ثباتی مالی یا بحران اقتصادی شود. یکی دیگر از عیوب سیستم متعارف، عدم ثبات است که باعث ریسک‌های سیستماتیک می‌شود. همانطور که اصول اسلامی به ما یاد می‌دهند، ممنوعیت غرر (عدم قطعیت) که باعث عدم قطعیت و ریسک‌های غیرمعمول می‌شود. بنابراین، هیچ نوع عامل ریسکی در معاملات وجود نخواهد داشت و اقتصاد شکوفا خواهد شد.

یکی از تفاوت‌های اصلی سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی، در تمرکز آن‌ها بر زمان است. در حالی که سیستم‌های متعارف اغلب بر کسب سودهای کوتاه‌مدت متمرکز هستند و تحت فشار سهامداران و چرخه‌های انتخاباتی کوتاه‌مدت قرار دارند، سیستم اسلامی بر منافع بلندمدت و پایدار تأکید دارد. این رویکرد بلندمدت، علاوه بر رشد اقتصادی، به پایداری بیشتر، کاهش ریسک و توجه به مسئولیت‌های اجتماعی نیز کمک می‌کند. البته، پیاده‌سازی کامل این رویکرد نیازمند تغییرات ساختاری در سیستم‌های اقتصادی و مالی است.

در سیستم متعارف، تأکید کمتری بر ملاحظات اخلاقی وجود دارد. تمرکز بر حداکثر کردن سود می‌تواند باعث اعمال غیر اخلاقی مانند بهره‌کشی از محیط‌زیست شود. سیستم مالی اسلامی دارای کد رفتاری در مورد تصمیمات اخلاقی است که بر اساس اصول قوانین اسلامی است. این امر از تأثیر منفی بر جامعه و محیط‌زیست جلوگیری می‌کند.

فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی

یکی از انتقادهای جدی به سیستم مالی متعارف، تمرکز بیش از حد بر سودآوری و در نتیجه، افزایش نابرابری اقتصادی است. این سیستم با توزیع نابرابر ثروت، شکاف عمیقی بین ثروتمندان و فقرا ایجاد کرده است. در مقابل، سیستم مالی اسلامی با تأکید بر مفاهیمی چون عدالت، برابری و انصاف، به دنبال کاهش این نابرابری است. این سیستم با ترویج مشارکت در سود و زیان و جلوگیری از ربا، به توزیع عادلانه‌تر ثروت کمک می‌کند و از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص جلوگیری می‌کند.

تفاوت بین سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی

نقش فناوری مالی (Fintech) در سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی

عبارت «فناوری مالی» (Fintech) به فناوری‌های جدیدی اشاره دارد که هدف آن‌ها بهبود و خودکارسازی ارائه و استفاده از خدمات مالی است. این عبارت، شکل کوتاه‌شده‌ی «فناوری مالی» است. فناوری مالی در درجه اول برای کمک به سازمان‌ها، کارآفرینان و مصرف‌کنندگان در مدیریت مؤثرتر عملیات مالی، گردش کار و امور مالی شخصی به کار می‌رود. این فناوری شامل الگوریتم‌ها و نرم‌افزارهای تخصصی است که توسط رایانه‌ها و تلفن‌های همراه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

وقتی عبارت «فناوری مالی» در قرن بیست و یکم برای اولین بار ظاهر شد، برای توصیف فناوری مورد استفاده در سیستم‌های داخلی مؤسسات مالی معتبر مانند بانک‌ها به کار می‌رفت. بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، یک انتقال به سمت خدمات مشتری محور رخ داد. فناوری مالی اکنون بخش‌ها و صنایع مختلفی از جمله مدیریت سرمایه‌گذاری، بانکداری خرد، آموزش، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای سازمان‌های غیرانتفاعی و جمع‌آوری سرمایه را در بر می‌گیرد.

جدول ۵-۱: تفاوت بین سیستم‌های مالی متعارف و اسلامی

ویژگی	سیستم مالی متعارف	سیستم مالی اسلامی
مبنای سیستم	کاملاً بر اساس اصول ساختگی بشر	بر اساس اصول حقوق الهی و اخلاق اسلامی
تضمین سود	به سپرده‌گذاران نرخ بازده از پیش تعیین شده تضمین می‌شود.	در معاملات اسلامی، سود بر اساس نسبت توافق شده بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم می‌شود و این سود تضمین شده نیست.
هدف	حداکثر کردن سود با محدودیت‌های قانونی	حداکثر کردن سود تابع محدودیت‌های قانونی و شرع است.

فصل پنجم: اصول معاملات و حکمرانی اسلامی

اعطای وام	با نرخ بازده از پیش تعیین شده پول قرض می‌دهد.	با مشتریان در مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک شرکت می‌کند. سودها تقسیم و ضررهای متحمل شده توسط مشتریان پذیرفته می‌شود.
رابطه‌ی بانک و مشتری	صرفاً رابطه‌ی بستانکار و بدهکار	رابطه‌ای فراتر از بستانکار و بدهکار است.

تنوع بخش‌ها و صنایع در فناوری مالی

اکنون طیف متنوعی از بخش‌ها و صنایع در فناوری مالی گنجانده شده‌اند، از جمله مدیریت سرمایه‌گذاری، بانکداری خرد، آموزش، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای سازمان‌های غیرانتفاعی و جمع‌آوری سرمایه. ایجاد و کاربرد ارزش‌های دیجیتال مانند بیت‌کوین نیز در فناوری مالی گنجانده شده است (کاگان، ۲۰۲۳).

با ارائه خدمات مالی دیجیتال به میلیاردها نفر و حل مشکلات استثنای مالی ناشی از سیستم بانکی مستقر، فناوری مالی فرصت عظیمی برای تحول محیط اقتصادی جهانی دارد. به دلیل توانایی آن در تقویت جریان مالی، شمول مالی تاکنون بزرگ‌ترین مزیت فناوری مالی است. فناوری مالی به بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی این امکان را می‌دهد تا پیشنهادات فعلی خود را بهبود بخشند و محصولات و خدمات مالی نوآورانه‌ای را برای تجربه مشتری مطلوب‌تر با قیمت مناسب ارائه دهند (ربانی، حسن و رشید، ۲۰۲۲).

فناوری مالی همچنین یک اصطلاح است که برای توصیف کسب‌وکارهای نوظهوری استفاده می‌شود که از فناوری جدید برای چالش کشیدن استراتژی‌های تجاری مستقر استفاده می‌کنند. به طور معمول، شرکت‌های فناوری مالی همان کالاها و خدماتی را ارائه می‌دهند که مؤسسات مالی ارائه می‌دهند. با این حال، با استفاده از فناوری پیشرفته برای عرضه این کالاها و خدمات، این شرکت‌های فناوری مالی می‌توانند کل خدمات را قابل دسترسی، ارزان و کاربرپسند نگه دارند. اصطلاح «فناوری مالی» برای توصیف طیف وسیعی از موارد از جمله شرکت‌ها، تکنیک‌های خلاقانه، خدمات جدید و فناوری که در حال تغییر صنعت خدمات مالی هستند، استفاده می‌شود. با این حال، ایده اصلی پشت فناوری مالی استفاده از جدیدترین نرم‌افزار و فناوری برای ارائه خدمات مالی است (آدام، ۲۰۲۱). در زیر برخی از فعال‌ترین حوزه‌های نوآوری فناوری مالی ذکر شده است.

ارز دیجیتال، توکن‌های دیجیتال و ارز رمزنگاری شده (مانند بیت‌کوین)

این موارد اغلب از فناوری دفتر کل توزیع‌شده (DLT) به نام بلاکچین استفاده می‌کنند که بدون نیاز به یک دفتر کل مرکزی، سوابق را در یک شبکه از رایانه‌ها نگه می‌دارد. قراردادهای هوشمند ویژگی دیگری از بلاکچین هستند که به قراردادهای بین طرفین مانند خریداران و فروشندگان اجازه می‌دهد تا به طور خودکار با استفاده از کد اجرا شوند.

Insurtech

Insurtech یا تکنولوژی بیمه به استفاده از فناوری‌های نوین در صنعت بیمه اشاره دارد. این فناوری‌ها به طور چشمگیری فرآیندهای سنتی بیمه را متحول کرده و خدماتی کارآمدتر و شخصی‌سازی‌شده‌تر را برای مشتریان فراهم می‌کنند. با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، داده‌های بزرگ و بلاکچین، Insurtech امکانات جدیدی را برای صنعت بیمه ایجاد کرده است. از جمله این امکانات می‌توان به خودکارسازی فرآیندها، ارائه محصولات بیمه‌ای سفارشی‌سازی شده، کشف دقیق‌تر کلاهبرداری و بهبود تعامل با مشتریان اشاره کرد. به طور خلاصه، Insurtech باهدف افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و بهبود تجربه مشتری در صنعت بیمه به کار گرفته می‌شود.

Regtech

Regtech یا تکنولوژی نظارتی به استفاده از فناوری‌های نوین برای بهبود و تسهیل فرایندهای نظارتی و انطباق در صنایع مختلف، به‌ویژه خدمات مالی، اشاره دارد. هدف اصلی Regtech کمک به مؤسسات مالی در رعایت مقررات پیچیده و روزافزون نظارتی است. با استفاده از ابزارهای تحلیلی پیشرفته، هوش مصنوعی و یادگیری ماشین، Regtech به شرکت‌ها کمک می‌کند تا ریسک‌های نظارتی را کاهش دهند، هزینه‌های انطباق را بهینه‌سازی کنند و تجربه مشتری را بهبود بخشند. از جمله کاربردهای مهم Regtech می‌توان به شناسایی و جلوگیری از پولشویی، احراز هویت مشتریان، تهیه گزارش‌های نظارتی و مدیریت ریسک اشاره کرد. به طور خلاصه، Regtech نقش بسیار مهمی در تحول صنعت خدمات مالی ایفا می‌کند و به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در محیط نظارتی پیچیده امروز، انطباق بیشتری داشته باشند.

مشاوران رباتیک (Robo-advisors)

مشاوران رباتیک یا روبو ادوایزرها ابزارهای هوشمند و خودکاری هستند که با استفاده از الگوریتم‌ها و هوش مصنوعی، خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری را به‌صورت شخصی‌سازی شده ارائه می‌دهند. این ابزارها با تحلیل دقیق اطلاعات مالی مشتریان، پرتفولیوی سرمایه‌گذاری مناسب را طراحی و مدیریت می‌کنند. مزایای استفاده از روبو ادوایزرها شامل هزینه کمتر، دسترسی آسان، سرمایه‌گذاری شخصی‌سازی شده، شفافیت و تعادل ریسک و بازده است. این ابزارها به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران مبتدی، افرادی با بودجه کم و کسانی که زمان کافی برای مدیریت فعال پرتفولیو خود ندارند، مناسب است. روبو ادوایزرها با حذف نیاز به مشاوران انسانی، فرآیند سرمایه‌گذاری را ساده‌تر، سریع‌تر و مقرون‌به‌صرفه کرده‌اند. این ابزارها با استفاده از الگوریتم‌ها برای کاهش هزینه‌ها و بهبود دسترسی، مشاوره سرمایه‌گذاری را خودکار می‌کنند. این یکی از محبوب‌ترین کاربردهای فناوری مالی است.

خدمات تحت پوشش بانکی و بدون پوشش بانکی

خدمات مالی برای افراد کم‌درآمد و محروم به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: خدمات تحت پوشش بانکی و خدمات بدون پوشش بانکی. خدمات تحت پوشش بانکی از طریق بانک‌ها و مؤسسات مالی ارائه شده و معمولاً دارای امنیت و تنوع خدمات بالایی هستند، اما ممکن است هزینه‌ها و شرایط دریافت آن‌ها برای افراد کم‌درآمد سنگین باشد. از سوی دیگر، خدمات بدون پوشش بانکی توسط مؤسسات مالی خرد، شرکت‌های فناوری مالی و سازمان‌های غیرانتفاعی ارائه شده و معمولاً انعطاف‌پذیرتر، با هزینه کمتر و دسترسی آسان‌تری دارند، اما ممکن است از نظر امنیت و تنوع خدمات محدودیت‌هایی داشته باشند. هدف اصلی هر دو رویکرد، شمول مالی است که به معنای دسترسی همه افراد به خدمات مالی با کیفیت و مقرون به صرفه است. برای ترویج شمول مالی، توسعه زیرساخت‌های مالی، تسهیل دسترسی به خدمات مالی دیجیتال، آموزش مالی، تسهیل قوانین و مقررات و حمایت از مؤسسات مالی خرد ضروری است.

امنیت سایبری

فناوری مالی و امنیت سایبری به دلیل گسترش جرائم سایبری و ذخیره‌سازی غیرمتمرکز داده‌ها به هم مرتبط هستند (کاگان، ۲۰۲۳). ارتباط عمیق بین امنیت سایبری و فناوری مالی، یکی از چالش‌های برجسته‌ی عصر دیجیتال است. با گسترش روزافزون جرائم سایبری و پیچیده‌تر شدن زیرساخت‌های فناوری مالی، حفاظت از داده‌ها و دارایی‌های مالی به یک اولویت حیاتی تبدیل شده است. افزایش حجم داده‌های مالی، ذخیره‌سازی غیرمتمرکز اطلاعات و وابستگی روزافزون به سیستم‌های مالی الکترونیکی، همگی بر اهمیت امنیت سایبری در این حوزه می‌افزایند. تهدیدات سایبری متنوعی مانند سرقت اطلاعات، کلاهبرداری‌های آنلاین، اختلال در خدمات و پولشویی، به طور مداوم صنعت مالی را تهدید می‌کنند. برای مقابله با این تهدیدات، سازمان‌های مالی باید به طور مداوم سیستم‌های امنیتی خود را به‌روزرسانی کرده، آموزش‌های امنیتی را برای کارکنان خود برگزار کنند، از روش‌های احراز هویت قوی استفاده کنند و به طور مداوم شبکه‌های خود را رصد کنند.

توسعه فناوری‌های نوین مانند بلاکچین و ارزهای دیجیتال، ضمن ایجاد فرصت‌های جدید، چالش‌های امنیتی جدیدی را نیز به همراه آورده است. این فناوری‌ها به دلیل ماهیت غیرمتمرکز خود، در برابر حملات سایبری آسیب‌پذیرتر هستند و نیازمند رویکردهای امنیتی متفاوتی هستند. همچنین، افزایش استفاده از دستگاه‌های تلفن همراه و اینترنت اشیا در حوزه مالی، سطح پیچیدگی تهدیدات سایبری را افزایش داده است. برای مقابله با این چالش‌ها، همکاری بین‌المللی، استانداردسازی پروتکل‌های امنیتی و توسعه فناوری‌های امنیتی جدید ضروری است. در نهایت، می‌توان گفت که امنیت سایبری و فناوری مالی دو روی یک سکه هستند و توسعه پایدار صنعت مالی بدون توجه به امنیت سایبری امکان‌پذیر نیست.

فناوری مالی اسلامی

فناوری مالی اسلامی، یک صنعت در حال رشد سریع، با ارائه راهکارهای نوآورانه مطابق با شریعت، در حال بازسازی چشم‌انداز مالی جمعیت مسلمانان است. در سال‌های اخیر، محبوبیت آن به آرامی افزایش یافته است. اصطلاح «فناوری مالی اسلامی» استفاده نوآورانه از فناوری دیجیتال در خدمات مالی را که به مقررات مالی اسلامی پایبند هستند، توصیف می‌کند. هدف ارائه طیف گسترده‌ای از کالاها و خدمات مالی مطابق با شریعت با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند تحلیل داده‌های بزرگ، بلاکچین و هوش مصنوعی است (احمد، فناوری مالی اسلامی چیست؟، ۲۰۲۳b).

فناوری مالی اسلامی در درجه اول بر کاربرد فناوری برای تولید سرمایه‌گذاری‌ها، کالاها، خدمات و راه‌حل‌های مالی که مطابق با شریعت هستند، تمرکز دارد. فناوری مالی مطابق با شریعت بر همان مفاهیمی که شریعت بر آن بنا شده است، استوار است که عدالت و اخلاق را با راه‌حل‌های فناوری مالی برای پیشرفت رفاه بشری ادغام می‌کند (آکادمی مصفا، ۲۰۲۱). این شامل ممنوعیت بهره، تقسیم سود و زیان، تأمین مالی مبتنی بر دارایی، اجتناب از قمار و گمانه‌زنی و تشویق سرمایه‌گذاری اخلاقی و حلال می‌شود. کسب‌وکارها و مصرف‌کنندگان به طور یکسان در سال‌های اخیر با افزایش چشمگیر محبوبیت آن، بیشتر و بیشتر از فناوری مالی اسلامی استفاده می‌کنند (احمد، ۲۰۲۳b). محبوب‌ترین خدماتی که صنعت فناوری مالی اسلامی ارائه می‌دهد عبارتند از:

- بانکداری اسلامی از فناوری دیجیتال برای کاهش هزینه‌ها و بهبود تجربه مشتری در حین ارائه کالاهای مطابق با شریعت استفاده می‌کند (احمد، ۲۰۲۳a).

- جمع‌سپاری و پلتفرم‌های هم‌تا به هم‌تا (P2P) مالی: جمع‌آوری سرمایه مطابق با شریعت بدون تأمین مالی مبتنی بر بهره از طریق پلتفرم‌های جمع‌سپاری و وام‌دهی هم‌تا به هم‌تا امکان‌پذیر می‌شود. برای تضمین انطباق با شریعت، این پلتفرم‌های تأمین مالی باید دارای مقررات شریعت کاملاً تعریف‌شده باشند. یک هیئت شریعت باید در شرکت‌هایی که این پلتفرم‌ها را اداره می‌کنند، مستقر شود تا روش‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری را نظارت کند و اطمینان حاصل کند که آن‌ها به شیوه‌های پذیرفته‌شده و استانداردهای فعلی شریعت پایبند هستند (آدام، ۲۰۲۱).

- تکافل بیمه‌ای را ارائه می‌دهد که با قانون شریعت مطابق است، از طریق مشارکت و تقسیم ریسک متقابل (احمد، ۲۰۲۳a).

- خدمات مدیریت دارایی و ثروت اسلامی: این خدمات، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ثروت را ارائه می‌دهند که مطابق با شریعت هستند. شرکت‌های فین‌تک اسلامی که خدمات مشاوره سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهند، باید اطمینان حاصل کنند که توصیه‌های آن‌ها صرفاً بر پروژه‌های مطابق با شریعت متمرکز است؛ آن‌ها نمی‌توانند مشتریان را به مشارکت در ابزارهای مالی که با شریعت مطابقت ندارند، توصیه کنند (آدام، ۲۰۲۱).

- کیف پول‌های دیجیتال و سیستم‌های انتقال پول مبتنی بر بلاک چین، نمونه‌هایی از راهکارهای پرداخت دیجیتال اسلامی هستند که از قانون شریعت پیروی می‌کنند.

فین تک اسلامی در حال بازتعریف صنعت مالی با ارائه طیف وسیعی از جایگزین‌های مالی پیشرفته و مطابق با شریعت به جمعیت رو به رشد مسلمانان است. فین تک اسلامی با استفاده از فناوری و درعین حال رعایت اصول بنیادین مالی اسلامی، سرمایه‌گذاری اخلاقی، شمول مالی و توسعه یک محیط مالی عادلانه‌تر و پایدارتر را تشویق می‌کند (احمد، ۲۰۲۳).

چگونه فین تک اسلامی با فین تک معمولی متفاوت است؟

فین تک و فین تک اسلامی به طور مشابه تعریف می‌شوند، با این تفاوت اصلی که فین تک اسلامی تابع مقررات شریعت است. فناوری مالی اسلامی زیرمجموعه‌ای از فناوری مالی است که با قوانین شریعت مطابقت دارد که سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی مرتبط با قمار، الکل و تنباکو، و همچنین بهره‌برداری از بدهی و پرداخت بهره را ممنوع می‌کند. فین تک اسلامی تلاش می‌کند از فناوری برای بهبود خدمات مالی درحالی که اصول شریعت را رعایت کند. اصول شریعت رفتار اخلاقی و عادلانه را تضمین می‌کند. هیچ محدودیت اخلاقی یا مذهبی برای فین تک معمولی وجود ندارد (احمد، ۲۰۲۳ب) (آکادمی مصطفی، ۲۰۲۱).

نتیجه‌گیری

حکمرانی سازمانی و معاملات اسلامی، هر دو بر پایه اصول اخلاقی و قانونی استوار هستند و ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. درحالی که سیستم مالی سنتی بر پایه بهره و سود فردی بنا شده است، معاملات اسلامی بر مشارکت و عدالت تأکید دارد. این سیستم مالی اسلامی که تحت قوانین شریعت اداره می‌شود، از ربا پرهیز کرده و بر مشارکت در سود و زیان تأکید دارد.

سیستم مالی سنتی که در بسیاری از نقاط جهان غالب است، به دلیل عدم توجه به عدالت و پایداری، مورد انتقاد قرار گرفته است. این سیستم بر اساس بهره و سود فردی بنا شده و می‌تواند به نابرابری و بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود. از سوی دیگر، سیستم مالی اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی و اجتماعی، به دنبال ایجاد یک سیستم مالی پایدارتر و عادلانه‌تر است.

با ظهور فین تک اسلامی، امکانات جدیدی برای اجرای اصول اسلامی در امور مالی فراهم شده است. این فناوری به توسعه محصولات و خدمات مالی نوآورانه‌ای کمک می‌کند که هم با نیازهای مسلمانان سازگار باشد و هم به بهبود سیستم مالی جهانی کمک کند. در نتیجه، رقابت بین سیستم‌های مالی اسلامی و سنتی افزایش یافته و به نفع مصرف‌کنندگان است. فین تک اسلامی با ترکیب فناوری و اصول اسلامی، به دنبال ایجاد یک سیستم مالی شفاف‌تر، مسئولانه‌تر و پایدارتر است.

فصل ششم: حکمرانی سازمانی و فین تک

مقدمه

در دنیای پرشتاب فناوری‌های مالی (فین تک)، جایی که نوآوری‌ها به سرعت در حال تغییر شکل‌دهی به صنعت خدمات مالی هستند، نقش حکمرانی سازمانی بیش از پیش برجسته شده است. با ظهور استارت‌آپ‌های فین تک، ارزش‌های دیجیتال و سایر فناوری‌های نوین، نیاز به چارچوب‌های نظارتی قوی و شفاف برای تضمین امنیت، پایداری و اعتماد در این صنعت احساس می‌شود.

مالی اجتماعی چیست؟

در سال‌های اخیر، درباره مالی اجتماعی بسیار صحبت شده است. این ایده از یک دسته خدمات مالی سرچشمه می‌گیرد که به دنبال استفاده از منابع خصوصی برای کاهش مشکلات در حوزه‌های مختلف هستند. رفاه اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست و سایر جنبه‌های منفعت عمومی نمونه‌هایی از این حوزه‌ها هستند. به طور خلاصه، عمل بسیج منابع مالی برای رسیدگی به نگرانی‌های اجتماعی و زیست محیطی، مالی اجتماعی نامیده می‌شود. این به معنای استفاده از استراتژی‌ها و ابزارهای مالی برای تولید بازدهی مالی برای سرمایه‌گذاران در حالی است که همزمان تأثیر مثبت اجتماعی و زیست محیطی نیز دارند. در اصل، مالی اجتماعی به عنوان پلی بین اهداف سود محور بخش خصوصی و هدف بشردوستانه ترویج رفاه جامعه عمل می‌کند. این شامل هر استراتژی سرمایه‌گذاری فعالانه‌ای است که باهدف دستیابی به پیشرفت‌های قابل اندازه‌گیری در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی یا زیست محیطی است. مالی اجتماعی اسلامی اساساً همان مالی اجتماعی معمولی است، با این ویژگی اضافی که به اصول اخلاقی اسلامی و رعایت شریعت پایبند است (به روز رسانی‌های اخلاقی، ۲۰۲۲).

مالی اجتماعی اسلامی چیست؟

مالی اسلامی بر تأمین مالی مبتنی بر ارزش و تأثیرگذاری که با اصول مقاصد الشریعت مطابقت دارد، تمرکز دارد. ایده‌های بنیادین مالی اسلامی، رشد اقتصادی عادلانه، جامع و از همه مهم‌تر پایدار را تشویق می‌کنند. این مالی‌گذاری از تولید و توزیع ثروت به صورت عادلانه حمایت می‌کند. مفاهیم تقسیم سود و زیان در مالی اسلامی و بخشش خیریه در مالی اجتماعی اسلامی، ایده "هیچکس را جا نگذار" را نشان می‌دهند که طبق آن ثروتمندان مسئولیت دارند تا به عنوان دارندگان حقوق، به محرومان کمک کنند تا شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را بهبود بخشند. مالی اسلامی باید بر این ایده مبتنی باشد که همانطور که طبیعت بر اساس اصل تعادل ایجاد شده است، وظیفه انسان به عنوان خلیفه خدا است که اطمینان حاصل کند که اعمال او به سلامت کل سیاره آسیب نمی‌رساند (اشتاینباخ و خالد، ۲۰۲۲).

مالی اجتماعی اسلامی اصطلاحی است که برای توصیف شیوه‌های مالی استفاده می‌شود که ریشه در اخلاق اسلامی دارند و هدف آن‌ها بهبود جامعه است (رحمان، ۲۰۱۹). هدف آن جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی و حفظ تعادل ثروت در جامعه است (کمک اسلامی، ۲۰۱۹).

اصول اصلی نظام مالی اسلامی عبارتند از (ZA Technologies، ۲۰۲۲):

- تقسیم سود و زیان (PLS)
- ممنوعیت معاملات مبتنی بر بهره
- ممنوعیت ایجاد ثروت از طریق سفته‌بازی (مایسر) و عدم اطمینان (غرر)
- اجتناب از سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای حرام یا ممنوع
- ترویج رفاه اجتماعی و عدالت

ابزارهای مالی اجتماعی اسلامی

مالی اجتماعی اسلامی به تعدادی از محصولات مالی اشاره دارد که برای منفعت اجتماعی طراحی شده‌اند و بر اساس اصول و اخلاق اسلامی مبتنی بر دستورات قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) هستند. این مکانیسم‌ها با ترویج تأمین مالی مبتنی بر جامعه که به حل مسائل اجتماعی کمک می‌کند، قصد دارند ثروت را در جامعه متعادل کنند و از بهره‌کشی اقتصادی جلوگیری کنند. در اینجا چند مورد از این ابزارها وجود دارد:

- خیریه: مانند زکات (صدقه واجب)، صدقه (صدقه اختیاری) و وقف (وقف)
 - همکاری: مانند قرض (وام) و تکافل (بیمه) و
 - سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی: از طریق صکوک (اوراق قرضه) و سازمان‌های کوچک مالی اسلامی غیرانتفاعی که با اعطای قرض الحسنه (وام بدون بهره) هدف کاهش فقر را دارند. (کمک اسلامی، ۲۰۱۹)
- جزئیات برخی از این ابزارها به شرح زیر است:

زکات (صدقه واجب)

زکات یکی از پنج رکن اسلام است. زکات مالیاتی سالانه است که بر درآمد و ثروت محاسبه می‌شود و ۲.۵ درصد از کل دارایی یک فرد را تشکیل می‌دهد. در اسلام، این نوعی صدقه است که از هر مسلمان دارای ثبات مالی انتظار می‌رود، به استثنای کسانی که بسیار محروم هستند. این مالیات بر توزیع مجدد ثروت در جامعه تمرکز دارد و از افراد واجد شرایط می‌خواهد تا درصدی از ثروت خود را برای کمک به محرومان اهدا کنند. مسلمانان زکات را وسیله‌ای برای برکت، افزایش و تصفیه ثروت خود می‌دانند. زکات وسیله‌ای است که از طریق آن یک مسلمان می‌تواند روح خود را از رذایل مانند غرور، حرص، خودخواهی و بخل تصفیه کند. همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا نسبت به کسانی که کمتر خوشبخت هستند، دلسوزتر شوند. مسلمانانی که زکات می‌پردازند، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به زندگی محرومان کمک می‌کنند. سیستم

زکات اغلب به عنوان سهم اسلامی در عدالت اجتماعی در سراسر جهان تلقی می شود، زیرا به طور مؤثری ثروت جامعه را در بین فقرا توزیع می کند و شکاف یا تقسیم بین ثروتمندان و فقرا را کاهش می دهد. برنامه های مختلف رفاه اجتماعی، از جمله برنامه هایی که به فقر، آموزش، مراقبت های بهداشتی و کمک های اضطراری رسیدگی می کنند، بخشی از درآمد زکات تأمین می شوند (ماتین، ۲۰۲۱) (اشتاینباخ و خالد، ۲۰۲۲).

وقف (وقف) یک وقف یا اعطای اموال یا دارایی توسط یک مسلمان برای اهداف بشردوستانه، آموزشی یا مذهبی است. این یک ابزار مهم برای دستیابی به توسعه اجتماعی اقتصادی است و با کاربرد مناسب می تواند به طور قابل توجهی به از بین بردن فقر و کاهش بیکاری کمک کند و در نتیجه موقعیت اجتماعی جوامع مسلمان را ارتقا دهد. ایجاد دارایی های اجتماعی توسط نهاد وقف نوید بخش ایجاد سازمان های قوی غیرانتفاعی است که می توانند مسائل اجتماعی مانند مراقبت های بهداشتی، آموزش و سایر نیازهای جوامع مسلمان را حل کنند. این می تواند وقف را قادر سازد تا اهداف خیریه و اقتصادی خود را برآورده کند (حسن، ۲۰۱۸).

وقف به معنای وقف یا اختصاص دادن اموالی برای انجام امور خیر و نیکوکاری است. این اموال به گونه ای وقف می شوند که تنها منافع آن ها (مانند اجاره یا سود حاصل از آن ها) برای اهداف مشخصی مانند ساخت مدرسه، بیمارستان یا کمک به فقرا استفاده شود. هرگونه تغییر در کاربری این اموال یا استفاده از آن ها برای اهداف غیر خیرخواهانه، ممنوع است. وقف نوعی صدقه جاریه یا خیریه مستمر است؛ بدین معنا که با وقف کردن اموالی، فرد خیریه ای را اهدا می کند که منافع آن به طور مداوم و همیشگی برای هدف مشخصی به کار می رود (مجله حلال، ۲۰۲۱).

صدقه

صدقه اهدای داوطلبانه و اعمال خیریه انجام شده برای بهره مندی محرومان به منظور خشنودی خداوند است. دادن آنچه خداوند به ما عطا کرده است، یک وظیفه معنوی برای هر مسلمانی است که آرزوی احترام به او را دارد. هر کسی می تواند در هر زمان از سال صدقه دریافت کند. صدقه محدود به دارایی های مادی، ثروت، پول یا اعمال نیک نیست. در اسلام، هر عمل نیکی که برای نفع دیگری انجام شود (برای رضای خداوند) به عنوان صدقه شناخته می شود (اناس، ۲۰۱۸). صدقه می تواند برای تأمین مالی انواع پروژه های اجتماعی از جمله کمک های اضطراری، مراقبت های بهداشتی، آموزش و مبارزه با فقر استفاده شود.

قرض الحسنه (وام بدون بهره)

در امور مالی اسلامی، وامی که فاقد بهره است به عنوان قرض الحسنه یا به سادگی قرض الحسنه شناخته می شود. هنگامی که قرض الحسنه در یک معامله دخیل است، قرض گیرنده معمولاً مبلغ بدهی را تحت مبلغ اصلی بدون هیچ گونه افزایش یا بهره اضافی بازپرداخت می کند. برخلاف وام های معمولی، وام های قرض الحسنه بهره ای کسب نمی کنند یا با گذشت زمان افزایش نمی یابند. محصولات مالی ارائه شده توسط قرض الحسنه با مقررات شریعت مطابقت دارند که بیان

می کنند هرگونه پرداخت بهره، چه اخذ شده یا پرداخت شده، ممنوع است. برای مسلمانانی که می خواهند بدون پرداخت بهره وام بگیرند، این وام ها راه حل های مشکل گشا و وسیله ای برای رفع نیازهای مالی آنها هستند.

مفهوم اسلامی قرض الحسنه، مسلمانان را قادر می سازد تا ایده آل های عدالت اجتماعی که پایه و اساس مالی اسلامی هستند را پیش ببرند. بدون رفتن در خلاف قانون شریعت، مالی اسلامی به افرادی که پول دارند اجازه می دهد تا آن را به دیگران که آن را ندارند قرض دهند. قرض الحسنه را می توان به عنوان یک توافقنامه وام خیریه در نظر گرفت. شرایط وام با یک توافقنامه امضا شده بین وام دهنده و وام گیرنده تأیید می شود. در صورت بروز مشکلات برای وام گیرنده، وام دهنده موظف است دوره بازپرداخت را تمدید کند. همچنین وام دهنده می تواند در صورت تمایل از بازپرداخت بخشی یا تمام وام صرف نظر کند (داهر، ۲۰۲۱) (IRW، ۲۰۱۹).

بهره برداری از فین تک اسلامی برای تأثیر اجتماعی

فین تک و فین تک اسلامی

سریع ترین بخش رشد صنعت فناوری اطلاعات، فناوری مالی یا "فین تک" است. پیشرفت در امنیت سایبری، تحلیل داده ها و پلتفرم های نرم افزاری و همچنین تقاضای جدید مصرف کننده، خدمات مالی را برای ارتقا و ساده سازی عملیات سوق داده است. فین تک نه تنها سریع تر، روان تر، مبتکرانه تر و آسان تر برای استفاده است، بلکه می تواند خدمات مالی را با هزینه کمتر ارائه دهد. فین تک اسلامی، کاربرد "فین تک" به چارچوب اخلاقی و قانونی اساسی شریعت اسلامی است. فین تک اسلامی، مانند فناوری های مالی سنتی، فرصتهایی را برای سرمایه گذاری های اخلاقی، کاهش فقر، حمایت از برابری جنسیتی و دسترسی آسان تر به خدمات مالی اسلامی (IIFS) باز می کند (حسن، ابراهیم، ربانی و بانا، ۲۰۲۲).

فین تک اسلامی و مالی اجتماعی اسلامی

فین تک در صنعت مالی اجتماعی اسلامی نیز روز به روز محبوب تر می شود. کاربرد کارآمد فناوری های فین تک در صنعت خدمات مالی می تواند فراتر از دسترس کانال های سنتی، نحوه جمع آوری مالی توسعه از جامعه و توزیع آن به دریافت کنندگان را متحول کند. فناوری مالی اسلامی (فین تک) می تواند هزینه های تراکنش بازار را کاهش داده و نوآوری را تحریک کند. نمونه هایی از این نوآوری ها شامل بانکداری دیجیتال و پلتفرم های جمع سپاری است که تخصیص سریع تر منابع به کسب و کارها و پروژه ها را امکان پذیر می کنند. فین تک به عنوان یک ابزار مفید برای افراد زیربانک و کسب و کارهای کوچک و متوسط (SMEs) که در طول همه گیری کووید-۱۹ نتوانسته اند از طریق سنتی مالی دریافت کنند، اثبات شده است. با دیجیتالی کردن صنعت مالی اسلامی، به ویژه در مورد دیجیتالی کردن محصولات مالی اسلامی مانند زکات، صدقات و وقف، پتانسیل زیادی برای کاهش هزینه های مرتبط با ناکارآمدی های بخش وجود دارد. پذیرش فناوری می تواند اثربخشی و کارایی بسیج و توزیع منابع مالی را بهبود بخشد. به عنوان مثال، می توان از بلاک چین و هوش

مصنوعی (AI) برای پیوند پایگاه‌های داده و نظارت بر نیازها و پیشرفت ذینفعان استفاده کرد. مزایا همچنین شامل توزیع سرمایه تأثیر اجتماعی در بین سازمان‌های غیرانتفاعی است که از ابتکارات یا گروه‌های خاصی حمایت می‌کنند (اشتاینباخ و خالد، ۲۰۲۲).

کاربرد فین تک اسلامی: مدیریت زکات

توزیع و جمع‌آوری زکات به اندازه کافی مؤثر انجام نمی‌شود. فناوری‌های مالی اسلامی می‌توانند مدیریت سیستم زکات را به طور قابل توجهی بهبود بخشند. بیایید به روش‌هایی که فناوری در حال تغییر چشم‌انداز زکات است و نحوه تعامل زکات و فین تک اسلامی نگاه کنیم.

۱. خودکارسازی و محاسبه

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که مسلمانان در زمینه زکات با آن مواجه هستند، دقیقاً محاسبه میزان بدهی خود است. این روش می‌تواند پیچیده باشد زیرا شامل چندین متغیر از جمله انواع مختلف دارایی و نصاب (حداقل آستانه ثروت) می‌شود. اینجاست که راه‌حل‌های فین تک اسلامی مانند یک برنامه موبایل که محاسبه زکات را آسان‌تر می‌کند، بسیار مفید هستند. با چند کلیک، کاربران می‌توانند با وارد کردن داده‌های مالی مربوطه، به سرعت مسئولیت‌های زکات خود را تخمین بزنند. این نرم‌افزار با در نظر گرفتن انواع مختلف دارایی از جمله نقدی، طلا، نقره، سهام و املاک، محاسبه دقیق و کاملی را تضمین می‌کند. مسلمانان می‌توانند با کمک این برنامه دیجیتال، به راحتی و با اطمینان تکالیف زکات خود را انجام دهند (آدام، ۲۰۲۱).

۲. جمع‌آوری و توزیع

مشکل بعدی سیستم زکات، جمع‌آوری و تخصیص کارآمد منابع مالی به ذینفعان واجد شرایط است. این روش همیشه دستی بوده و شامل خیریه‌های محلی و همچنین تراکنش‌های نقدی می‌شد. با این حال، شرکت‌های فین تک اسلامی مانند GlobalSadaqah و Skolafund با توسعه اکوسیستم‌های دیجیتال برای مدیریت زکات، این استراتژی را به روز می‌کنند. به عنوان مثال، مصرف‌کنندگان می‌توانند از پلتفرم جمع‌سپاری آنلاین Skolafund برای اهدای زکات خود به حمایت از آموزش استفاده کنند. Skolafund با اتصال اهداکنندگان به دانش‌آموزانی که نیاز به حمایت مالی دارند، توزیع شفاف و مؤثری از وجوه را ترویج می‌کند و در نتیجه به ارتقای جوامع از طریق آموزش کمک می‌کند.

۳. شفافیت و پاسخگویی

یکی از مهم‌ترین مزایای فین تک اسلامی، افزایش شفافیت و پاسخگویی است که به سیستم زکات می‌آورد. در گذشته، اهداکنندگان اغلب با عدم اطمینان در مورد استفاده صحیح از کمک‌های زکات خود مواجه می‌شدند. پلتفرم‌های

فین تک اسلامی می‌توانند با استفاده از یک سیستم نوآورانه زکات، ادغام رابط‌های وب، موبایل و تحلیل که توسط علاقه‌مندان به بلاک چین پیشنهاد شده است، دید بهتری در مورد نحوه استفاده از وجوه و اطمینان از رسیدن آن‌ها به دریافت‌کنندگان مورد نظر ارائه دهند. این سیستم می‌تواند به طور قابل توجهی کارایی و شفافیت صنعت را افزایش دهد. بلاک چین با گردآوری همه ذینفعان در یک پلتفرم واحد، شفافیت را فراهم می‌کند. کارایی در ترکیب رابط‌های متنوع با بلاک چین خواهد بود. علاوه بر این، فناوری دیجیتال آگاهی و دسترسی را افزایش می‌دهد. تحلیل‌ها می‌توانند به تعیین نیازها و نشان دادن مناطقی که به منابع نیاز دارند کمک کنند (آدام، ۲۰۲۱).

۴. شمول مالی

فین تک اسلامی می‌تواند با ارائه دسترسی آسان‌تر به وجوه زکات و همچنین خدمات مالی مهم به افراد زیربانک یا بدون بانک، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، شمول مالی را به طور قابل توجهی بهبود بخشد. طیف گسترده‌ای از امکانات جالب وجود دارد، از ابزارهای محاسبه زکات مبتنی بر هوش مصنوعی تا پلتفرم‌های مالی غیرمتمرکز (DeFi) مطابق با شریعت. در نهایت، ترکیب فین تک اسلامی و زکات می‌تواند علاوه بر مؤثرتر و شفاف‌تر کردن دادن خیریه، تأثیر اجتماعی و تغییر مثبت بیشتری را در جوامع سراسر جهان ترویج کند (احمد، ۲۰۲۱).

توسعه پلتفرم‌های وقف

کاربرد فین تک اسلامی در وقف و مالی اجتماعی اسلامی می‌تواند با ارائه خدمات مالی مطابق با شریعت به افراد زیربانک و بدون بانک، مدیریت و استفاده از دارایی‌های وقف را بهبود بخشد، شمول مالی را تقویت کند و رفاه اجتماعی را ارتقا دهد. استفاده از پروژه‌های مبتنی بر بلاک چین برای IIFS آنها به انتها، مانند وقف، و کاربرد خدمات مالی مبتنی بر فین تک، مانند تحلیل پیشرفته داده‌ها، هوش مصنوعی و بلاک چین، برای بهبود کارایی و شفافیت توزیع ابزارهای مالی اجتماعی اسلامی، برخی از نمونه‌های کاربردهای فین تک اسلامی در وقف و مالی اجتماعی اسلامی هستند.

فین تک اسلامی از طریق قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاک چین، امکان ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال وقف را فراهم کرده است که به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد وجوه وقف را به سازمان‌های خیریه مختلف اهدا کنند. به‌عنوان مثال، WaqfChain از فناوری بلاک چین برای ارائه یک اکوسیستم شفاف و ایمن وقف استفاده می‌کند. هدف یک وقف می‌تواند توسط وقف‌کننده (waqif) مشخص شود و می‌تواند از عمومی مانند کمک به محرومان تا بسیار خاص متغیر باشد. وقف‌نامه می‌تواند به‌عنوان یک الگوریتم خوداجرا در قالب یک قرارداد هوشمند برنامه‌ریزی شود. هر تراکنش مربوط به پول وقف و استفاده از آن به طور دقیق و شفاف در بلاک چین مستند خواهد شد. کاربران بلاک چین قادر خواهند بود هر مرحله از چرخه تراکنش را تأیید کنند و قراردادهای هوشمند تضمین می‌کنند که کلیه الزامات استفاده از وجوه مطابق با کد الگوریتم برآورده می‌شود. فیتترا، یک شرکت سنگاپوری، “Waqf Chain” را ایجاد کرد، یک وب‌سایت جمع‌سپاری برای وقف. این از “قراردادهای هوشمند” استفاده می‌کند که با ابتکارات خاص وقف مرتبط هستند. از طریق استفاده از

جمع‌سپاری، مدل تجاری امکان جمع‌آوری و تخصیص وجوه وقف به‌ویژه برای پروژه‌های اجتماعی مانند مساجد، مدارس و سایر ابتکارات رفاهی را فراهم می‌کند (عالم، گپتا و زامنی، ۲۰۱۹).

جمع‌آوری و مدیریت صدقات

پیشرفت فین تک اسلامی باعث شده است تا جمع‌آوری، مدیریت و توزیع کمک‌های مالی (صدقات) بسیار مؤثرتر و ساده‌تر شود. بسیاری از سازمان‌های خیریه برای جمع‌آوری کمک‌های مالی از مردم، سرویس‌های پیامکی راه‌اندازی کرده‌اند. با ارسال یک پیامک به یک کد خاص، مبلغ مورد نظر از حساب فرستنده کسر شده و به حساب سازمان منتقل می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان از بیمارستان شفقت خانم نام برد. این کار باعث افزایش جمع‌آوری صدقات می‌شود زیرا برای هر دو طرف راحت است. بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد و خیریه وبسایت‌ها و برنامه‌های رسمی خود را دارند که در آن‌ها برنامه‌ها و کمپین‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی را برای رویدادهای خاص مانند زلزله و سیل یا برنامه‌های کمک‌رسانی منظم به بیمارستان‌ها و سایر سازمان‌های عام‌المنفعه اجرا می‌کنند. بازدیدکنندگان می‌توانند به کمپین‌های مختلف دسترسی پیدا کنند، کمک‌های مالی خود را انجام دهند و به‌طور مرتب از تأثیر کمک‌های خود مطلع شوند.

قرض الحسنه

سیستم‌های مالی اسلامی بر عدالت اجتماعی-اقتصادی و رفاه جامعه، به‌ویژه ریشه‌کنی فقر تأکید دارند. قرض الحسنه یا وام بدون بهره، به همراه صدقه و زکات، از ابزارهای مالی اسلامی حیاتی برای توزیع مجدد ثروت است. درعین حال که قرض الحسنه با قوانین شریعت اسلامی مطابقت دارد، هزینه‌های استقرار را به حداقل می‌رساند. برای مسلمانانی که به‌طور سنتی از بخش‌ها و بازارهای مالی سنتی که معیارهای مذهبی آن‌ها را برآورده نمی‌کرد، دور نگه داشته می‌شدند، فین تک اسلامی آزادی مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را ایجاد می‌کند.

وام‌های قرض الحسنه، همانطور که توسط قوانین شریعت تعریف شده است، کمک‌های خیرخواهانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که توسط افراد خیر به نیازمندان تعلق می‌گیرد. اکنون هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان می‌توانند از طریق خدمات بانکداری اسلامی برای دریافت وام قرض الحسنه اقدام کنند. علاوه بر این، به لطف توسعه فناوری اطلاعات و اخبار مربوط به محصولات و وبسایت‌های قرض، یافتن و جستجوی خدمات مالی قرض الحسنه به‌صورت آنلاین، به‌ویژه در مناطق خاورمیانه، آسان‌تر شده است. در نتیجه، اکنون تقاضا و عرضه بیشتری برای خدمات قرض وجود دارد.

وام‌های قرض الحسنه از نظر تاریخی برای افزایش اشتغال، ترویج رشد اقتصادی و کاهش فقر مفید بوده‌اند (داهر، ۲۰۲۱). توسعه پلتفرم‌های جمع‌سپاری، هوش مصنوعی و فناوری بلاک‌چین به اتصال کارآمدتر سرمایه‌گذاران و نیازمندان از طریق یک سیستم شفاف و قابل اعتماد کمک کرده است که به نوبه خود باعث بهبود شمول مالی و عدالت اجتماعی شده است.

اگرچه همه‌گیری کووید-۱۹ و چشم‌انداز اقتصادی پس از آن، به‌طور قابل توجهی تقاضا برای فین تک را افزایش داده است و زیرساخت‌های مالی فعلی را بازسازی می‌کند، اما همچنان کارهای زیادی برای تشویق به پذیرش بیشتر راه‌حل‌های فین تک اسلامی وجود دارد. برای اینکه فین تک به طور کامل در صنعت مالی اسلامی ادغام شود، تنظیم‌کننده‌های مالی باید چارچوب‌های حقوقی و نظارتی قوی ایجاد کنند که توسط کارشناسان شرعی تأیید شده باشد.

حکمرانی سازمانی اسلامی

اصطلاح “حکمرانی سازمانی اسلامی” چارچوبی را توصیف می‌کند که کسب‌وکارها را مطابق با اخلاق و ارزش‌های اسلامی هدایت و کنترل می‌کند. بنابراین، پایه و اساس پاسخگویی و منبع اصلی اقتدار در حکمرانی سازمانی اسلامی، از شریعت اسلامی گرفته شده است (لوئیس، ۲۰۰۵). ریشه‌های حکمرانی اسلامی در قرآن کریم، سنت‌ها (سنت) و اعمال چهار خلیفه “هدایت‌شده درست” یافت می‌شود که در پیروی از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به توسعه دولت اسلامی کمک کردند (لوئیس، ۲۰۱۴).

حکمرانی سازمانی اسلامی به‌ویژه توسط دو عامل اداره می‌شود و عبارتند از:

یکی این ایده است که قانون اسلامی یا شریعت، حوزه قضایی مدنی و کیفری دارد و بر تمام جنبه‌های زندگی، از جمله اخلاقی و اجتماعی، اقتدار دارد. واژه عربی “شریعت” به معنای واقعی “راه به سوی منبع زندگی” است، اما در کاربرد فنی‌تر، به یک سیستم قانونی اشاره دارد که استانداردهای اخلاقی تعیین شده توسط سنت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و قرآن کریم را رعایت می‌کند. مسلمانان موظف‌اند که از دستورالعمل‌های اخلاقی مبتنی بر اصول اسلامی پیروی کنند و خود را مطابق با قانون اسلامی رفتار کنند. علاوه بر تعریف آنچه صادق، منصفانه و عادلانه است، این اصول اخلاقی همچنین ماهیت وظایف تجاری، اولویت‌ها برای جامعه و برخی الزامات خاص حکمرانی را مشخص می‌کنند. دوم، مفاهیم خاص اقتصادی و مالی اسلامی نه تنها مجموعه‌ای از اخلاق تجاری را ارائه می‌دهند، بلکه مستقیماً بر شیوه‌ها و سیاست‌های شرکتی تأثیر می‌گذارند. این امر مستلزم ایجاد یک سیستم اقتصادی مبتنی بر سود و زیان تقسیم شده است. همچنین شامل معرفی زکات (مالیات صدقه)، ممنوعیت ربا، ممنوعیت گمانه‌زنی و ممنوعیت مشارکت در کسب‌وکارهای حرام است.

اصل تصمیم‌گیری در حکمرانی سازمانی اسلامی

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی نیز سه بعد تصمیم‌گیری را تعیین می‌کند: توسط چه کسی، برای چه کسی و با چه

کسی و به چه کسی

توسط چه کسی

قرآن کریم در مورد چگونگی تصمیم‌گیری در یک شکل اسلامی حکمرانی بسیار واضح است: «کسانی که به پروردگار خود پاسخ می‌دهند و نماز را به‌طور منظم برقرار می‌کنند؛ کسانی که امور خود را با مشورت متقابل اداره می‌کنند؛ کسانی که از آنچه به آنها برای امرار معاش می‌دهیم، خرج می‌کنند.» (الشوری، ۴۲:۳۸)

شور یا مشورت، کلید تصمیم‌گیری خوب، صادقانه و عادلانه در اسلام است. اگر کسی متعهد به خدمت به خدا باشد، باید اطمینان حاصل کند که رفتار او در زندگی شفاف است و توسط مشورت با کسانی که حق دارند برای خود صحبت کنند، تصمیم گرفته می‌شود. این را می‌توان در معاملات تجاری بین شرکا یا طرف‌های ذی‌نفع و در امور دولتی بین مقامات و مردم مشاهده کرد. اسلام تشویق می‌کند که ذینفعان هنگام تصمیم‌گیری آزادانه و آشکارا با هم همکاری کنند زیرا قرآن کریم روشن می‌کند که هر تصمیمی که شامل چندین طرف باشد، باید بر اساس اصول شور دسترسی و مشورت شود (لوئیس، ۲۰۰۵).

دلایل تصمیم‌گیری مشورتی

سه دلیل پشت تصمیم‌گیری مشورتی وجود دارد:

اول، افرادی که بیشترین تأثیر را از یک تصمیم خواهند داشت و یا کسانی که مسئول اجرای آن هستند، باید به دلایل اخلاقی و مطابق با اصول اساسی اسلامی عدالت، در تصمیم‌گیری آن دخیل باشند.

دوم، مشورت و رسیدن به اجماع، از نقض حقوق دیگران و تحمیل اراده خود بر آنها از روی خودخواهی یا اعتقاد به اهمیت نظرات خود توسط یک نفر یا تعداد کمی از افراد جلوگیری می‌کند. در اسلام، چنین رفتاری نفرت‌انگیز است.

سوم، تصمیم‌گیری امانتی حیاتی از جانب خداست. اسلام از افرادی که این امانت را در دست دارند می‌خواهد که صداقت، انصاف، گفتگو و روحیه رسیدن به اجماع را در میان کسانی که در تصمیم‌گیری جمعی دخیل هستند، القا کنند.

برای چه کسی

در اسلام، پاسخ به این سؤال که "برای چه کسی" ساده است: برای خشنودی خدا و اطاعت از او. این اساس را به‌عنوان اصل بنیادی اسلام فراهم می‌کند که خشنودی خدا و زندگی کردن زندگی خود در اطاعت از دستورات او است. تمام تلاش‌های انسانی، از جمله تجارت و اقتصاد، در نهایت هدف خشنودی خدا را دارند و روش‌های استفاده شده نباید هرگز از قانون اسلامی یا شریعت منحرف شوند. پیامبران قرآن توسط پیامبر محمد (صلی الله علیه وسلم) و یارانش در توسعه یک کد رفتاری اجتماعی قابل قبول پیروی می‌شدند. این استاندارد طلایی است که تمام معاملات تجاری و مالی باید برای تضمین پایبندی به دستورات خدا انجام شود (لوئیس، ۲۰۰۵).

در اوایل تشکیل دولت اسلامی، برای نهادینه کردن، جاودانه کردن و حفظ کدها و اطمینان از رعایت اصول شریعت، نهاد حسبه برای اطمینان از رعایت الزامات شریعت تأسیس شد. این یک دفتر مدیریت محلی بود، دفتر "بازرس بازار" نامیده می‌شد. دارنده آن عنوان محتصب داده می‌شد و به او مسئولیت انجام تعهد جمعی در قرآن کریم برای "تشویق به

خیر و بازداری از شر" واگذار می‌شد. محتصب مسئول اجرای رفتار اسلامی در امور جامعه و رفتار در بازار، مانند دقت و صداقت در معاملات تجاری بود.

با چه چیزی و برای چه کسی

روند نظارت مستقل دینی به‌عنوان سومین ستون سیستم حکمرانی سازمانی اسلامی عمل می‌کند و تضمین می‌کند که همه عملیات تجاری، توافق نامه‌ها و پروتکل‌ها مطابق با کد اسلامی باشند. یک مسلمان معتقد است که همه منابع از جانب خداست و خدا مالک حقیقی تمام ثروت است. افراد به‌عنوان صرفاً امین، در نهایت مسئولیت پاسخگویی در برابر خدا را دارند. هدف حسابرسی مذهبی اطمینان دادن به ذینفعان و طرف‌های غیر مذهبی است که شرکت مطابق با قوانین خدا تجارت می‌کند. اگرچه رویه‌های مربوط به نظارت دینی به بهترین وجه در زمینه مؤسسات مالی اسلامی نشان داده می‌شود، مفاهیم حکمرانی بر تمام تلاش‌های تجاری اعمال می‌شود. هدف از حسابرسی و نظارت مذهبی عبارت است از (لوئیس، ۲۰۰۵):

نظارت دینی در شرکت‌های اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. این نظارت تضمین می‌کند که تمام فعالیت‌های یک شرکت، از قراردادهای و محصولات گرفته تا مدیریت مالی، مطابق با اصول اسلامی باشد. نظارت دینی به سه طریق به این هدف دست می‌یابد: اول، راهنمایی هیئت مدیره و مدیریت برای اطمینان از اسلامی بودن تصمیمات و اقدامات. دوم، ارائه گزارش شفاف به سهامداران در مورد پایبندی شرکت به اصول اسلامی. سوم، حسابرسی وجوه زکات برای اطمینان از توزیع عادلانه و شفاف آن.

یکی از مهم‌ترین وظایف نظارت دینی، راهنمایی هیئت مدیره و مدیریت شرکت است. نظارت دینی به این افراد کمک می‌کند تا مطمئن شوند که تمام قراردادهای، محصولات و تصمیمات شرکت با اصول اسلامی سازگار هستند. به عبارت دیگر، نظارت دینی مانند یک مشاور مذهبی برای شرکت عمل می‌کند و اطمینان حاصل می‌کند که هیچ‌گونه فعالیت‌هایی در شرکت انجام نمی‌شود که با اسلام در تضاد باشد.

نظارت دینی همچنین مسئول ارائه گزارش به سهامداران است. این گزارش به سهامداران نشان می‌دهد که شرکت تا چه اندازه به اصول اسلامی پایبند است. با وجود این گزارش، سهامداران می‌توانند با اطمینان خاطر سرمایه‌گذاری کنند، زیرا می‌دانند که سرمایه‌گذاری آن‌ها در یک شرکت اسلامی، مطابق با ارزش‌های مذهبی آن‌ها است.

یکی دیگر از وظایف مهم نظارت دینی، حسابرسی وجوه زکات است. زکات یکی از واجبات اسلامی است و شرکت‌های اسلامی موظف هستند که بخشی از سود خود را به‌عنوان زکات پرداخت کنند. نظارت دینی مسئولیت دارد تا مطمئن شود که این وجوه به درستی محاسبه شده، مدیریت می‌شود و به نیازمندان پرداخت می‌شود. این کار تضمین می‌کند که وجوه زکات به‌صورت شفاف و عادلانه توزیع می‌شود. می‌توان گفت که دستورالعمل‌های حکمرانی سازمانی اسلامی در دنیای تجارت و بازرگانی کاملاً ساده هستند. مفهوم شورا و نهاد حسبه که با فرآیندی کاملاً مستقل از نظارت مذهبی توسط حسابرسی که انتصاب و تجدید انتصاب آنها وابسته به مدیریت نیست و هنگام ارزیابی اسلامی بودن قراردادهای تجاری و مالی به مدیریت متکی نیستند، نشان دهنده یک سازمان تجاری اسلامی با اعمال صحیح است.

حکمرانی سازمانی اسلامی در مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی

در حال حاضر ۲۸۴ مؤسسه در ۳۸ کشور مسلمان و غیرمسلمان وجود دارند که با ارائه خدمات مالی اسلامی (IIFS)، به شکل گیری صنعت عظیم بانکداری اسلامی در جهان کمک کرده‌اند. زمانی که IIFS برای اولین بار آغاز به کار کرد، به وضوح فاقد یک چارچوب رسمی و دقیق بود. با این حال، مجموعه شیوه‌ها و مبانی نظری آن‌ها یک ماهیت منحصر به فرد دارد و همین امر باعث می‌شود که ایجاد نظم و ارائه پاسخ‌های مناسب برای تنظیم‌کننده‌ها دشوار شود. پاسخی فراتر از صرفاً اضافه کردن قوانین و مقررات جدید که برای مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی سنتی (ICFS) اعمال می‌شود، نیاز است. در نتیجه، تعدادی از کشورها قوانین و مقررات خاصی را برای IIFS وضع کرده‌اند و سازمان‌های بین‌المللی نیز با اصلاح استانداردهای مدرن و پیوستن به اقدامات مشترک شناخته شده‌اند.

- حکمرانی سازمانی (CG) سالم برای مؤسسات مالی ممکن است از سازمان‌های جدید اهمیت بیشتری داشته باشد.
- دارایی‌های مؤسسات مالی اسلامی (IIFS) بزرگ و در حال رشد هستند.
- حکمرانی سازمانی سالم برای رشد مالی حیاتی است.
- نقاط ضعف حکمرانی سازمانی IIFS نمی‌تواند به طور کافی در چارچوب‌های استاندارد حکمرانی سازمانی مورد توجه قرار گیرد.

کار IIFS بر بیش از ۲۰٪ از جمعیت جهان، عمدتاً در کشورهای در حال توسعه، تأثیر می‌گذارد. بیش از ۲۰٪ از جریان‌های اقتصادی در برخی از سیستم‌های مالی ممکن است به IIFS مربوط باشد. علاوه بر این، به دلیل وجود IIFS، گروه‌های اجتماعی که معمولاً از سیستم‌های مالی استفاده نمی‌کردند، اکنون با آن‌ها در ارتباط هستند. حکمرانی سازمانی محیطی را ایجاد می‌کند که ثبات سیستماتیک را برای هر دو نوع مؤسسات مالی اسلامی و متعارف بهبود می‌بخشد و در عین حال کارایی بانکی را افزایش و ریسک مالی را کاهش می‌دهد.

برخی از دانشگاهیان اسلامی معتقدند که نقاط ضعف IIFS باید نادیده گرفته شود. آن‌ها ادعا می‌کنند که به دلیل وجود کد اخلاقی اسلامی، IIFS دارای حکمرانی سازمانی بهتری است زیرا ذینفعان آن به طور مناسب رفتار می‌کنند. با این حال، نمی‌توان فرض کرد که همه طرف‌های مرتبط به اصول مذهبی اسلامی پایبند خواهند بود. آلبرت او. هیرشمن، برنده جایزه نوبل، گفت: "در هر ساختار اقتصادی، عمومی یا سیاسی، افراد، شرکت‌های صنعتی و گروه‌ها به‌طور کلی در معرض انحراف از رفتارهای شایسته، منطقی، قانون‌مدار، نیکوکارانه یا به‌طور کلی مفید هستند." حقوق مؤسسات مالی اسلامی نیز مشابه همین است. در واقع، IIFS کمتر از تأثیرات نامتقارن یا نقض وظایف امانتی آسیب‌پذیر نیستند. روایت‌های مربوط به مالی اسلامی نشان می‌دهد که موارد شکست حکمرانی سازمانی شباهت‌هایی با رسوایی‌های رایج بانکی دارند، از جمله هماهنگی ضعیف هیئت مدیره و عملیات، نقص در حسابرسی‌های داخلی و خارجی، بی‌توجهی به منافع سهامداران جایگزین، وام‌دهی بی‌پروا و مدیریت بیش از حد جاه‌طلب.

روش‌های IIFS آسیب‌های CG نسبتاً منحصر به فردی را به همراه دارند. دو گروه اصلی از مشکلات CG نسبت به IIFS حساس هستند، حتی با این واقعیت که بسیاری از چالش‌ها توسط سایر مؤسسات مالی مشترک هستند و می‌توان با قوانین مدرن به آن‌ها رسیدگی کرد. اولی ناشی از نیاز به آسودگی خاطر ذینفعان در مورد رعایت صحیح ارزش‌های فقهی اسلامی توسط عملیات مؤسسه است. هدف اصلی یک مؤسسه مالی اسلامی، برآورده کردن میل ذینفعان خود برای انجام تعاملات مالی خود مطابق با قانون شریعت است. بنابراین، اقدامات CG برای اطمینان دادن به آن‌ها در مورد وجود حمایت‌های حیاتی ضروری هستند. ذینفعان مشابه همچنین باید اطمینان داشته باشند که شرکت به طور مؤثر منافع مالی آن‌ها را ارتقا خواهد داد و خود را به عنوان یک منبع مطمئن خدمات اقتصادی نشان خواهد داد. سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان باید اطمینان داشته باشند که دارایی‌ها و بدهی‌هایی که IIFS با آن‌ها سر و کار دارد، رقابتی هستند و یک مبادله ریسک-بازده مناسب برای مشتریان خود ارائه می‌دهند تا آن‌ها پول خود را نزد آن‌ها قرار دهند. ترکیب توافق شریعت با استانداردهای کنسرت تجاری، موانع و مسائل اجتماعی منحصر به فردی ایجاد می‌کند که بر نیاز به چارچوب‌های CG بی‌نظیر تأکید می‌کند.

یکپارچگی حکمرانی سازمانی اسلامی در تأمین مالی اجتماعی اسلامی

حکمرانی سازمانی اسلامی می‌تواند تأثیر اجتماعی سرمایه‌گذاری اجتماعی اسلامی را تقویت کند. ادغام قوانین و مقررات شرکتی اسلامی در تأمین مالی اجتماعی اسلامی می‌تواند اطمینان حاصل کند که منابع به روشی مسئولانه اجتماعی استفاده می‌شوند و ذینفعان مزایای برنامه‌ریزی شده را دریافت می‌کنند. برخی از روش‌هایی که حکمرانی سازمانی اسلامی می‌تواند در تأمین مالی اجتماعی اسلامی گنجانده شود عبارتند از:

شفافیت

یک عنصر کلیدی رهبری شرکتی اسلامی، شفافیت است، یعنی صداقت کسب‌وکارها در مورد فعالیت‌های خود. شفافیت در تأمین مالی اجتماعی اسلامی را می‌توان با افشای توزیع منابع، ذینفعان آینده و منابع تأمین مالی تضمین کرد. این امر تضمین می‌کند که دریافت‌کننده مزایای آینده را دریافت می‌کند و دارایی‌ها به روشی کلی مسئولانه و عادلانه به کار گرفته می‌شوند.

مسئولیت‌پذیری

عنصر ضروری دیگر حکمرانی سازمانی اسلامی، پاسخگویی است. در تأمین مالی اجتماعی اسلامی، پاسخگویی را می‌توان از طریق ایجاد یک هیئت امنای آزاد برای نظارت بر مدیریت منابع تضمین کرد. هیئت باید اطمینان حاصل کند که وجوه به روشی کلی بی‌عیب و نقص استفاده می‌شوند و در برابر اهداکننده و دریافت‌کننده پاسخگو هستند.

عدالت

عدالت یک اصل حیاتی حکمرانی اجتماعی اسلامی است. در تأمین مالی اجتماعی اسلامی، می توان با اعطای دسترسی یکسان به ثروت به اعضای محروم و مستثنی مالی جامعه نسبت به سایر همتایان ممتاز خود و با اطمینان از اینکه ذینفع بازپرداخت برنامه ریزی شده را قبول می کند، عدالت را تضمین کرد. سهم درآمد باید بر اساس نیازهای ذینفع باشد و نه بر مبنای سایر ملاحظات.

تصمیم گیری اخلاقی

تصمیم گیری اخلاقی بخش مهمی از حکمرانی سازمانی اسلامی است. در تأمین مالی اجتماعی اسلامی، ابتکارات اخلاقی را می توان با پایبندی به اخلاق شریعت و با اطمینان از استفاده از وجوه به روشی مسئولانه عمومی تضمین کرد. تصمیمات باید بر اساس نیازهای ذینفع اتخاذ شوند و نباید به دلیل هر گونه ترجیح خاصی مغرضانه باشند.

روش های حکمرانی سازمانی اسلامی در مؤسسات مالی اسلامی

ساختار حکمرانی شریعت مجموعه ای از چارچوب های قانون گذاری است که توسط مؤسسات مالی اسلامی برای هدیه دادن عملکرد مفید، نظارت و وظیفه گروه شریعت، هیئت مدیره و اداره استفاده می شود.

ذینفعان متعدد

در مقررات آمریکایی، بنگاه عمدتاً به عنوان دارایی سهامداران دیده می شود و در نتیجه، نیروی محرک پشت حکمرانی سازمانی، حداکثر سازی قیمت سهام است. رویکرد مدرن تمایل دارد به شرکت ها بیشتر به عنوان نهادهای اجتماعی نگاه کند که وظایفی فراتر از صرفاً افزایش سود برای سهامداران خود دارند. مؤسسات مالی اسلامی (IFIs) به مراتب بیشتر با دیدگاه نهاد اجتماعی یک سازمان همخوانی دارند تا دیدگاه مالکیت آمریکایی.

یکی از چالش های ناشی از نگاه کردن به شرکت به عنوان یک نهاد اجتماعی، فقدان شفافیت در مورد نحوه تصمیم گیری مدیران است. در حالی که مدیران درک می کنند که سهامداران تمرکز اصلی آنها هستند، این موضوع به آنها کمک می کند تا هنگام اتخاذ تصمیمات کلیدی برای شرکت، اولویت های رقابتی را در نظر بگیرند. از سوی دیگر، برای IFIs، ذینفعان نه تنها سهامداران، بلکه مشتریانی که در یک مکانیزم مشارکت در سود درگیر هستند، دریافت کنندگان زکات IFIs، شرکت کنندگان در جامعه اسلامی وسیع تر و جوامع محلی که IFI در آنها فعالیت می کند، را نیز شامل می شوند. محققان اظهار داشته اند که «مهم ترین ذینفع در مورد بانکداری اسلامی، خود اسلام است».

یکی از چالش های IFIs در توسعه حکمرانی سازمانی، ارائه راهنمایی به مدیران در مورد ذینفعان کلیدی برای شرکت و نحوه اولویت بندی مدیران در مواجهه با انتخاب های دشوار است. نه تنها اولویت این منافع مختلف نامشخص است، بلکه

همچنین مشخص نیست که ذینفع در صورت مخالفت با اقدامات IFI چه حقوقی دارد. به عنوان مثال، اگر مشتری ای دیگر اعتقاد نداشته باشد که محصول او مطابق با شریعت است، آیا حق دارد ماهیت اسلامی بودن تأمین مالی را به چالش بکشد؟ و او باید این چالش را به چه کسی ارائه کند؟

تنوع فقهی و مالی اسلامی

یکی دیگر از وظایف IFIs این است که اسلام یک مجموعه واحد از مفاهیم حقوقی ندارد. در نتیجه، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد آنچه که به عنوان مالی اسلامی واجد شرایط است وجود دارد.

وجود مکاتب فقهی مختلف در اسلام، منجر به ایجاد تنوع در فتاوا و نظرات درباره معاملات مالی شده است. این تنوع، هم فرصت و هم چالش‌هایی را برای توسعه مالی اسلامی به همراه دارد. از یک سو، این تنوع باعث غنای فکری و ارائه راهکارهای متنوع می‌شود که می‌تواند به بهبود خدمات مالی و جذب بیشتری از مشتریان کمک کند. از سوی دیگر، در برخی موارد، این اختلاف نظرها ممکن است به پیچیدگی در اجرای قوانین مالی اسلامی منجر شود.

هر یک از مکاتب فقهی، دیدگاه خاصی در مورد موضوعاتی چون معاملات مالی، ربا، سود، مشارکت و دیگر مفاهیم مرتبط با مالی اسلامی دارند. این دیدگاه‌ها بر طراحی و ساختار محصولات و ابزارهای مالی اسلامی تأثیرگذار هستند. به عنوان مثال، برخی مکاتب ممکن است نسبت به معاملات خاصی دیدگاه سخت‌گیرانه‌تری داشته باشند، در حالی که دیگران دیدگاه منعطف‌تری را اتخاذ می‌کنند.

وجود مکاتب فقهی مختلف همچنین چالش‌هایی را برای هماهنگی و استانداردسازی در حوزه مالی اسلامی ایجاد می‌کند. مؤسسات مالی اسلامی باید بتوانند توافقاتی بین این مکاتب متفاوت برقرار کنند و استانداردهای مشترکی را برای محصولات و خدمات خود تعریف کنند. این کار نیازمند همکاری و تعامل مستمر بین فقها و کارشناسان مالی است. در این راستا، شوراهای فقهی در مؤسسات مالی اسلامی نقش مهمی ایفا می‌کنند. این شوراهای متشکل از فقهای مجرب هستند و وظیفه دارند با بررسی دقیق مسائل فقهی، فتاوی لازم را صادر کنند. این فتاوا می‌تواند به حل اختلافات فقهی و تعیین چارچوب‌های مشخص برای محصولات و خدمات مالی اسلامی کمک کند. در نهایت، این هماهنگی و یکپارچگی می‌تواند به توسعه پایدار و مؤثر مالی اسلامی منجر شود.

پنج مکتب اصلی اهل سنت عبارتند از:

- حنفی: یکی از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مکاتب فقهی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی پیرو دارد. این مکتب، به دلیل رویکرد منعطف و اجتهادی خود، در حوزه مالی اسلامی نیز نقش مهمی داشته است.
- مالکی: این مکتب، به دلیل تأکید بر سنت و اجماع، در برخی موارد دیدگاه محافظه‌کارانه‌تری نسبت به حنفی‌ها دارد.
- شافعی: این مکتب، به دلیل دقت و ظرافت در استدلال، در حوزه فقهی شهرت دارد.
- حنبلی: این مکتب، به دلیل تأکید بر حدیث و سنت، در برخی مسائل فقهی، دیدگاه سخت‌گیرانه‌تری نسبت به سایر مکاتب دارد.

- زاهری: این مکتب، به دلیل تأکید بر ظاهر آیات و روایات، در برخی موارد دیدگاه متفاوتی نسبت به سایر مکاتب دارد.

مکاتب فقهی مختلف و محصولات مالی اسلامی

درحالی که ممکن است در برخی از مکاتب مختلف همپوشانی وجود داشته باشد، تفاوت‌های زیادی در مورد محصولات غیرمعمول ایجاد شده در مالی اسلامی وجود دارد. بسته به اینکه کدام مکتب در یک کشور خاص دنبال می‌شود، ممکن است استانداردهای موجود برای مؤسسات مالی اسلامی (IFIs) را نیز تعیین کند. برای کسب و کارهایی که به دنبال فعالیت در بیش از یک مکان بین‌المللی در سراسر جهان اسلامی هستند، این امر چالش‌های بیشتری ایجاد می‌کند. برخلاف ایالات متحده، جایی که دلاور به‌عنوان مکان تعیین کننده استاندارد برای اصول حقوق شرکت تبدیل شده است، هیچ استاندارد منسجم واحدی برای حکمرانی سازمانی در IFIs در داخل این صنعت توسعه نیافته است.

روش‌های فعلی شرکت‌ها و کشورها برای حل چالش‌ها

سیاست‌گذاران، متخصصان و دانشگاهیان از چالش‌های حکمرانی سازمانی IFIs آگاه هستند و به طور فعال در جستجوی راه حل هستند. تعدادی از سازمان‌ها در حال تلاش برای توسعه استانداردها و ارائه بهترین شیوه‌ها برای IFIs هستند.

نیاز به رعایت شریعت

برخی از کشورها هیئت‌های بررسی خارجی شریعت را به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های بانک مرکزی اجرا می‌کنند. برای این کشورها، بانک مرکزی می‌تواند به‌عنوان یک بررسی مستقل بر SSBs خصوصی عمل کند و استانداردهای اسلامی IFIs را حفظ کند، خطر ادغام بیش از حد محصولات IFI با مالی سنتی را کاهش دهد. در برخی کشورها، نهادهای نظارتی قبلاً اقداماتی برای حفظ تمایز اسلامی IFIs انجام داده‌اند، مانند الزام IFIs به جدایی کامل از بانک‌های سنتی، به‌جای اجازه دادن به یک بانک برای ارائه محصولات مالی IFIs و سنتی. سایر کشورها همچنان مایل به اجازه دادن به یک نهاد برای ارائه هر دو نوع خدمات مالی هستند. برای IFIs بین‌المللی، تلاش‌های دولت‌ها برای روشن کردن قانون شریعت خطر افزایش پیچیدگی حکمرانی را دارد، زیرا اکنون این نهاد باید اطمینان حاصل کند که با تفسیرهای مختلف رعایت شریعت در تمام کشورهایی که در آن فعالیت می‌کند، مطابقت دارد.

تجمع در اطراف استانداردهای خاص

چندین سازمان، معیارهایی برای حکمرانی سازمانی ارائه داده‌اند و پتانسیل ارائه یک رشته متحد در استانداردهای حکمرانی برای IFIs را دارند. با این حال، هیچ استاندارد خاصی به‌عنوان رهبر صنعت ظهور نکرده است. دو سازمان پیشرو

در تعیین استاندارد برای IFIs از جنوب شرقی آسیا در حال ظهور هستند؛ هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی IFIs (AAOIFI). همچنین در تلاش هستند تا با استانداردهای مالی بین‌المللی، از جمله استانداردهای تعیین شده توسط بازل II و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مطابقت داشته باشند. کشورهای مختلف تمایل دارند از استانداردهای مختلف پیروی کنند. به‌عنوان مثال، اکثر IFIs در امارات متحده عربی، جایی که دبی واقع شده است، فقط از استانداردهای بین‌المللی غیراسلامی پیروی می‌کنند، اما IFSB یا AAOIFI را اتخاذ نکرده‌اند. اکثر IFIs در اندونزی از استانداردهای AAOIFI پیروی می‌کنند. و IFIs در شام (لبنان و اردن) از استانداردهای IFSB پیروی می‌کنند. علاوه بر این، هنوز یک مکان مرکزی وجود ندارد که به‌عنوان مرکز مالی اسلامی دیده شود. معمولاً زمانی که یک مرکز بازار ظهور می‌کند، ادغام استانداردها آسان‌تر است. به‌عنوان مثال، پس از ظهور دلاور به‌عنوان مرکز ادغام، استانداردهای حکمرانی سازمانی برای کسب‌وکارهای آمریکایی در اطراف قانون دلاور ادغام شدند. در حال حاضر، دبی، اندونزی و لندن همگی در حال رقابت برای تبدیل شدن به رهبر بازار مالی اسلامی هستند. و، جای تعجب نیست که هر یک از این مناطق مختلف، استانداردهای متفاوتی برای حکمرانی سازمانی دارند. با تثبیت صنعت در اطراف یک مکان مشخص رهبر بازار، ممکن است برای صنعت راحت‌تر باشد که به طور مشابه در اطراف استانداردهای حکمرانی ساده شده ادغام شود.

تلاش برای همسو کردن استانداردهای بین‌المللی با اصول اسلامی

علاوه بر تلاش برای توسعه استانداردهای حکمرانی سازمانی خاص برای IFIs، این مؤسسات و نهادهای نظارتی و دانشگاهی در تلاش هستند تا اطمینان حاصل کنند که اصول حکمرانی آنها با استانداردهای بین‌المللی برای بانک‌های سنتی مطابقت داشته باشد. این شامل پذیرش استانداردهای OECD و بازل III می‌شود. درحالی‌که کشورها و مؤسسات برای توافق بر سر استانداردهای حکمرانی خاص اسلامی تلاش کرده‌اند، همه کشورها و مؤسسات اصول ارائه‌شده توسط OECD و بازل III را به طور گسترده پذیرفته‌اند. این امر تا حدودی انسجام را در بین شیوه‌های حکمرانی در این صنعت ایجاد کرده است.

توصیه‌هایی برای تقویت مداوم حکمرانی سازمانی

ایجاد استانداردهای قوی‌تر برای حکمرانی سازمانی در IFIs برای مشروعیت بخشیدن به صنعت مالی اسلامی و اجازه دادن به توسعه بیشتر مالی اسلامی در سطح جهانی ضروری است. کاملاً واضح است که سیاست‌گذاران، کارشناسان صنعت و دانشگاهیان از اهمیت حکمرانی سازمانی آگاه هستند و به طور فعال برای بهبود حکمرانی IFIs تلاش می‌کنند، اما کارهای بیشتری می‌توان انجام داد. این بخش پایانی برخی از پیشنهادات برای ملاحظات اضافی را ارائه می‌دهد که ممکن است در تلاش برای بهبود حکمرانی در IFIs مفید باشد.

برقراری استانداردهای خوب حکمرانی سازمانی نیازمند همکاری بین خود شرکت‌ها، تنظیم‌کننده‌ها، سیاست‌گذاران و دادگاه‌ها است.

یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که سیاست‌گذاران می‌توانند برای بهبود حکمرانی در IFIs بردارند، ایجاد مسیری برای رسیدگی به اختلافات درباره اینکه آیا یک مؤسسه مالی اسلامی با شیوه‌هایی مطابق با اصول شریعت عمل می‌کند، است. در حال حاضر، مکانیزم‌های قدرتمندی برای بحث کارشناسان درباره دیدگاه‌های مختلف در مورد اینکه آیا محصولات IFI مطابق با شریعت هستند، وجود ندارد. ارائه چنین مکانیزمی مشروعیت قابل توجهی به صنعت مالی اسلامی می‌دهد و همچنین به ایجاد شفافیتی که برای حکمرانی سازمانی خوب حیاتی است کمک می‌کند. برای ایجاد چنین مکانیزمی، سیاست‌گذاران باید تعیین کنند چه کسی باید در قبال مطرح کردن نگرانی‌ها در مورد وضعیت مطابق با شریعت محصولات IFI مسئول باشد. علاوه بر این، آنها باید مکانی معتبر برای رسیدگی به چنین نگرانی‌هایی ارائه دهند.

مکان مناسب برای رسیدگی به اختلافات

چنین مکانی را می‌توان در مراکز مالی، مانند دادگاه‌های مرکز مالی دبی توسعه داد. به‌طور جایگزین، دادگاه‌های شریعت برای کشورهای فردی می‌توانند نقش رسیدگی به چنین اختلافاتی را بر عهده بگیرند. به‌طور سنتی، دادگاه‌های شریعت بر مسائل حقوق خانواده تمرکز کرده‌اند، بنابراین احتمالاً قاضی‌های جدید نیاز به استخدام (یا قاضی‌های فعلی دادگاه شریعت نیاز به آموزش قابل توجه) دارند تا صلاحیت نهادی برای رسیدگی به چنین اختلافاتی را داشته باشند.

نتیجه‌گیری

صنعت مالی اسلامی در حال رشد و توسعه‌ای چشمگیر است و برای حفظ این روند رو به رشد و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، نیاز به ایجاد ساختارهای قوی حکمرانی سازمانی دارد. این ساختارها نه تنها به شفافیت و پاسخگویی مؤسسات مالی اسلامی کمک می‌کنند، بلکه ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های مالی این مؤسسات را نیز کاهش می‌دهند. مؤسسات مالی اسلامی به دلیل ماهیت خاص خود و اصول اخلاقی حاکم بر آنها، پتانسیل بالایی برای رهبری در حوزه حکمرانی سازمانی دارند. اصول اسلامی، مانند عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، با مفاهیم بنیادی حکمرانی سازمانی همسو هستند. علاوه بر این، جوان بودن این صنعت فرصتی طلایی برای مؤسسات مالی فراهم کرده است تا با بهره‌گیری از تجربیات سایر صنایع مالی، سیستم‌های حکمرانی سازمانی خود را به بهترین شکل طراحی کنند. با این حال، صنعت مالی اسلامی با چالش‌هایی نیز روبرو است. تنوع مکاتب فقهی، رقابت بین مراکز مالی اسلامی و تغییرات سریع محیط مالی جهانی، از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که بر توسعه حکمرانی سازمانی در این صنعت تأثیر می‌گذارند. برای رفع این چالش‌ها، می‌توان راهکارهایی مانند تدوین استانداردهای بین‌المللی برای حکمرانی سازمانی در مالی اسلامی، تقویت نقش نهادهای نظارتی، توسعه ظرفیت‌های انسانی و تبادل دانش و تجربه بین متخصصان این حوزه را پیشنهاد کرد. در نهایت، توسعه ساختارهای قوی حکمرانی سازمانی در صنعت مالی اسلامی، نیازمند تلاش مشترک تمامی

دینفعان از جمله سیاست‌گذاران، نهادهای نظارتی، مؤسسات مالی اسلامی و متخصصان این حوزه است. با ایجاد یک چارچوب قوی برای حکمرانی سازمانی، می‌توان به توسعه پایدار و شفاف صنعت مالی اسلامی کمک کرد و اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب نمود.

فصل هفتم: نظام اقتصادی تطبیقی

سرمایه‌داری

سرمایه داری یک نظام اقتصادی است که بر اساس مالکیت خصوصی ابزارهای تولید و کارکرد آن‌ها برای سود بنا شده است. اقتصاد تطبیقی مطالعه انواع مختلف روش‌های اقتصادی است. در این زمینه، محققان می‌توانند شباهت‌ها، تفاوت‌ها و مشکلات انواع خاص اقتصادی و راه‌حل‌های آن‌ها را شناسایی کنند. این یک تقسیم‌بندی از اقتصاد است که با مطالعه تطبیقی سیستم‌های مختلف سازماندهی اقتصادی سروکار دارد. از این نظر، دو نوع نظام اقتصادی وجود دارد:

- سرمایه‌داری
- سوسیالیسم

سرمایه داری

سرمایه داری نوعی نظام اقتصادی است که در آن مالک خصوصی بر املاک بر اساس منافع خود کنترل دارد و به طور مستقل عرضه و تقاضای قیمت‌ها را در بازار تعیین می‌کند. در یک اقتصاد سرمایه‌داری:

- دارایی‌های سرمایه‌داری مانند کارخانه‌ها، معادن و راه‌آهن می‌توانند به صورت خصوصی متعلق و کنترل شوند و نیروی کار برای پول خریداری می‌شود.
- مالکان خصوصی سرمایه دریافت می‌کنند.
- از قیمت‌ها به صورت رقابتی استفاده می‌شود.
- بین سرمایه و نیروی کار تخصیص می‌دهد.
- شرکت‌های خصوصی و کارآمدی آن‌ها

در سرمایه‌داری، بخش خصوصی عوامل تولید، از جمله زمین، نیروی کار و سرمایه را کنترل می‌کند. شرکت‌های خصوصی ترکیب عوامل را در سطحی که می‌خواهند سود و کارایی را به حداکثر برسانند، کنترل می‌کنند. عوامل تولید به صورت خصوصی یا دولتی با محصول مازاد کنترل می‌شوند. در نظام کمونیستی، محصول مازاد در جامعه به طور گسترده توزیع می‌شود.

سرمایه داری و دین

سرمایه داری مذهبی یک سیستم باورها و آیین‌ها است که در آن اقتصاد نقش مذهبی دارد. سرمایه‌داری یک سیستم قدرت است که اصول، ارزش‌ها، الهیات و قوانین را ترکیب می‌کند. به گفته مارکس (که کار گسترده‌ای در مورد اقتصاد سرمایه‌داری انجام داده است)، دین نقش کلیدی در حفظ نابرابری در جامعه سرمایه‌داری دارد. برخی گروه‌ها اساساً منابع

و قدرت بیشتری نسبت به گروه‌های دیگر دارند. مارکس استدلال کرد که دین ابزاری برای آرام کردن پروتاریای (طبقه زحمتکش) کم‌قدرت است.

اصول بنیادی سرمایه‌داری

سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم اقتصادی طبیعی در نظر گرفته می‌شود که در تضاد با سوسیالیسم قرار دارد. بسیاری از کشورهای سوسیالیستی ویژگی‌های سرمایه‌داری را به اقتصاد خود وارد کرده‌اند. نمونه بارز آن، توسعه چین از دهه ۱۹۸۰ است که در آن کشور تعادلی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم برقرار شد. عناصر کلیدی سرمایه‌داری عبارتند از:

- حق مالکیت خصوصی: افراد حق دارند مالک و کنترل‌کننده اموال خود باشند.
 - عدم مداخله دولت: دولت نقش حداقلی در فعالیتهای اقتصادی ایفا می‌کند.
 - آزادی عمل برای نیروهای بازار: نیروهای بازار قیمت‌ها و تولید را بدون مداخله خارجی تعیین می‌کنند.
 - وابستگی به دست نامرئی: این مفهوم که افراد با پیگیری منافع شخصی خود می‌توانند به نفع جامعه عمل کنند.
 - آزادی انتخاب در تولید: تولیدکنندگان آزادی دارند تا بنا به تقاضای بازار، تصمیم بگیرند چه تولید کنند.
 - آزادی انتخاب در مصرف: مصرف‌کنندگان می‌توانند از میان گزینه‌های مختلف کالاها و خدمات بر اساس سلیقه خود انتخاب کنند.
- این اصول به‌طور کلی بر آزادی‌های فردی و کارایی اقتصادهای مبتنی بر بازار تأکید دارند.

سوسیالیسم

در یک اقتصاد سوسیالیستی، وسایل تولید دارای ویژگی‌های اجتماعی هستند و به‌جای مالکیت خصوصی قرار دارند. این یک سیستم تولید است که کالاها و خدمات به‌طور مستقیم برای استفاده ساخته می‌شوند، در مقابل سیستم اقتصادی سرمایه‌داری که در آن کالاها و خدمات برای کسب سود تولید می‌شوند. هدف اصلی سوسیالیسم، حداکثر کردن رفاه اجتماعی جامعه است. در این سیستم، دولت‌ها به توزیع مجدد ثروت و کاهش فاصله بین غنی و فقیر متهم می‌شوند. کشورهایی مانند کوبا، چین و کره شمالی به‌عنوان نمونه‌های قوی از اقتصادهای سوسیالیستی شناخته می‌شوند. این کشورها معمولاً فعالیت‌های اقتصادی را از طریق برنامه‌ریزی مدیریت می‌کنند تا از نیروهای بازار و تولید را برای برآورده کردن نیازها آماده می‌سازند.

برخی از مزایای سوسیالیسم عبارتند از:

- کاهش نسبی فقر
- خدمات بهداشتی رایگان
- کاهش سود ناچیز درآمد

- جامعه‌ای بیشتر برابر و همبسته
- ارزش‌های سوسیالیستی به تشویق همکاری به‌جای خودخواهی
- مزایای مالکیت عمومی
- توجه به محیط‌زیست
- کاهش مالیات‌های پنهان

تفاوت‌های اصلی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری

تفاوت‌های اصلی بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری به چند جنبه کلیدی مربوط می‌شود. در سوسیالیسم، وسایل تولید مانند کارخانه‌ها و زمین‌ها به‌صورت عمومی یا دولتی مالکیت دارند و هدف اصلی تأمین نیازهای جامعه است. برعکس، در سرمایه‌داری، وسایل تولید عمدتاً در مالکیت خصوصی هستند و هدف اصلی کسب سود برای مالکین می‌باشد. نقش دولت در سوسیالیسم به شکل فعالی در کنترل و برنامه‌ریزی اقتصادی است، درحالی‌که در سرمایه‌داری، دولت نقش کمتری دارد و بیشتر به بازار آزاد اجازه می‌دهد تا قیمت‌ها و تولید را تعیین کند. سوسیالیسم به دنبال کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت است، درحالی‌که در سرمایه‌داری، نابرابری‌های اقتصادی می‌تواند وجود داشته باشد و ثروت به طور طبیعی از طریق بازار توزیع می‌شود. هدف تولید در سوسیالیسم تأمین نیازهای اجتماعی و رفاه عمومی است، درحالی‌که در سرمایه‌داری، هدف کسب سود و افزایش سرمایه می‌باشد. همچنین، انگیزه‌ها در سوسیالیسم بیشتر بر پایه همکاری و رفاه اجتماعی است، درحالی‌که در سرمایه‌داری، انگیزه‌ها عمدتاً بر پایه رقابت و کسب سود شخصی می‌باشد. در نهایت، در سوسیالیسم ممکن است آزادی انتخاب در زمینه تولید و مصرف محدود باشد تا به اهداف اجتماعی برسد، اما در سرمایه‌داری، آزادی انتخاب بیشتری برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان وجود دارد.

سوسیالیسم و کارایی اقتصادی

هدف نهایی سوسیالیسم که بر اساس خیر عمومی است، توزیع ثروت مشترک است. از آنجا که دولت تقریباً تمام عملکردهای جامعه را کنترل می‌کند، می‌تواند از منابع، نیروی کار و زمین به‌طور بهتری استفاده کند. سوسیالیسم نابرابری ثروت را نه تنها در مناطق مختلف، بلکه در تمام رده‌ها و طبقات اجتماعی کاهش می‌دهد. سوسیالیسم، به‌عنوان یک نظام اقتصادی، هدف نهایی خود را بر اساس خیر عمومی و توزیع عادلانه ثروت تعریف می‌کند. در این سیستم، دولت مسئولیت کنترل تقریباً تمام عملکردهای جامعه را بر عهده دارد و این امر به آن اجازه می‌دهد که از منابع، نیروی کار و زمین به‌طور مؤثرتری استفاده کند. به‌عبارت دیگر، دولت می‌تواند برنامه‌ریزی‌های لازم را برای تخصیص بهینه منابع انجام دهد، و به این ترتیب از هدررفت آن‌ها جلوگیری کند. یکی از ویژگی‌های بارز سوسیالیسم، تمرکز بر کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نظام سعی دارد تا فاصله بین غنی و فقیر را کاهش دهد و ثروت را به‌طور عادلانه‌تری در میان تمامی رده‌ها و طبقات اجتماعی توزیع کند. این رویکرد به ایجاد

جامعه‌ای عادلانه‌تر و هماهنگ‌تر کمک می‌کند و تأکید بر رفاه عمومی و تأمین نیازهای اساسی افراد دارد. علاوه بر این، سوسیالیسم به دنبال تأمین خدمات عمومی و رفاه اجتماعی است. از آنجایی که دولت بر تمامی جنبه‌های اقتصادی نظارت دارد، می‌تواند خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی را به‌طور رایگان یا با هزینه کم ارائه دهد. این امر نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی افراد نیز می‌انجامد. سوسیالیسم همچنین می‌تواند به افزایش همبستگی اجتماعی و همکاری بین افراد کمک کند. با تمرکز بر اهداف مشترک و نیازهای جمعی، افراد ترغیب می‌شوند که به جای رقابت و فردگرایی، بر روی همکاری و همیاری تمرکز کنند. این تغییر در نگرش می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای پایدارتر و متعادل‌تر منجر شود. سوسیالیسم به عنوان یک نظام اقتصادی، می‌تواند چالش‌هایی نیز به همراه داشته باشد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مدیریت ناکارآمد منابع و کاهش انگیزه‌های فردی اشاره کرد. با این حال، اگر به درستی پیاده‌سازی شود، می‌تواند به بهبود کارایی اقتصادی و افزایش رفاه عمومی منجر شود و نابرابری‌های موجود را کاهش دهد. به‌طور کلی، سوسیالیسم با تأکید بر توزیع عادلانه ثروت و رفاه عمومی، به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و هماهنگ است.

سوسیالیسم و دین

این نوعی سوسیالیسم مبتنی بر ارزش‌های مذهبی است. اعضای بسیاری از ادیان بزرگ دریافته‌اند که باورهای آن‌ها در مورد جامعه بشری با اصول و ایدئولوژی‌های سوسیالیستی همخوانی دارد. این جنبش‌ها شامل سوسیالیسم بودایی، سوسیالیسم مسیحی، سوسیالیسم اسلامی و سوسیالیسم یهودی است.

فرضیه‌های اساسی سوسیالیسم

در یک اقتصاد سوسیالیستی، هیچ حقی برای داشتن مالکیت خصوصی وجود ندارد. تمام اموال در کشور به طور جمعی متعلق به دولت سوسیالیستی است. این بدان معنی است که همه کسب و کارها به طور جمعی متعلق به دولت هستند و توسط آن اداره و کنترل می‌شوند. برخی از ویژگی‌های سوسیالیسم عبارتند از:

- مالکیت جمعی: تمامی منابع و اموال به‌طور مشترک متعلق به جامعه و دولت است و افراد حق مالکیت خصوصی ندارند.
- اقتصاد برنامه‌ریزی شده: دولت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی را انجام می‌دهد و بر تولید و توزیع کالاها و خدمات نظارت دارد.
- تصمیم‌گیری در منافع جمعی: تصمیمات اقتصادی بر اساس منافع عمومی اتخاذ می‌شود و به نیازهای جامعه توجه می‌شود.
- نابرابری درآمد پایین: سوسیالیسم تلاش می‌کند تا نابرابری درآمدی را کاهش دهد و ثروت را به‌طور عادلانه‌تری توزیع کند.
- محدودیت نیروهای بازار: بازار آزاد و نیروهای بازار به‌طور کامل آزاد نیستند و دولت بر آن‌ها نظارت دارد.

فصل هفتم: نظام اقتصادی تطبیقی

- اقتصاد مرکزی: اقتصاد به‌طور مرکزی تحت کنترل دولت قرار دارد و همه‌چیز طبق برنامه‌ریزی‌های دولتی اجرا می‌شود.
 - عدم وجود بخش خصوصی: در سوسیالیسم، بخش خصوصی وجود ندارد و تمام فعالیت‌های اقتصادی تحت نظارت و کنترل دولت انجام می‌شود.
- این ویژگی‌ها سوسیالیسم را به یک نظام اقتصادی متمایز تبدیل می‌کند که هدف اصلی آن تأمین رفاه عمومی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است.

مقایسه چشم‌انداز اقتصادی: کشورهای در حال توسعه در مقابل کشورهای توسعه‌یافته

دو دسته وجود دارد: کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه. کشورهای توسعه‌یافته معمولاً به‌عنوان کشورهایی طبقه‌بندی می‌شوند که صنعتی‌تر هستند و درآمد سرانه بالاتری دارند. کشورهای در حال توسعه معمولاً به‌عنوان کشورهایی طبقه‌بندی می‌شوند که کمتر صنعتی هستند و سطح درآمد سرانه پایین‌تری دارند.

جدول ۷-۱: جدول ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (بر اساس داده‌های سازمان ملل متحد – un.org)

ویژگی	کشورهای توسعه‌یافته	کشورهای در حال توسعه
سهم بخش‌های صنعت و خدمات در درآمد ملی	بیشتر	غالبیت کشاورزی به‌عنوان منبع اشتغال
نیروی کار	بخش قابل توجهی در بخش‌های تولید و خدمات	زیرساخت‌های نامناسب
روش‌های تولید	استفاده از تکنیک‌های مدرن و پیشرفته	استفاده از روش‌های سنتی و ناکارآمد
استاندارد زندگی	بالا	پایین
درآمد سرانه	بالا	پایین
میزان فقر	کم	زیاد
نابرابری درآمد	کم	زیاد
نرخ رشد جمعیت	پایین	بالا
نرخ بیکاری	پایین	بالا
توانمندی‌های زیرساختی	موجود	سهم بیشتر کشاورزی در درآمد ملی
نرخ پس‌انداز و تشکیل سرمایه	بالا	پایین
صادرات	عمدتاً خدمات و محصولات صنعتی	غالبیت صادرات اولیه

جدول ۷-۲: اقتصادهای توسعه یافته

منطقه	کشورها
اتحادیه اروپا	اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد، بریتانیا
کشورهای جدید عضو اتحادیه اروپا	بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، مالت، لهستان، رومانی، اسلواکی، اسلوونی
سایر کشورهای اروپایی	ایسلند، نروژ، سوئیس
سایر کشورها	استرالیا، کانادا، ژاپن، نیوزیلند، ایالات متحده
اقتصادهای بزرگ توسعه یافته (G۷)	کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، ایالات متحده

جدول بالا اقتصادهای توسعه یافته را بر اساس منطقه دسته بندی می کند و شامل کشورهای عضو و غیر عضو اتحادیه اروپا است.

جدول ۷-۳: اقتصادهای در حال گذار

منطقه	کشورها
اروپای جنوب شرقی	آلبانی، بوسنی و هرزگوین، مونته نگرو، صربستان، جمهوری مقدونیه سابق، کوزوو
کشورهای مشترک المنافع مستقل و گرجستان	ارمنستان، جمهوری آذربایجان، جمهوری مولداوی، فدراسیون روسیه، تاجیکستان، گرجستان، ترکمنستان، قزاقستان، اوکراین، قرقیزستان، ازبکستان

جدول بالا اقتصادهای در حال گذار را بر اساس منطقه دسته بندی می کند و شامل کشورهای اروپای جنوب شرقی و کشورهای مشترک المنافع مستقل و گرجستان است.

جدول ۷-۴: اقتصادهای در حال توسعه بر اساس منطقه

منطقه	کشورها
آفریقا	آفریقای شمالی: الجزایر، آنگولا، مصر، بوتسوانا، لیبی، لسوتو، موریتانی، مالاوی، مراکش، موریس، سودان، موزامبیک، تونس، نامیبیا
	آفریقای جنوبی: بروندي، کامرون، جمهوری آفریقای مرکزی، زامبیا، چاد، جمهوری دموکراتیک کنگو، گینه، نیجریه، رواندا، سنگال، سیرالئون، توگو، اوگاندا، جمهوری تانزانیا
	آفریقای غربی: بنین، گینه استوایی، بورکینافاسو، گابن، سائو تومه و پرنسیپ، کیپ ورد، ساحل عاج، گامبیا، گینه بیسائو، لیبیا، مالی، نیجر
	آفریقای شرقی: جیبوتی، اریتره، کنیا، ماداگاسکار، موزامبیک، سومالی

آسیای شرقی: برونئی، چین، هنگ کنگ، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، میانمار، فیلیپین، سنگاپور، تایوان، تایلند، ویتنام	آسیا
آسیای جنوبی: بنگلادش، بوتان، هند، ایران، نپال، پاکستان، سریلانکا	
آسیای جنوب شرقی: کامبوج، لاوس، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، ویتنام	
غرب آسیا: بحرین، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه، امارات متحده عربی، یمن	
کارائیب: باربادوس، کوبا، جمهوری دومینیکن، گویانا، هائیتی، جامائیکا، ترینیداد و توباگو	آمریکای لاتین و کارائیب
آمریکای مرکزی: کاستاریکا، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما	
آمریکای جنوبی: آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، پاراگوئه، پرو، اروگوئه، ونزوئلا	

پاکستان: یک کشور در حال توسعه

یک کشور توسعه‌یافته یا صنعتی شده، کشوری دارای حکمرانی است که دارای شاخص توسعه انسانی و صنعتی بالاتری نسبت به سایر کشورهای کمتر صنعتی است. به‌طور کلی، ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته بر اساس استاندارد بالای زندگی است. بیشتر تولید ناخالص داخلی (GDP) از بخش صنعتی می‌آید. تولید ناخالص داخلی سرانه بالا، فساد کم، شهرنشینی عمده، حمل و نقل عمومی پیشرفته، فقر کم، تعداد کم بی‌خانمان، کیفیت بالای آموزش و ارتش و امنیت پیشرفته از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته هستند.

باتوجه به اقتصاد پاکستان، این ویژگی‌ها می‌توانند در اندازه‌گیری کشورهای در حال توسعه مفید باشند که عبارتند از: زیرساخت‌های ناکافی، استاندارد پایین زندگی، درآمد سرانه پایین، غالبیت بخش کشاورزی، میزان بالای فقر، نرخ رشد بالای جمعیت.

با وجود داشتن منابع طبیعی عظیم و نیروی کار کافی، پاکستان یک کشور در حال توسعه محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۹، رشد موقت در بخش صنعتی ۱.۴۰٪ تخمین زده شد که عمدتاً به دلیل کاهش ۲.۰۶٪ در بخش تولید بزرگ مقیاس بود. طبق بررسی نیروی کار ۲۰۱۷-۲۰۱۸، کل ثبت نام در تمام مؤسسات آموزشی کشور ۵۰۶ میلیون نفر در مقایسه با ۴۸۰ میلیون نفر بود. علاوه بر این، نرخ سواد در سال ۲۰۱۷ با ۶۲.۳٪ تخمین زده شد در مقایسه با ۶۰.۷٪ تخمین زده شده در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵. با مشاهده جایگاه کشورهای بر اساس تولید ناخالص داخلی سرانه، پاکستان در رتبه ۱۵۴ قرار دارد و جمعیت ۲۱۲.۲ میلیون نفری آن سطح پایین ثروت را در مقایسه با ده کشور برتر توسعه‌یافته نشان می‌دهد، همانطور که توسط سرشماری ۲۰۱۹ نشان داده شده است، اما نرخ رشد جمعیت همچنان بسیار بالا است.

پاکستان: امیدی برای پیشرفت

با نگاهی به ۷۰ سال گذشته پاکستان، به راحتی می‌توان درک کرد که این کشور به اعماق تاریکی سوق داده شده و با چشم‌انداز کم‌رنجی برای خروج و رقابت در عرصه جهانی مواجه است. تقریباً همه در حال حاضر ممکن است همین دیدگاه را داشته باشند. برای مثال، ارزش رویه با گذشت زمان به طور پیوسته کاهش یافته و به نقطه‌ای رسیده که بازگشت از آن دشوار به نظر می‌رسد. با تحلیل وضعیت فعلی، پاکستان می‌توانست مانند اروپا در دوران کووید-۱۹ به زانو درآید. با این حال، با اتخاذ تدابیر دقیق و سختگیرانه به موقع، این تهدید خاص با حداکثر کارایی به سرعت مهار شد. این نکته بسیار مهمی از نظر فرآیند تصمیم‌گیری است.

در پاکستان، فناوری اطلاعات (IT) اکنون مورد توجه قرار گرفته و شرکت‌های دیجیتالی به همراه مخابرات بیش از هر زمان دیگری سرمایه‌گذاری می‌کنند. مهندسان و متخصصان بهداشت و درمان ما از بهترین‌های جهان هستند. با این حال، کمبود فرصت‌ها برای سال‌ها مشکل بزرگی بوده است.

پاکستان یک قدرت هسته‌ای است و ارتشی قدرتمند نیز دارد. علاوه بر این، با داشتن ماشین‌آلات و سلاح‌های پیشرفته، می‌توان گفت چشم‌انداز توسعه وجود دارد. این کشور در آستانه قرار گرفتن در لیست سیاه FATF قرار داشت که می‌توانست خسارت بزرگی برای کشور باشد. در این راستا، سیاست‌های محکمی اتخاذ شد که منجر به خارج شدن پاکستان از لیست خاکستری FATF شد. با توجه به این موارد، می‌توان گفت که پاکستان می‌تواند با انجام اصلاحات ساختاری در هر زمینه، در بسیاری از حوزه‌ها پیشرفت کند. در این راستا، توانمندسازی اقتصادی ستون اصلی نجات است.

چین: یک اقتصاد در حال توسعه با رشد سریع

با وجود اینکه چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است، همچنان به عنوان یک "کشور در حال توسعه" طبقه‌بندی می‌شود و از همان "رفتار ویژه و متفاوت" برخوردار است که به کشورهایی مانند پاپوا نیو گینه و زیمبابوه اعطا می‌شود. این کشور سریع‌ترین اقتصاد در حال رشد جهان را دارد، با نرخ‌های رشد متوسط ۱۰٪ در طول ۳۰ سال. از سال ۲۰۱۹، بخش دولتی چین ۶۳٪ از کل اشتغال را تشکیل داده است. از زمان معرفی اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، چین دارای آنچه اقتصاددانان آن را اقتصاد بازار سوسیالیستی می‌نامند، است - اقتصادی که در آن بخش غالب شرکت‌های دولتی به موازات بازار سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی وجود دارد. امتیاز آزادی اقتصادی این کشور ۵۹.۵ است که اقتصاد آن را در رتبه ۱۰۳ آزادترین اقتصاد در شاخص ۲۰۲۰ قرار می‌دهد. امتیاز کلی آن به دلیل افزایش امتیازها برای آزادی تجاری و حقوق مالکیت، ۱۰۱ امتیاز افزایش یافته است. رشد بالای بهره‌وری چین که توسط اصلاحات مبتنی بر بازار سال ۱۹۷۸ تحریک شده است، علت اصلی عملکرد بی‌سابقه اقتصادی آن است. این کشور یک نقطه شروع عالی برای تحقیقات آینده در مورد نقش‌های بالقوه اندازه‌گیری‌های بهره‌وری در سایر کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد. چین سریع‌تر از هر کشور بزرگ دیگری در حال رشد است. در این زمینه، سه عامل اساسی به معجزه اقتصادی چین نسبت داده شده است: جمعیت عظیم، کارایی تولید و شدت سرمایه، به عبارت دیگر، بهره‌وری کل عوامل (TFP) آن.

قطر

اقتصاد قطر یکی از ثروتمندترین اقتصادهای جهان بر اساس تولید ناخالص داخلی سرانه است و در رتبه پنجم تا هفتم رتبه‌بندی جهانی برای داده‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ که توسط بانک جهانی، سازمان ملل متحد و صندوق بین‌المللی پول گردآوری شده است، قرار دارد. اقتصاد این کشور علی‌رغم تحریم‌های همسایگان خود، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، رشد کرده است.

قطر با وجود کاهش رشد اقتصادی در دو سال گذشته، همچنان یک اقتصاد با درآمد بالا است که موفقیت خود را مدیون نفت و گاز است. این منابع ۵۵٪ از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می‌دهند. صندوق سرمایه‌گذاری قطر (QIA) همچنین نقش فعالی در تبدیل آن به ثروتمندترین کشور جهان بر اساس تولید ناخالص داخلی ایفا می‌کند. منابع نفت و گاز طبیعی قطر موتور اصلی اقتصاد این کشور هستند، از جمله منبع درآمد، هزینه‌های عمومی، و بخش ساخت و ساز رونق یافته، به‌ویژه با میزبانی قطر از جام جهانی فیفا ۲۰۲۰. صنایع اصلی این کشور شامل تولید و پالایش نفت خام، آمونیاک، کودها، پتروشیمی، میله‌های تقویت فولاد، سیمان و تعمیر کشتی‌های تجاری است.

ترکیه

ترکیه دارای یک اقتصاد بازار نوظهور است که توسط صندوق بین‌المللی پول تعریف شده است. این کشور در میان کشورهای توسعه‌یافته جهان طبق کتاب واقعیت‌های جهان سیا قرار دارد. همچنین توسط اقتصاددانان و دانشمندان سیاسی به‌عنوان یکی از کشورهای جدید صنعتی جهان تعریف می‌شود. امتیاز آزادی اقتصادی ترکیه ۶۴.۴ است که اقتصاد آن را در رتبه ۷۱ آزادترین اقتصاد در شاخص ۲۰۲۰ قرار می‌دهد. این کشور در بین ۴۵ کشور در منطقه اروپا در رتبه ۳۶ قرار دارد و امتیاز کلی آن پایین‌تر از میانگین منطقه‌ای و بالاتر از میانگین جهانی است. اقتصاد ترکیه بیش از یک دهه است که آزادانه متوسط است.

تا سال ۲۰۱۵، این کشور به‌عنوان یک اقتصاد بازار نوظهور با تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۱۹۶۱۸ دلار (بیش از حداقل ۱۲۰۰۰ دلار، اما کمتر از ۲۵۰۰۰ دلار که برخی اقتصاددانان برای وضعیت "توسعه‌یافته" ترجیح می‌دهند) طبقه‌بندی شده بود. نرخ مرگ و میر نوزادان آن، ۱۲ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر، برای یک کشور توسعه‌یافته بالا است، اما لزوماً رد صلاحیت‌کننده نیست. داستان مشابه با امید به زندگی ۷۵ ساله کشور است. ترکیه از فقر دور است، اما به طور عمده ثروتمند نیست. این بحران ناشی از کسری حساب جاری بیش از حد اقتصاد ترکیه و مقادیر زیادی بدهی خصوصی با ارز خارجی بوده است.

کویت: کشوری ثروتمند با اقتصاد اسلامی

دینار کویت بالاترین واحد پولی ارزشمند در جهان است. این کشور قطعاً پر درآمد است که تولید ناخالص داخلی (PPP) سرانه ۷۰۶۸۶ دلار آمریکا (رتبه پنجم) است. شاخص توسعه انسانی آن بسیار بالا است (۰.۸۱۶) و رتبه ۴۷ را دارد. با این حال، در لیست کشورهای توسعه یافته ظاهر نمی شود. کویت در لیست کشورهای با درآمد بالا بانک جهانی جای دارد، اما نه در لیست های صندوق بین المللی پول، کمیته کمک های توسعه یا بهترین کشورهای جهان نیوزویک (۲۰۱۴).

سیستم اسلامی

در اسلام، الله مالک اموال و انسان ها حق استفاده از اموال را دارند، اما نه به عنوان مالکان مطلق. الله تمام دارایی ها و منابع را برای استفاده تمام انسان ها بر اساس برابری ایجاد کرد، در حالی که نیروهای عرضه و تقاضا بازار تعادلی را تعیین می کنند که سطح قیمت را برای خریداران و فروشندگان تعیین می کند. تولیدکننده باید اطلاعات صحیحی در مورد کیفیت و کمیت کالاها ارائه دهد در حالی که کالاها با توجه به نیاز مشتری توزیع می شوند.

مقایسه سرمایه داری، سوسیالیسم و نظام اسلامی

جدول ۷-۵: مقایسه سرمایه داری، سوسیالیسم و نظام اسلامی

ویژگی	سرمایه داری	سوسیالیسم	نظام اسلامی
مالکیت ثروت	خصوصی	دولتی	دولتی و خصوصی (مالک نهایی خداوند)
دخالت دولت	کمترین	مرکزی	کمترین
عرضه و تقاضا	نیروهای عرضه و تقاضا آزادانه عمل می کنند	اهمیت کمتری به نیروهای بازار داده می شود	نیروهای بازار، سطح قیمت را تعیین می کنند
رقابت	رقابت بالا بین تولیدکنندگان برای کسب بیشترین سود	بدون رقابت بین تولیدکنندگان به دلیل دخالت دولت	تولیدکنندگان سود کسب می کنند و بخشی از آن را طبق احکام اسلامی توزیع می کنند

فصل هشتم: رویکرد اسلامی به مسائل اقتصادی معاصر

مقدمه: اقتصاد اسلامی

اسلام یک کد کامل زندگی ارائه می‌دهد و به طور مفصل نحوه زندگی انسان‌ها را توصیف می‌کند. این دین، یک مفهوم جدید از سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و عدالت را معرفی کرده است. سیستم قدیمی قدرت‌محور با حق برای همه جایگزین شده است. اسلام از سیستم اقتصادی کمونیستی یا سرمایه‌داری حمایت نمی‌کند. این دین، یک سیستم اقتصادی متوازن و مبتنی بر عدالت را معرفی کرده است که می‌تواند تعادل را در هر جامعه‌ای ایجاد کند.

سیستم اقتصادی هر جامعه یا دولتی نقش حیاتی در توسعه و شکوفایی آن ایفا می‌کند. علمای مدرن اسلامی سیستم اقتصادی مدرن را که قرن‌ها وجود داشته است، اما تاکنون توسط هیچ ملتی به طور کامل استفاده نشده بود، مجدداً معرفی کرده‌اند. از اواخر دهه ۱۹۴۰، سیستم اقتصاددان اسلامی دقیق در جهان معرفی شده است. معرفی سیستم اقتصاددان اسلامی، دینامیک و شکل سیستم اقتصاددان موجود را در سطح جهانی تغییر داده است.

هسته اصلی سیستم اقتصاددان اسلامی، مجموعه‌ای از هنجارها است که ظاهراً از قرآن و سنت گرفته شده است. این سیستم ویژگی‌هایی مانند زکات که نوعی مالیات است، و دیگری ممنوعیت دریافت بهره بر مبلغ اصلی/سرمایه را معرفی کرده است. در سیستم اقتصادی اسلامی، همه افراد مسئول اعمال خود هستند و همه توسط مجموعه‌ای از هنجارهای رفتاری که از قرآن و سنت گرفته شده است، هدایت می‌شوند. این سیستم تضمین می‌کند که استانداردهای رفتاری مشخص شده توسط این هنجارها توسط افراد جامعه اجرا می‌شود. هر عضو مسئولیت‌های یکسانی را بر عهده دارد.

سیستم اسلامی برخلاف اقتصاد کلاسیک رایج، مبتنی بر خودخواهی و کسب مال بی‌حد و حصر نیست. هنجارهای

اسلامی را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

- هنجارهای تولید
- هنجارهای مصرف

استانداردهای تولید شامل قوانین فعالیت تجاری و همچنین هنجارهای مصرف است که شامل تمام الزامات مصرف و آنچه در صورت پس‌انداز یا افزایش مصرف می‌توان انجام داد، می‌شود. در تجارت اسلامی، یک تاجر مجاز نیست بیش از تلاش‌های خود درآمد کسب کند. یک کسب‌وکار اسلامی مجاز نیست برای فعالیت‌هایی مانند زنا یا کالاهایی مانند شراب، مواد مخدر و سایر اقلام محدود شده توسط دین هزینه کند. یک کسب‌وکار اسلامی باید در مصرف معتدل باشد و مجاز نیست تقاضای کاذب و هشدار کمبود کالا ایجاد کند تا قیمت‌های بالا را دریافت کند و کمبود کالا ایجاد کند. سیستم اقتصادی اسلامی فقط تجارت آزاد و عادلانه را اجازه می‌دهد و تجارت کاذب برای کسب ثروت را تشویق نمی‌کند. اگر جوامع اسلامی سیستم‌های اقتصاددان اسلامی را با روحیه واقعی دنبال کنند، می‌توانند معجزه کنند. از این نظر، مهم است که رویکرد اسلامی به مسائل اقتصادی معاصر را تحلیل کنیم. جزئیات در پاراگراف‌های بعدی آمده است.

بیکاری و تورم: چالش‌های اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، جهان به‌طور کلی از رقابت‌های سنتی و جنگ‌های فیزیکی به جنگ اقتصادی تغییر یافت. رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ دو مشکل اصلی را در اقتصاد جهان تجارت آزاد معرفی کرد: بیکاری و تورم. در مراحل اولیه رکود بزرگ، اقتصاددانان به‌شدت معتقد بودند که بین بیکاری و تورم رابطه معکوس وجود دارد. اگر تورم کنترل شود، باید اشتغال بیشتری ایجاد شود. اگر شغل‌های کمتری وجود داشته باشد و بیکاری بیشتر شود، تورم افزایش خواهد یافت. اقتصاددانان با انجام تحقیق به این نتیجه رسیدند که هر دو جنبه رابطه جدی دارند اما رابطه معکوس ندارند. اقتصاددانان سعی کردند فرمول‌های مختلفی را اعمال کنند که شامل مدیریت کسری مالی، سیاست درآمد، کنترل عرضه پول، دستکاری نرخ ارز، سایت عرضه بسته اقتصادی و غیره می‌شود. با این حال، به هیچ نتیجه قطعی نرسیده است. مشکلات بیکاری و تورم همچنان وجود دارد و هیچ پلیس یا راه‌حل تاکنون نتیجه قابل قبولی به همراه نداشته است. تغییرات مکرر در نرخ بهره و نرخ بهره پایین به سرمایه‌گذاران این ایده را می‌دهد که نمی‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های خود به اندازه کافی درآمد کسب کنند و قادر به پرداخت بهره نخواهند بود. این روند فکری به ایده پروژه جدید آسیب می‌رساند و بیکاری را افزایش می‌دهد.

برخی از اقتصاددانان راه‌های جدیدی برای غلبه بر نگرانی‌های سرمایه‌گذاران برای پرداخت نرخ بهره پیشنهاد کردند که یکی از آنها حفظ حداقل فنی نرخ بهره بود. این ایده به‌عنوان "مرگ رحمانی رنر" نامگذاری شد. این ایده مشکلات دیگری داشت و میزان هزینه بیشتر از پس‌انداز شد، بنابراین بیکاری بالا ماند و تورم در نتیجه تأمین مالی کسری افزایش یافت.

اقتصاددانان اسلامی فرمول دیگری را اعمال کرد که شامل لغو بهره بر سرمایه به تمام اشکال و اجازه دادن به سرمایه‌گذاری برای افزایش حداکثر آن بود. این امر به کاهش سطح بیکاری و همچنین کاهش نیاز به هزینه‌های امنیت اجتماعی کمک کرد. سیستم اقتصادی اسلامی ارائه مالیات بدون بهره را تشویق کرد که به کاهش بیکاری کمک کرد. با سیاست بدون بهره، سیستم اسلامی همچنین از تورم مراقبت می‌کند، زیرا بهره بدون بهره در هزینه تولید قرار می‌گیرد و بخشی از قیمت و محصول می‌شود. بهره وارد سطح قیمت می‌شود که علت اصلی تورم است. یکی، اگر بهره لغو شود، قیمت‌ها کاهش می‌یابد و سرمایه‌گذاری بیشتری را به همراه خواهد داشت و هزینه تولید را کاهش می‌دهد، در نتیجه تورم را کاهش می‌دهد. به دلیل عدم بهره، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام خواهد شد که منجر به عرضه بیشتر کالاها و خدمات خواهد شد. سیستم زکات در دریافت مالیات بر ثروت مالی کمک خواهد کرد.

تحول تکنولوژیکی و تأثیرات آن بر انسان‌ها

اقتصاد جهانی در حال چرخش حول محور فناوری است. پیشرفت‌های تکنولوژیکی تغییرات بزرگی در جهان ایجاد کرده‌اند که بر روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، کنترل عمومی کمی بر آن وجود دارد. پیشرفت تکنولوژیکی به‌صورت مثبت و منفی انجام می‌شود. با این حال، پیشرفت سریع در فناوری نیز بر انسان‌ها تأثیر

می‌گذارد و بیکاری ایجاد می‌کند. از فناوری پیشرفته نیز برای تخلیه منابع کشورهای فقیر استفاده می‌شود. همچنین برای تغییرات اقتصادی سریع در جهان استفاده می‌شود.

دیدگاه اسلامی با غرب متفاوت است. فناوری جدید باید محیط و اکولوژی منطقه را پیش ببرد. باید دستورالعمل‌های اخلاقی برای فناوری جدید تهیه شود. اسلام به اشتراک‌گذاری دانش در مورد هر پیشرفتی اعتقاد دارد.

پتانسیل اقتصادی

در زمان حاضر، قدرت اقتصادی نقش بسیار مهمی در جهان ایفا می‌کند. هر مدل اقتصادی که توسط یک کشور اتخاذ شود، تا زمانی که آن کشور قدرت اقتصادی کسب نکند، بی‌فایده است. قدرت اقتصادی به افراد ثروتمند ابزار و امکاناتی برای سرکوب و استثمار ضعیف‌ها می‌دهد. دو قدرت اقتصادی جهان روابط خوبی با یکدیگر دارند و هیچ اثر نامطلوبی بر یکدیگر نمی‌گذارند، اما فقیران و ضعیف‌ها را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.

درک اسلامی بسیار متفاوت است. این دیدگاه معتقد است که اقتصاد باید به گونه‌ای تنظیم شود که قدرت در یک دست باقی نماند. سیستم اسلامی در سطح خرد، به افراد اجازه کسب درآمد غیر موجه نمی‌دهد. این امر بعدها به یک منبع اصلی نگرانی برای قدرت‌های اقتصادی تبدیل می‌شود. در این سیستم، قدرت اقتصادی از طریق سیاست‌های مختلف و قوانین مختلف مانند قوانین ارث، سیستم زکات و غیره توزیع می‌شود. این قوانین نابرابری را در جوامع کاهش می‌دهند. این سیستم همچنین از طریق اصول پاسخگویی، قدرت اقتصادی را بررسی می‌کند.

حکمرانی مصرف‌کننده

اکثر اقتصادهای جهانی معتقدند که مصرف‌کننده حاکم است و تمام حقوق را دارد. ظهور قدرت شرکت‌ها اکنون این افسانه را که مشتری حاکم است کاهش داده است. دنیای شرکت‌ها قادر است هر چیزی را که می‌خواهد تولید و بازاریابی کند، مثلاً از طریق کمپین‌های تبلیغاتی، مشاوره و غیره. مشتری با تاکتیک‌های تبلیغات فروش مجبور به پذیرش ایده‌هایی می‌شود که گاهی اوقات به ضرر منافع خودشان است. این تکنیک‌های جدید اکنون کل اقتصاد را برای راضی کردن و ایجاد تقاضا برای مشتریان ایجاد می‌کنند. شرکت‌های مالی نیز به بخش شرکت‌ها کمک می‌کنند و به مشتریان پیشنهادات و امکاناتی برای خرید محصولات ارائه می‌دهند. مصرف‌کننده مجبور می‌شود کالاهای بیشتری کسب کند. تکنیک‌های جدید و بهبودیافته توسط بخش شرکت‌ها آنها را مجبور به انتخاب و خرید می‌کند. این شرکت‌ها کمپین‌های تبلیغاتی عظیمی انجام می‌دهند و یک ذهنیت خاص در میان توده‌ها ایجاد می‌کنند تا آنها چیزهای جدیدی بخرند.

سیستم اسلامی بر مصرف‌گرایی بنا نشده است. این سیستم سادگی و اعتدال را ترویج می‌کند. این سیستم دهنده آزادی تبلیغات محصول را محدود می‌کند و همچنین تقلب و ادعاهای دروغ را بررسی می‌کند. مردم می‌توانند از طریق سیستم اسلامی در مورد مصرف یاد بگیرند. این سیستم اطلاعات جامعی در مورد بسیاری از جنبه‌های زندگی ارائه می‌دهد و بر این باور است که مشتریان باید از عناصر بد بازار محافظت شوند. این سیستم در مورد هر چیزی که تولید می‌شود، با

در نظر گرفتن مقدار، کیفیت، تأثیر بر محیط زیست و تأثیرات بر سلامت انسان، اطلاعات ارائه می‌دهد. اگرچه رسانه‌ها مسئولیت زیادی در ترویج حکمرانی مصرف‌کننده دارند، اما متأسفانه رسانه‌ها سهم قابل توجهی در توسعه آن ندارند. این رسانه‌ها علاقه‌مندی دارند که بخش شرکت‌ها را ناراحت نکنند زیرا رسانه‌ها تبلیغات و سایر مزایای مالی دریافت می‌کنند. بنابراین، رسانه‌ها انتقاد جدی در مورد آنها نمی‌کنند.

سیاست‌گذاری عمومی

سیاست‌گذاری عمومی نقش حیاتی در هر فعالیت اقتصادی و رفاه کشور دارد. سیاست‌های عمومی مطلوب به دولت کمک می‌کند تا تخفیف‌های مالیاتی را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خوب و ایجاد کسب‌وکارهای جدید در عین دستیابی به اهداف مالی و تجاری، ارزیابی کند. سیاست‌گذاری خوب می‌تواند اطلاعات گسترده‌ای را برای افزایش دانش مردم کنترل و در بر گیرد. یک اقتصاد غیرکلاسیک به سیاست‌های عمومی خوب مانند مشوق‌های مالیاتی و تعرفه‌ای برای ایجاد تغییر اقتصادی وابسته است.

هدف از این سیاست‌گذاری نشان دادن مسیر درست به مردم و ارائه مکانیسمی برای کمک به فرد برای عمل به شیوه‌ای مطلوب و درست است. دولت همچنین می‌تواند کمپین‌هایی را اجرا کند که اهداف روشن دولت را به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی منتقل نماید. در این زمینه، دیدگاه اسلامی کاملاً منحصر به فرد است. این دیدگاه شامل تجزیه و تحلیل رفتار فرد باهدف ترغیب او به تغییر آن برای رفتن به سمت اهدافی است که با اعتقادات اسلامی مطابقت دارد. اقتصاد اسلامی به دنبال ردیابی، پیش‌بینی و پیشنهاد سیاست‌های عمومی باهدف تشویق افراد به تغییر رفتارشان است. اقتصاد جریان اصلی بر اساس تجربیات و تغییرات محیطی بنا شده است. آن‌ها بر اساس بدنه نظری از آموزه‌ها بنا شده‌اند. آن‌ها طی یک دوره زمانی با آزمایش و اجرای ایده‌های جدید به دست می‌آیند. بیشتر مطالب مکتوب شامل اصول کلی و یک چارچوب ایده‌آل است.

اقتصاد اسلامی و چالش‌های بشری

نیاز فوری به ارائه اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای نوشته و ارائه شود که بتواند به چالش‌های بشری پاسخ دهد. داده‌های حاصل باید توسط بشریت و نه تنها توسط افرادی که دین را دنبال می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. اقتصاددان اسلامی می‌تواند راهکارهای خوبی برای مشکلات اقتصادی جهان ارائه دهد.

شراکت‌های غیرقانونی: پیامدها بر سیستم اقتصادی اسلامی

شراکتی که باهدف انجام اعمال غیرقانونی تشکیل می‌شود. به عنوان مثال، دو گروه جنایت سازمان یافته ممکن است یک شراکت غیرقانونی تشکیل دهند. در زیر برخی از عواملی که شراکت را غیرقانونی می‌کنند، ذکر شده است:

- زمانی که تعداد شرکا به کمتر از دو نفر کاهش یابد و هر یک به طور جداگانه مسئول بدهی‌های تجاری نباشند.
- زمانی که تعداد شرکا بیش از ۲۰ نفر باشد.
- زمانی که یکی کنترل کامل را به دست نیابد و یک فرآیند تصمیم‌گیری مشترک وجود داشته باشد که منجر به اختلاف شود.
- زمانی که یک کسب‌وکار برای یک هدف غیرقانونی تأسیس شود.
- زمانی که دادگاه شراکت را غیرقانونی اعلام کند.

معاملات غیرقانونی در شراکت

معاملات غیرقانونی در یک شراکت می‌تواند به دو طریق رخ دهد:

راه اول: زمانی که یک شراکت در فعالیت‌ها یا معاملاتی که توسط قانون ممنوع هستند، مشارکت کند. این می‌تواند فروش کالاها یا محصولات باشد که غیرقانونی هستند یا فروش مواد مخدر و غیره.

راه دوم: زمانی که یک شریک بدون رضایت شریک (یا شرکا) دیگر وارد یک معامله شود.

در هر نوع شراکتی، هر طرف کنترل و نفوذ خاصی در تصمیم‌گیری دارد. همه شرکا باید مطلع باشند و معمولاً هنگام تصمیم‌گیری مهم نظر داشته باشند. بنابراین، اگر یکی از شرکا بدون رضایت شریک دیگر وارد معامله شود، این عمل نقض همکاری تلقی خواهد شد و بنابراین غیرقانونی تلقی خواهد شد.

مثال‌هایی از معاملات غیرقانونی در شراکت

معاملات در یک شراکت تحت شرایط زیر غیرقانونی تلقی خواهد شد:

انحلال یا توقف فعالیت

شریک با امضای قراردادی که می‌تواند منجر به انحلال رابطه شود، شراکت را ملزم نمی‌کند، در غیر این صورت، ممکن است ادامه فعالیت‌های تجاری شراکت را حداقل در حال حاضر بدون رضایت همه شرکا موردنیاز برای شراکت دشوار کند.

پیامدهای شراکت‌های غیرقانونی بر اقتصاد پاکستان

شراکت‌های غیرقانونی: محدودیت‌ها و پیامدها

استفاده از دارایی‌های شراکت برای اهداف شخصی: شرکا مجاز نیستند از نام یا دارایی‌های شراکت به‌عنوان وثیقه برای توافق‌های شخصی استفاده کنند. به‌عنوان مثال، یک شریک نمی‌تواند از وجوه یک اعتماد برای اطمینان از دریافت وام شخصی استفاده کند. علاوه بر این، آنها نمی‌توانند از شراکت به‌عنوان ضمانت برای وام استفاده کنند. بدهی‌ها و تعهدات شخصی: علاوه بر اینکه اجازه استفاده از وجوه شریک به‌عنوان مبنایی برای وام داده نمی‌شود، شریک مجاز نیست بدهی یا تعهدات مالی شخصی خود را با ارتباط با فعالیت‌های شراکت برآورده کند. به‌عنوان مثال، اگر یک شریک بدهی تجاری به شرکت دیگری، یعنی یک بانک، بدهکار باشد، نمی‌تواند این بدهی را با استفاده از حسابی که شریک با آن شرکت دارد، پرداخت کند. بنابراین، هر معامله‌ای که منجر به شریکی شود که از حداکثر اختیار در رابطه با شراکت فراتر می‌رود، ممکن است غیرقانونی تلقی شود. شریک همچنین از انجام معامله برای کسب سود شخصی منع می‌شود اگر این به معنای آسیب رساندن به شراکت باشد.

اقدامات اصلاحی برای معاملات غیرقانونی در یک کسب‌وکار

- اگر یک شریک در معاملات غیرقانونی شرکت کرده باشد، ممکن است منجر به پیامدهای قانونی زیر شود:
- ممکن است معامله لغو شود اگر غیرقانونی باشد.

- شریک ممکن است به شراکت به دلیل هرگونه ضرر مالی، آسیب به شهرت آن یا هرگونه تخلف دیگری که علیه شراکت مرتکب شده است، مسئول باشد.
 - سود حاصل از چنین معاملاتی از شریک گرفته خواهد شد.
- بنابراین، مهم است که همه شرکا حقوق قانونی و وظایف خود را که باید در یک شراکت انجام دهند، درک کنند. این به آنها کمک می‌کند تا از هرگونه اختلاف یا معامله غیرقانونی جلوگیری کنند. در نهایت، در بیشتر موارد، راه حل برای معاملات غیرقانونی همکاری را می‌توان در توافقنامه اصلی شراکت گنجاند.

تأثیرات شراکت‌های غیرقانونی بر اقتصاد پاکستان

تجارت غیرقانونی مواد مخدر، سلاح، منابع طبیعی، پول و قاچاق انسان تأثیرات چندوجهی بر اقتصادهای قانونی، دولت‌ها و جوامع دارد. جریان‌های مالی حیرت‌انگیز ناشی از این فعالیت‌های غیرقانونی تضمین می‌کنند که از نظر اقتصادی برای کسانی که در آن‌ها مشارکت دارند، عملی باقی می‌ماند تا آن‌ها را حفظ و تقویت کنند. باتوجه به تغییرات در گفتمان اقتصادی منطقه‌ای و وضعیت پاکستان، تحلیل اقتصاد یا فعالیت‌های غیرقانونی کشور بسیار مهم است. در KPK، بلوچستان و FATA، جرایم هماهنگ عمیق‌تر ریشه دوانده‌اند. این تصادفی نیست که این مناطق مرزهایی با افغانستان دارند.

قاچاق مواد مخدر و انسان در پاکستان

قاچاق مواد مخدر

موقعیت جغرافیایی پاکستان در مجاورت افغانستان آن را در موقعیت بسیار ضعیفی در رابطه با قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و پیش‌سازهای آن‌ها قرار می‌دهد. افغانستان منبع بیش از ۹۰٪ تریاک جهان و یک تولیدکننده بزرگ شاهدانه است. بخش عمده آن در استان‌های مرزی با پاکستان برداشت می‌شود. در نتیجه، مقادیر زیادی تریاک، هروئین و شاهدانه از طریق پاکستان به ایران، خاورمیانه، آفریقا، شرق آسیا و کشورهای غربی معامله می‌شود. تخمین زده می‌شود که حدود ۴۴٪ هروئین تحویل شده در افغانستان از طریق پاکستان معامله می‌شود.

پاکستان همچنین یک مسیر سفر برای پیش‌سازهای وارد شده به افغانستان است. تمام انیدرید استیک مورد استفاده برای تولید هروئین باید به افغانستان قاچاق شود زیرا هیچ تسهیلاتی برای این ماده در کشور وجود ندارد و هیچ استفاده واقعی از این ماده شیمیایی در آنجا گزارش نشده است. انحراف انیدرید استیک وارداتی از پاکستان به افغانستان و واردات مستقیم غیرقانونی آن به افغانستان بسیار سودآور است زیرا قیمت آن در این کشور در سال‌های اخیر به سرعت افزایش یافته است. در واقع، معامله انیدرید استیک ممکن است حتی از معامله تریاک سودآورتر باشد.

بازار جهانی آرام‌بخش‌ها در سال ۲۰۰۹ با ارزش ۶۸ میلیارد دلار برآورد شد که در آن خریداران هروئین ۶۱ میلیارد دلار مشارکت داشتند. ارزش بازار جهانی هروئین به‌طور کلی همانطور که توسط تعداد مرزهای جهانی که توسط معامله‌گران عبور می‌کنند و مزایای حاصل از افزایش چشمگیر معاملات مواد مخدر هنگام حرکت در مسیرهای معامله نشان داده شده است، افزایش خواهد یافت. سازمان‌های جنایی با تضعیف ماده و گسترش قیمت‌های جاده‌ای آن بهره‌برداری می‌کنند. ارزش هدف هروئینی که از پاکستان عبور می‌کند تقریباً ۲۷ میلیارد دلار است و ارزش نزدیک دارو و پیش‌سازهای غیرقانونی در پاکستان بین ۹۱۰ میلیون تا ۱.۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

قاچاق انسان و مهاجران

پاکستان هم مسیر بهره‌کشی غیرقانونی و هم حمل و نقل گذرا است. بهره‌کشی غیرقانونی به داخل و خارج از کشور شامل بخش عمده‌ای از زنان و کودکان برای تبادیل جنسی، کار کودک و کار اجباری است. در شرایط خاص، قاچاق مهاجران از انواع دیگر بهره‌کشی غیرقانونی گسترده‌تر است. این شامل مهاجرت غیرقانونی به اروپا و خاورمیانه است. پاکستان همچنین یک مسیر سفر برای مهاجرت غیرقانونی افغان‌ها به اروپا، خاورمیانه و در حد کمتر، استرالیا است. باتوجه‌به کمبود اطلاعات و مشکلات تفسیر روندها از تلاش‌های دستگیری و استرداد، تخمین دامنه اقتصاد قاچاق مسافر و بهره‌کشی غیرقانونی دشوار است. محاسبات سنتی ارزش بازده‌های حاصل از دزدی دریایی گذرا و بهره‌کشی غیرقانونی در پاکستان را تقریباً ۱۰۷ میلیون دلار آمریکا قرار می‌دهند.

قاچاق اسلحه در پاکستان

چگونگی شکل‌گیری قاچاق اسلحه در پاکستان

تکثیر سلاح‌های سبک در پاکستان از دو منبع سرچشمه می‌گیرد. اولین مورد تغییر مسیر محموله‌های اسلحه به ارزش تقریبی ۲ میلیارد دلار آمریکا است که قرار بوده بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ از طریق پاکستان به افغانستان برود. طبق برخی برآوردها، ۷۰ درصد از این سلاح‌ها هرگز به افغانستان نرسیدند و سر از بازارهای غیرقانونی پاکستان درآوردند. منبع مهم بعدی، فعالیت‌های تولید اسلحه در بخش دولتی (FATA) در شهرهای دارا آدم خیل و لندی کوتل است که ضعیف و عمدتاً بدون نظارت انجام می‌شود. به تنهایی در دارا آدم خیل، حدود ۲۶۰۰ کارگاه تولید اسلحه وجود دارد که توانایی تولید روزانه ۱۰۰ قبضه کلاشنیکف (AK-۴۷) را دارند. ارتباط بین قاچاق اسلحه و سایر جرایم سازمان‌یافته مشهود است، اگرچه به طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته است. توقیف اسلحه و مهمات در پاکستان به طور مرتب در کنار کشفیات مواد مخدر صورت گرفته است. همچنین به طور گسترده‌ای شناخته شده است که گروه‌های قاچاق مواد مخدر به‌شدت مسلح هستند و به نظر می‌رسد سلاح‌های آن‌ها از سلاح‌های سبک تا موشک‌های ضد هوایی را شامل می‌شود.

بررسی بازگشت مالی ناشی از تولید و فروش سلاح‌های غیرقانونی ساخته شده در پاکستان به دلیل کمبود اطلاعات در این زمینه محدود شده است. تمرکز این تحقیق بر محبوب‌ترین و رایج‌ترین سلاح در کشور، یعنی کلاشینکف (AK-۴۷) است. ارزش مالی ساخت و ساز و تجارت آن ۵۲ میلیون دلار آمریکا تخمین زده می‌شود. تقریباً مسلم است که رقم واقعی بسیار بالاتر از این برآورد است.

به دلیل داده‌های ثبت نشده در مورد بازار سیاه اسلحه و فقدان اطلاعات دقیق، کامل و قابل اعتماد در مورد آخرین تحولات در قیمت و تولید، تعیین کل دامنه این تجارت و مقیاس فعالیت‌های آن بسیار دشوار است.

قاچاق چوب در پاکستان

قیمت چوب در مناطق شهری پاکستان بالاتر از قیمت‌های جهانی است. این امر انگیزه‌ای برای کارگران صنعت چوب ایجاد می‌کند تا از جنگل‌های دولتی کشور با مجوزهای ارزان و قانونی بهره‌برداری کنند. علاوه بر این، انواع چوب با ارزش بالا از افغانستان به پاکستان قاچاق می‌شود. چوب‌های قاچاق به‌طور کلی به‌صورت محلی مصرف می‌شوند، درحالی‌که چوب سدر با ارزش بالا از منابع افغان و داخلی به خارج از پاکستان، عمدتاً به دبی، قاچاق می‌شود. واردات رسمی چوب پاکستان نسبت به تولید چوب در منطقه یک پنجم کمبود دارد. هیچ واردات رسمی هیزم وجود ندارد. سران جنگ در افغانستان از دهه ۱۹۸۰ از تجارت غیرقانونی چوب به‌عنوان منبع درآمد استفاده کرده‌اند. مدت‌ها پیش، وزیرستان شمالی بر بازار چوب تسلط داشت و گزارش‌هایی از دریافت پول‌های هنگفت از این تجارت وجود دارد. گفته می‌شود بازیگران غیر دولتی در سوات با دریافت ۱۰ تا ۲۰ درصد عوارض از هر محموله چوب خارج از آن منطقه، از تجارت چوب سود برده‌اند. بر اساس گزارش‌ها، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، سوات بیشترین میزان جنگل‌زدایی را متحمل شده است. این تحقیق برآورد می‌کند که بازده حاصل از تجارت غیرقانونی چوب – شامل قاچاق الوار و ورود الوار قاچاق از افغانستان به پاکستان – در حدود ۲۳ میلیون دلار آمریکا باقی مانده است.

مسیر پول: قاچاق و تأثیر بر اقتصاد جهانی

جریان پول غیرقانونی

محصولات و افراد مبادله شده غیرقانونی که از طریق این تحقیق تجزیه و تحلیل می‌شوند، جریان پولی را به همراه می‌آورند که از طریق فرار مالیاتی غیرقانونی و تأمین منابع قانونی به اقتصادهای سنتی جهان تزریق می‌شود. این همچنین از فعالیت‌های گروه‌های جنایت سازمان‌یافته جهانی حمایت می‌کند و برای دینامیک بازیگر غیر دولتی در مناطق درگیری در سراسر جهان حساب می‌کند.

هنگامی که پول جنایتکار وارد چارچوب مالی رسمی می‌شود، پیگیری نقطه شروع آن بسیار دشوارتر می‌شود. سرعت ضبط چنین پولی بسیار پایین است (در سطح جهانی کمتر از ۱٪). چنین نرخ‌های پایین منشأ انگیزه قوی برای انتقال غیرقانونی به کانال‌های مالی رسمی برای دریافت سهام شرکت‌ها، اوراق قرضه، زمین و سایر منابع سرمایه‌گذاری می‌دهد.

اقدامات پاکستان برای مبارزه با پولشویی

پاکستان در تلاش برای مبارزه با فرار مالیاتی و بهبود شفافیت مالی، در سال ۲۰۱۰ قانون ضد پولشویی (AML) را تصویب کرد که به‌عنوان یک اقدام مهم در راستای مقابله با فعالیت‌های مالی غیرقانونی و تأمین مالی تروریسم شناخته می‌شود. این قانون به نهادهای مالی و دولتی اجازه می‌دهد تا به‌طور مؤثرتری به شناسایی و مقابله با فعالیت‌های مشکوک بپردازند و نهادهای نظارتی برای رصد و پیگیری تراکنش‌های مالی تأسیس شده‌اند. با این حال، چالش‌هایی وجود دارد که باید برای افزایش اثربخشی آن برطرف شود؛ از جمله عدم شفافیت در اجرای قانون، نیاز به آموزش کارکنان نهادهای مالی در زمینه شناسایی فعالیت‌های مشکوک، بهبود همکاری بین نهادهای مختلف دولتی و خصوصی، و توسعه زیرساخت‌های فناوری برای رصد بهتر داده‌های مالی. با رفع این چالش‌ها و بهبود شرایط، پاکستان می‌تواند به نتایج بهتری در مبارزه با فرار مالیاتی و پولشویی دست یابد.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

اقتصاد اسلامی به یک سیستم اقتصادی اشاره دارد که بر اساس اصول اسلام بنا شده است. این سیستم به دنبال ترویج عدالت اقتصادی، برابری و انصاف است و ریشه‌های آن در آموزه‌های قرآن و سنت (گفتارها و رفتارهای پیامبر محمد صلی الله علیه و آله وسلم) نهفته است.

اصول اقتصاد اسلامی بر پایه مفهوم توحید که به ایمان به وحدت خدا و وحدت انسانیت اشاره دارد، استوار است. اقتصاد اسلامی بر لزوم تعادل بین توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی تأکید دارد و به دنبال ترویج رشد اقتصادی پایدار است. ریشه‌های اقتصاد اسلامی به تاریخ اولیه اسلام بازمی‌گردد. در زمان پیامبر محمد صلی الله علیه و آله وسلم، هیچ نهاد یا سیستم اقتصادی رسمی وجود نداشت. باین‌حال، آموزه‌های پیامبر بر اهمیت عدالت اقتصادی و ضرورت رفتار منصفانه با تمام اعضای جامعه تأکید داشت. این آموزه‌ها بر پایه اصول عدالت اجتماعی، برابری و انصاف قرار داشت.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک سیستم رسمی شروع به توسعه کرد. دانشمندان مسلمان به مطالعه و تفسیر قرآن و سنت پرداختند تا اصول و راهنماهای اقتصادی را شکل دهند. اولین متفکر بزرگ اقتصادی اسلامی، ابویوسف بود که کتابی در زمینه اقتصاد اسلامی به نام "کتاب الخراج" نوشت.

اقتصاد اسلامی به یک سیستم اقتصادی اشاره دارد که بر اساس اصول اسلام شامل عدالت، انصاف و رفاه اجتماعی بنا شده است. هدف اقتصاد اسلامی ایجاد سیستمی اقتصادی است که با ارزش‌ها و اصول اسلامی همسو باشد و به نفع جامعه به‌طور کلی عمل کند. ویژگی‌های اصلی اقتصاد اسلامی شامل ممنوعیت بهره، ترویج رفتار اخلاقی و تشویق به رفاه اجتماعی و خیر عمومی است.

تاریخچه اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد که به زمان پیامبر اسلام (ص) در قرن هفتم هجری بازمی‌گردد. در این دوران، اصول اقتصاد اسلامی از جمله حرمت ربا، غرر (عدم قطعیت) و میسر (قمار) پایه‌گذاری شد. این اصول در طول قرن‌ها توسط علمای اسلامی توسعه یافت و اقتصاد اسلامی به بخش مهمی از فقه اسلامی تبدیل شد. در دوران مدرن، اقتصاد اسلامی به نیروی اقتصادی قابل توجهی در بسیاری از کشورهای مسلمان، به‌ویژه در خاورمیانه و جنوب شرق آسیا، تبدیل شده است. اولین بانک اسلامی، بانک اسلامی دبی، در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد و از آن زمان، بانکداری اسلامی به سرعت رشد کرده است، به طوری که کل حجم این صنعت بالغ بر ۲ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود.

اهمیت اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی به چند دلیل مهم است:

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

تأکید بر رفاه اجتماعی و خیر عمومی: این موضوع می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و منصفانه‌تر کمک کند. این امر از طریق زکات (کمک مالی اجباری) که یکی از ارکان پنجگانه اسلام است و از مسلمانان می‌خواهد بخشی از ثروت خود را به نیازمندان بدهند، محقق می‌شود.

ترویج رفتار اخلاقی و مسئولیت اجتماعی: اقتصاد اسلامی، رفتار اخلاقی و مسئولیت اجتماعی را ترویج می‌کند که می‌تواند به ایجاد یک سیستم اقتصادی پایدارتر و مسئولانه‌تر کمک کند. این امر از طریق ممنوعیت ربا (بهره) و ترویج عدالت و انصاف در معاملات اقتصادی حاصل می‌شود.

کاربردهای جهانی اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی یک سیستم اصول و رویه‌های اقتصادی است که مطابق با آموزه‌های اسلام است. این سیستم در بسیاری از کشورهای مسلمان محبوبیت پیدا کرده است و همچنین در سال‌های اخیر شاهد کاربردهای جهانی آن بوده‌ایم. در این فصل، کشورهایی را که اصول اقتصاد اسلامی را پذیرفته‌اند، نقش مؤسسات مالی بین‌المللی در ترویج بانکداری اسلامی و رشد صنعت بانکداری اسلامی را بررسی خواهیم کرد.

کشورهایی که اصول اقتصاد اسلامی را اتخاذ کرده‌اند

مالزی

مالزی یکی از کشورهای پیشرو در جهان از نظر بانکداری اسلامی است. این کشور یک چارچوب قانونی و نظارتی جامع برای بانکداری اسلامی تدوین کرده و چندین مؤسسه مالی اسلامی از جمله بانک‌های اسلامی، شرکت‌های تکافل (بیمه اسلامی) و شرکت‌های مدیریت دارایی اسلامی را تأسیس کرده است.

عربستان سعودی

عربستان سعودی، خانه دو مکان مقدس اسلام است و سابقه‌ای طولانی در اجرای اصول اقتصاد اسلامی دارد. این کشور دارای صنعت مالی اسلامی بزرگی است و چندین مؤسسه مالی اسلامی از جمله بانک توسعه اسلامی (IDB) و مؤسسه پولی عربستان سعودی (SAMA) را تأسیس کرده است.

امارات متحده عربی

امارات متحده عربی (UAE) میزبان دبی است که یکی از مراکز پیشرو در بانکداری اسلامی در جهان به شمار می‌رود. این کشور دارای چارچوب قانونی و نظارتی جامع برای بانکداری اسلامی است و چندین مؤسسه مالی اسلامی از جمله بانک‌های اسلامی، شرکت‌های تکافل و شرکت‌های مدیریت دارایی اسلامی تأسیس کرده است.

پاکستان

پاکستان دارای جمعیت مسلمان زیادی است و اصول اقتصاد اسلامی را در سیستم اقتصادی خود اجرا کرده است. این کشور چندین مؤسسه مالی اسلامی از جمله بانک‌های اسلامی و شرکت‌های تکافل تأسیس کرده است. مؤسسات مالی بین‌المللی و بانکداری اسلامی مؤسسات مالی بین‌المللی نقش مهمی در ترویج بانکداری اسلامی و حمایت از رشد این صنعت داشته‌اند. این مؤسسات عبارتند از:

بانک توسعه اسلامی (IDB):

بانک توسعه اسلامی یک بانک توسعه چندجانبه است که در عربستان سعودی مستقر است. این بانک در سال ۱۹۷۵ باهدف ترویج توسعه اقتصادی در کشورهای مسلمان تأسیس شد. این بانک برای پروژه‌های زیرساختی، تأمین مالی تجارت و سایر ابتکارات توسعه در کشورهای مسلمان تأمین مالی می‌کند و نقش مهمی در ترویج بانکداری اسلامی داشته است.

صندوق بین‌المللی پول (IMF):

صندوق بین‌المللی پول اهمیت بانکداری اسلامی را به رسمیت شناخته و برای حمایت از رشد آن تلاش کرده است. در سال ۲۰۱۳، صندوق بین‌المللی پول گزارشی درباره بانکداری اسلامی منتشر کرد که در آن بر مزایای بالقوه این صنعت و سیاست‌های پیشنهادی برای حمایت از رشد آن تأکید شد.

بانک جهانی و رشد بانکداری اسلامی

بانک جهانی

بانک جهانی نیز پتانسیل بانکداری اسلامی را به رسمیت شناخته و برای حمایت از رشد آن تلاش کرده است. این بانک به چندین کشور مسلمان کمک فنی ارائه کرده است تا به آنها در توسعه چارچوب‌های قانونی و نظارتی برای بانکداری اسلامی کمک کند.

رشد صنعت بانکداری اسلامی

صنعت بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر به سرعت رشد کرده و به منبع مهمی برای تأمین مالی بسیاری از مشاغل و پروژه‌ها در سراسر جهان تبدیل شده است. تخمین زده می‌شود که ارزش این صنعت بیش از ۲ تریلیون دلار است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده همچنان رشد کند.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

بانکداری اسلامی در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان محبوبیت پیدا کرده است و توسط چندین مؤسسه مالی اصلی اتخاذ شده است. این امر به افزایش آگاهی در مورد این صنعت و رشد آن کمک کرده است. رشد صنعت بانکداری اسلامی توسط چندین عامل از جمله افزایش تقاضا برای سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و مسئولیت اجتماعی، رشد جمعیت مسلمانان و افزایش علاقه به بانکداری اسلامی از سوی غیرمسلمانان، هدایت شده است.

نسبت فعلی اقتصاد اسلامی

نسبت فعلی اقتصاد اسلامی که به اندازه و دامنه اقتصاد اسلامی در مقایسه با اقتصاد سنتی اشاره دارد، در سال‌های اخیر به طور پیوسته افزایش یافته است. تخمین زده می‌شود که اقتصاد اسلامی بیش از ۲ تریلیون دلار ارزش دارد و انتظار می‌رود در سال‌های آینده همچنان رشد کند.

بررسی اندازه و دامنه اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی طیف گسترده‌ای از بخش‌ها را در بر می‌گیرد، از جمله مالی، غذای حلال، مد و گردشگری. بانکداری اسلامی بزرگ‌ترین بخش اقتصاد اسلامی است و شامل بانکداری اسلامی، بیمه اسلامی (تکافل) و مدیریت دارایی اسلامی می‌شود. بخش غذای حلال نیز بخش قابل توجهی از اقتصاد اسلامی است و شامل تولید و توزیع غذا و نوشیدنی‌های دارای گواهی‌نامه حلال می‌شود.

مقایسه اقتصاد اسلامی با اقتصاد سنتی

از نظر رشد و توسعه، اقتصاد اسلامی نتایج امیدوارکننده‌ای نشان داده است. صنعت بانکداری اسلامی با نرخ متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد در سال رشد کرده است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده با نرخ مشابهی رشد کند. بخش غذای حلال نیز رشد چشمگیری داشته است، به طوری که بازار جهانی غذای حلال بیش از ۱.۴ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود.

اقتصاد اسلامی در برابر اقتصاد سنتی

در مقایسه با اقتصاد سنتی، اقتصاد اسلامی در زمان‌های عدم اطمینان اقتصادی انعطاف‌پذیری نشان داده است. در طول بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، مؤسسات مالی اسلامی تا حد زیادی تحت تأثیر قرار نگرفتند، درحالی‌که بسیاری از مؤسسات مالی سنتی متحمل ضررهای قابل توجهی شدند. این امر منجر به افزایش علاقه به بانکداری اسلامی به عنوان جایگزینی باثبات‌تر و اخلاقی‌تر نسبت به بانکداری سنتی شده است.

از نظر توسعه، اقتصاد اسلامی همچنان با چالش‌های متعددی روبرو است. یکی از چالش‌های اصلی، نبود استانداردسازی و هماهنگی در این صنعت است. در حال حاضر هیچ مجموعه واحدی از استانداردها یا قوانینی وجود ندارد که بر اقتصاد اسلامی حاکم باشد که منجر به تفاوت در شیوه‌ها و محصولات در بازارهای مختلف شده است.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

چالش دیگری که اقتصاد اسلامی با آن روبرو است، کمبود آگاهی و درک در میان مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها است. بسیاری از مردم هنوز با مفهوم بانکداری اسلامی و اصولی که بر آن حاکم است آشنایی ندارند که باعث محدود شدن پذیرش و رشد آن شده است.

با وجود این چالش‌ها، اقتصاد اسلامی پتانسیل قابل توجهی برای رشد و توسعه نشان داده است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده به گسترش خود ادامه دهد. با افزایش تقاضا برای سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و مسئولیت اجتماعی، و همچنین رشد جمعیت مسلمانان، اقتصاد اسلامی به خوبی در موقعیتی قرار دارد که نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا کند.

اقتصاد اسلامی در بخش بانکداری

اقتصاد اسلامی در بخش بانکداری صنعتی با رشد سریع است که بر اساس اصول و رویه‌های اسلامی بنا شده است. بانکداری اسلامی جزء جدایی ناپذیر اقتصاد اسلامی است که هدف آن ترویج شیوه‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و مسئولانه اجتماعی در عین پایبندی به اصول شریعت است.

تاریخچه بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی که به‌عنوان بانکداری مطابق با شریعت نیز شناخته می‌شود، یک سیستم مالی است که بر اساس قوانین اسلامی (شریعت) عمل می‌کند. اصول بانکداری اسلامی بر مبنای ممنوعیت دریافت یا پرداخت بهره (ربا)، قمار (میسر) و معاملات سوداگرانه (غرر) استوار است. در عوض، بانکداری اسلامی بر سود و مشارکت در ریسک بین بانک و مشتریانش تأکید دارد و سرمایه‌گذاری باید در مشاغل اخلاقی و مسئولانه اجتماعی انجام شود. ریشه‌های بانکداری اسلامی را می‌توان به اوایل اسلام در قرن هفتم هجری بازگرداند، زمانی که تجارت و بازرگانی بخش‌های اساسی جامعه مسلمان بود. با این حال، سیستم بانکداری اسلامی مدرن همانطور که امروزه آن را می‌شناسیم، برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ در مصر و مالزی تأسیس شد.

اولین بانک اسلامی مدرن، بانک اسلامی مصر، در سال ۱۹۶۳ با کمک علمای اسلامی و اقتصاددانان تأسیس شد. هدف این بانک ارائه خدمات مالی مطابق با قوانین اسلامی و پاسخگویی به نیازهای مسلمانانی بود که می‌خواستند از معاملات مبتنی بر بهره اجتناب کنند. در سال ۱۹۷۵، بانک توسعه اسلامی به‌عنوان یک نهاد مالی بین‌المللی برای حمایت از توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان و ترویج بانکداری اسلامی تأسیس شد.

بانکداری اسلامی: اصول و عملکرد

از آن زمان، بانکداری اسلامی با سرعتی بالا در سراسر جهان گسترش یافته است و در حال حاضر بیش از ۳۰۰ مؤسسه مالی اسلامی در بیش از ۷۵ کشور جهان فعالیت می‌کنند. بانکداری اسلامی به طور خاص در خاورمیانه و جنوب

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

شرق آسیا رایج شده است، به طوری که کشورهایی مانند عربستان سعودی، کویت، مالزی و امارات متحده عربی دارای صنایع بزرگ بانکداری اسلامی هستند.

امروزه، بانکداری اسلامی فراتر از محصولات بانکی سنتی گسترش یافته و شامل بیمه اسلامی (تکافل)، وام مسکن اسلامی و سایر خدمات مالی می‌شود. همچنین با انتشار اوراق قرضه اسلامی (صکوک) و تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی به بازیگری مهم در عرصه مالی جهانی تبدیل شده است.

درک شیوه‌های بانکداری اسلامی

شیوه‌های بانکداری اسلامی بر اساس اصول شریعت بنا شده است که دریافت یا پرداخت بهره (ربا) را ممنوع می‌کند و مشارکت در سود و زیان بین بانک و مشتریان را تشویق می‌نماید. در اینجا برخی از شیوه‌های کلیدی بانکداری اسلامی را بیان می‌کنیم:

مشارکت در سود و زیان: در بانکداری اسلامی، سود و زیان بین بانک و مشتریان تقسیم می‌شود. این کار از طریق مکانیسم‌های مختلفی مانند مضاربه (مشارکت)، مشارکت (شرکت مشترک) و وکالت انجام می‌شود. بانک سرمایه خود را در فعالیت‌های تجاری مشتریان سرمایه‌گذاری می‌کند و سود یا زیان را بر اساس نسبت توافق‌شده قبلی تقسیم می‌کند. ممنوعیت بهره: بانکداری اسلامی دریافت یا پرداخت بهره را ممنوع می‌کند، زیرا این کار استثمارگرانه و غیر اخلاقی تلقی می‌شود. در عوض، بانک‌های اسلامی از مکانیسم‌های جایگزین مختلفی مانند مرابحه (تأمین مالی بر اساس هزینه تمام‌شده به اضافه سود)، اجاره و استصناع (تأمین مالی بر اساس قرارداد) برای تأمین مالی مشتریان خود استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی: بانکداری اسلامی سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و مسئولانه اجتماعی را که به نفع جامعه است و از فعالیت‌های مضر یا ممنوع در اسلام مانند قمار، الکل و دخانیات اجتناب می‌کند، تشویق می‌نماید. این مفهوم با عنوان حلال (مجاز) و حرام (ممنوع) شناخته می‌شود.

تأمین مالی با پشتوانه دارایی: بانکداری اسلامی مستلزم آن است که تمام تأمین مالی‌ها با دارایی‌های ملموس مانند املاک، تجهیزات یا موجودی انبار پشتیبانی شود. این امر اطمینان می‌دهد که بانک ریسک را با مشتریان خود به اشتراک می‌گذارد و تأمین مالی به فعالیت اقتصادی واقعی مرتبط است.

هیئت نظارت شرعی: بانک‌های اسلامی دارای یک هیئت نظارت شرعی (SSB) متشکل از علمای اسلامی هستند که تضمین می‌کنند تمامی فعالیت‌های بانکی مطابق با قوانین شریعت باشد. SSB همچنین در مورد سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و اصول مالی اسلامی راهنمایی ارائه می‌دهد.

در مجموع، شیوه‌های بانکداری اسلامی برای ترویج بانکداری اخلاقی و مسئولانه‌ای طراحی شده‌اند که بر اساس اصول انصاف و مسئولیت اجتماعی بنا شده است.

مقایسه بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی

بانکداری اسلامی بر پایبندی به اصول اولیه قرآن در تمام فعالیت‌های تجاری خود تأکید دارد. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر یا راهنمایی، بانکداران اسلامی به سراغ علمای برجسته می‌روند یا از منطق مستقل مبتنی بر آموزش و عرف رایج استفاده می‌کنند.

یکی از تفاوت‌های اصلی بین سیستم‌های بانکداری سنتی و بانکداری اسلامی، ممنوعیت ربا (بهره) و قمار در بانکداری اسلامی است. شریعت به طور جدی هر گونه قمار یا ریسک‌پذیری بدون پشتوانه را که به عنوان “میسر” شناخته می‌شود، ممنوع می‌کند. همچنین دریافت بهره بر روی وام‌ها در شریعت ممنوع است. علاوه بر این، هر گونه سرمایه‌گذاری که شامل کالا یا محصولات باشد که در قرآن ممنوع است – از جمله الکل، قمار و گوشت خوک – نیز ممنوع است. از این رو، بانکداری اسلامی را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری اخلاقی با تمایز فرهنگی در نظر گرفت.

برای کسب درآمد بدون استفاده از روش معمول دریافت بهره، بانک‌های اسلامی از سیستم‌های مشارکت در سهام استفاده می‌کنند. مشارکت در سهام به این معنی است که اگر بانکی به یک کسب و کار پول قرض دهد، آن کسب و کار به جای پرداخت بهره، بخشی از سود خود را به بانک می‌دهد. با این حال، در صورت عدم موفقیت کسب و کار یا عدم کسب سود، بانک نیز سودی دریافت نمی‌کند. به طور کلی، مؤسسات بانکداری اسلامی در شیوه‌های سرمایه‌گذاری خود محتاط‌تر عمل می‌کنند. در نتیجه، آن‌ها عموماً از کسب و کارهایی که می‌توانند با حباب‌های سوداگرانه مرتبط باشند، اجتناب می‌کنند.

بانک‌های اسلامی چگونه در آمد کسب می‌کنند؟

بانک‌های اسلامی از طریق روش‌های مختلفی که مطابق با قوانین شریعت است، درآمد کسب می‌کنند. این قوانین دریافت یا پرداخت بهره را ممنوع می‌کنند. در اینجا برخی از روش‌هایی که بانک‌های اسلامی از طریق آن‌ها درآمد ایجاد می‌کنند، آورده شده است:

مشارکت در سود: بانک‌های اسلامی برای ایجاد درآمد از سازوکارهای مشارکت در سود و زیان (PLS) مانند مضاربه و مشارکت استفاده می‌کنند. در این مشارکت‌ها، بانک وجوه خود را در یک سرمایه‌گذاری تجاری با یک مشتری سرمایه‌گذاری می‌کند و سود یا زیان را بر اساس نسبت توافق‌شده قبلی تقسیم می‌کند.

هزینه خدمات: بانک‌های اسلامی برای خدمات مختلف مانند نگهداری حساب، استفاده از خودپرداز و تراکنش‌های ارز خارجی، هزینه‌هایی را دریافت می‌کنند. این هزینه‌ها به طور کلی کمتر از هزینه‌های بانک‌های سنتی است. معاملات مبتنی بر فروش: بانک‌های اسلامی برای تأمین مالی مشتریان خود از معاملات مبتنی بر فروش مانند مباحه و اجاره استفاده می‌کنند. در مباحه، بانک کالایی را به نمایندگی از مشتری خریداری می‌کند و با قیمت بالاتری به او می‌فروشد. در اجاره، بانک برای مدت معین و با دریافت اجاره، کالایی را به مشتری اجاره می‌دهد.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

معاملات مبتنی بر کارمزد: بانک‌های اسلامی از معاملات مختلف مانند تجارت مالی و خدمات بانکداری سرمایه‌گذاری، کارمزد دریافت می‌کنند. این کارمزدها بر اساس ارزش معامله است و به‌طور کلی کمتر از کارمزدهای بانک‌های سنتی است.

درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری: بانک‌های اسلامی همچنین از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مطابق با شریعت، مانند املاک، سهام و صکوک (اوراق قرضه اسلامی) درآمد کسب می‌کنند. این سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس مشارکت در سود یا معاملات مبتنی بر فروش است و درآمد حاصل از آن با مشتریان بانک تقسیم می‌شود.

خلاصه: بانکداری اسلامی

به‌طور کلی، بانک‌های اسلامی از طریق مکانیسم‌های مختلفی که بر اساس مشارکت در سود، هزینه خدمات، معاملات مبتنی بر فروش و معاملات مبتنی بر کارمزد بنا شده‌اند، درآمد کسب می‌کنند. این مکانیسم‌ها تضمین می‌کنند که فعالیت‌های بانک با قوانین شریعت مطابقت دارد و بانکداری اخلاقی و مسئولانه را ترویج می‌کند.

نکات کلیدی:

- بانکداری اسلامی که به‌عنوان بانکداری مالی اسلامی یا مطابق با شریعت نیز شناخته می‌شود، به فعالیت‌های مالی یا بانکی اشاره دارد که با شریعت (قوانین اسلامی) مطابقت دارد.
- دو اصل اساسی بانکداری اسلامی، مشارکت در سود و زیان و ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره توسط وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران است.
- بانک‌های اسلامی از طریق مشارکت در سهام که نیازمند پرداخت سود به بانک به‌جای بهره است، سود کسب می‌کنند.
- برخی از بانک‌های سنتی پنجره‌ها یا بخش‌هایی دارند که خدمات مشخص بانکداری اسلامی را به مشتریان خود ارائه می‌دهند.

حقایق:

یک بانک اسلامی کاملاً با استفاده از اصول اسلامی فعالیت می‌کند، درحالی‌که یک پنجره اسلامی به خدماتی اشاره دارد که بر اساس اصول اسلامی ارائه می‌شوند و توسط یک بانک سنتی ارائه می‌شوند. برخی از بانک‌های تجاری از طریق پنجره‌ها یا بخش‌های اختصاصی، خدمات بانکداری اسلامی ارائه می‌دهند.

نمونه‌هایی از مؤسسات بانکداری اسلامی و خدمات آن‌ها

چندین مؤسسه بانکداری اسلامی وجود دارد که طیف وسیعی از خدمات را به مشتریان در سراسر جهان ارائه می‌دهند. یکی از این مؤسسات، بانک اسلامی دبی است که در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد و یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های اسلامی در

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

جهان به شمار می‌رود. این بانک خدمات متنوعی از جمله بانکداری شخصی، بانکداری شرکتی و بانکداری سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد.

نمونه دیگر از یک مؤسسه بانکداری اسلامی، «بیت التمويل الكويت» (KFH) است که در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد و یکی از قدیمی‌ترین بانک‌های اسلامی در جهان است. KFH طیف وسیعی از خدمات از جمله بانکداری خرد، بانکداری سرمایه‌گذاری و مدیریت دارایی ارائه می‌دهد. علاوه بر این مؤسسات، بانک‌های اسلامی دیگری نیز وجود دارند که خدمات متنوعی را به مشتریان در سراسر جهان ارائه می‌دهند. این خدمات ممکن است شامل وام مسکن اسلامی، کارت‌های اعتباری اسلامی، حساب‌های پس‌انداز اسلامی و غیره باشد. به‌طور کلی، بانکداری اسلامی جایگزینی عادلانه‌تر و مسئولانه‌تر از نظر اجتماعی برای بانکداری سنتی ارائه می‌دهد که با اصول شریعت مطابقت دارد. درحالی‌که صنعت بانکداری اسلامی هنوز با چالش‌هایی مانند نبود استانداردسازی و آگاهی در بین مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها مواجه است، انتظار می‌رود رشد این صنعت در سال‌های آینده با افزایش آگاهی مردم از مزایای شیوه‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و مسئولانه اجتماعی، همچنان ادامه یابد.

تأثیر قابل توجه اقتصاد اسلامی بر عموم مردم

این امر به این دلیل است که اقتصاد اسلامی بر اساس اصولی بنا شده است که عدالت اجتماعی، برابری و انصاف را ترویج می‌کند. برخی از تأثیرات اقتصاد اسلامی بر عموم مردم عبارتند از:

دسترسی به محصولات و خدمات مالی منصفانه: اقتصاد اسلامی ربا (بهره) را ممنوع می‌کند و مشارکت در سود و زیان (PLS) را ترویج می‌نماید. این امر تضمین می‌کند که محصولات و خدمات مالی برای همه افراد، صرف‌نظر از وضعیت مالی آن‌ها، منصفانه و در دسترس باشد. این می‌تواند با ارائه محصولات و خدماتی که بر پایه شیوه‌های استثمارگرانه بنا نشده‌اند، به عموم مردم سود برساند.

ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی: اقتصاد اسلامی بر اهمیت همکاری و رشد اقتصادی پایدار تأکید می‌کند. این می‌تواند با ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی در جوامع، به نفع عموم مردم باشد. این امر می‌تواند منجر به بهبود سطح زندگی و افزایش فرصت‌های شغلی شود.

کاهش فقر و نابرابری: اقتصاد اسلامی توزیع ثروت به روشی عادلانه و منصفانه را ترویج می‌کند. این می‌تواند با کاهش فقر و نابرابری به نفع عموم مردم باشد. زکات که برای مسلمانان واجد شرایط خاص الزامی است، برای کمک به فقرا و نیازمندان استفاده می‌شود. این می‌تواند برای کسانی که از نظر مالی در مشکل هستند، یک شبکه ایمنی فراهم کند.

تشویق رفتار اخلاقی و مسئولانه: اقتصاد اسلامی رفتار اخلاقی و مسئولانه را در همه جنبه‌های زندگی، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، ترویج می‌کند. این می‌تواند با ترویج فرهنگ صداقت، شفافیت و پاسخگویی به نفع عموم مردم باشد. این امر می‌تواند منجر به کاهش فساد و سایر شیوه‌های غیر اخلاقی شود.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

ترویج پایداری زیست‌محیطی: اقتصاد اسلامی اهمیت پایداری زیست‌محیطی را به رسمیت می‌شناسد. این می‌تواند با ترویج حفاظت از محیط‌زیست و حفظ منابع طبیعی به نفع عموم مردم باشد. این امر می‌تواند منجر به آینده‌ای سالم‌تر و پایدارتر برای همه شود.

به‌طور کلی، اقتصاد اسلامی با ترویج عدالت اجتماعی، برابری، انصاف و پایداری، می‌تواند تأثیر مثبتی بر عموم مردم داشته باشد. اقتصاد اسلامی با فراهم کردن دسترسی به محصولات و خدمات مالی منصفانه، ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری، تشویق رفتار اخلاقی و مسئولانه و ترویج پایداری زیست‌محیطی، می‌تواند به نفع کل جامعه باشد.

مقایسه اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری

اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری دو مدل اقتصادی متمایز با اصول، ارزش‌ها و اهداف مختلف هستند. در زیر برخی از تفاوت‌های اصلی بین این دو آمده است:

مبنای فعالیت اقتصادی

- سرمایه‌داری: مبتنی بر پیگیری سود و منافع شخصی فردی است.
 - اقتصاد اسلامی: مبتنی بر اصول عدالت، رفاه اجتماعی و خیر عمومی جامعه است.
- مالکیت و کنترل
- سرمایه‌داری: افراد یا شرکت‌های خصوصی مالک و کنترل وسایل تولید هستند.
 - اقتصاد اسلامی: مالکیت به‌عنوان امانتی از جانب خدا تلقی می‌شود و حقوق مالکیت خصوصی با حقوق جامعه متوازن است.

بهره و ربا

- سرمایه‌داری: به معاملات مبتنی بر بهره اجازه می‌دهد.
- اقتصاد اسلامی: دریافت و پرداخت بهره (ربا) را ممنوع می‌کند و ترتیبات مشارکت در سود و زیان (PLS) را ترویج می‌دهد.

توزیع ثروت

- سرمایه‌داری: تمایل به تمرکز ثروت در دست تعداد معدودی دارد.
- اقتصاد اسلامی: توزیع عادلانه ثروت از طریق مکانیزم‌هایی مانند زکات و وقف را ترویج می‌کند.

نقش دولت

- سرمایه‌داری: دخالت دولت در امور اقتصادی را حداقل می‌کند.
- اقتصاد اسلامی: دخالت دولت را برای تأمین نیازهای اساسی، ترویج رفاه اجتماعی و جلوگیری از بهره‌کشی تشویق می‌کند.

نگرانی‌های زیست‌محیطی

- سرمایه‌داری: تمایل به اولویت‌بندی رشد اقتصادی و سود نسبت به نگرانی‌های زیست‌محیطی دارد.
- اقتصاد اسلامی: اهمیت پایداری زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی را به رسمیت می‌شناسد.

خلاصه و چشم‌انداز اقتصاد اسلامی در پاکستان

درحالی‌که سرمایه‌داری بر منافع شخصی فردی، حداکثر کردن سود و حقوق مالکیت خصوصی تأکید دارد، اقتصاد اسلامی اولویت را به عدالت، رفاه اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت و خیر عمومی جامعه می‌دهد. این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی در زمینه توسعه اقتصادی، توزیع درآمد، پایداری زیست‌محیطی و رفاه اجتماعی شود.

وضعیت فعلی اقتصاد اسلامی در پاکستان

اقتصاد و امور مالی اسلامی در بسیاری از نقاط جهان از جمله پاکستان به سرعت در حال رشد است. در سال‌های اخیر، تعداد مؤسسات و محصولات مالی اسلامی به طور قابل توجهی افزایش یافته است و آگاهی و تقاضای بیشتری برای امور مالی اسلامی در بین مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها وجود دارد.

یکی از عوامل اصلی رشد اقتصاد اسلامی، تقاضای روزافزون برای محصولات و خدمات مالی مبتنی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. امور مالی اسلامی به‌عنوان جایگزینی مناسب برای امور مالی سنتی تلقی می‌شود، زیرا بر اصول مشارکت در ریسک، عدالت اجتماعی، رفتار اخلاقی و اجتناب از معاملات مبتنی بر بهره (riba) استوار است.

در پاکستان، صنعت مالی اسلامی با سرعت بالایی در حال رشد است و این کشور یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های بانکداری اسلامی در جهان را دارا است. طبق اعلام بانک مرکزی پاکستان، دارایی‌های صنعت بانکداری اسلامی در سال ۲۰۲۰ با ۲۹.۴ درصد افزایش به ۳.۹ تریلیون روپیه پاکستان (۲۴.۵ میلیارد دلار آمریکا) رسید. این صنعت همچنین سهم قابل توجهی از کل بخش بانکداری پاکستان را به خود اختصاص داده است، به طوری که دارایی‌های بانکداری اسلامی حدود ۱۶ درصد از کل دارایی‌های بانکی کشور را تشکیل می‌دهد. علاوه بر بانکداری اسلامی، بخش‌های دیگری از امور مالی اسلامی در پاکستان مانند بیمه اسلامی (تکافل)، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و خرده‌مالی اسلامی نیز رشد قابل توجهی داشته‌اند. به‌طور کلی، چشم‌انداز فعلی برای اقتصاد و امور مالی اسلامی در پاکستان و سراسر جهان، چشم‌اندازی مبتنی بر رشد و توسعه است. تقاضا برای محصولات و خدمات مالی اسلامی رو به افزایش است و آگاهی و پذیرش امور مالی اسلامی در بین مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها نیز بیشتر می‌شود. به احتمال زیاد این روند در سال‌های آینده ادامه خواهد داشت، زیرا افراد بیشتری به اشکال اخلاقی و مسئولانه‌تر تأمین مالی و سرمایه‌گذاری روی می‌آورند.

وام صندوق بین‌المللی پول

سیستم وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول (IMF) بر اساس اصول اقتصاد اسلامی بنا نشده است. صندوق بین‌المللی پول یک مؤسسه مالی چندجانبه است که برای حمایت از ثبات اقتصادی و مالی کشورهای عضو به آن‌ها وام اعطا می‌کند. این وام‌ها معمولاً بر اساس اصول اقتصادی متعارف بوده و شامل تأمین مالی مبتنی بر بهره هستند. پاکستان در طول سال‌های گذشته برای حمایت از توسعه اقتصادی و ثبات خود، چندین بار از صندوق بین‌المللی پول وام دریافت کرده است. در حالی که این وام‌ها بر اساس اصول اقتصاد اسلامی طراحی نشده‌اند، دولت پاکستان اقداماتی را برای ترویج بانکداری و امور مالی اسلامی در این کشور انجام داده است. در سال‌های اخیر، دولت پاکستان برای ترویج بانکداری و امور مالی اسلامی، اقدامات متعددی از جمله انتشار صکوک (اوراق قرضه اسلامی) و ایجاد شعبات بانکداری اسلامی در بانک‌های سنتی را اتخاذ کرده است. با این حال، این کشور همچنان برای حمایت از توسعه اقتصادی و ثبات خود به تأمین مالی متعارف از مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول وابسته است.

خلاصه: وام‌های صندوق بین‌المللی پول و اقتصاد اسلامی

به طور خلاصه، سیستم وام‌دهی صندوق بین‌المللی پول به پاکستان بر اساس اصول اقتصاد اسلامی طراحی نشده است، هرچند دولت این کشور برای ترویج بانکداری و امور مالی اسلامی در داخل کشور گام‌هایی برداشته است.

چالش‌ها و مسیرهای آینده اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی هنوز در مراحل اولیه توسعه و رشد خود به سر می‌برد و برای اینکه این صنعت همچنان شکوفا شود، باید بر تعدادی از چالش‌ها غلبه کرد. برخی از چالش‌های کلیدی پیش روی اقتصاد اسلامی عبارتند از: عدم وجود استانداردسازی: یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اقتصاد اسلامی، فقدان استانداردسازی در این صنعت است. نیاز به دستورالعمل‌ها و مقررات روشن و منسجم وجود دارد تا بتوان از تطابق و شفافیت محصولات و خدمات مالی اسلامی اطمینان حاصل کرد. آگاهی و درک محدود: چالش دیگر پیش روی اقتصاد اسلامی، آگاهی و درک محدود مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها نسبت به امور مالی اسلامی است. بسیاری از مردم هنوز با اصول و روش‌های مالی اسلامی آشنا نیستند که این امر می‌تواند باعث کندی پیشرفت این صنعت شود. دسترسی محدود به سرمایه: امور مالی اسلامی هنوز یک صنعت نسبتاً کوچک است و در نتیجه، دسترسی بانک‌های اسلامی و سایر مؤسسات مالی به سرمایه محدود است. این امر می‌تواند برای این مؤسسات در جهت رشد و توسعه فعالیت‌هایشان مشکل ایجاد کند.

فصل نهم: شیوه‌های اقتصادی اسلامی در صنعت بانکداری

کمبود استعداد و تخصص: صنعت مالی اسلامی نسبتاً جدید است و در نتیجه، کمبود استعداد و تخصص در این زمینه وجود دارد. این امر می‌تواند جذب و نگهداشتن نیروی کار واجد شرایط را برای مؤسسات مالی اسلامی دشوار کند. با وجود این چالش‌ها، آینده اقتصاد اسلامی امیدوارکننده به نظر می‌رسد. این صنعت در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی رشد کرده است و تقاضا برای شیوه‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و مسئولانه اجتماعی در حال افزایش است. برخی از مسیرهای آینده برای اقتصاد اسلامی عبارتند از:

نوآوری: برای توسعه محصولات و خدمات مالی جدید که نیازهای مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها را برآورده کند، نیاز به نوآوری مداوم در اقتصاد اسلامی وجود دارد. این امر مستلزم همکاری و مشارکت بین مؤسسات مالی اسلامی، شرکت‌های فین‌تک و سایر ذینفعان است.

استانداردسازی: برای ارتقای شفافیت و انسجام در صنعت، نیاز به استانداردسازی بیشتر در اقتصاد اسلامی وجود دارد. استانداردسازی و آموزش در اقتصاد اسلامی برای دستیابی به این هدف، تدوین دستورالعمل‌ها و مقررات روشن و منسجم که تضمین‌کننده تطابق و شفافیت محصولات و خدمات مالی اسلامی باشد، ضروری است.

آموزش و آگاهی‌رسانی در مورد اقتصاد اسلامی

نیاز به آموزش و آگاهی بیشتر مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها در مورد امور مالی اسلامی وجود دارد. این امر مستلزم تلاش‌های تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی از سوی مؤسسات مالی اسلامی و سایر ذینفعان این صنعت است.

همکاری و مشارکت در اقتصاد اسلامی

همکاری و مشارکت بیشتر بین مؤسسات مالی اسلامی، شرکت‌های فین‌تک و سایر ذینفعان این صنعت ضروری است. این امر به رشد و نوآوری در اقتصاد اسلامی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

به‌طورکلی، اقتصاد اسلامی صنعتی امیدوارکننده و با رشد سریع است که بر شیوه‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و مسئولانه اجتماعی بنا شده است. درحالی‌که این صنعت همچنان با چالش‌هایی روبرو است، آینده درخشان به نظر می‌رسد، زیرا با افزایش آگاهی مردم از مزایای امور مالی اسلامی و تداوم نوآوری و رشد این صنعت، چشم‌انداز آن روشن‌تر می‌شود.

جمع‌بندی: اقتصاد اسلامی، جایگزینی برای سیستم مالی متعارف

در خاتمه، سیستم اقتصادی اسلامی در سراسر جهان، از جمله در بخش شرکتی و در پاکستان، در حال کسب رونق است. این نظام بر اصول برابری، عدالت اجتماعی و رفتار اخلاقی بنا شده است و هدف آن ارتقای رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی با اجتناب از معاملات مبتنی بر بهره (riba) است.

صنعت مالی اسلامی در بسیاری از کشورها، از جمله پاکستان، به سرعت در حال رشد است و طیف گسترده‌ای از محصولات و خدمات مالی اسلامی به مصرف‌کنندگان و کسب‌وکارها ارائه می‌شود. این رشد ناشی از تقاضای روزافزون برای شیوه‌های تأمین مالی اخلاقی و مسئولانه اجتماعی، و همچنین آگاهی و پذیرش بیشتر امور مالی اسلامی در بین مردم است.

بخش شرکتی نیز به طور فزاینده‌ای به امور مالی اسلامی علاقه‌مند می‌شود، زیرا بسیاری از کسب‌وکارها به دنبال تطابق عملیات خود با اصول اخلاقی و مسئولیت اجتماعی هستند. امور مالی اسلامی طیف وسیعی از محصولات و خدمات را ارائه می‌دهد که می‌تواند نیازهای کسب‌وکارها را برآورده سازد، از جمله تأمین مالی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری، تجارت مالی و مدیریت ریسک.

به‌طور کلی، سیستم اقتصادی اسلامی به‌عنوان جایگزینی مناسب برای سیستم مالی متعارف شناخته می‌شود و در سراسر جهان، از جمله در پاکستان، در حال محبوب شدن است. با افزایش آگاهی جهانی نسبت به مسائل اجتماعی و اخلاقی، انتظار می‌رود تقاضا برای امور مالی اسلامی و اصول آن همچنان افزایش یابد و فرصت‌های جدیدی را برای کسب‌وکارها و افراد برای مشارکت در اقتصادی پایدارتر و عادلانه‌تر فراهم کند.

فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی

مقدمه

سیستم اقتصادی، سیستمی است که از طریق آن جوامع و دولت‌ها منابع، کالاها و خدمات موجود خود را در یک منطقه جغرافیایی یا کشور توزیع و سازماندهی می‌کنند. این سیستم اساساً عوامل تولید، از جمله زمین، نیروی کار، سرمایه و منابع فیزیکی را تنظیم می‌کند. سیستم اقتصادی اسلامی نیز سیستمی است که از طریق آن جوامع و دولت‌ها منابع، کالاها و خدمات خود را در یک منطقه جغرافیایی یا کشور با اجرای قوانین شریعت توزیع و سازماندهی می‌کنند. سیستم اقتصادی اسلامی یک سیستم منحصر به فرد و متمایز است که بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی بنا شده است. این سیستم طراحی شده است تا عدالت اقتصادی، رفاه اجتماعی و توسعه پایدار را ترویج کند. سیستم اقتصادی اسلامی بر اصول برابری، عدالت، انصاف و مسئولیت‌پذیری استوار است. این سیستم ایده عدالت اجتماعی و اقتصادی برای همه اعضای جامعه را ترویج می‌کند و بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی در تصمیم‌گیری اقتصادی تأکید دارد. بنیان سیستم اقتصادی اسلامی بر این باور است که تمام ثروت و منابع متعلق به الله است و انسان‌ها صرفاً امین این منابع هستند. بنابراین، توزیع ثروت و منابع باید مطابق با اصول عدالت و انصاف باشد. سیستم اقتصادی اسلامی ایده مسئولیت جمعی و همبستگی اجتماعی را ترویج می‌کند و افراد را تشویق می‌کند تا برای بهبود جامعه به‌عنوان یک کل تلاش کنند.

محتوا تاریخی و مذهبی

در زمانی که پیامبر محمد (ص) به دریافت وحی مستقیم از الله از طریق فرشته جبرئیل متهم شد، روند توسعه سیستم مالی اسلامی آغاز شد. سیستم مالی اسلامی مستقیماً از قرآن و سنت پیامبر (ص) گرفته شده است. درحالی‌که شریعت اسلامی یک سیستم مالی ظاهراً هماهنگ در میان مسلمانان دارد، حتی در آن زمان نیز روند تنظیم دستی بین شریعت و سیستم مالی واقعی جوامع مسلمان را ادامه می‌دهد. روش اسلامی سیستم مالی اغلب به‌عنوان مثالی از تجربه پیامبر (ص) مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، پیامبر (ص) اولین مدیر سرمایه‌گذاری در تاریخ بود. او با یک زن ثروتمند به نام خدیجه تجارت می‌کرد. مسلمانان هنگام فعالیت در شرکت‌های تجاری بزرگ با روش تقسیم سود/زیان، از مشارکت کامل (مشارکه) استفاده می‌کردند. پیامبر (ص) فروش اعتباری را برای مردم مجاز کرد و مسلمانان را نیز به ارائه وام‌های خیرخواهانه تشویق کرد. پس از مرگ پیامبر (ص)، گسترش بزرگی در اسلام در سراسر کشورهای عربی و سایر کشورها رخ داد. از قرن نوزدهم، تقریباً تمام کشورهای اسلامی تحت کنترل کشورهای غربی قرار گرفتند. قدرت‌های غربی و سیستم مالی موجود که با شریعت مطابقت داشت،

فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی

به طور مؤثری با سیستم سرمایه‌داری جایگزین شدند. در این زمان (اواسط دهه ۱۹۹۰) سیستم اقتصادی اسلامی همچنان در میان برخی از مسلمانان به صورت انفرادی اجرا می‌شد.

در نیمه دوم قرن بیستم، با استقلال کشورهای اسلامی از قدرت‌های غربی، بسیاری از کشورهای اسلامی مستقل‌تر شدند. از این دوره، کشورهای مسلمان شروع به بازنگری در کاربرد سیستم اقتصادی اسلامی در صنایع بانکی رسمی خود کردند. در سال ۱۹۷۱، دولت مصر برای اولین بار تلاش کرد تا یک بانک اسلامی به نام بانک اجتماعی ناصر تأسیس کند. این بانک تعدادی از محصولات مالی اسلامی مانند وام‌های بدون بهره برای فقرا، بورسیه تحصیلی دانشجویان و اعتبار کسب و کار کوچک بر اساس تقسیم سود/زیان را ارائه می‌دهد. این سیستم همچنین در سال ۱۹۷۵ توسط بانکی در دبی به نام بانک اسلامی دنبال شد. اکنون تعدادی از بانک‌ها در سراسر جهان بر روی این سیستم کار می‌کنند. ال-قورچی (۲۰۰۵) این رشد سریع را به چندین توسعه کلیدی نسبت می‌دهد که عبارتند از:

- تقاضای قوی مسلمانان برای خدمات مالی و انتقال مطابق با شریعت.
- ثروت رو به رشد نفت در خاورمیانه.
- افزایش رقابت محصولات مالی اسلامی با همتایان سنتی خود.
- مشوق‌های ارائه شده توسط دولت در برخی از کشورهای مسلمان برای تشویق تأسیس بانک‌های اسلامی.

منبع مالی اسلامی

اقتصاد اسلامی، سیستمی است که بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر (ص) شکل گرفته است. این سیستم با تأکید بر عدالت، مشارکت و حلال بودن کسب درآمد، از نظام‌های اقتصادی دیگر متمایز می‌شود. اصول کلیدی اقتصاد اسلامی شامل مالکیت فردی و اجتماعی، حلال و حرام بودن فعالیت‌ها، عدالت و برابری، مشارکت و همکاری و مسئولیت اجتماعی است. مفاهیم مهمی مانند ربا، غرر، مشارکت، مضاربه، موشرکه، مرابحه، اجاره و وقف نیز در این سیستم اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارند. اقتصاد اسلامی به دنبال ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار است که در آن، همه افراد از نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند.

اهداف سیستم اقتصادی اسلامی

اهداف اصلی سیستم اقتصادی اسلامی عبارتند از:

- ثروت باید از طریق تجارت مشروع و سرمایه‌گذاری مبتنی بر دارایی تولید شود. استفاده از پول برای کسب درآمد بیشتر ممنوع است.
- سرمایه‌گذاری باید منافع اجتماعی و اخلاقی برای جامعه فراتر از بازده خالص داشته باشد.
- ریسک سرمایه‌گذاری باید بین شکایت‌کنندگان تقسیم شود.
- تمام فعالیت‌هایی که اثرات مضر بر افراد یا جامعه دارند باید اجتناب شوند (حرام).

سیستم‌های اقتصادی

مفهوم سیستم اقتصادی

- چه چیزی تولید شود؟
- چگونه تولید شود؟
- برای چه کسی تولید شود؟

جوامع مختلف، سیستم‌های اقتصادی مختلفی را دنبال می‌کنند، از جمله:

- سوسیالیسم
- کاپیتالیسم
- اقتصاد مختلط
- سیستم اقتصادی اسلامی

کشورهای مختلف، سیستم‌های اقتصادی مختلفی را دنبال می‌کنند. برخی از کشورهایی که سیستم اقتصادی کاپیتالیستی را دنبال می‌کنند عبارتند از ایالات متحده، کانادا، بریتانیا، استرالیا و ژاپن. برخی از کشورهایی که سیستم اقتصادی سوسیالیستی را دنبال می‌کنند عبارتند از چین، کوبا، کره شمالی و ویتنام. اصول اقتصادی اسلامی در برخی از کشورهای مسلمان‌نشین از جمله عربستان سعودی، ایران و مالزی دنبال می‌شود. و سپس مهم است که توجه داشته باشید که اکثر کشورها دارای اقتصاد مختلط هستند که عناصر مختلف سیستم‌های اقتصادی را در خود جای داده‌اند.

سوسیالیسم

چه چیزی تولید شود، چگونه تولید شود و برای چه کسی تولید شود توسط دولت یا جامعه به‌عنوان یک کل تصمیم‌گیری می‌شود.

سوسیالیسم یک سیستم اقتصادی است که بر مالکیت جمعی ابزار تولید و تولید کالاها و خدمات برای استفاده به‌جای سود استوار است. در یک سیستم سوسیالیستی، منابع و امکانات تولید متعلق به دولت یا جامعه به‌عنوان یک کل است و دولت نقش اصلی را در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و توزیع مجدد ثروت برای اطمینان از دسترسی همه به نیازهای اساسی ایفا می‌کند.

کاپیتالیسم

چه چیزی تولید شود، چگونه تولید شود و برای چه کسی تولید شود توسط بخش‌های خصوصی اقتصاد با حداقل دخالت دولت تصمیم‌گیری می‌شود.

کاپیتالیسم

کاپیتالیسم یک سیستم اقتصادی است که بر مالکیت خصوصی ابزار تولید و تولید کالاها و خدمات برای سود در یک بازار رقابتی استوار است. در یک سیستم کاپیتالیستی، قیمت کالاها و خدمات توسط عرضه و تقاضا در بازار آزاد تعیین می‌شود و دخالت دولت در اقتصاد حداقل است.

اقتصاد مختلط

چه چیزی تولید شود، چگونه تولید شود و برای چه کسی تولید شود توسط دولت و همچنین بخش‌های خصوصی تصمیم‌گیری می‌شود.

اقتصاد مختلط یک سیستم اقتصادی است که عناصر کاپیتالیسم و سوسیالیسم را در خود ترکیب می‌کند. در یک اقتصاد مختلط، ترکیبی از مالکیت خصوصی ابزار تولید و مداخله دولت در اقتصاد وجود دارد. دولت در تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و ارائه کالاها و خدمات عمومی نقش دارد، درحالی‌که افراد و کسب‌وکارهای خصوصی نیز کنترل قابل توجهی بر تولید و توزیع کالاها و خدمات دارند.

سیستم اقتصادی اسلامی

چه چیزی تولید شود، چگونه تولید شود و برای چه کسی تولید شود طبق قوانین شریعت اسلام است. اقتصاد اسلامی سیستمی از اقتصاد است که بر اصول و ارزش‌های اسلامی استوار است. این سیستم بر آموزه‌های قرآن و حدیث (گفتار و اعمال پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم) مبتنی است و به دنبال ترویج عدالت اجتماعی، انصاف و رفاه جامعه به‌عنوان یک کل است.

اصول سیستم اقتصادی اسلامی

سیستم اقتصادی اسلامی بر اصول زیر استوار است:

- ممنوعیت ربا: در سیستم اقتصادی اسلامی، دریافت یا پرداخت ربا به‌شدت ممنوع است. این بر این باور است که ربا توزیع ناعادلانه ثروت و منابع را ایجاد می‌کند و نابرابری و بهره‌کشی را ترویج می‌کند.
- زکات: زکات نوعی مالیات ثروت است که برای همه مسلمانانی که معیارهای خاصی از ثروت را دارند اجباری است. زکات جمع‌آوری و به فقرا و نیازمندان توزیع می‌شود و هدف آن کاهش فقر و نابرابری در جامعه است.
- تقسیم سود و زیان: سیستم اقتصادی اسلامی ایده تقسیم سود و زیان را ترویج می‌کند، جایی که سرمایه‌گذار و کارآفرین هر دو در ریسک و پاداش یک سرمایه‌گذاری شریک می‌شوند. این بر این باور است که ایجاد ثروت باید بر اساس اصول انصاف و عدالت باشد.

فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی

- ممنوعیت غرر: در سیستم اقتصادی اسلامی، معاملات گمانه‌زنانه‌ای که با ریسک یا عدم اطمینان (غرر) بیش از حد همراه هستند، ممنوع است. این بر این باور استوار است که چنین معاملاتی برای جامعه مضر بوده و بی‌ثباتی در اقتصاد ایجاد می‌کنند.
 - مسئولیت اخلاقی و اجتماعی: سیستم اقتصادی اسلامی بر اهمیت مسئولیت اخلاقی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید می‌کند. این بر این باور استوار است که فعالیت‌های اقتصادی باید با ارزش‌های اخلاقی هدایت شوند و افراد و شرکت‌ها مسئولیت مشارکت در رفاه جامعه را دارند.
- سیستم اقتصادی اسلامی سیستمی منحصر به فرد و متمایز است که بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی بنا شده است. این سیستم ایده عدالت اجتماعی و اقتصادی را ترویج می‌کند و بر اهمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأکید دارد. این سیستم برای ترویج توسعه پایدار طراحی شده است و افراد و شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا برای بهبود جامعه به‌عنوان یک کل کار کنند.

کاربردهای سیستم اقتصادی اسلامی

- کاربردهای متعددی برای سیستم اقتصادی اسلامی وجود دارد، مانند موارد زیر:
- بانکداری و امور مالی اسلامی: یکی از شناخته‌شده‌ترین کاربردهای اقتصاد اسلامی در زمینه بانکداری و امور مالی است. امور مالی اسلامی بر اساس اصل مشارکت در سود و زیان استوار است، نه دریافت بهره که در اقتصاد اسلامی ممنوع است. بانکداری و امور مالی اسلامی در کشورهای اکثر مسلمان و همچنین در برخی از کشورهای غیرمسلمان مانند انگلستان و مالزی رواج یافته است.
 - زکات: زکات اصل اسلامی اهدای بخشی از ثروت به فقرا و نیازمندان است. بسیاری از کشورهای مسلمان‌نشین برنامه‌های زکات را به‌عنوان راهی برای تأمین رفاه اجتماعی و کاهش فقر اجرا کرده‌اند. همچنین برخی از کشورهای غیرمسلمان نیز برنامه‌های زکات را برای جمعیت مسلمان خود اجرا کرده‌اند.
 - وقف: وقف به اموال یا وجوهی گفته می‌شود که برای منافع جامعه اختصاص می‌یابد. وقف سابقه‌ای طولانی در اقتصاد اسلامی دارد و برای اهداف متنوعی مانند ساخت مساجد، مدارس و بیمارستان‌ها استفاده می‌شود.

صنعت حلال

صنعت حلال به محصولات و خدماتی اطلاق می‌شود که طبق قانون اسلامی مجاز هستند. صنعت حلال در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است و شامل غذا، لوازم آرایشی و بهداشتی و امور مالی می‌شود. رشد صنعت حلال مثالی از نحوه کاربرد اقتصاد اسلامی در اقتصاد مدرن است.

میکرومالی مبتنی بر وقف

میکرومالی مبتنی بر وقف نوعی میکرومالی است که از وجوه وقف برای ارائه کمک مالی به کسب و کارهای کوچک و کارآفرینان استفاده می‌کند. این رویکرد میکرومالی بر اساس اصول اقتصاد اسلامی است و به‌عنوان راهی برای ترویج توسعه اقتصادی و کاهش فقر دیده می‌شود.

این موارد فقط چند نمونه از کاربردهای اقتصاد اسلامی هستند. سایر مثال‌ها شامل بیمه اسلامی (تکافل)، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و امور مالی اجتماعی اسلامی است. کاربرد اقتصاد اسلامی محدود به کشورهای اکثریت مسلمان نیست، زیرا می‌تواند در هر زمینه‌ای که تقاضایی برای شیوه‌های اقتصادی اخلاقی و مسئولیت اجتماعی وجود دارد، اعمال شود.

روندهای آتی شکل‌دهنده سیستم اقتصادی اسلامی

روندهای آینده سیستم اقتصادی اسلامی توسط عوامل مختلفی شکل می‌گیرد، از جمله چشم‌انداز اقتصادی جهانی در حال تکامل، تغییرات جمعیتی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نوظهور. در اینجا برخی از روندهای بالقوه آینده وجود دارد:

افزایش تقاضا برای امور مالی اسلامی: انتظار می‌رود بازار جهانی امور مالی اسلامی در سال‌های آینده به دلیل افزایش تقاضا برای گزینه‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و پایدار، رشد کند. انتظار می‌رود این رشد در کشورهای مسلمان‌نشین قوی باشد، اما همچنین در کشورهای غیرمسلمان که علاقه‌مندی به امور مالی اسلامی در حال افزایش است.

اتخاذ اصول اقتصادی اسلامی: علاقه رو به رشدی در میان سیاست‌گذاران، کسب و کارها و مصرف‌کنندگان برای اتخاذ اصول اقتصادی اسلامی وجود دارد. این امر به دلیل تمایل به مدل‌های اقتصادی اخلاقی‌تر و پایدارتر، و همچنین مزایای بالقوه امور مالی اسلامی مانند تقسیم ریسک و شمول مالی، هدایت می‌شود.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی: پیشرفت‌های تکنولوژیکی مانند بلاکچین و هوش مصنوعی، انتظار می‌رود نقش مهمی در توسعه صنعت امور مالی اسلامی داشته باشند. این فناوری‌ها می‌توانند کارایی را افزایش دهند، هزینه‌ها را کاهش دهند و شفافیت را در امور مالی اسلامی بهبود بخشند.

مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی

سیستم اقتصادی اسلامی بر مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید زیادی دارد و انتظار می‌رود این روند در آینده نیز ادامه یابد. از امور مالی اسلامی به طور فزاینده‌ای برای تأمین مالی پروژه‌هایی که توسعه پایدار را ترویج می‌کنند، مانند انرژی‌های تجدیدپذیر و مسکن مقرون به صرفه استفاده می‌شود.

عدم قطعیت اقتصادی جهانی

چشم‌انداز اقتصادی جهان با افزایش سطوح بدهی، تنش‌های تجاری و خطرات ژئوپلیتیکی، به طور فزاینده‌ای نامشخص می‌شود. در این راستا، سیستم اقتصادی اسلامی با تأکید بر تقسیم ریسک و ثبات، ممکن است برای سرمایه‌گذاران و کسب‌وکارهایی که به دنبال مدل‌های اقتصادی پایدارتر و باثبات‌تر هستند، جذاب‌تر شود.

چشم‌انداز کلی

به‌طور کلی، روندهای آینده سیستم اقتصادی اسلامی به احتمال زیاد تحت‌تأثیر ترکیبی از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فناورانه شکل خواهد گرفت.

چالش‌ها / موانع در اجرای سیستم اقتصادی اسلامی

دلایل متعددی وجود دارد که چرا کشورهای مسلمان ممکن است به طور کامل از سیستم اقتصادی اسلامی پیروی نکنند:

- عدم درک: بسیاری از کشورهای مسلمان ممکن است درک عمیقی از اقتصاد اسلامی و چگونگی اجرای آن به‌صورت عملی نداشته باشند. این می‌تواند توسعه سیاست‌ها و مقرراتی را که با اصول اسلامی مطابقت دارد، دشوار کند.
- سیستم اقتصادی جهانی: سیستم اقتصادی جهانی عمده‌تاً بر پایه امور مالی متعارف استوار است که می‌تواند اجرای کامل سیستم اقتصادی اسلامی را برای کشورهای مسلمان دشوار کند. زیرا امور مالی اسلامی نیاز به یک چارچوب حقوقی و نظارتی مطابق با اصول اسلامی دارد و تطبیق این امر با سیستم اقتصادی جهانی موجود می‌تواند دشوار باشد.
- ناپایداری سیاسی: بسیاری از کشورهای مسلمان با بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌ها مواجه بوده‌اند که می‌تواند اجرای هرگونه اصلاحات اقتصادی قابل توجهی را دشوار کند. این همچنین می‌تواند منجر به فقدان اراده سیاسی برای اجرای سیستم اقتصادی اسلامی شود.

منافع اقتصادی

ممکن است منافع اقتصادی رقابتی در کشورهای مسلمان وجود داشته باشد که اجرای کامل سیستم اقتصادی اسلامی را دشوار کند. این می‌تواند شامل مقاومت کسانی باشد که از سیستم اقتصادی موجود سود می‌برند یا کسانی که ممکن است مزایای اقتصاد اسلامی را درک نکنند.

کمیود زیر ساخت

اجرای سیستم اقتصادی اسلامی ممکن است به سرمایه‌گذاری قابل توجهی در زیرساخت‌هایی مانند مؤسسات مالی، حمل و نقل و سیستم‌های انرژی نیاز داشته باشد. با این حال، بسیاری از کشورهای مسلمان ممکن است زیرساخت‌های لازم برای حمایت از توسعه مالی اسلامی و سایر بخش‌های اقتصاد را نداشته باشند.

درک جهانی

برخی از کشورهای مسلمان ممکن است نگران درک جهانی از اقتصاد اسلامی باشند که ممکن است کم‌توسعه‌یافته‌تر یا کم‌تر مدرن از امور مالی متعارف تلقی شود.

چگونه موانع / چالش‌ها را در سیستم اقتصادی اسلامی برطرف کنیم؟

برداشتن موانع اجرای سیستم اقتصادی اسلامی در کشورهای مسلمان نیازمند رویکردی جامع است که به علل ریشه‌ای این چالش‌ها رسیدگی کند. در زیر برخی از استراتژی‌های بالقوه آورده شده است:

آموزش و آگاهی

گام کلیدی در برداشتن موانع اجرای سیستم اقتصادی اسلامی، افزایش آگاهی و درک اصول و مزایای آن است. این می‌تواند شامل سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی برای سیاست‌گذاران، رهبران تجاری و مردم باشد. اصول اقتصادی اسلامی را می‌توان در برنامه‌های درسی مدارس گنجاند و کمپین‌های آموزشی برای ترویج مزایای مدل‌های مالی و اقتصادی اسلامی راه‌اندازی کرد.

اصلاحات سیاسی

اصلاحات سیاسی اغلب برای ایجاد محیطی مناسب برای اجرای سیستم اقتصادی اسلامی ضروری است. این می‌تواند شامل اقداماتی مانند بهبود حکمرانی و شفافیت، کاهش فساد و ترویج حکمرانی قانون باشد. ثبات سیاسی و نهادهای قوی برای اجرای اصلاحات اقتصادی بلندمدت ضروری هستند.

توسعه اقتصادی

کشورهای مسلمان ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری در ابتکارات توسعه اقتصادی برای ایجاد زیرساخت‌ها و نهادهای لازم برای حمایت از سیستم اقتصادی اسلامی داشته باشند. این می‌تواند شامل توسعه مؤسسات مالی اسلامی، حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی، حمل و نقل و ارتباطات باشد.

همکاری‌های بین‌المللی

کشورهای مسلمان می‌توانند با سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک توسعه اسلامی و بانک جهانی برای ترویج پذیرش اصول اقتصادی اسلامی همکاری کنند. این می‌تواند شامل به اشتراک گذاشتن بهترین تجربیات، ارائه کمک‌های فنی و معرفی امور مالی اسلامی به عنوان جایگزینی قابل قبول برای امور مالی متعارف باشد.

مشارکت بخش خصوصی

بخش خصوصی می‌تواند نقش مهمی در ترویج پذیرش اصول اقتصادی اسلامی ایفا کند. این می‌تواند شامل تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در امور مالی اسلامی و سایر بخش‌های اقتصاد باشد. دولت‌ها می‌توانند برای تشویق کسب‌وکارها به سرمایه‌گذاری در امور مالی اسلامی، مشوق‌هایی ایجاد کنند و رهبران تجاری نیز می‌توانند مزایای امور مالی اسلامی را برای همکاران و مشتریان خود تبلیغ کنند. برداشتن موانع اجرای سیستم اقتصادی اسلامی مستلزم تلاش هماهنگ دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. با همکاری مشترک، ممکن است ایجاد محیطی مناسب برای اجرای سیستم اقتصادی اسلامی و ترویج توسعه اقتصادی پایدار در کشورهای مسلمان امکان‌پذیر شود.

چگونه با به‌کارگیری حکمرانی سازمانی اسلامی بر این موانع غلبه کنیم؟

به‌کارگیری اصول حکمرانی سازمانی اسلامی می‌تواند استراتژی مؤثری برای برداشتن موانع اجرای سیستم اقتصادی اسلامی در کشورهای مسلمان باشد. در ادامه به برخی از روش‌هایی اشاره می‌کنیم که حکمرانی سازمانی اسلامی می‌تواند به رفع چالش‌ها کمک کند:

افزایش شفافیت

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی از شرکت‌ها می‌خواهد در برخورد با ذینفعان شفاف باشند. این می‌تواند به مقابله با چالش فساد از طریق تسهیل در کشف و پیشگیری از رفتارهای غیر اخلاقی کمک کند.

ترویج مسئولیت پذیری

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی بر اهمیت مسئولیت پذیری، به‌ویژه برای مدیران ارشد و اعضای هیئت مدیره تأکید دارد. این می‌تواند به مقابله با چالش ضعف حکمرانی از طریق اطمینان از پاسخگویی تصمیم‌گیرندگان نسبت به اقداماتشان کمک کند.

سیستم اقتصادی اسلامی

تشویق مشارکت ذینفعان

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی، مشارکت ذینفعان (سهامداران، کارمندان، مشتریان و غیره) را در تصمیم‌گیری تشویق می‌کند. این می‌تواند به مقابله با چالش مشارکت ضعیف ذینفعان با اطمینان از مشارکت همه طرف‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری کمک کند.

ترویج رفتار اخلاقی

اصول حکمرانی سازمانی اسلامی از شرکت‌ها می‌خواهد به شیوه‌ای اخلاقی و مسئولانه عمل کنند. این می‌تواند به مقابله با چالش رفتار غیر اخلاقی با ایجاد فرهنگ صداقت و رفتار اخلاقی کمک کند.

تفاوت بین سیستم بانکداری اسلامی و متعارف

- سیستم‌های بانکداری اسلامی و متعارف از چند جهت با هم تفاوت دارند:
- بهره: بانکداری متعارف بر اساس اصل دریافت بهره از تسهیلات و سپرده‌ها استوار است، درحالی‌که بانکداری اسلامی بر اساس مشارکت در سود و زیان استوار است.
 - فعالیت‌های ممنوعه: بانکداری اسلامی معاملات شامل ربا، قمار و معاملات گمانه‌زنانه (غرر) را ممنوع می‌کند، درحالی‌که سیستم‌های متعارف چنین معاملاتی را ممنوع نمی‌کنند.
 - مالکیت: در بانکداری اسلامی، بانک و مشتری خطر سرمایه‌گذاری را به اشتراک می‌گذارند و هر دو طرف در دارایی‌هایی که تأمین مالی می‌شوند، مشارکت مالکیتی دارند. در بانکداری متعارف، بانک مالک دارایی‌هایی است که تأمین مالی می‌شوند و مشتری بابت تسهیلات بهره می‌پردازد.
 - مسئولیت اجتماعی: بانکداری اسلامی با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسئولانه اجتماعی، به دنبال ترویج عدالت اجتماعی و رفاه اقتصادی است. از سوی دیگر، بانکداری متعارف عمدتاً بر حداکثر کردن سود تمرکز دارد.

فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی

- قراردادهای بانکداری اسلامی از انواع مختلف قراردادهایی که مطابق با قوانین شرعی باشد استفاده می‌کند، مانند مضاربه (مشارکت در سود)، مرابحه (تأمین مالی بر اساس قیمت تمام شده به علاوه سود) و اجاره.

چرا بانک‌های سنتی رایج‌تر هستند؟

- سیستم‌های بانکداری اسلامی نسبت به سیستم‌های بانکداری متعارف از چند جهت در جایگاه ضعف قرار دارند:
- کم‌سابقه بودن: بانکداری اسلامی به نسبت تازه‌تر است و در بسیاری از نقاط جهان به طور گسترده پذیرفته نشده است.
- قراردادهای سنتی: سیستم بانکداری متعارف معمولاً از توافقنامه‌های وام، وام مسکن و سایر قراردادهای استاندارد استفاده می‌کند.

نمونه‌ای از یک سیستم بانکداری سنتی: پاکستان

بانک مرکزی پاکستان (SBP) تمام بانک‌های عامل در این کشور را تنظیم و نظارت می‌کند. سیستم بانکداری در پاکستان عمدتاً بر پایه بانکداری متعارف استوار است، اگرچه بانکداری اسلامی نیز در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و محبوبیت پیدا کرده است.

نتیجه‌گیری: اهداف سیستم اقتصادی اسلامی

- توسعه اخلاقی فرد و کل جامعه
- ترویج وحدت میان مسلمانان
- گردش پول (ثروت) در جامعه
- تأمین نیازهای اساسی بشر
- کمک به فقرا با ارائه سیستمی برای دریافت وام بدون بهره

تفاوت با سیستم اقتصادی متعارف:

در سیستم اقتصادی متعارف، هیچ سهمی برای فقرا در نظر گرفته نمی‌شود و ثروت تنها در انحصار ثروتمندان باقی می‌ماند.

بهره: از آنجایی که هدف سیستم اقتصادی اسلامی رفاه همگانی است، دریافت بهره وجود ندارد. حدیثی در این زمینه نقل شده است: «بهره (ربا) دارای هفتاد نوع مختلف است که کم‌اهمیت‌ترین آن، همانند عملی است که فرد با مادر خود مرتکب شود.» (ابن ماجه، البیهقی)

عدالت اجتماعی و توزیع متوازن درآمد:

فصل دهم: سیستم اقتصادی اسلامی، هنجارهای رفتاری و بنیان اخلاقی

سیستم اقتصادی اسلامی به دنبال توزیع عادلانه درآمد و ایجاد توازن اجتماعی است. هدف نهایی: حفظ جان مردم از طریق یافتن بهترین راهها برای توزیع کالاها و خدمات بر اساس مهارتها و منابع موجود است.

نتیجه‌گیری نهایی: سیستم اقتصادی اسلامی، یک سیستم اقتصادی کاملاً متفاوت نیست. بلکه نظامی مبتنی بر اسلام است که بر ارزش‌های اخلاقی بنا شده است. این سیستم شامل هنجارهای رفتاری و اصول اخلاقی است که از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) استخراج شده است.

از ارکان این سیستم می‌توان به جمع‌آوری زکات و سایر مالیات‌های اسلامی و ممنوعیت دریافت بهره (riba) اشاره کرد. بنابراین، سیستم اقتصادی اسلامی متفاوت نیست، بلکه مجموعه‌ای از اصول اخلاقی را برای جامعه‌ای موفق ارائه می‌کند که در آن فقرا و ثروتمندان با خوشی و برابری زندگی می‌کنند.

توصیه‌ها و پیشنهادات

راه‌های مختلفی وجود دارد که کشورهای اسلامی می‌توانند از طریق آن‌ها بر چالش‌های موجود غلبه کنند و سیستم اقتصادی مبتنی بر قوانین شریعت را پیاده‌سازی نمایند. برای مقابله با این چالش‌ها، ترویج آموزش و آگاهی در مورد اصول و مفاهیم اقتصاد اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر می‌تواند از طریق توسعه برنامه‌ها و مواد آموزشی و همچنین از طریق مناظره‌ها و بحث‌های عمومی صورت گیرد.

یکی دیگر از راهبردها، تلاش برای ایجاد یک چارچوب استاندارد برای اجرای اقتصاد اسلامی است که می‌تواند به اطمینان از انسجام و وحدت رویه در کاربردهای آن کمک کند.

اجرای موفقیت‌آمیز یک سیستم اقتصادی اسلامی مستلزم ترکیبی از آموزش، استانداردسازی، نوآوری و ثبات جهانی است. با رفع این موانع، می‌توان یک سیستم اقتصادی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر ایجاد کرد که مطابق با اصول و ارزش‌های دین اسلام باشد. این امر مستلزم تلاش‌های هماهنگ دولت، کسب‌وکارها، مؤسسات مذهبی و جامعه است.

فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی

مقدمه در اقتصاد اسلامی

در اقتصاد اسلامی، قیمت‌ها بر اساس عملکرد نیروهای بازار تعیین می‌شوند. پیامبر اکرم (ص) دخالت دولت و افراد را در فرآیند تعیین قیمت منع کرده‌اند. ایشان همچنین از شیوه‌های کسب و کار که منجر به نقصان در بازار می‌شود، نهی نمودند. احتکار کالا، پنهان کردن اطلاعات حیاتی در مورد محصول و فروش با وعده‌های دروغین، از جمله مصادیقی است که پیامبر اکرم (ص) آن‌ها را ممنوع کرده‌اند.

این دستورات می‌توانند مبنای تدوین یک کد اخلاق حرفه‌ای برای جامعه‌ی بازرگانی ما در جامعه‌ی معاصر قرار گیرند. بر تجار و بازرگانان واجب است که در معاملات خود با یکدیگر صادق و راستگو باشند و به‌جای آسیب رساندن به یکدیگر، همکاری و مساعدت متقابل داشته باشند. جامعه‌ی اسلامی نیازمند قوانینی برای قراردادهای، حقوق و وظایف شرکا، بدهی‌ها و وصول آن‌ها، حقوق و تعهدات خریداران و فروشندگان و غیره است. اسلام با تنظیم منابع احتمالی دخالت در بازار و آموزش جامعه‌ی بازرگانی بر اساس یک کد اخلاق حرفه‌ای، به نیروهای عرضه و تقاضا اجازه می‌دهد تا آزادانه عمل کنند. این کد، چارچوب قانونی را معتبر می‌کند.

حضرت رسول اکرم (ص) زمانی که قیمت‌ها در مدینه افزایش یافت، از تعیین قیمت امتناع کردند. نظارت بر معاملات و فعالیت‌هایی که در بازار اتفاق می‌افتد ضروری است. این نظارت از طریق سه رویکرد قابل انجام است:

- در چارچوب احکام شرعی
- ارزش‌ها و اصول اخلاقی اسلام
- امر به معروف و نهی از منکر
- اخلاق کسب و کار در اسلام

اخلاق، مجموعه‌ای از دستورات الهی در قرآن کریم است که ما را به راه درست و نادرست راهنمایی می‌کند. نزدیک‌ترین اصطلاح به «اخلاق» از دیدگاه اسلامی، «اخلاقیات» است. اسلام دین صلح است و بر ارزش‌های اخلاقی در تمام جنبه‌های زندگی تأکید فراوانی دارد. اسلام دینی کامل است، چرا که همه ابعاد زندگی بشر را تحت پوشش قرار می‌دهد. آموزه‌های اسلام به‌شدت بر پایه‌ی کد اخلاقی ذکر شده در سراسر قرآن و سنت پیامبر اسلام (ص) استوار است.

بهترین مردم (آیه قرآنی)

«شما بهترین مردم هستید که برای بشریت پدید آمده‌اید، امر به معروف می‌کنید و از منکر نهی می‌ورزید و به خدا ایمان دارید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰)

اخلاق کسب و کار

اخلاق کسب و کار، اصول اساسی هستند که ما را در نحوه انجام اقدامات تجاری راهنمایی می‌کنند. همان اصول که یک عمل را تعیین می‌کنند، برای کسب و کار نیز اعمال می‌شوند. با کمک این اصول، می‌توان انتخاب‌ها و تصمیمات درست و غلط را اتخاذ کرد. برخی از اصول اساسی اخلاق کسب و کار عبارتند از:

- مبادله با رضایت طرفین: رضایت متقابل بین دو طرف شرط مهمی برای اعتبار یک معامله است.
- رفتار عادلانه با کارکنان: اسلام شرایط و ضوابطی را تعیین می‌کند تا از احتمال بروز اختلاف بین شرکت و کارگر جلوگیری کند.
- عدم معامله با اقلام ممنوعه: اسلام ما را از معامله با کالاهای ممنوعه منع می‌کند.
- کوتاه دادن: یکی دیگر از اشکال عدم صداقت، دستکاری در اندازه‌ها است.
- معامله با کالاهای دزدیده شده

رقابت بازار

این رویکرد، گسترش رقابت محیط عملیاتی است که یک شرکت خدماتی در آن فعالیت می‌کند. به خوبی شناخته شده است که بهترین بازار در میان همه انواع بازار، بازار رقابتی است. این به این دلیل است که بازار رقابتی که نمی‌تواند از قدرت بازار سوء استفاده کند، یک مکانیسم منصفانه ارائه می‌دهد و باعث ایجاد اعوجاج بازار نمی‌شود. آموزه‌های اسلامی، رقابت بازار را در سه آموزه تأسیس می‌کند:

- تشویق و انگیزه دادن به فروشندگان برای رقابت
- رد دخالت دولت در قیمت و بازار
- ممنوعیت تمام معاملات ناعادلانه

آموزه‌های اسلامی، انگیزه و تشویق به رقابت را برمی‌انگیزد. تلاش مداوم در بازار از دو جهت خوب است، شامل کسب درآمد برای رفع نیازها و حمایت از فروشندگان برای نگرانی نکردن، زیرا به رقابت ختم نمی‌شود. این با روش سنتی متفاوت است. این تفاوت به دلیل فرض‌های مختلف رخ می‌دهد. دیدگاه اسلامی، جو رقابتی خوبی را فرض می‌کند، درحالی‌که دیدگاه سنتی، بازار رقابت خالص را به‌عنوان یک بازار خیالی فرض می‌کند.

رقابت کامل

رقابت کامل به دلایل مختلفی از جمله موارد زیر اتفاق می‌افتد:

- عرضه کنندگان زیاد: تعداد زیادی از شرکت‌ها محصولات مشابهی را می‌فروشند و به دلیل رقابت شدید، سود تقریباً وجود ندارد.

فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی

- خریداران زیاد: خریداران زیادی برای خرید محصول وجود دارند.
 - عرضه کنندگان زیاد: تعداد زیادی از فروشندگان برای فروش محصول وجود دارند.
- یک شرکت با رقابت کامل به عنوان «قیمت‌پذیر» شناخته می‌شود، به این معنی که باید قیمت تعادلی در بازار را که در آن کالا می‌فروشد، بپذیرد. اگر یک شرکت کاملاً رقابتی باشد، بازار قیمت محصول خود را یک ریال افزایش دهد، نمی‌تواند فروشی داشته باشد. آنها حاضر نیستند محصول خود را کمتر از قیمت تعادلی بفروشند. این یک ساختار بازار ایده‌آل برای اقتصاد است که در آن فعالیت کند. اسلام از رقابت کامل حمایت می‌کند زیرا فروشندگان را به رقابت و خریداران را به خرید و رفع نیازهایشان تشویق می‌کند.

انحصار و نقصان‌های بازار

انحصار در یک بازار ناقص وجود دارد که در تلاش برای به حداکثر رساندن سود، خروجی ناقصی را محدود می‌کند. این زمانی اتفاق می‌افتد که یک شرکت خاص تنها تامین‌کننده یک کالای خاص باشد. آنها در تولید کالا یا خدمات رقیب کمی دارند یا اصلاً رقیبی ندارند. انحصار باعث شکست بازار می‌شود زیرا کالای کافی در دسترس نیست یا قیمت کالا بسیار بالا است. انحصار مازاد کمتری ایجاد می‌کند و بنابراین نسبت به یک بازار رقابتی کارآمدی کمتری دارد. آنها می‌توانند با گذشت زمان ناکارآمد شوند زیرا مجبور نیستند با سایر تولیدکنندگان در بازار رقابت کنند.

در مورد انحصار، سوء استفاده از قدرت می‌تواند منجر به شکست بازار شود. نقص زمانی رخ می‌دهد که مکانیزم قیمت نتواند تمام هزینه‌ها و منافع ارائه و مصرف یک کالا را در نظر بگیرد. این یک بازار ناقص است که خروجی را در تلاش برای به حداکثر رساندن سود محدود می‌کند. بدون حضور رقبا در بازار، برای یک انحصار ممکن است خودتنظیمی و حفظ رقابت در طول زمان دشوار باشد.

به انحصار در اسلام «احتکار» گفته می‌شود. این در اسلام عملی ممنوع تلقی می‌شود زیرا منجر به بی‌عدالتی می‌شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کسی که برای گران کردن (محصولات) مسلمانان تلاش کند، خداوند متعال او را در روز قیامت در میان آتش می‌نشانند.» (احمد و الحاکم)

مقررات بازار

بازار تنظیم‌شده یا بازار کنترل‌شده یک سیستم ایده‌آل است که در آن دولت یا سازمان‌های دیگر بر بازار نظارت می‌کنند، نیروهای عرضه و تقاضا را کنترل می‌کنند و تا حدودی بر اقدامات بازار نظارت دارند. این بازار اغلب توسط دولت کنترل می‌شود و شامل تعیین اینکه چه کسی می‌تواند وارد بازار شود و چه قیمتی را می‌تواند تعیین کند، می‌باشد. وظیفه اصلی نهاد دولتی در یک اقتصاد بازار، تنظیم سیستم مالی و اقتصادی است. این امر به خریداران و فروشندگان امتیازات ویژه‌ای می‌دهد. مقررات شامل قوانین مربوط به چگونگی بازاریابی کالاها و خدمات، استانداردهای ایمنی برای محصولات، محیط کار و مواد غذایی و غیره است.

سیاست‌های ضد انحصار

قوانین ضد انحصار گروه گسترده‌ای از قوانین دولتی و فدرال هستند که برای اطمینان از رقابت منصفانه کسب و کارها طراحی شده‌اند. سیاست‌های ضد انحصار مقرراتی هستند که با محدود کردن قدرت بازار هر شرکت خاصی، رقابت را تشویق می‌کنند. این اغلب شامل اطمینان از اینکه شرکت‌ها یا مؤسسات قدرت بازار را بیش از حد متمرکز نمی‌کنند یا انحصار ایجاد نمی‌کنند و همچنین تجزیه شرکت‌هایی که به انحصار تبدیل شده‌اند، می‌شود. قوانین ضد انحصار برای محافظت و ترویج رقابت در همه بخش‌های اقتصاد طراحی شده‌اند. حامیان می‌گویند قوانین ضد انحصار ضروری هستند و با استدلال اینکه رقابت بین فروشندگان به مصرف‌کنندگان قیمت‌های پایین‌تر، محصولات و خدمات با کیفیت‌تر، انتخاب‌های بیشتر و نوآوری بیشتر می‌دهد. اکثر مردم با این مفهوم و مزایای یک بازار آزاد موافق هستند، اگرچه برخی معتقدند اجازه دادن به کسب و کارها برای رقابت به دلخواه در نهایت بهترین قیمت‌ها را به مصرف‌کنندگان می‌دهد.

معاملات ممنوعه

معامله ممنوعه به معنای هرگونه فروش یا مبادله مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه دارایی بین یک طرح و شخص واجد شرایط است. این همچنین شامل وام دادن پول یا سایر تمهیدهای اعتبار بین افراد می‌شود. قرآن و سنت دو منبع اصلی قوانین اسلامی برای معاملات ممنوعه هستند. اصلی‌ترین شیوه‌های ممنوعه عبارتند از:

- ربا: ربا به معنای افزایش تعیین‌شده بیش از مبلغ وامی است که یک بدهکار توافق می‌کند به طلبکار در رابطه با یک زمان خاص پرداخت کند. اسلام ربا را به شدت ممنوع می‌کند.
- ابهام در قراردادها: ابهام در قراردادها، عملی دیگر ممنوع است که به فرد اجازه می‌دهد به طور غیرقانونی مال دیگری را به دست آورد و ممکن است در نهایت منجر به اختلاف و اختلاف بین آنها شود. از نظر فنی، این به یک قرارداد فروش اشاره دارد که از نظر شکل برای خریدار جذاب است اما در ماهیت آن ناشناخته و مبهم است.
- قمار و بازی‌های شانس: اصطلاح «مسیر» برای «قمار و بازی‌های شانس» استفاده می‌شود و در مورد تمام فعالیت‌هایی که فرد صرفاً با شانس برنده یا بازنده می‌شود، اعمال می‌شود. این شامل همه انواع قمار است. اسلام تمام توافقات و قراردادهایی را که شامل عناصر شانس برای مسیر هستند، ممنوع می‌کند.
- کلاهبرداری، رشوه و استفاده از وزن‌ها و اندازه‌های نادرست: هرگونه درآمد از کسب و کارهایی که شامل کارهای حرام یا ممنوعه هستند، گناه است. مسلمانان از داشتن، استفاده، تولید، ساخت، وارد کردن یا صادرات کالاهای ممنوعه (حرام) یا کالاهایی که حاوی عناصر حرام هستند، ممنوع هستند.

اصل قرارداد فروش

طبق اسلام، فروش، مبادله یک کالای ارزشمند با کالای ارزشمند دیگر با آگاهی هر دو طرف است. قوانین و اصول زیادی برای قراردادهای فروش در جامعه اسلامی وجود دارد، از جمله موارد زیر:

- موضوع فروش در زمان فروش موجود است.
- فروشنده در زمان فروش مالکیت شی را دارد.
- فروش باید فوری و مطلق باشد.
- معامله باید شفاف باشد.
- شی باید دارای ارزش باشد.
- این نباید ممنوع باشد.

شی مورد فروش باید در زمان فروش موجود باشد و خریدار بتواند آن را ببیند و بررسی کند تا تمام شک و تردیدهای خود را برطرف کند. شی‌ای که برای فروش ارائه می‌شود باید در مالکیت فروشنده باشد و فروشنده باید مالکیت شی‌ای را که برای فروش ارائه می‌شود داشته باشد. معامله بین دو طرف باید فوری و مطلق باشد. معامله بین دو طرف باید شفاف باشد. شی مورد فروش باید دارای ارزش باشد. فروش اشیاء نباید در لیست اقلام ممنوعه باشد. نباید شرطی بر قرارداد فروش وجود داشته باشد.

ارکان قراردادهای فروش

اجزاء اصلی یا تشکیل‌دهنده هر چیزی ستون نامیده می‌شوند. در اسلام، قراردادهای فروش بر سه رکن اصلی استوار است که عبارتند از:

- پیشنهاد و پذیرش: قرارداد باید با رضایت متقابل هر دو طرف انجام شود. اگر یکی از طرفین از معامله راضی نباشد، باطل خواهد شد. این جنبه اجزای زیر را در بر دارد:
- وضوح: الفاظ قرارداد باید واضح باشد و برای هر فرد عادی قابل درک باشد.
- مطابقت: قرارداد باید بدون هیچ شرطی باشد. باید بدون قید و شرط باشد و اطلاعات باید واضح باشد.
- تداوم: پیشنهاد و پذیرش باید در همان جلسه انجام شود. باید در روند قراردادها تداوم وجود داشته باشد.

طرفهای قرارداد

موضوع قرارداد

هنگامی که شخصی چیزی را می‌فروشد و قرارداد را امضا می‌کند، آن شی باید در زمان قرارداد به صورت فیزیکی موجود باشد. شی مورد فروش باید دارای ارزش پولی (با توافق هر دو طرف، یعنی فروشنده و خریدار) باشد.

فرضیات اقتصادی اسلامی

سال‌های اخیر شاهد احیای جنبه‌های اقتصادی اسلامی بوده است. با این حال، این سیستم هنوز در مرحله اساسی تحول است. برعکس، مسائل اقتصادی معمولی در طول قرن گذشته فرآیند بهبود کامل و گسترده‌ای را پشت سر گذاشته‌اند که منجر به تبدیل آنها به یک رشته جامع و دقیق شده است. آیا نیاز به یک رشته اقتصاد دیگر وجود دارد؟ مسائل اقتصادی اسلامی چیست، چگونه با مسائل اقتصادی معمولی متفاوت است و چه نوع تعهدات بلندمدتی انجام داده‌اند؟ این فصل تلاش کوتاهی برای پاسخ به این سوالات می‌کند.

اکثر مردم معتقدند که منابع یا دارایی کافی برای رفع نیازهای عموم مردم وجود ندارد. از آنجایی که منابع کافی وجود ندارد، اگر منابع اندک به طور عادلانه و کارآمد استفاده نشوند، ثروت همه می‌تواند یک رویا باقی بماند. به همین دلیل، همه افراد در جامعه باید از یک استراتژی مؤثر که آگاهانه یا ناخودآگاه توسط دیدگاه خود شکل گرفته است، حمایت کنند. اگر چنین دیدگاهی نادرست باشد، احتمالاً سیستم قادر نخواهد بود به مردم به عنوان یک کل کمک کند تا رفاه همه را محقق کنند.

یک دیدگاه برنده می‌تواند به دو بخش طبقه‌بندی شود: یکی اصلی و فرضی و دیگری فرازمینی و بشر دوستانه. مسائل اقتصادی اسلامی بیان می‌کنند که رستگاری انسان با مرتب کردن منابع خاک بر اساس مشارکت و حمایت انجام می‌شود. رستگاری یک مفهوم دو جهانی است. در این جهان، سه چیز را نشان می‌دهد: بقا، آزادی از نیاز، کنترل و احترام. قرآن از اصطلاح رستگاری یا مشتقات آن در ۴۰ مکان استفاده می‌کند. بررسی این آیات ما را به تعیین شرایط رستگاری در سطوح معنوی، مالی، اجتماعی و سیاسی سوق می‌دهد. مفهوم دوم تعریف «منابع زمین» است. اقتصاد اسلامی رفتار انسان نسبت به دارایی‌های روی زمین را مطالعه می‌کند و روش‌های استفاده‌ای را که ممکن است منجر به رستگاری شود، بررسی می‌کند. دارایی‌های زمین به منظور تأمین معیشت برای مخلوقات الله متعال تلقی می‌شوند. شریعت این است که هر کس ممکن است از منابعی که به دست آورده است استفاده کند یا آنها را برای دیگران تخلیه کند. قرآن به ما اطلاع می‌دهد که الله برای مخلوقات خود منابع کافی خلق کرده است.

ماهیت انسان

اکثر تحلیل‌های پیشرفته اقتصادی، طرح‌های رفتاری افراد، شرکت‌ها و نهادهای باز نظم‌های اجتماعی سرمایه‌داری غربی را در نظر می‌گیرند. بدون اینکه اعتبار این تحلیل را زیر سؤال ببریم، می‌توان با اطمینان گفت که چنین تحلیلی باید در همه زمان‌ها جهانی و قابل توجه نباشد. این مبتنی بر نحوه‌ای است که تصور می‌شود انسان غربی آن را انجام داده است. اما در چارچوب اجتماعی، سیاسی و رفتاری یک جامعه اسلامی که اساساً با جوامع دیگر متفاوت است، تحلیل

فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی

اقتصادی معمولی ممکن است در شرایط قبلی مناسب نباشد. برخی از کشف‌های دیگر اقتصاد غربی ممکن است در هر صورت در مورد ماهیت انسان فکر کنند که ممکن است در همه جا و در همه زمان‌ها یکسان باشد. تا این حد، تحلیل اقتصادی غربی ممکن است برای مسلمانان نیز خوب باشد.

در واقع، ما انسان را با زیباترین الگوها خلق کرده‌ایم، سپس او را به پایین‌ترین سطح فرستاده‌ایم، مگر کسانی که ایمان آورند و کارهای نیک انجام دهند.

تحلیل اقتصادی غربی و اسلامی

تحلیل اقتصادی غربی معتقد است که فعالان اقتصادی مشغول برآورده کردن نیازهای مادی شدید برای محصولات و خدمات هستند. اما اسلام برآورده کردن شدیدترین نیازها را به‌عنوان یک مسئله فعالیت اقتصادی تلقی نمی‌کند، زیرا چنین هدفی یک مسابقه اسب‌دوانی است که هرگز پایان نمی‌یابد. اسلام مسئله عمل اقتصادی را به‌عنوان فلاح و نه برآورده کردن نیازها می‌داند.

مادی‌گرایی

هر شی و جزئی از جهان که توسط حواس فیزیکی ما مشاهده می‌شود، ماده نامیده می‌شود. مادی‌گرایی به معنای تمایل به در نظر گرفتن متعلقات مادی و راحتی‌های فیزیکی به‌عنوان ارزشمندتر از ارزش‌های دیگر است. معمولاً مادی‌گرایی را با دنیاداری مرتبط می‌دانیم و فرد مادی‌گرا را دنیادار می‌نامیم. وقتی فردی خود را کاملاً در دنیاداری غرق می‌کند، شروع به غیبت از دستور الله می‌کند و هدف واقعی زندگی خود را از دست می‌دهد.

مادی‌گرایی در قرآن

خداوند متعال نسبت به مادی‌گرایی هشدار داده است. طبق قرآن: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بگذارید ثروت و فرزندان شما را از یادآوری الله باز ندارند و هر کس چنین کند، پس آن‌ها زیان‌کارند.» (سوره لقمان، آیه ۳۳)

«و این زندگی دنیوی جز سرگرمی و تفریح نیست.» (سوره لقمان، آیه ۳۳)

«پس بگذارید زندگی دنیوی شما را فریب ندهد.» (سوره لقمان، آیه ۳۳)

حضرت ابوهریره گفت: «شنیدم رسول الله (ص) می‌فرمود: این دنیا لعنت شده است و آنچه در آن است لعنت شده است، مگر یادآوری الله و آنچه به آن منجر می‌شود، یا کسی که دانش دارد یا کسی که دانش می‌اندوزد.» (ترمذی، ابن ماجه، مشکات شریف)

مالکیت

در مالکیت، برخی از جنبه‌های مهم عبارتند از:

- مالکیت مطلق متعلق به الله است.
- مالکیت امانت، نسبی و مشروط
- مسئولیت برای آنچه مالک هستیم
- مالکیت مبتنی بر کار

مالکیت مطلق متعلق به الله است: همانطور که در قرآن ذکر شده است، الله رب، مالک، پایداری‌بخش و ناظر جهان است، بنابراین همه چیز در این جهان از جمله زمین، آسمان متعلق به الله متعال است. پذیرش الله به عنوان مالک مطلق همه چیز با مفهوم توحید در اسلام مرتبط است.

مالکیت امانت، نسبی و مشروط: همانطور که مفهوم مالکیت است، انسان‌ها نسبی و مشروط هستند. به عبارت دیگر، مالکیت موقت با شرایط خاصی همراه است.

مسئولیت برای آنچه مالک هستیم: همانطور که قبلاً ذکر شد، برای هر چیزی که توسط یک انسان مالکیت می‌شود، او چگونه آن را به دست می‌آورد؟ و چگونه از آن استفاده می‌کند؟

مالکیت مبتنی بر کار: برای مالکیت املاک در این جهان، اسلام کار را برای کسب درآمد بر اساس نیازها تشخیص می‌دهد.

دیدگاه‌های رایج و واقع‌گرا اهمیت بیشترین تأکید را بر جنبه مادی رفاه انسان می‌گذارند و تمایل دارند اهمیت جنبه‌های فرازمینی را نادیده بگیرند. آنها معمولاً معتقدند که می‌توان بهترین درک از بزرگ‌ترین رفاه مادی را داشت، اگر به افراد فرصت نامحدودی داده شود تا شرایط شخصی خود را دنبال کنند و نیازهای خود را باتوجه به ترجیحات و اولویت‌های خود افزایش دهند. در ساختار افراطی خود، آنها هیچ نقشی برای هدایت الهی در وجود انسان تصور نمی‌کنند و اعتماد کامل به توانایی افراد برای ترسیم یک روش مناسب با کمک توضیح خود دارند. در چنین دیدگاهی، نقش کمی برای ارزش‌ها یا مداخله دولت در تخصیص و توزیع کارآمد و بی‌طرفانه منابع وجود دارد. در این مرحله، هنگام پرسیدن اینکه چگونه منافع اجتماعی با آزادی نامحدود همه برای دنبال کردن مسئولیت شخصی خود تأمین می‌شود، پاسخ این است که نیروهای بازار خود را تضمین می‌کنند زیرا یک رقابت شرایط شخصی را تحت کنترل خواهد داشت.

برعکس، دیدگاه‌های سختگیرانه هم بر جنبه‌های مادی و هم معنوی رفاه انسان تمرکز دارند. آنها واقعاً نقش عقل را در تکامل انسان رد نمی‌کنند. با این حال، آنها محدودیت‌های عقل را تشخیص می‌دهند و می‌خواهند آن را با وحی تکمیل کنند. آنها همچنین نیاز به آزادی فردی یا نقشی که خدمت به شرایط شخصی می‌تواند در توسعه انسانی ایفا کند را رد نمی‌کنند. با این حال، آنها تأکید می‌کنند که هم آزادی و هم جستجوی شرایط شخصی باید توسط فضایل و اداره خوب محدود شوند تا اطمینان حاصل شود که رفاه همه درک می‌شود و همگرایی اجتماعی و یکپارچگی خانواده در طول زمان خدمت همه به شرایط شخصی خود آسیب نمی‌بیند.

حدیث اول:

ابوهریره گزارش داد که شخصی نزد رسول الله (ص) آمد و گفت: «رسول الله (ص)، اگر کسی برای تصاحب مال من نزد من بیاید، چه فکر می‌کنید؟» ایشان (رسول الله ص) فرمودند: «مال خود را به او تسلیم نکن.» او (پرسنده) گفت: «اگر با من جنگ کند؟» ایشان (رسول الله ص) فرمودند: «پس با او بجنگ.» او (پرسنده) باز گفت: «اگر کشته شوم چه فکر می‌کنید؟» ایشان (رسول الله ص) فرمودند: «شهید خواهی شد.» او (پرسنده) گفت: «رسول الله ص، اگر او را بکشم چه فکر می‌کنید؟» ایشان (رسول الله ص) فرمودند: «در آتش خواهد بود.»

حدیث دوم:

ابوبکر گزارش داد که (در خطبه وداع) رسول الله ص فرمودند: «زمان چرخش خود را کامل کرده و به حالتی رسیده است که روز خلق آسمان‌ها و زمین بود. سال از دوازده ماه تشکیل شده است که چهار ماه آن مقدس است؛ سه ماه متوالی، یعنی ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم، و همچنین رجب ماه مضر که بین جمادی و شعبان قرار دارد.»

ایشان (رسول الله ص) سپس فرمودند: «این ماه کدام ماه است؟» ما گفتیم: «الله و رسولش بهتر می‌دانند.» او (راوی) گفت: «ایشان (رسول الله ص) مدتی سکوت کردند تا فکر کردیم نام دیگری برای آن (آنچه شناخته شده بود) انتخاب می‌کنند.» ایشان فرمودند: «آیا این ذی‌حجه نیست؟» ما گفتیم: «بله.» ایشان (رسول الله ص) فرمودند: «این شهر کدام شهر است؟» ما گفتیم: «الله و رسولش بهتر می‌دانند.» ایشان (رسول الله ص) سکوت کردند تا فکر کردیم نام دیگری برای آن انتخاب می‌کنند. ایشان فرمودند: «آیا این بلده (شهر مکه) نیست؟» ما گفتیم: «بله.» ایشان فرمودند: «امروز چه روزی است؟» ما گفتیم: «الله و رسولش بهتر می‌دانند.» ایشان (رسول الله ص) سکوت کردند تا فکر کردیم نام دیگری برای آن انتخاب می‌کنند. ایشان فرمودند: «آیا این روز قربانی نیست؟» ما گفتیم: «پیامبر خدا، بله.» پس فرمودند: «خون شما، مال شما، محمد، یکی از راویان گفت: «فکر می‌کنم، او همچنین این را گفت و عزت شما برای شما مقدس است مانند مقدسی این روز شما، در این شهر شما و در این ماه شما. شما به زودی به ملاقات پروردگارتان خواهید رفت و او از اعمال شما خواهد پرسید. پس پس از من کافر (یا گمراه) نشوید، برخی از شما گردن‌های دیگران را می‌زنید. ببینید! هر کس حاضر است به کسی که غایب است اطلاع دهد، زیرا بسیاری از کسانی که پیامی به آنها منتقل می‌شود، حافظه بهتری از کسی دارند که می‌شنود.»

ایشان دوباره فرمودند: «نگاه کنید! آیا پیام (رسالت) را به شما نرساندم؟» این حدیث از طریق زنجیره دیگری از راویان، اما با کمی تفاوت در کلمات روایت شده است.

جهان‌شمولی (یونیورسالیسم) در اسلام

جهان‌شمولی به موضوعات مذهبی، اخلاقی و فلسفی اشاره دارد که کاربرد یا قابلیت اعمال جهانی دارند. این مفهوم در مقابل نسبی‌گرایی قرار می‌گیرد که معتقد است درستی و نادرستی مسائل به شرایط بستگی دارد. در مبحث اخلاق، اصطلاح جهان‌شمول به چیزی اشاره دارد که برای همه افراد در شرایط مشابه صادق است.

جهان‌شمولی در ادیان مختلف معانی متفاوتی دارد. در اسلام، جهان‌شمولی به معنای عشق و رحمت خداوند نسبت به همه انسان‌ها در سراسر جهان است. خداوند در طول تاریخ پیامبران را فرستاده است تا با تسلیم در برابر خواست او، صلح و هماهنگی به ارمغان بیاورند. از قرآن کریم به‌روشنی برمی‌آید که پیام موجود در آن جهانی است. به گفته رضیه حسن، یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران ادیان تطبیقی، خواننده‌ای که قرآن را بدون پیش‌داوری به طور کامل خوانده باشد، می‌داند که اسلام در آرمان‌های خود واقعاً جهانی است.

قرآن این موضوع را در برخی آیات به صراحت بیان می‌کند. در سوره مبارکه یونس، آیه ۴۷ آمده است که خداوند برای هر امتی رسولانی دارد. در سوره مبارکه فاطر، آیه ۲۴ خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَتْ أُمَّةٌ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ». همچنین در سوره مبارکه ص، آیه ۸۷ آمده است: «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». سوره مبارکه تکویر، آیات ۲۷ و ۲۸ تأکید می‌کنند که «ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ، لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ».

در قرآن کریم آمده است: «از روزی بترسید که به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، پس هر کسی به طور کامل پاداش آنچه را که به دست آورده است، داده می‌شود و به کسی ستم نخواهد شد». (سوره بقره)

تاریخ، جهانی شدن و ارتباطات نمادین نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌های مسلمانان امروزی ایفا می‌کنند. بازسازی هویت مسلمانان نشان‌دهنده‌ی درجه قابل توجهی از تداوم است. در برخی موارد، دولت‌های اسلامی مدرن و جنبش‌های مذهبی اسلامی اغلب صرفاً امتداد جنبش‌های گذشته هستند.

دو روند مخالف بر جهان اسلام مدرن حاکم بوده است: گرایش به سوی همبستگی جهانی و گرایش به سوی همبستگی منطقه‌ای. گرایش به سوی همبستگی جهانی، تعمیم اسلام را ترویج می‌کند، درحالی‌که گرایش به سوی تحکیم دولت‌های ملی، خاص‌گرایی اسلام را تقویت می‌کند. تحکیم دولت‌ها تمایل به ترویج اسلام جهان‌شمول دارد. در دنیای امروز، پژوهش‌های مدرن با تمام جزئیات و پیچیدگی‌هایش، کمتر بر پژوهش‌های سنتی حقوقی، کلامی و فلسفی تمرکز می‌کند. اسلام بیشتر با نمادهای ساده و شعارهای اساسی مشترک بین همه مسلمانان و همچنین با آموزه‌های شریعتی که توسط جنبش‌های تبلیغی و آموزشی ترویج می‌شود، شناخته می‌شود.

سازمان‌های رادیکال مدرن، بازتاب‌دهنده‌ی ترجیحات فرهنگی برای خودباوری اخلاقی و دینی فردی، رهبری کاریزماتیک، وفاداری مریدان به استادان و وفاداری گروه‌های کوچک هستند که برای تصوف تاریخی بسیار اساسی بوده‌اند. باین‌حال، هدف برقراری خلافت و واژگان جهاد همچنان رایج است.

جنبش‌های اسلامی به دلیل ابهام ذاتی این موضوع که آیا یک دولت ملی الزامی است یا اینکه افراد فداکار و جوامع کوچک هستند که اسلام را محقق می‌کنند، در چارچوب‌های ملی یا خاص‌گرایانه جذب می‌شوند.

نتیجه‌گیری

اینجاست که مفاهیم خیر ذاتی انسان و آخرت وارد می‌شوند، مفاهیمی که اقتصاد متعارف نادیده می‌گیرد اما اسلام و سایر ادیان بزرگ تأکید زیادی بر آن دارند. به دلیل خیر ذاتی خود، انسان‌ها لزوماً همیشه سعی نمی‌کنند از منافع شخصی خود خدمت کنند. آنها همچنین انسان‌دوست هستند و حاضرند برای رفاه دیگران فداکاری کنند. علاوه بر این، مفهوم

فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی

آخرت، خودخواهی را محدود به این دنیا نمی‌کند. بلکه فراتر از این دنیا تا زندگی پس از مرگ گسترش می‌یابد. ما ممکن است بتوانیم با خودخواه بودن، ناعادل بودن، بی‌توجهی و غفلت از تعهدات خود نسبت به خانواده، سایر انسان‌ها، حیوانات و محیط‌زیست، به منافع شخصی خود در این دنیا خدمت کنیم. بالاین‌حال، ما نمی‌توانیم به جز با انجام همه این تعهدات، به منافع شخصی خود در آخرت خدمت کنیم. بنابراین، خدمت به منافع شخصی در اسلام و سایر ادیان با در نظر گرفتن هم این دنیا و هم جهان آینده، چشم‌اندازی بلندمدت دریافت می‌کند. این برای ارائه یک مکانیسم انگیزشی برای فداکاری برای رفاه دیگران که اقتصاد متعارف نتوانسته آن را ارائه دهد، خدمت می‌کند. خیر ذاتی انسان همراه با چشم‌انداز بلندمدت داده شده به خودخواهی، این پتانسیل را دارد که فرد را نه تنها کارآمد بلکه عادل و مراقب نیز کند. در نتیجه، سه مفهوم اساسی اقتصاد متعارف انسان اقتصادی عقلانی، مثبت‌گرایی و لیبرالیسم نتوانستند از هیچ یک از محققان برجسته‌ای که نماینده جریان اصلی اندیشه اسلامی هستند، برکت فکری در معنای متعارف اقتصادی خود کسب کنند.

نظریه مصرف و تقاضا در پرتو اسلام

اسلام مصرف برخی کالاها و خدمات از جمله الکل، قمار، حیوانات مرده و گوشت خوک را محدود کرده است. اسلام برای توسعه هر جامعه و مردمش اساسی است. این راهنمایی برای حفظ هم جامعه و هم سلامت شخصی ارائه می‌دهد. مردم به سه نوع مصرف مختلف مشغول می‌شوند:

- کالاهای بادوام
- کالاهای غیر بادوام
- خدمات

مسئله از کلمه شله (با افزودن «میم») گرفته شده است. در ابتدا، این کلمه به معنای «خوب» است که با کلمه «بد» یا آسیب‌دیده مخالف است. این ماشدر کلمه شله است صرف‌نظر از مزایا یا آسیب‌ها. تعریف مشله در عربی به معنای «اقداماتی که مردم را تشویق به انجام خوبی می‌کند» است. مصرف عمومی به معنای گسترش پول برای رضایت خود، مانند خرید زمین خانه یا هر چیز دیگری که خود را راضی کند، است. اسلام به ما می‌آموزد که به جای مصرف اضافی که نزدیک به حرام است، متوسط مصرف کنیم.

نظریه تقاضا

نظریه تقاضا نحوه تأثیر تغییرات در مقدار یک کالا یا خدمت مورد تقاضای مصرف‌کنندگان بر قیمت آن در بازار را توصیف می‌کند. این نظریه بیان می‌کند که هر چه قیمت یک محصول بالاتر باشد، با فرض ثابت بودن سایر عوامل، تقاضا برای آن کمتر خواهد بود. بالاین‌حال، از دیدگاه اسلامی، افزایش قیمت با افزایش تقاضا ممنوع است. در قرآن، تجارت در بازار بر اساس شریعت محدودیتی برای سود حاصل شده ندارد، اما شریعت کلاهبرداری و دروغ برای فروش هر کالایی را ممنوع می‌کند.

رفتار مصرف‌کننده مدرن

رفتار مصرف‌کننده مدرن به‌عنوان مسائل مربوط به مصرف و رفتار مصرف‌کنندگان از طریق استفاده از مدل‌های کمی که یک نمایش پارامورفیک از یک فرآیند اساسی رفتار مصرف‌کننده را ارائه می‌دهند، تعریف می‌شود. مصرف‌کنندگان تحلیل زمان‌بر انجام می‌دهند و چندین محصول را بررسی می‌کنند. آنها رتبه‌بندی محصولات را بررسی می‌کنند. این روش زمان بیشتری می‌برد تا تکمیل شود. به‌عنوان مثال، هنگام خرید تلویزیون، مردم زمان زیادی را صرف هدف قرار دادن خرده‌فروشان کاملاً متفاوت و مقایسه محصولات می‌کنند. این یک ساختار ریاضی را برای نشان دادن همان رفتاری که از طریق آن پیش‌بینی می‌کند که یک مصرف‌کننده چگونه تحت همان شرایط رفتار خواهد کرد، تعریف می‌کند. چهار مدل رفتار مصرف‌کننده وجود دارد:

- اقتصادی
- یادگیری
- روانکاوانه
- جامعه‌شناسانه

این مدل‌ها بر اساس داده‌کاوی مصرف‌کننده هستند. به‌عنوان مثال، از طریق این، می‌توان پیش‌بینی کرد که تعداد مشخصی از مصرف‌کنندگان چگونه رفتار خواهند کرد. داده‌ها توسط شرکت‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها برای انجام اقدامات بازاریابی استفاده می‌شود. همچنین چهار نوع رفتار مصرف‌کننده وجود دارد:

- رفتار خرید عادی
- رفتار جستجوی تنوع
- رفتار خرید کاهش ناهماهنگی
- رفتار خرید پیچیده

چند مدل‌سازی رفتار مصرف‌کننده عبارتند از:

- بخش‌بندی مصرف‌کننده: در این بخش، آنها در گروه‌های کوچک مطالعه می‌کنند و بر اساس رفتارهای واقعی، مصرف‌کنندگان فردی را نشانه می‌گیرند.
- پیش‌بینی رفتارهای آینده مصرف‌کنندگان: آنها برخی از داده‌های قبلی را می‌گیرند و با استفاده از آن داده‌ها آینده را پیش‌بینی می‌کنند.

ارزش عمر مصرف‌کننده با استفاده از یک محاسبه پیشرفته برای تعیین ارزش مصرف‌کنندگان؛ به‌جای تمرکز بر سود کوتاه‌مدت، آنها روی درآمد بلندمدت تمرکز می‌کنند.

عوامل برونزا

عوامل برونزا در رفتار مصرف‌کننده عواملی هستند که قبل از مواجه شدن با پیشنهادات ارائه دهندگان در بازار، در ذهن مشتری وجود داشتند. به این ترتیب، آنها بر اهداف و ایده‌های مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارند.

تأثیر ثروت و درآمد بر عرضه و تقاضا

مقدار ثروت و درآمد یک فرد تأثیر کمی و کیفی بر تقاضای او دارد. این امر با توانایی مصرف‌کننده برای آماده کردن آن ثروت و درآمد برای مصرف یا معامله آن برای محصولات و خدمات مصرفی که او می‌خواهد، تعیین می‌شود. بسیاری از مردم می‌خواهند چیزها و خدماتی را خریداری کنند که ممکن است نتوانند از پس هزینه آن برآیند. چنین آرزوهایی ممکن است جدی باشد و ممکن است به برنامه‌ها و ایده‌های روشنی در ذهن مصرف‌کننده تبدیل شود که در صورت وجود بودجه کافی محقق خواهد شد. علاوه بر این، رفتار مصرف‌کننده تحت تأثیر میزان اعتباری است که در اختیار آنها قرار دارد. از این منظر، اعتبار مصرف‌کننده می‌تواند به عنوان منبع درآمد آینده تلقی شود.

تأثیر فناوری

انتخاب مصرف‌کننده تحت تأثیر پیشرفت‌های فناوری مانند افزایش تعداد کالاها و خدمات جایگزین در دسترس، کاهش یا حذف کالاها و خدمات بی‌کیفیت به نفع کالاها و خدمات باکیفیت و پالایش و گسترش نیازها و خواسته‌ها قرار دارد. همچنین ممکن است بر مقدار زمان آزاد موجود برای لذت بردن از محصولات و خدمات مصرف‌کننده تأثیر بگذارد. این نوع اثر نیز در هر زمان خارج از انتخاب مصرف‌کننده است. با این حال، در طولانی مدت بازتابی می‌شود زیرا مقدار سرمایه‌گذاری خالص و هزینه‌های تحقیق و توسعه بر آن تأثیر می‌گذارد. فناوری نیز کاملاً ارزش بی‌طرف نیست. ارزش‌های اجتماعی و عقاید مذهبی بر آن تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، ساخت بسیاری از اقلام پزشکی در جهان غرب. آنها از الکل به عنوان یک ماده مایع استفاده می‌کنند. اگر مسلمانان مجبور بودند همان داروها را بسازند، هرگز از الکل استفاده نمی‌کردند زیرا به شدت ممنوع است و برخلاف آموزه‌های اسلام است.

کمبود مطلق در مقابل کمبود نسبی

برای رفع نیازهای انسان، اگر مقدار کافی از یک منبع وجود نداشته باشد، آن را کمبود مطلق می‌نامند. صرف نظر از اینکه چقدر تلاش کند تا منبع اضافی دیگری پیدا کند، کمبود غذا منجر به گرسنگی یا مرگ خواهد شد. به همین ترتیب، کمبود آب منجر به خشکسالی خواهد شد. به طور خلاصه، در آن منطقه هیچ منبعی در دسترس نیست. وضعیت دیگری وجود دارد که منابع در دسترس هستند اما مشکلاتی در عرضه یا توزیع آنها وجود دارد. برآورده کردن تقاضا ممکن است منجر به تأثیر بر کیفیت یک منبع شود. این نوع وضعیت کمبود نسبی نامیده می‌شود. به عنوان مثال، برای تولید غذا نیاز

فصل یازدهم: درک ساختار بازار در چارچوب اسلامی

به کشت زمین‌هایی خواهد داشت که برای کشاورزی فقیر هستند. مثالی از کمبود نسبی، برای مقادیر بیشتر استخراج نفت در خاورمیانه، کیفیت نفت در سال‌های اخیر برای پاسخگویی به تقاضای جهانی به خطر افتاده است.

حکمرانی مصرف‌کننده و محدودیت‌ها

قدرت مردم برای تصمیم‌گیری خرید خود حکمرانی مصرف‌کننده است. این مفهومی است که مصرف‌کنندگان قدرت نگهداری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات تولید بر اساس آنچه خریداری می‌کنند (کالاها) دارند. وقتی چیزی در بازار ترجیح داده می‌شود، منجر به افزایش تقاضا برای آن کالاها و محصولات می‌شود. طبق شریعت، مردم نباید قیمت کالاها و محصولات را افزایش دهند وقتی کمبودی در بازار وجود دارد. آنها باید آن را با نرخ مشابه قبل بفروشند.

تحلیل مفهوم عقلانیت

بر خلاف آموزه‌های سیاسی-مالی غرب که گمانه‌زنی‌های اقتصادی متعارف بر آن استوار است و از طریق آن جنبه‌های مالی به‌عنوان جامعه‌شناسی پدیدار شد، تجربه تاریخ مسلمانان دین را به‌عنوان دلیل برای ارتباط رفتار سیاسی، پولی و اجتماعی تأیید می‌کند. اسلام در میان ادیان مختلف، واضح‌ترین استانداردهای درست، اجتماعی، سیاسی و مالی را برای دولت خود تعیین کرده است. از دیدگاه اسلامی، حرکت به سوی عقلانیت یکی از تضادهای مهم بین امور مالی معمولی و اسلامی است، زیرا وجود انسان محاسباتی خودانگیخته مالی صرفاً یک مسیر ذهن خلاق نیست، بلکه همچنین یک فرد ترسناک در اسلام است. ایده کلی عقلانیت یا رفتار انسان در امور مالی اسلامی اخیراً در چندین تحقیق مورد بحث قرار گرفته است. تحلیلگران و متخصصان بازار اسلامی توافق دارند که انسان مالی تنگ‌نظر که صرفاً به دنبال فعالیت‌های مالی خود به‌عنوان یک خریدار یا سازنده است که صرفاً از نظر مادی یا سود استفاده می‌کند، تصویر تحریف‌شده‌ای از فردی است که با ساختار اخلاقی و اخلاقی که یک چارچوب مالی اسلامی باید کار کند، سازگار نیست.

حداکثر کردن سود در مقابل ترویج رفاه

حداکثر کردن سود: گفته می‌شود هنگام خرید یا خرید محصولات، افراد تصمیمات محاسباتی می‌گیرند که بیشترین سود را برای آنها به همراه می‌آورد، این تحت تأثیر قیمت‌ها و درآمد است. ظاهراً فقط برای برآورده کردن یک میل انسانی است که به‌صورت ذهنی توسط خودخواهی تعیین می‌شود. با این حال، سودمندی مسلمانان صرفاً حداکثر کردن رضایت انسان نیست، بلکه تا حد امکان دستیابی به رضایت خدا با مطابقت مصرف خود با الگوی شریعت است. حداکثر سود مسلمانان زمانی حاصل می‌شود که کل بودجه را تا حد ممکن مطابق با ابعاد مقاصد شریعت خرج کند.

ترویج رفاه

دیدگاه اسلامی رفاه با مفهوم توحید که یکتایی الله است توضیح داده می‌شود. دیدگاه اسلامی رفاه توسط دیدگاه اسلامی که توسط ایده توحید، وحدت یا یکتایی خدا منتقل می‌شود، آموزش داده می‌شود. به عنوان یک دیدگاه، توحید یک دیدگاه کلی در مورد دنیای واقعی حقیقت، وجود، مجموعه تجربیات بشری است. این یک دیدگاه تلهولوژیکی^۱ هدایت‌شده توسط خدا است که معتقد است همه چیز با یک دلیل و ظرفیت مشخص توسط خدا ساخته شده است – اصلی‌ترین خدای واقعی و پروردگار خلقت. این نشان‌دهنده همبستگی و توافق جنبه‌های زندگی – عشق و کار روح و جسم است. درحالی‌که عشق به خدا می‌تواند به عنوان یک دلیل قطعی برای زندگی انسان در نظر گرفته شود، اهمیت آن باید با انجام وظیفه قیومیت محقق شود. دیدگاه توحیدی و انگیزه‌های بالاتر خلقت می‌توانند به عنوان گفته‌های مرکزی در نظر گرفته شوند که رفتار فردی و جمعی مسلمانان را برای دستیابی به رفاه فراگیر هدایت می‌کنند.

^۱ دیدگاه تلهولوژیکی (Teleological perspective) یا هدف‌گرا، دیدگاهی است که به بررسی پدیده‌ها و رویدادها از منظر هدف و غایتی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده است، می‌پردازد. در این دیدگاه، هر چیزی در جهان به سوی هدفی مشخص در حرکت است و این هدف، علت اصلی وجود و عملکرد آن چیز محسوب می‌شود.

منابع

- Abdeljawad, I., Hashem, S. Q., & Rashid, M. (2022). *Fintech and Islamic Financial Institutions: Applications and Challenges*. In M. K. Hassan, M. R. Rabbani, & M. Rashid (Eds.) , *FinTech in Islamic Financial Institutions: Scope, Challenges, and Implications in Islamic Finance*. (pp. 193–222). Cham: Palgrave Macmillan. Retrieved from https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-14941-2_10#citeas
- Adam, F. (2021). *Fintech Versus I-Fintech: A Dichotomy*. In M. M. Billah (Ed.) , *Islamic FinTech*. Cham: Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-030-45827-0_2
- Adam, F. (2021). *Fintech Versus I-Fintech: A Dichotomy*. In M. M. Billah (Ed.) , *Islamic FinTech*. Palgrave Macmillan, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-45827-0_2
- Adam, F. (2021). *Fintech Versus I-Fintech: A Dichotomy*. In M. M. Billah (Ed.) , *Islamic FinTech*. Cham: Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-030-45827-0_2
- Ahmed, H. M. (2021, October 14). *What Is the Relationship Between Zakat and Islamic Fintech?* Retrieved from *The Halal Times*: <https://www.halaltimes.com/what-is-the-relationship-between-zakat-and-islamic-fintech/>
- Ahmed, H. M. (2023a, January 16). *What Are the Latest Trends in the Islamic Fintech Industry?* Retrieved from *The Halal Times*: <https://www.halaltimes.com/what-arethe-latest-trends-in-the-islamic-fintech-industry/>
- Ahmed, H. M. (2023b, April 25). *What Is Islamic Fintech?* Retrieved from *The Halal Times*: <https://www.halaltimes.com/what-is-islamic-fintech/>
- Ahmed, J. (2020). *Chapter 12. Promoting Financial Stability: Issues and Challenges in Islamic Finance*. In *Law & Financial Stability*. USA: International Monetary Fund. Retrieved from *International Monetary Fund*: <https://www.elibrary.imf.org/display/book/9781513523002/ch012.xml>
- Alam, A., Hendratmi, A., Wati, M. S., & Hakim, L. (2022). *The impact of mobile banking use on the Islamic financial institutional interest: A study in Indonesia*. *Banks and Bank Systems*, 17(3), 1–11. [https://doi.org/10.21511/bbs.17\(3\).2022.01](https://doi.org/10.21511/bbs.17(3).2022.01)
- Alam, N., Gupta, L., & Zameni, A. (2019). *Digitalization and Disruption in the Financial Sector*. In N. Alam, L. Gupta, & A. Zameni, *Fintech and Islamic Finance: Digitalization, Development and Disruption* (pp. 1–9). Cham: Palgrave Macmillan.
- Alam, N., Gupta, L., & Zameni, A. (2019). *Smart Contract and Islamic Finance*. In N. Alam, L. Gupta, & A. Zameni, *Fintech and Islamic Finance: Digitalization, Development and*

Disruption (pp. 119–135). Cham: Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-24666-2>

Anas. (2018, April 26). *Muslims and Sadaqah*. Retrieved from Global Sadaqah: <https://blog.globalsadaqah.com/muslims-sadaqah/>

Boukherouaa, E. B., AlAjmi, K., Deodoro, J., Farias, A., & Ravikumar, R. (2021, October 22). *Powering the Digital Economy: Opportunities and Risks of Artificial Intelligence in Finance*. International Monetary Fund eLibrary. Retrieved from <https://www.elibrary.imf.org/view/journals/087/2021/024/article-A001-en.xml> Bughin, J., Seong, J., Manyika, J., Chui, M., & Joshi, R. (2018, September 4). *Notes from the AI Frontier: Modeling the Impact of AI on the World Economy*. Retrieved from Mckinsey & Company: <https://www.mckinsey.com/featured-insights/artificialintelligence/notes-from-the-ai-frontier-modeling-the-impact-of-ai-on-the-world-economy#/>

Dahdal, A., Truby, J., & Ismailov, O. ((2022). *The Role and Potential of Blockchain Technology in Islamic Finance*. *European Business Law Review*, 33(2), 175–192. <https://doi.org/10.54648/eulr2022005>

Daher, H. (2021, October 28). *Qard Al-Hassan - Benevolent Lending*. Retrieved from Qurdus: <https://www.qardus.com/news/qard-al-hassan-benevolent-lending>

Ethis Updates. (2022, January 24). *5 Major Benefits of Social Finance in Islam*. Retrieved from Ethis: <https://ethis.co/blog/5-major-benefits-social-finance-islam/>

Fachsandy, F., Syafie, M. A., Shiddiq, M. I., Syamlan, Y. T., & Antonio, M. S. (2023). *A Bibliometric Analysis Of Islamic RegTech Research Indexed By Dimension.AI*. *Airlangga International Journal of Islamic Economics and Finance*, 6(1), 22–32.

FinTech in Islamic Financial Institutions: Scope, Challenges, and Implications in Islamic Finance (pp. 1–27). Cham: Palgrave Macmillan. Retrieved from https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-14941-2_1#citeas

FinTech in Islamic Financial Institutions: Scope, Challenges, and Implications in Islamic Finance (pp. 1–27). Palgrave Macmillan, Cham. Retrieved from https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-14941-2_1#citeas

Halal Payments Network Inc. (2023, May 16). *The Rise of Halal Payment Solutions*. Retrieved from linkedin: <https://www.linkedin.com/pulse/rise-halal-paymentsolutions-halalpayments/>

Hasan, R., Hassan, M., & Aliyu, S. (2020, January). *Fintech and Islamic Finance: Literature Review and Research Agenda*. *IJIEF: International Journal of Islamic Economics and Finance*, 1(2), 75–94. <https://doi.org/10.18196/ijief.2122>

Hasan, S. B. (2018, March 27). Types of Waqf in Easy Steps. Retrieved from Global Sadaqah: <https://blog.globalsadaqah.com/waqf-types/>

Hassan, M. K., Ebrahim, R. H., Rabbani, M. R., & Banna, H. (2022). Fintech in the Islamic Banking Sector and Its Impact on the Stakeholders in the Wake of COVID-19. In M. K. Hassan, M. R. Rabbani, & M. Rashid (Eds.) , *FinTech in Islamic Financial Institutions: Scope, Challenges, and Implications in Islamic Finance* (pp. 175–192). Cham: Palgrave Macmillan. Retrieved from https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-031-14941-2_9#citeas

Hazboun, R. (2023). Harnessing Fintech for the Next Gen of Islamic Finance. Retrieved from World Finance: The Voice of the Market: <https://www.worldfinance.com/banking/harnessing-fintech-for-the-next-generation-of-islamic-finance>

Insight Editor. (2023, January 6). Evolution of Fintech: The Tech Drivers Behind Industry Transformation. Retrieved from Insight: https://www.insight.com/en_US/contentand-resources/2022/evolution-of-fintech--the-tech-drivers-behind-industrytransformation.html

IRW. (2019). Qard hassan (benevolent loan). Retrieved from Islamic Relief Worldwide: <https://islamic-relief.org/qard-hassan-benevolent-loan/>

Islamic Relief. (2019). Islamic social finance. Retrieved from Islamic Relief Worldwide: <https://islamic-relief.org/islamic-social-finance/>

Kagan, J. (2023, April 27). Financial Technology (Fintech): Its Uses and Impact on Our Lives. Retrieved from investopedia: <https://www.investopedia.com/terms/f/fintech.asp#toc-fintech-landscape>

Katterbauer, K., & Moschetta, P. (2022, July 20). A deep learning approach to risk management modeling for Islamic microfinance. *European Journal of Islamic Finance*, 9(2), 35–43. <https://doi.org/10.13135/2421-2172/6202>

Kilic, G., & Türkan, Y. (2023, September). The Emergence of Islamic Fintech and Its Applications. *International Journal of Islamic Economics and Finance Studies*, 9(2), 212–236. <https://doi.org/10.54427/ijisef.1328087>

Lewis, M. K. (2005). Islamic Corporate Governance. *Review of Islamic Economics*, 9(1), 5–29.

Lewis, M. K. (2014). Principles of Islamic corporate governance. In M. K. Hassan, & M. K. Lewis (Eds.) , *Handbook on Islam and economic life* (pp. 243–267). Edward Elgar Publishing Limited.

Mateen, M. Z. (2021, March 18). What is Zakat and Why do Muslims do it? Retrieved from Global Sadaqah: <https://blog.globalsadaqah.com/what-is-zakat-why-muslims-pay/>

Maurer, T., & Nelson, A. (2021). *The Global Cyber Threat*. International Monetary Fund. Retrieved from International Monetary Fund: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/fandd/2021/03/global-cyber-threat-to-financial-systems-maurer.htm>

Mercer, T. T. (2021, March 25). *The Impact Of Technology And Automation On Today's Businesses*. Retrieved from Forbes: <https://www.forbes.com/sites/forbesbooksauthors/2021/03/25/the-impact-of-technology-and-automation-ontodays-businesses/?sh=15ac026ce912>

Musaffa Academy. (2021). *Islamic Fintech: What You Need to Know About It*. Retrieved from academy.musaffa: <https://academy.musaffa.com/islamic-fintech-what-you-need-to-know-about-it/>

Noronha, M. (2020, April 27). *Islamic Fintech: Reaching the Next Generation of Muslims*. Retrieved from Economist Impact: <https://impact.economist.com/perspectives/financial-services/islamic-fintech-reaching-next-generation-muslims>

Perzhanovskiy, N. (2023, June 7). *Top 10 Islamic Crowdfunding Platforms and How to Build One*. Retrieved from lenderkit: <https://lenderkit.com/blog/top-10-islamic-crowdfunding-platforms-and-how-to-build-one/>

Pothula, S. R. (2022, May 12). *FinTech – Evolving into the Future*. Retrieved from IEEE The Computer Society: <https://www.computer.org/publications/tech-news/trends/evolution-of-fintech>

Qadir, F. A. (2023, August 30). *Use of Artificial Intelligence in Shariah Compliant Funds*. Retrieved from linkedin: <https://www.linkedin.com/pulse/use-artificial-intelligenceshariah-compliant-funds-faisal/>

Qureshi, M. F. (2018, December 9). *Artificial Intelligence (AI) & Islamic Finance: Point of Intersection*. Retrieved from linkedin: <https://www.linkedin.com/pulse/artificialintelligence-ai-islamic-finance-point-qureshi/> Rabbani, M. R., Hassan, M., & Rashid, M. (2022). *Introduction to Islamic Fintech: A Challenge or an Opportunity?* In M. K. Hassan, M. R. Rabbani, & M. Rashid (Eds.) ,

Rabbani, M. R., Hassan, M., & Rashid, M. (2022). *Introduction to Islamic Fintech: A Challenge or an Opportunity?* In M. K. Hassan, M. R. Rabbani, & M. Rashid (Eds.) ,

Rehman, A. A. (2019, January 23). *Islamic finance for social good*. Retrieved from UNDP: <https://www.undp.org/blog/islamic-finance-social-good>

Rodríguez, G. (2019, September 27). *Innovation and Digitalization in the Islamic Economy*. Retrieved from Insights (ie.edu/insights): <https://www.ie.edu/insights/articles/innovation-and-digitalization-in-the-islamic-economy/>

Ryll, L., Barton, M. E., & Zhang, B. Z. (2020, February 4). AI Has Started a Financial Revolution – Here's How. Retrieved from World Economic Forum: <https://www.weforum.org/agenda/2020/02/how-ai-is-shaping-financial-services/>

Sarea, A. M., Elsayed, A. H., & Bin-Nashwan, S. A. (Eds.). (2021). *Artificial Intelligence and Islamic Finance: Practical Applications for Financial Risk Management (1st ed.)*. London: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003171638>

Steinbach, M., & Khalid, H. (2022, March 9). *Islamic Finance International Conference 2022 (IFIC)*. Retrieved from UNDP Malaysia, Singapore & Brunei Darussalam: <https://www.undp.org/malaysia/blog/islamic-finance-international-conference-2022-ific>

The Halal Journal. (2021, October 27). *Waqf – Islamic Social Finance for Continuous Development*. Retrieved from Ethis: <https://ethis.co/blog/waqf-islamic-social-financecontinuous-development/>

Unal, I. M., & Aysan, A. F. (2022). *Fintech, Digitalization, and Blockchain in Islamic Finance: Retrospective Investigation*. *FinTech*, 1(4), 388–398. <https://doi.org/10.3390/fintech1040029>

ZA Technologies. (2022, March 9). *Basic Principles of the Islamic Financial System*. Retrieved from LinkedIn: <https://www.linkedin.com/pulse/basic-principles-islamicfinancial-system-zatechnologies/>